

بسمه تعالی



دانشگاه کردستان

سال دهم
شماره چهل
پاییز ۱۴۰۰
شاپا: ۲۸۷۵ - ۲۳۲۲

مطالعات شهری

فصلنامه علمی مطالعات شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه کردستان

مدیر مسئول: هوشمند علیزاده

سر دبیر: مظفر صرافی

معاون سردبیر: کیومرث ایراندوست

مدیر داخلی: کیومرث حبیبی

کارشناس نشریه: محمد بشیر رباطی

اعضای تحریریه بین‌المللی:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

داورهای این شماره (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی): آشوری، کسری؛ احمدی، محمدآزاد؛ پژوهان، موسی؛ حبیبی، میترا؛ حقی، محمدرضا؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ خالق پناه، کمال؛ خلیقی، نینا؛ درویش، بهروز؛ زمانی، بهادر؛ سجاذزاده، حسن؛ سعیدی، مهدی؛ شاهمرادی، بهزاد؛ شعله، مهسا؛ شمسی پور، علی اکبر؛ عزیزی، محمد مهدی؛ قره بگلو، مینو؛ کهزادی، سالار؛ لطفی، صدیقه؛ لک، آزاده؛ محمدی، اکبر؛ محمدی، علیرضا؛ مدیری، آتوسا؛ مولانایی، صلاح الدین؛ نژاد ابراهیمی، احد؛ یوسفی، زاهد.

تلفن: ۰۸۷ - ۳۳۶۶۶۷۷۱

شنبه الی سه شنبه ساعت ۱۲-۱۳

www.urbstudies.ir

urbstudies@uok.ac.ir

ساعت تماس:

آدرس وب سایت نشریه:

آدرس ایمیل نشریه:

طرح جلد: کورش عنبری

صفحه آرا: جواد ده ده جانی

ویراستار فارسی: فرحناز نوبخت

ویراستار انگلیسی: نوید برادران همتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده هنر و معماری، گروه مهندسی شهرسازی - کد پستی: ۶۶۱۷۷ - ۱۵۱۷۵

این فصلنامه طی نامه شماره ۱۶۱۹۲۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ مدیر کل امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

با درجه علمی-پژوهشی منتشر می شود.

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST) به نشانی www.ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به نشانی www.isc.gov.ir نمایه می شود.

مطالعات شرکت

فهرست

- از بازبینی فرایند تا تحقق محصول در طراحی شهری به سوی رویکرد تدریجی فرایند طراحی شهری
فرشاد نوریان، بهناز امین‌زاده، مازیار عبایی
۳
- نقش الگوی فضایی و پوشش گیاهی فضاهای باز محلی بر میزان آسایش حرارتی در اقلیم سرد
پگاه یادگاری، حسن سجاذزاده
۱۵
- برندسازی شهری در راستای توسعه گردشگری خلاق به کمک مدل مدیریت برند شهری (CBM)
مطالعه موردی: شهر جونقان | زهره اسدی، حمید محمدی
۲۷
- ارزیابی نقش کیفیت معماری در ارتقا کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی از دیدگاه سلامت ساکنان
علی اکبر حیدری، ملیحه تقی پور
۴۳
- تاثیر خرد اقلیم‌های شهری بر آسایش محیطی در فضای باز عمومی
مطالعه موردی: میدان شهدا شهر مشهد | سیامک شکیبایی، ساناز سعیدی مفرد
۵۹
- بررسی نقش محوری جریان فضایی-زمانی فعالیت‌های زمان غروب و شب در ادراک امنیت
مطالعه موردی: مرکز شهر رشت | اکبر اصغری زمانی، شهریور روستایی، نادر زالی، سیده سمیرا شفیعی ماسوله
۷۳
- شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا در شهر رشت با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای نظام‌مند
فضیلت طهری، مهین نسترن، پرویز اجلالی
۸۹
- تحلیل تطبیقی ویژگی‌های جمعیتی در سکونت‌گاه‌های رسمی و غیررسمی شهر سنندج
سعید خانی، کیومرث ایراندوست، علیرضا کمالی
۱۰۵
- ارزیابی کالبد سکونتگاه‌های خودانگیخته در پیوند با ساختار زندگی ساکنین
مطالعه موردی: سکونتگاه‌های پهنه شمالی شهر تبریز | مریم سلیمانی، مینو قره‌بگلو
۱۱۹

از بازبینی فرآیند تا تحقق محصول در طراحی شهری به سوی رویکرد تدریجی فرآیند طراحی شهری^۱

فرشاد نوریان^۲ - دانشیار، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
بهناز امین‌زاده - استاد، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مازیار عباسی - دانش آموخته دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۱ دی ۱۳۹۶ تاریخ پذیرش: ۲۳ دی ۱۳۹۸

چکیده

در این مقاله فرآیند طراحی شهری به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌ی چنته دانش طراحی شهری مورد بررسی قرار گرفته و مناسبت این فرآیند با تحقق پروژه‌ها به لحاظ نظری تحلیل شده است. به این منظور فرآیند طراحی شهری در بستر نظری رشته طراحی شهری به عنوان یک رشته‌ی آکادمیک مستقل تحلیل شده و مشکلات تحقق‌پذیری پروژه‌ها در قالب رابطه سه گانه تئوری، حرفه و اجرا مورد بحث قرار گرفته است. هدف مقاله دستیابی به روش‌شناسی مناسب برای مواجهه طراحی شهری با مشکلات مرتبط با تحقق‌پذیری پروژه‌هاست. این روش‌شناسی در چارچوب نظری مقاله ارائه شده است. چارچوب نظری مقاله مبتنی بر تبیینی جدید از فرآیند طراحی شهری است که به منظور افزایش تحقق‌پذیری پروژه‌ها مطرح شده است. فرآیند یاد شده با عنوان فرآیند تدریجی طراحی شهری مرحله اجرا را نیز به مراحل متداول فرآیند، مطالعه، تحلیل و اجرا می‌افزاید و آنها را در یک مناسبت غیر خطی و غیر چرخه‌ای به صورت نامنظم و وابسته به مراحل اجرا در نظر می‌گیرد. این فرآیند پیشنهادی در قالب روش‌شناسی پژوهشی اقدام‌پژوهی در یک پروژه طراحی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. پروژه طراحی اراضی کن جنوبی شهر تهران مبتنی بر این روش‌شناسی در بستر عالم واقع و شرایط محیط حرفه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بررسی این نمونه‌ی موردی مراتب افزایش تحقق‌پذیری پروژه از طریق به کار گرفتن روش تدریجی شرح داده شده است. همچنین به عنوان شاهد عدم کامیابی فرآیند کلاسیک طراحی شهری اسناد تحقق یک نمونه موردی دیگر، طرح جامع ویژه‌ی اراضی عباس‌آباد، با روش تحلیل محتوا آنالیز شده است. در نهایت در نتیجه بحث تعمیم‌پذیری فرآیند تدریجی طراحی شهری به عنوان یک سازوکار جایگزین یا تکمیل‌کننده فرآیندهای روتین و متداول طراحی شهری مطرح گردیده است.

واژگان کلیدی: طراحی شهری، فرآیند طراحی شهری، فرآیند تدریجی طراحی شهری، اقدام‌پژوهی.

نکات برجسته

- فرآیند طراحی شهری، نقشی حیاتی در نتایج اجرا شده پروژه‌های طراحی شهری دارد.
- برطرف ساختن دوگانه نظرو عمل در طراحی شهری نیازمند ترکیب مرحله اجرا با فرآیند طراحی است.
- رویکرد تدریجی به فرآیند طراحی شهری با طی گام‌به‌گام فرآیند در ترکیب با اجرای دنیای واقعی و بازخوردها سروکار دارد.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان «بازخوانی فرآیند طراحی شهری با تأکید بر تحقق‌پذیری» است که به وسیله نویسنده سوم و با راهنمایی نویسنده نخست و مشاوره نویسنده دوم در دانشگاه تهران دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: fnoorian@ut.ac.ir

۱. مقدمه

بیش از نیم قرن از شکل‌گیری رسمی طراحی شهری می‌گذرد و هنوز ابهامات زیادی در خصوص آن وجود دارد (Madanipour, 1997; Krieger, 2003; Krieger, 2006; Carmona, 2014). ابهاماتی از این دست که آیا طراحی شهری به عنوان یک رشته دانشگاهی واجد اعتبار هست یا نه (Kreditor, 1990)؟ آیا طراحی شهری به عنوان یک رشته مستقل از رشته‌های مؤثر بر آن، یعنی معماری، معماری منظر و برنامه‌ریزی شهری معنا می‌یابد یا نه (Shurch, 1999)؟ آیا طراحی شهری یک رشته دانشگاهی است یا یک تخصص حرفه‌ای (Lang, 2005)؟ اگر طراحی شهری یک تخصص حرفه‌ای است، چه نقشی را در دنیای واقع ایفا می‌کند؟ (Childes, 2010, Madanipour, 2006) محصول معین طراحی شهری چیست؟ (Lang, 2005) این سؤال‌ها آنقدر بنیادین هستند که جایی برای سؤال‌های خرد مقیاس‌تر باقی نمی‌ماند؛ سؤال‌اتی مانند این که فرایند بهینه طراحی شهری چیست؟ تکنیک‌ها و جعبه ابزار طراحی شهری در برگیرنده چه مواردی است؟ حوزه‌های مطالعاتی جزء طراحی شهری چیست و نظایر این سؤال‌ها. با تمام این احوال چنان که لنگ عنوان می‌کند «طراحی شهری همچنان به عنوان یک حرفه و رشته دانشگاهی به حیات خود ادامه می‌دهد (Ibid)» و به قول کرمونا «اگر چه این ابهامات در حوزه طراحی شهری می‌توانند آن را بی اعتبار کنند اما تمام این بحث‌ها به اعتبار آن به عنوان یک سنت فکری و اندیشمندانه صحنه می‌گذارند» (Carmona, 2014).

با وجود ضعف طراحی شهری در تعریف پذیری، نکته مورد توافق در مورد آن سهم معینی است که در زندگی عمومی مردم شهرهای این زمان ایفا می‌کند (Madanipour, 2006). طراحی شهری از طریق اقداماتی مشخص که در قالب طرح‌ها و پروژه‌ها ارائه می‌شوند، محیط زندگی مردم را دگرگون می‌کند؛ یا حداقل فرض بر این است که چنین نقشی را دارد. برای دستیابی به این امر، طراحی شهری طیف متنوع و متکثری از موضوعات را در بر می‌گیرد و تلاش می‌کند مانند هر دانش طراحی محیطی دیگری از طریق رویه‌های تعریف شده فرایند طراحی به محصولی دست یابد که کیفیت آن برای نقش بازی کردن در زندگی مردمان تضمین شده باشد (Bahrainy, 1999). پرداختن به موضوع فرایند طراحی شهری به عنوان اصلی‌ترین بعد رویه‌ای طراحی شهری از زمان شکل‌گیری رشته موضوع بحث بوده است (Mera, 1967). بعد از آن فرایند طراحی شهری بارها مورد بحث قرار گرفت (Shirvani, 1985; Moughtin, 1999; Alexander, 1987; Alexander, 1979). اما بعد از آغاز دهه ۹۰ میلادی هیچ اثر جامعی درباره فرایند طراحی شهری در عرصه مباحثات جهانی طراحی شهری منتشر نشد. اما از آن زمان به بعد پروژه‌های متعددی با یدک کشیدن نام طراحی شهری تهیه و اجرا شدند.

پروژه‌های طراحی شهری مبتنی بر نقش متصور برای این رشته به منظور خلق محیط‌هایی برای زندگی بهتر مردم (در حالت ایده‌آل) یا دستیابی به اهداف معین سرمایه‌گذاران در قالب محیط‌های کالبدی جاذب جمعیت تهیه شدند (Carmona, 2014). این که اهداف عالی طراحی شهری در قالب این پروژه‌ها محقق شده یا نه خود محل گفت و گوست. امروزه موضوع ارزیابی پروژه‌های اجرا شده طراحی شهری

در ادبیات آکادمیک به بحث گذاشته می‌شود (Oliveira & Pinho, 2002; Talen, 1996a; Hoch, 2009). این که یک پروژه اجرا شده طراحی شهری توانسته ارزش‌های مورد نظر برای محیط شهری را فراهم کند یا نه و اگر توانسته توفیق آن به چه میزان بوده است. مشخص است که این رویکرد در ارزیابی وابسته به تحقق پروژه است. اما تاریخ طراحی شهری مملو از پروژه‌هایی است که در نخستین قدم‌های اجرایی خود شکست خورده‌اند (Lang, 2005; Talen, 1996b). چنین امری به طور مستقیم به دوگانه نظر و عمل، یا به عبارتی شکاف میان تئوری و عمل مرتبط می‌شود که اگر نه در طراحی شهری در دانش برنامه‌ریزی شهری گفتمانی متداول است (Watson, 2002; Alexander, 2010; Boelens, 2010; March, 2010; Binder, 2012). در واقع مسئله عدم تحقق را در طراحی شهری، می‌توان بازتاب موضوع شکاف میان تئوری و عمل در این رشته دید.

عدم تحقق پروژه‌ها یا عدم تحقق اهداف طرح امری است که می‌تواند به پارامترهای متعددی مربوط باشد. اما فارغ از این پارامترها باید به این نکته توجه کرد که تمامی پروژه‌ها فارغ از موضوع تحقق‌پذیری، در جهت حفظ کیفیت از مسیر نظام‌مند فرایند طراحی شهری عبور کرده‌اند. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که فایده عملیاتی تضمین کیفیت پروژه‌ها از مدخل فرایند طراحی شهری در شرایطی که امکان اجرا ندارند یا در اجرا به تمام کیفیت‌های مفروض نمی‌رسند، چیست؟ فرایند طراحی شهری مانند هر فرایند طراحی در هر رشته طراحی محیط (طراحی صنعتی، طراحی معماری، دکوراسیون و معماری منظر) به دنبال خلق یک «بزه» کارآمد است (Cross, 2001; Freidman, 2000). نقصان کارآمدی، فقدان آن یا عدم اجرای پروژه‌های طراحی شهری، به نظر می‌رسد «فارغ از عوامل مؤثر» بیرونی، مانند دانش‌های دیگر طراحی محیطی به درون دانش محتوایی و رویه‌ای طراحی شهری راجع می‌شود.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که فرایند طراحی شهری چه ارتباطی با امر تحقق‌پذیری پروژه‌ها دارد و در صورت برقراری این ارتباط به لحاظ نظری، با لحاظ چه پارامترهایی در طی فرایند طراحی شهری می‌توان بر تحقق‌پذیری طرح‌ها اثر گذاشته و در قالبی کامل‌تر، فرایند طراحی شهری در راستای امر تحقق‌پذیری چگونه بازخوانی و بازتعریف می‌شود. سؤال اصلی پژوهش این است که مناسبت میان فرایند طراحی شهری و ساحت‌های سه‌گانه نظری، حرفه‌ای و اجرایی طراحی شهری چیست و چه نقشی را در نظام بخشی به روند روابط متقابل نظر، عمل و اجرا (به خصوص در تحقق‌پذیری پروژه‌ها) ایفا خواهد کرد؟ با یافتن پاسخ درخور برای این پرسش، زمینه پرسش‌های جدی‌تری مطرح می‌شود. این که فرایند طراحی شهری به عنوان محمل تبدیل دیدگاه‌های نظری به فرم کالبدی چگونه می‌تواند عامل وحدت دوگانه نظر و عمل شود؟ تجربه عملیاتی پروژه‌ها و بازخوردهای آنها چگونه می‌توانند دانش طراحی شهری را به منظور رسیدن عملیاتی به تحقق ارزش‌های طراحی مجدداً سازماندهی کنند؟ با روی دادن فرضی این سازمان‌دهی مجدد، دامنه نظری طراحی شهری در قالب یک دانش طراحی محیطی چگونه تعریف می‌شود؟ و مهمتر از همه این که آیا با تعیین این حد و حدود می‌توان به بازتعریف طراحی شهری راه برد یا خیر؟ مشخص است، این که بتوان از مدخل این مطالعات

به بستر چنین مطالعاتی رسید، می‌بایست به ریشه‌ای ترین سؤال پرداخت، یعنی این که، چگونه فرایند طراحی شهری را در راستای امر تحقق‌پذیری بازخوانی و بازتعریف نمود.

در مقاله حاضر تلاش بر آن است که با مرور تفسیری مبانی نظری به چارچوبی دست یافته شود که استفاده عملیاتی از آن بتواند زمینه بازخوانی فرایند طراحی شهری را به دست دهد. با توجه به این که بازخوانی فرایند طراحی در راستای تحقق‌پذیری، مصادیق روشنی در دانش نظری ندارد، رویکرد این مقاله جنبه‌ای تجربه‌گرایانه به خود می‌گیرد که مرور مبانی نظری می‌تواند شرایط و چارچوبی را برای مواجهه‌ی تجربه‌گرایانه با نمونه‌موردی را فراهم آورد. بنابراین مرور مبانی نظری با ذهنیت خلق یک چارچوب برای کنش تجربه‌گرایانه‌ی مواجهه با نمونه‌موردی صورت می‌پذیرد.

۲. چارچوب نظری

در دهه‌های اخیر تلاش‌هایی برای تعیین حدود و صغور رشته طراحی شهری با تعریف عرصه عمومی و بسط این موضوع در میان نظریه‌پردازان صورت‌گرفته است (Madanipour, 2003; Gehl, 2011; Amin, 2008). اما با این اوصاف طراحی شهری تنها متکی به تعیین حد محصولی است که تعریف آن پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. مفهوم عمومی بودن یا خصوصی بودن و این که چه چیزی عمومی است و چه چیزی خصوصی، مدام مورد بحث است (Madanipour, 2003; Lang, 2005). مارشال (Marshall, 2009) راه برون‌رفت طراحی شهری را از بحران فعلی خود، حرکت به سمت استقلال موضوعی می‌داند و عنوان می‌کند، بحران فعلی طراحی شهری حاصل از باز بودن مرزهای آن در مقابل دانش‌های دیگر است. در دهه اخیر، در نوشتارهای سردمداران طراحی شهری، معضلات پارادایم طراحی شهری با عناوینی مانند «ابهام» (Inam, 2002)، پاسخگو نبودن جنبه‌های محتوایی به عواقب عملیاتی (Sorkin, 2009) و اغتشاش روشنفکرانه (Cuthbert, 2011) نشان داده شده است. تا حدی که روایی طراحی شهری و لزوم پرداختن به آن را زیر سؤال می‌برد. چنان که گفته شد، کرمونا مدعی است اگر حتی رشته یا حرفه بودن طراحی شهری را نپذیریم و بخواهیم معماری و برنامه‌ریزی را جایگزین مناسب آن بدانیم، نمی‌توانیم مقام طراحی شهری را به عنوان یک سنت روشنفکرانه انکار کنیم (Carmona, 2014). در تلاش برای تعیین پارادایم طراحی شهری یکی از متداول‌ترین شیوه‌ها تکیه بر ابعاد محتوایی آن است. نمونه آن محیط‌های پاسخ‌ده بنتلی (Bentley, 1985)، طراحی فضای شهری مدنی پور (Madanipour, 1996) و طراحی شهرهای کاتربرت (۲۰۰۳) است؛ که همه موضوعات تاریخی، فلسفی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی، اقتصادی، کالبدی - زیبایی‌شناختی و اجرایی طراحی شهری مورد بحث قرار گرفته است. در ابتدای تلاش برای دستیابی به پارادایم طراحی شهری، این رشته با مواردی تعریف می‌شد که علناً نه تنها توان خلق پارادایم را نداشتند، بلکه اساساً توان تعریف‌سازی برای طراحی شهری نیز در آنها به چشم نمی‌خورد (Schurch, 1999). بسیاری از این موارد به وسیله پیشگامان دهه شصت و هفتاد مانند جین جیکوبز، لینچ، آن جیکوبز و اپلیارد تعریف شد. این موارد جنبه‌هایی کیفی بودند که بیشتر به محتواهای مورد توجه طراحی شهری می‌پرداختند. در واقع این

نظریه‌پردازان تلاش می‌کردند که با بیان موضوعات محتوایی طراحی شهری راهی به سوی تعریفی مناسب از آن بیابند. این سنت تعریف رشته، در ادامه با «هفت قانون تفصیلی رشد» الکساندر (Alexander, 1987) ادامه پیدا کرد. بنتلی و همکاران وی در محیط پاسخ‌ده (Bentley, 1985) همین رویکرد را پی گرفتند. این رویکرد هرچند تعریف معینی از طراحی شهری به دست نمی‌دهد اما با موضعی هنجاری مجموعه محتواهای مورد نظر و ارزش‌های مورد توجه طراحی شهری را مطرح می‌کند. در سده حاضر نیز این رویکرد به وسیله کوآن (Cowan, 2002) مجدداً ارائه شده است. کرمونا نیز در کتاب مکان‌های عمومی، فضاهای شهری (Carmona, 2003)، به جای ارائه تعریفی دقیق از طراحی شهری، به سادگی آن را تعریف ناپذیر دانسته اما ابعاد محتوایی آن را مورد بسط و بررسی قرار داده است. ابعاد ریخت‌شناختی، ادراکی، اجتماعی، بصری، علم‌کردی و زمانی وی، یکی از کامل‌ترین تبیینات محتوای طراحی شهری است. مجموعه این روایت‌ها طراحی شهری را به عنوان ابزاری می‌بینند که محیط شهری را یا از طریق «مداخله هدف‌مند» و یا از طریق «فرایندهای توسعه کنترل شده»، به یک فرم غایی مطلوب واجد کیفیت‌های ارزشمند و پاسخ‌دهنده به کارکردهای مورد نظر هدایت می‌کند.

برای فرایند طراحی، مدل‌های مختلفی ارائه می‌شود. در این مدل‌ها روندهای توالی، بازگشت‌ها، بازخوردها و ارتباطات درونی مراحل نمایش داده می‌شوند. از این مدل‌ها می‌توان به فرایندهای خطی و چرخه‌ای اشاره کرد که در اولی مراحل مطالعه، تحلیل، ترکیب و ارزیابی به صورت توالی و در دومی به صورت پذیرای بازخورد مطرح می‌شود (Lawson, 1980). در تکامل مدل‌های طراحی، مدل اکسمن (Oxman, 2006) ساز و کار فرایند طراحی را دگرگونه می‌بیند و تولید، اجرا و ارزیابی اثر را نیز در دل فرایند طراحی می‌گنجانند. در این مدل بازنمایی قویاً مبتنی بر رسانه‌های بازنمایی است.

فرایند طراحی در طراحی شهری برای این که بتواند دانشی متناظر با زمینه‌های طراحی دیگر نظیر طراحی صنعتی و طراحی معماری تولید کند، راه بسیاری دارد. در طراحی شهری مجموعه‌ای از مدل‌های فرایندی خطی و چرخه‌ای ارائه شده است. اما جنبه‌های معاصر فرایند طراحی مانند خودمولدی و اجرامداری (Garcia, 2010) به سه دلیل که به محصول طراحی شهری بازمی‌گردند، تا کنون قابل حصول نبوده است. نخست این که محصول طراحی شهری واجد پارامترهای متعددی است که نمی‌توان فرایندهای خودمولدی را چنان که گارسیا (Ibid) ارائه می‌کند، شکل دهد. دوم، مقیاس اجرایی طراحی شهری و تعدد طرح‌های اجرا نشده یا اجراهای ناقص باعث می‌شود که بازخوردهای اجرایی (Oxman, 2006) آنچنان قابل ارزیابی نباشد. این امر تا حدی است که حتی دانش موجود برای ارزیابی پس از اجرای پروژه‌ها و برنامه‌ها برای این امر ناکافی است (Olivera and Pinho, 2010). دست‌آخر این که طیف گسترده محصولات طراحی شهری، از سندهای راهبردی تا ضوابط و مقررات و از پلان‌های جامع تا نقشه اقدامات، امکان ارائه دیاگرام‌های مولد را کم می‌کنند و شیوه‌های ارزیابی اجرا را متنوع‌تر می‌سازند.

بحث دیاگرام‌های مولد (تولید ایده نزدیک به واقعیت) یا اجرا محوری، زمینه‌ی بحث تجربه‌ی عملیاتی طراحی شهری یا اجرا را مطرح کرده

هستند که سال‌ها برای اجرای آنها زمان لازم بوده و این روند طولانی نه به دلیل حجم توسعه، بلکه به دلیل سازوکار پیچیده مشارکتی، چالش‌های حقوقی و کسب مالکیت زمین اتفاق افتاده است. در چنین شرایطی فرایند تحقق طرح در زمانی پیش می‌رود که اساساً بستر طراحی با تغییرات متعددی مواجه شده است. در بسیاری از موارد الزام تهیه یک طرح جدید مطابق با شرایط موجود، انگیزه تحقق‌پذیری را به واسطه مسئله‌ای روانی در اجراکنندگان و تهیه‌کنندگان پایین می‌آورد. مسئله‌ای که تین به عنوان یکی از آفت‌های تحقق‌پذیری (به تاسی از کالکینز) ان را «سندرم طرح جدید» (Calkins, 1979 in Talen, 1996) می‌نامد که حاصل از تکرار روند طراحی به واسطه عدم تحقق است.

طراحی شهری به مانند برنامه‌ریزی شهری از آسیبی دیگر بی‌نصیب نیست. توجه بی‌دریغ به مختصات فنی طرح و احساس الزام بی‌حد و حصر طراحان به تحقق آنچه طراحی شده، مانعی جدی در تحقق طرح به حساب می‌آید. لادفانس پاریس نمونه چنین پروژه‌ای است. طرحی که از ۱۹۲۰ تا بعد از جنگ‌های جهانی بارها تغییر کرد و دلیل تغییر آن تغییرات مدیریت، رد طرح موجود و منویات متولیان جدید بود. لنگ (Lang, 2005) عنوان می‌کند، آنچه که امروز بر روی زمین می‌بینیم، پیشنهادی است که از طرف رئیس‌جمهور فرانسه، ژسکار دیستن، در سال ۱۹۷۱ ارائه کرد. موانع نهادی در راستای تحقق یک طرح یا ایده معین (Bahrainy & Azizkhani, 2012) موضوعی است که برابر نهاد آن در برنامه‌ریزی لزوم توجه به بستر نهادی^۳ و تفکر نهادی^۴ را موجب می‌شود (Beaugard, 1999; Healey, 1998). پروژه تغییرات و مشکلات خرد مقیاس نهادی، نه در سطح کلان (چنان که در نمونه لادفانس بیان شد)، بلکه در سطح جزء بر مسیر تحقق پروژه اثر مستقیم می‌گذارد. در واقع پروژه طراحی شهری در مسیر تحقق خود با دگرگونی‌های متنوع نهادی روبروست که هر کدام از آنها می‌تواند موانعی بر سر راه تحقق پروژه باشد.

احتیاج طرح‌های طراحی شهری به اطلاعات مفصل بستر طراحی، خود مانعی دیگر بر سر راه تحقق طرح هاست. گرچه این رخداد در کشورهای مسلط به شفاف‌سازی اطلاعات کمتر رخ می‌دهد، اما بخش زیادی از طرح‌های آسیایی، آفریقایی و آمریکای جنوبی با این مسئله مواجه هستند (liu, et al., 2010; Alnsour & Meaton, 2009). چنین وضعی در اطلاعات در این کشورها گاهی در سطح اطلاعات ضروری طراحی به چشم می‌خورد. نسخه‌های متفاوت زمانی نقشه وضع موجود یا اطلاعات دیرهنگام مداخلات در بستر توپوگرافی، اطلاعات به روز نشده ترددها و اطلاعات برداشت نشده استفاده از فضای عمومی، همگی از این موارد هستند. پروژه کناره رودخانه سامبراماتی در هند، نمود این وضعیت است که هرچند در کشورهای توسعه‌یافته چنین کمبودی در اطلاعات به چشم نمی‌خورد، اما مقاصد عالی‌ه طراحی مانند پایداری نیازمند اطلاعاتی است که این کشورها نیز برای تأمین آنها با نقص اطلاعاتی مواجهند (Williams and Dair, 2007).

به مجموعه این آسیب‌ها می‌بایست دو مورد تغییر در اهداف و تغییر در قوانین را نیز اضافه کرد. تغییر در اهداف در بطن فرایند توسعه شهری مندرج است. به این ترتیب که شهرسازی به طور عمومی راه حل‌های

و به عبارتی موضوع ارتباط و فاصله‌ی نظر و عمل را در طراحی شهری مورد بررسی قرار می‌دهد. طراحی شهری با توجه به بعد زمانی که ذاتی کلیه اقدامات در حیطه امور شهری است، شاهد فاصله و شکاف میان طراحی و اجرا نیز هست که نظریه پردازان به وجوه مختلف از آن با عباراتی مانند سندرم یا عارضه طرح جدید (در زمینه طرح‌های اجرا نشده) یا انحراف از طراحی یاد کرده‌اند (Talen, 1996a; Talen, 1996b). به نظر می‌رسد که گذر زمان و تغییر بستر اجتماعی - اقتصادی، محیطی، حقوقی - قانونی و کالبدی شهر از زمان آغاز به تهیه تا زمان اتمام یک طرح معین، عاملی تأثیرگذار در فاصله گرفتن پروژه‌ها از تحقق‌پذیری کامل است (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: ساختهای طراحی شهری

فرایند طراحی آنچنان که سخن آن رفت، می‌بایست تضمین‌کننده نتیجه طراحی باشد. نتیجه‌ای که پس از استقرار بر روی زمین، مجموعه ارزش‌های مورد نظر در طراحی را محقق کند. اما در این رابطه چند ابهام و خلأ بزرگ به چشم می‌خورد. نخست این که خروجی طرح لزوماً با طرح تهیه شده تطابق ندارد؛ امری که به آن انحراف طراحانه^۱ می‌گویند (Garcia, 2010). به طور عمومی در طراحی محیطی، عدم تطابق طرح نهایی با طرح مندرج بر روی اسناد، انحراف طراحانه نامیده می‌شود. در برنامه‌ریزی شهری نیز زمینه‌هایی در خصوص انحراف از برنامه‌ریزی صورت گرفته است (Talen, 1996b). اما به هیچ وجه چنین مطالعاتی در طراحی شهری به چشم نمی‌خورد. در دانش طراحی، مقاصد معمار تا تحقق کالبدی آن در دو مرحله ریزش خواهد داشت. در یک مرحله در فرایند طراحی است که در صورت عدم ثبت و مستندسازی مقاصد معمارانه و استدلالات پشتیبان، دانش نظری و بینش فردی او از تجلی در طرح باز می‌ماند و در مرحله‌ای دیگر وقتی که مقاصد اجرایی وابسته به بستر که به طور کامل در طراحی پیش‌بینی نشده است، تغییر طرح را ضروری می‌نماید.

طرح‌های شهری ولو این که به طور کامل طراحی و اجرا شوند، در مسیر اجرای خود به مشکلات بسیاری بر می‌خورند؛ امری که تحقق آنها را به مراتب از آنچه در پروژه طراحی تصور می‌شده، طولانی‌تر می‌کند. نمونه‌های بسیاری از این دست طرح‌ها وجود دارند. باریکان لندن، ۲۰ سال (Lang, 2005)، کلارک کوای سنگاپور از سال ۱۹۸۹ میلادی تا کنون و پارک رالیه سیدنی، ۱۸ سال (Ibid)، نمونه‌هایی از پروژه‌های متعددی

2 Institutional Train

3 Institutional Thinking

1 Design drift

این معضل در کنار معضلات مندرج در فرایند طراحی (به طور عام) افت کیفیت طراحی را تشدید می‌کند. در طول روند طراحی مجموعه مشکلات کار گروهی طراحی شهری، اثرگذاری آسیب‌های مدیریتی بر فرایند طراحی، دیدگاه‌های متغیر ذهنی طراحان و برگشت‌ناپذیری بعضی اقدامات و ایده‌ها به سبب ثبت‌نشده بودن آنها، الزاماتی را به دنبال دارد که می‌بایست در فرایند طراحی شهری درج شود. فرایند طراحی می‌بایست بتواند امور زیر را تضمین کند:

- مسیر دیدگاه‌های نظری طراحان به طور قطع یقین به خروجی طرح بینجامد،
- تغییرات و چالش‌های اجرایی در مسیر فرایند طراحی شهری قابل مدیریت باشد،
- نوع ارائه طرح بتواند با چالش‌های حین اجرا سازگار باشد،
- روند اجرا بتواند داده‌های معینی را در اختیار فرایند طراحی شهری برای طرح‌های بعدی قرار دهد و
- ارزیابی پس از اجرا امکان جرح و تعدیل فرایند پروژه‌های مشابه را فراهم سازد.

در این مسیر و در میان این چالش‌ها، سطح عدم قطعیت طراحی شهری بالا رفته و رویکردهای عمدتاً ثابت طراحی شهری عموماً باعث گسست بیشتر نظر و عمل می‌شوند. بر این اساس فرایند طراحی شهری می‌بایست ملزم به پاسخ به سطح بالایی از عدم قطعیت شود. طراحی شهری به لحاظ تحقق‌پذیری با عدم قطعیت مواجه است. عدم قطعیت در نظریه‌ها، عدم قطعیت در شیوه‌ها و تکنیک‌های فرایند طراحی شهری، عدم قطعیت در زمان خاتمه مناسب تهیه طرح، عدم قطعیت در ثبات شرایط قانونی، اجرایی و محیط شهر و عدم قطعیت در کمال لازم در اطلاعات حاصله و نظایر آن؛ امری که پیشتر از آن با عنوان ریزش یاد شد و در اینجا «فروکاست» عنوان می‌شود. ارزش‌ها، ایده‌ها، رویکردها، اهداف و جلوه‌های بصری همگی در نهایت اجرایی شدن با تصور اصیل آنها در ابتدای تهیه طرح نابرابری می‌کنند. معضلی که به نحوی دیگر در برنامه‌ریزی منجر به خلق رویکرد جزء به جزء منفصل (Lindblom, 1959)، پوییش مختلط (Etzioni, 1973) و پیشروی خزنده (Lindblom, 1959)، راه حل‌هایی برای آن جست‌جو شده است. در این

مختلفی را برای مقابله با آن پیشه کرده است. به طور عمومی تغییر اهداف و تغییر قوانین شرایط عدم قطعیت در کنش‌های شهرسازانه را موجب می‌شوند. بر این اساس شیوه‌های «پیشروی خزنده» (Lindblom, 1973)، «پوییش مختلط» (Etzioni, 1973) و در مبنای همه آنها «جزء به جزء منفصل» (Lindblom, 1959) به منظور مواجهه شهرسازی با مجموعه تغییرات نهادی، اهداف و قوانین طرح شده‌اند. اما طراحی شهری به عنوان بخشی از این دانش جامع، بهره‌ای از این دیدگاه‌ها نبرده است.

مجموعه آسیب‌های یاد شده با اصطلاح معروف مسائل بدقلق^۴ در شهرسازی (به طور عام) قابل بیان است. این مسائل علاوه بر این که حوزه فرایند طراحی شهری را در برگیرد (چنانکه در نمودار شماره ۲ آمده است) موضوعات مرتبط به قدرت و جنبه‌های متنوع حقوقی مالکیتی را مانند تعدد ذی نفوذان مقتدر و ذی نفعان و همچنین تفاوت و حتی تضاد منافع آنها و مطالبات و ترجیحات بهره‌برداران را نیز باید در نظر بگیرد (Rittel & Webber, 1973).

با تکیه بر چالش‌های پیش روی فرایند طراحی شهری مشخص می‌گردد که مضامین و مفاهیم طراحانه در راستای تحقق‌پذیری در چند مرحله فیلتر می‌گردند. در مرحله نخست ابهامات نظری رشته باعث می‌گردد مضامین نظری به طور شفاف و قطعی، مواد اولیه فرایند طراحی را فراهم نسازند. در مرحله بعد شکاف میان نظر و عمل باعث می‌گردد در فرایند طراحی، فقدان دیدگاه‌های کاربردی نظری به عنوان پشتوانه تعیین‌کننده مراحل کار تجربه گردد و در نهایت ابعاد زمانی اجرا در طراحی شهری موجب جرح و تعدیل و یا حذف کامل انگاره‌های طرح‌های تهیه شده در مرحله تحقق‌پذیری می‌گردند.

طراحی شهری در عمل در طی فرایند متداول خود با چالش‌های معینی روبه رو می‌شود. کمبود داده‌ها، چالش‌های سازمانی، اهداف متغیر، قوانین متفاوت محلی و محدودیت‌های زمانی اجرا باعث می‌شوند که آنچه در نهایت فرایند طراحی شهری در قالب سند در آمده است، در حین اجرا با ریزش‌هایی مواجه شود (نمودار شماره ۲). ریزش‌هایی که باعث می‌شود مجموعه ایده‌های طراحی در فرایند اجرا محو شود و در نهایت طرح با مقاصد اولیه خود تفاوت داشته باشد.



نمودار شماره ۲: چالش‌های مؤثر بر گسست نظر و عمل در طراحی شهری

1 muddling through
2 mixed scanning

3 Disjointed incrementalism
4 Wicked Problems

که تعیین عوامل مؤثر بر آن بیشتر است. پس از آن مقاطع بعدی مبتنی بر مطالعه بیشتر و تعیین پذیر گشتن و مهار عوامل مؤثر بر طرح، مراحل جدیدی از طرح طراحی می‌شوند و زمینه اجرایی آنها فراهم می‌شود. در چنین شرایطی اجرای طراحی شهری به هر ترتیب از روال متداول خطی یا چرخه‌ای آن جلوتر خواهد بود و امکان تحقق بخش عمده‌ای از ارزش‌ها و اهداف طراحی فراهم می‌گردد، اما مسلماً روند طراحی به واسطه شکسته شدن به مقاطعی که نیازمند ارائه طرح معین است، طولانی‌تر می‌شود (نمودار شماره ۳).

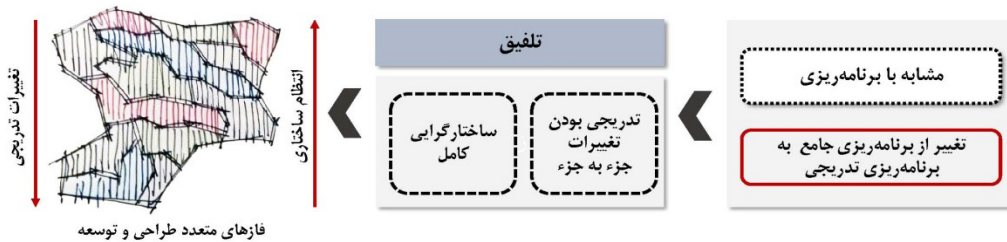
فرایند طراحی شهری تدریجی و مدل پیشنهادی به طور متداول فرایندهای طراحی شهری، الگوی خطی یا چرخه‌ای به خود می‌گیرند. بر این اساس مدل فرایند طراحی شهری با تلفیقی متوالی یا چرخه‌ای از اقدامات مطالعه، تحلیل و طراحی تعریف می‌شود که این مراحل یا در توالی با هم، یا با بازگشت‌های نامنظم به منظور تکمیل و تأیید مراحل متأخر صورت می‌پذیرند. مرحله اجرا، اما، در انتهای فرایند طراحی و پس از قطعی شدن طرح صورت می‌پذیرد (نمودار شماره ۴).

اما مدل تدریجی بر اساس تلفیق تدریجی تناوبی از مراحل مطالعه تا اجرا پیشنهاد می‌گردد. در این مدل از فرایند پس از طی مراحل اولیه مطالعه، طرحی مقدماتی برای حوزه‌های واجد تعیین و قطعیت بیشتر تهیه می‌شود. در حین اجرای چنین طرحی، پیشبرد باقی مطالعات در راستای تعیین نحوه توسعه باقی نواحی پیش می‌رود و این امکان وجود دارد که در حین مطالعات بعدی حوزه‌های توسعه از یک حوزه معین به دو یا چند حوزه تغییر کند. با پیشرفت هر مرحله این امکان وجود دارد که اطلاعات جدید، شرایط جدید قانونی و سایر عوامل و آسیب‌های تأثیرگذار به مقداری از قطعیت برسند که امکان تهیه طرحی معین در مورد آنها وجود داشته باشد و یا این که به واسطه تغییر در شرایط بستر قسمت‌های توسعه نیافته امکان مطالعه مجدد، تحلیل مجدد و طراحی مجدد فراهم باشد.

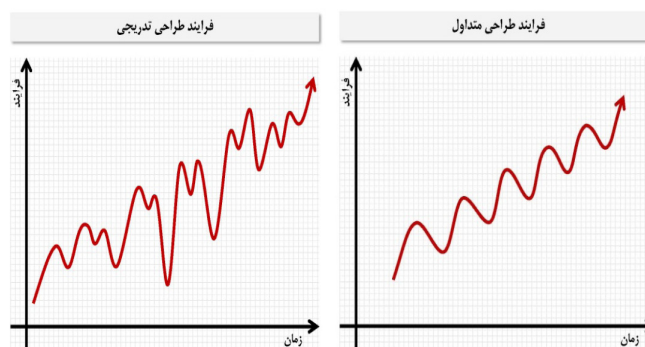
رویکردها تلاش می‌شود برنامه‌ریزی خود را برای عدم قطعیت‌های متعدد آماده کرده و بر این اساس اقدامات خود را در بازه‌های زمانی متنوع از خرد مقیاس تا کلان مقیاس تقسیم می‌کند تا بتواند حدود اطمینان‌پذیری را برای اقدامات فراهم آورد. برنامه‌ریزی‌های از این دست در بازه کوتاه مدت تنها اقداماتی را پی می‌گیرند که امکان رسیدن به محصول مورد نظر محیا باشد. در این شرایط حیطه اقدامات، بازه‌های فضایی-زمانی‌ای را در بر می‌گیرد که در آن رسیدن به آگاهی در مورد شرایط بیشتر باشد. در این شرایط روند برنامه‌ریزی و روند تحقق با هم آمیخته می‌شوند و همگی در راستای اهداف بلندمدت که لزوماً ثابت نیستند، حرکت می‌کنند.

چنین امری در طراحی شهری، به مفهوم تلفیق طراحی و اجرا امریست که گاهی متناسب با اولویت‌های ساخت و ساز کارفرما محقق می‌گردد. کارفرمایان در سراسر کشورهای دنیا بنابه ضروریات اجرایی ممکن است فازهایی از پروژه‌ها، پیشتر از باقی فازها و یا حتی زودتر از موعد مورد بهره‌برداری قرار دهند. اما آنچه تلفیق طراحی شهری با فرایند تدریجی را مهم می‌کند، دقیقاً همان امریست که در برنامه‌ریزی شهری به چشم می‌خورد. یعنی همان طور که فرایند برنامه‌ریزی و تحقق اقدامات برنامه‌ریزانه در فرایند تدریجی همزمان رخ می‌دهند، در فرایند طراحی شهری نیز فرایند طراحی شهری و اجرای اقدامات همزمان خواهند شد.

مجموعه عوامل تحقق‌پذیری در حیطه طراحی شهری که عامل زمان در آنها نقش کلیدی دارد (گذر زمان و تغییر بستر) که خود به گذر زمان وابسته است) با عبور زمانی از مقطع زمانی آغاز طرح، اتمام طرح، آغاز اجرا و اتمام اجرا اثرگذارتر خواهند بود. بر این اساس، پیش انداختن اجرا و همزمان کردن آن با فاز طراحی این امکان را فراهم می‌کند که روند عوامل تعریف شده آسیب‌شناسی بر طراحی شهری کاهش یابد. بر این اساس اجرای طرح با بخشی از پروژه (مانند برنامه‌ریزی) آغاز خواهد شد



نمودار شماره ۳: ایده مرکزی فرایند طراحی شهری مبتنی بر فرایند تدریجی



نمودار شماره ۴: مدل عمومی فرایند طراحی شهری و مدل فرایند تدریجی

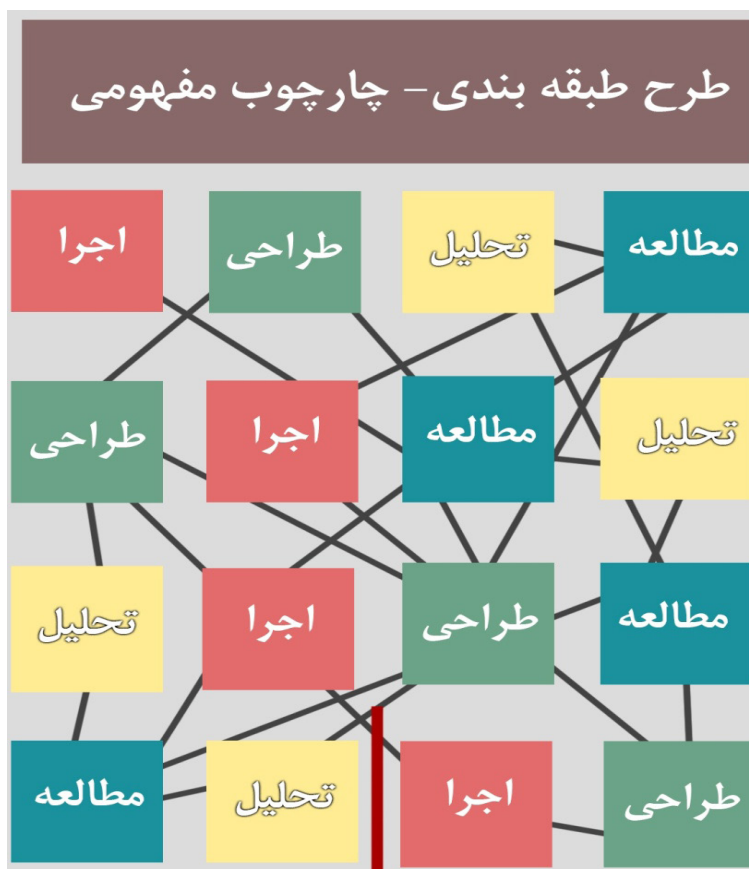
شهری را اصلاح کند و مبتنی بر اصلاح فرایند، زمینه شفاف سازی ارتباط ایده های نظری با اجرا مشخص شود.

۳. روش

موضوع مقاله پیش رو در حوزه ای از مفاهیم سیر می کند که حجم سئوالات پاسخ نیافته، موضوعات شناخت نشده، پارامترهای تعریف نشده و در یک کلام مجهولات آن بیش از معلومات آن است. در چنین شرایطی به دشواری امکان تدوین یک چارچوب نظری معین و روشن با فهرستی از معیارهای سنجش پذیر وجود دارد که از بنیان مبانی نظری منسجمی استخراج شده باشد و بتواند اهداف رساله را از مدخل یک روش تحقیق مبتنی بر سنجش و مقیاس پذیری به سرانجام برساند. بر این اساس روش پژوهش رساله به سمتی سوق پیدا می کند که بتواند در مقابل این عدم تعین انعطاف پذیر و هاضم مجهولات متعدد پژوهش باشد. بنابراین مرور مبانی نظری به چارچوبی مفهومی ختم شده که حدودی از روابط بین موضوعات مرتبط به سئوالات پژوهش را معین می کند. اما این چارچوب لزوماً به مثابه ی مدلی غایی، قطعی و تعیین کننده نیست. پژوهش در این سیاق به جای تکیه و تأسی به سنجش و اندازه گیری، بیشتر وابسته به تجربه موضوع پژوهش است؛ تجربه ای که از طریق مواجهه مستقیم و واقعی با حوزه پژوهش، تعیین پارامترها و تعیین حد روابط میان آنها را بیشتر می کند. چنین رویکردی در روش شناسی عام پژوهش در حوزه روش شناسی کیفی قرار می گیرد. با توجه به این که یک معیار صریح انتخاب روش های کیفی مبتنی بر حضور مجهولات متعدد در حوزه تحقیق است، طرح

با چنین رویکردی روند خطی - چرخه ای فرایند طراحی شهری به یک روند متناوب نامنظم بدل می شود که در هر بازه از زمان جایگشت های مختلفی از مطالعه، تحلیل، طراحی و اجرا در حال رخ دادن باشد. مسئله مهم این است که چنین رویکردی می تواند بسیاری از آسیب های فرایند طراحی را که مختص فرایند اجراست، برطرف نماید (نمودار شماره ۵). این نمودار نشان می دهد که در این رویکرد مراحل فرایند طراحی شهری به اختیار و بنا به شرایط پروژه بنا به مقیاس و سطح دقت منتخب گزینش می شود. به عنوان مثال در طی انجام یک پروژه ممکن است در هر مقطعی از فرایند، الزام یک اقدام اجرایی معین برای پیشبرد اهداف طرح یا شناخت بازخوردهای محتمل صورت پذیرد. به عنوان مثال ممکن است در مقطعی از تهیه طرح لحاظ یک پروژه با عنوان پروژه پیشگام برای اجرا در محدوده پروژه در نظر گرفته شود. چنین رویدادی در سطح و مقیاس مختلف ممکن است بارها تکرار شود. بنابراین فرایند طراحی نظم روند خطی و چرخه ای را نخواهد داشت.

در این راستا ثبت تجربیات روند اجرا و مناسب های آن با فرایند طراحی همزمان چنته ای از تجربیات را فراهم می آورد که کمک می کند طراحی شهری واجد «بازخورد آبی» شود. با این روند، طراحی شهری با بستر اجرایی آن پیوند می خورد. تلفیق فرایند و محصول چه در مقطع پروژه، چه در پایان پروژه و به عنوان پیش زمینه پروژه های بعدی شرایط «پیوند حرفه و اجرا» را فراهم می آورد. به این ترتیب فاصله ایده تا اقدام و اقدام تا عمل به نحوی کوتاه می شود که امکان بررسی آگاهانه تأثیرات عملی پروژه مشخص شود، بازخورد این اقدامات فرایند طراحی



نمودار شماره ۵: ارتباطات شماتیک فرایند طراحی تدبیری (طرح طبقه بندی - چارچوب مفهومی)

دلالت می‌کنند. در ادامه مشخص می‌شود که دو عبارت «صدور پروانه ساختمانی» دیگر یعنی پروانه ساختمانی و «توقف ساخت و ساز» دلالت بیشتری بر موضوع تحقق پذیری می‌کنند.

بررسی صورت‌جلساتی که به موضوع تحقق می‌پردازند، نشان دهنده چند ناکارآمدی در روند تحقق پروژه است:

- عدم صدور پروانه‌های ساختمانی به منظور حفظ احکام طرحی که هنوز تهیه نشده، عملاً با اعمال نظر و فشار مورد اجرا قرار نخواهد گرفت.
- حکم عدم صدور پروانه وقتی رخ می‌دهد که یک یا چند خردپروژه از کمیت‌ها و کیفیت‌های تعریف شده در طرح عدول کرده‌اند و
- توقف ساخت و ساز به لحاظ قانونی به طور کامل قابل پیگیری نیست.

براین اساس به نظر می‌رسد، قطعیتی مانند توقف ساخت و ساز یا عدم صدور پروانه در شرایط متغیر و نیروهای تعریف نشده محیط شهری فاقد هرگونه ضمانت اجرایی قطعی است. اتکا و خودبستگی طرح به جنبه‌های درونی تصمیمات تیم طراح و عدم اتکای فرایند تهیه طرح به این موضوعات متغیر، متنوع و پنهانی عملاً اجرای طرح را از مسیر اصلی آن منحرف می‌کند.

۴.۲. پروژه طراحی اراضی کن جنوبی

اراضی پروژه کن سال‌ها در معرض برداشت شن و ماسه از حاشیه مسیل بوده، به شکلی که بستر اراضی ۳۷ متر پایین تراز بستر مسیل است. به لحاظ موقعیت، این اراضی در پایین دست اتوبان فتح در امتداد مسیل کن مستقر است. اقدام در راستای بهبود شرایط اراضی توسط مشاور گزینه بیش از یک دهه سابقه دارد. این اراضی واجد یک طرح یکپارچه‌ی مصوب کمیسیون ماده ۵ است، طرحی که بنا بود از طریق یک شرکت تعاونی با مشارکت مالکان و شراکت در سود نهایی پروژه بر اساس فعالیت‌های فرهنگی، فراغتی و تجاری با غلبه سبز و باز محقق شود. اما تحقق آن به دلیل عدم امکان همکاری مالکان و عدم تفاهم بر سر میزان سهم هر مالک صورت نگرفته است. بنابراین با موافقت شهرداری، مشاور بر آن شد که تحقق طرح را در قالب منفصل، متکی بر توزیع سطوح تراکم و سطح اشغال در پروژه‌هایی منفصل و خارج از الزام مشارکت تمامی مالکان و در چارچوب مالکیت‌های فردی محقق سازد.

بر این اساس تحقق اهداف پروژه در قالب طرح مفهومی کالبدی (با تأمین نسبی کمیت‌های پیشین) یا تغییر آن در دستور کار است. با توجه به رایزنی‌های به عمل آمده با شرکت گزینه قرار بر آن شد که مدل فرایند طراحی تدریجی بر روند پروژه حاکم باشد. تصویر شماره ۱۰ الگوی اولیه طرح مفهومی جدید را نشان می‌دهد.

تا قبل از سال ۹۳ طرح اراضی مبتنی بر یک الگوی یکپارچه بر مبنای ساخت کلیه‌ی اراضی تحت یک پلان جامع مد نظر بود. قرار بر این بود که با مشارکت جامع مالکان قطعات زمین، ساخت طرح در قالب مدیریت یکپارچه محقق شود و هر مالک به نسبت سهم خود از زمین به مشارکت گذاشته از تحقق طرح بهره‌مند شود. بر این منوال مالکان موظف بودند زمین خود را به اشتراک بگذارند و طرح منطبق بر اسناد فنی اجرایی به بهره‌برداری برسد. چنین رویکردی باعث شد که حجم

سئوال تحقیق تا حدودی می‌تواند تعیین‌کننده بهره‌بری یا عدم بهره‌بری از روش تحقیق کمی باشد. بنابراین انتخاب روش کیفی معمولاً به بعد از تدوین چارچوب نظری واگذار نشده و از بادی امر در هنگام تدوین سئوال‌ها برگزیده شده قلمداد می‌شود و در هدایت پژوهش به سمت چارچوب مفهومی حضوری معین دارد، چارچوبی که آزمون آن به واسطه تجربه صورت می‌گیرد.

با این تفاسیر مقاله پیش رو به واسطه عدم تعیین و وضوح حوزه مفاهیم مرتبط با موضوع، به مدد روش‌های کیفی تلاش شده تا مبتنی بر تفسیر متون نظری چارچوبی مفهومی خلق شود که محک تجربی این مدل از طریق روش تحلیل محتوای اسناد یک پروژه بیشتر به سرانجام رسیده و اقدام پژوهی روش طراحی تدریجی صورت می‌پذیرد و امکان تعدیل چارچوب را به سمت واقعی‌تر شدن فراهم می‌سازد. آنچه در نتیجه پس از طی روش‌شناسی به دست می‌آید، جمع‌بندی و صورت نهایی کاربردی چارچوب است که می‌تواند در قالب یک مدل اولیه در طی زمان با تجربیات آتی خود تغییر یابد و به مدلی نهایی، صورت‌های دیگر و مدل‌های دیگر تبدیل شود. در واقع بعد از مطالعه مبانی نظری، مدلی از فرایند طراحی ایجاد می‌شود که با تعدیل حاصل از پژوهش تجربی نمونه موردی تبدیل به یک فرایند طراحی پیشنهادی خواهد شد. اما این فرایند (محک تجربه عملیاتی طراحی) ممکن است از صورت اولیه خود دور شود. می‌توان گفت در نهایت این پژوهش، قالبی از فرایند پیشنهاد می‌شود که خود فرایند غایی نیست بلکه زمینه‌ای برای دستیابی به یک فرایند غایی است که می‌تواند بر اساس تجربه متوالی فرایند اولیه پیشنهادی حاصل آید.

در تحلیل محتوای پروژه موجود، پروژه طرح ویژه اراضی عباس آباد شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است. واژگان موضوع تحلیل شامل موارد پروژه، تحقق، فرایند، تصویب، کمیسیون ماده پنج، طرح جامع، طرح ویژه، اجرا و احداث می‌شوند. با حذف موارد حشو محتوای اسناد باقی‌مانده به شکل تفسیری تحلیل شده است. در اقدام پژوهی مد نظر، پروژه طراحی اراضی جنوبی کن مد نظر قرار گرفته است که بر اساس آن با هماهنگی مشاور پروژه، روند پروژه از الگوی کلاسیک فرایند به روند تدریجی تغییر کرده و تغییر سطح معضلات اجرایی پروژه و امکان آغاز تحقق آن در تصدیق کاربرد فرایند تدریجی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۴. بحث و یافته‌ها

۴.۱. اراضی عباس‌آباد

پروژه اراضی عباس‌آباد تهران: این پروژه در بخش مرکزی تهران بارها مورد طراحی قرار گرفته و در نهایت با طرح سال ۱۳۸۴ مهندسی مشاور نقش جهان پارس مراتب اجرایی خود را آغاز کرده و در سال ۱۳۹۴ مورد بازنگری قرار گرفت. طرح اراضی عباس‌آباد به دلیل نقش محوری اراضی در شهر تهران و در عین حال نقش راهبردی اراضی تنها در پاره‌ای موارد مطابق طرح اجرا شده و در باقی موارد تأثیر گروه‌های ذی نفع و ذی نفوذ مسیر طرح مصوب را تغییر داده است.

بر اساس تحلیل محتوا بر روی صورت‌جلسه‌های پروژه عباس‌آباد مشخص شد که مجموعه صورت‌جلساتی که در برگزیده واژه‌های تحقق، فرایند، اجرا و احداث هستند، بیشتر بر موضوع تحقق پروژه



تصویر شماره ۱: طرح ویژه اراضی کن جنوبی

(مهندسین مشاور گزیننه)

- قرار بر آن شد که به جای برنامه ریزی یکپارچه فعالیتی، یا برنامه ریزی سلولی مجزا برای هر مالکیت، قطعات در اولویت ساخت (با توجه به تمکن مالی مالکان) تعیین شده و این قطعات در قالب قطعات پیشگام به زیرساخت بروند و
- بازگذاری فعالیتی قطعات پیشگام و بهره برداری از آنها موجب جذب جمعیت شده و بر اساس استفاده جمعیت از فعالیت ها تخمین فعالیت های مناسب آتی امکان پذیر خواهد شد.
- بر اساس گام دوم تحقق پذیری پروژه شرایط دریافت وام از مؤسسات اعتباری فراهم گشت و بر این اساس امکان مداخله در فضای عمومی مشاع واحدهای تجاری تفریحی امکان پذیر شد. بر این اساس تحقق پروژه مبتنی بر گام های زیر صورت گرفت:
 - تغییر رویکرد جامع به تدریجی،
 - تبدیل پروژه های یکپارچه به منفصل،
 - تعیین پروژه های پیشگام توسعه،
 - تحقق پروژه های پیشگام توسعه و
- امکان مداخله در اراضی مشاع به واسطه اعطای وام مالکیت معین. بر اساس این رویکرد بخش های دیگر اراضی در حال حاضر صرفاً در قالب تعریف پروژه و حد ساخت و ساز (سطوح فعالیت ها در قالب زیربنا) تعیین تکلیف شده اند. تحقق اجزای آتی با تکیه بر قطعیت آتی اجرای پروژه های در حال اجرا، بازخورد نیازهای جمعیت جذب شده و امکان تعیین فعالیت های آتی بر اساس بازخورد فعالیتی فعلی امکان پذیرتر و تضمین شده تر خواهد بود.

عملیات ساختمانی از حد توان مشارکتی مالکان فراتر برود و امکان تحقق طرح از میان برود. در این راستا بر اساس رویکرد تدریجی گام نخست مبتنی بر ارکان زیر در دستور کار قرار گرفت:

- عدم احداث یکپارچه طرح در اراضی،
- تقطیع طرح به پروژه های منفصل در چارچوب مالکیت های فردی مالکان و آزادگذاشتن ایشان در زمان بهره برداری و
- توزیع سطوح فعالیت مورد توافق در طرح یکپارچه در قالب مالکیت ها در حدی که سرجمع سطوح فعالیت ها با طرح یکپارچه برابر شود.

با این اقدام امکان انفعال زمانی ساخت و ساز در قالب پروژه هایی که وابستگی زمانی اجرا به یکدیگر ندارند، امکان پذیر شد. بر این اساس تنها رکن واجد قطعیت مالکیت و سطح فعالیت (بدون تدقیق نوع آن) است. در این شرایط هر کدام از پروژه ها می تواند به طور جداگانه به اجرا برسد. بر این مینا سهم فعالیت مالکان به منظور تحقق پروژه ها بالا رفته و مالکان چند قطعه از قطعات اراضی تصمیم به تجهیز زیرساخت های لازم کردند.

در گام دوم برخورد یکپارچه با ریز فعالیت ها در چارچوب سطوح فعالیت تعیین شده (زیربناها) با توجه به عدم تمرکز زمانی احداث پروژه ها می توانست به تمامیت پروژه صدمه بزند و فعالیت هایی که بعدها در اراضی مستقر می شوند، جذب جمعیت لازم را برای فعالیت های زودتر فراهم شده برقرار نسازند. بنابراین نگاه یکپارچه به برنامه ریزی فعالیتی به ترتیب زیر به نگاه تدریجی در تدوین فعالیت ها تغییر کرد:

References:

- Alexander, C. (1979). *A Timeless Way of Building*. Oxford University Press.
- Alexander, C. (1987). *A New Theory of Urban Design*. Oxford University Press.
- Alexander, E. R. (2010). Introduction: Does planning theory affect practice, and if so, how? *Planning Theory*, 9(2), 99-107.
- Alnsour, J., & Meaton, J. (2009). Factors affecting compliance with residential standards in the city of Old Salt. *Habitat International*, 33(4), 301-309.
- Amin, A. (2008). Collective culture and urban public space. *City*, 12(1), 5-24.
- Bahrainy, H. (1999). *Urban Design Process*. University of Tehran Press.
- Bahrainy, H., & Azizkhani, M. (2012). Institutional barriers to the application of urban village as a tool for achieving urban sustainability in developing countries—the case of Asheghabaad, Isfahan, Iran. *Armanshahr Journal* 4(8), 43-57.
- Beauregard, R. A. (1998). Writing the planner. *Journal of Planning Education and Research*, 18(2), 93-101.
- Bentley, I. (1985). *Responsive environments: A manual for designers*. Routledge.
- Binder, G. (2012). Theory(izing)/practice: The model of recursive cultural adaptation. *Planning Theory*, 11(3), 221-241.
- Boelens, L. (2010). Theorizing Practice and Practising theory: Outlines for an Actor-Relational- Approach in Planning. *Planning Theory*, 9(1), 28-62.
- Carmona, M. (2014). The Place-shaping Continuum: A Theory of Urban Design Process. *Journal of Urban Design*, 19(1), 1-36.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public places—urban spaces: A guide to urban design*. Architectural Press.
- Childs, M. C. (2010). A spectrum of urban design roles. *Journal of Urban Design*, 15(1), 1-19.
- Cowan, R. (2002). *Urban Design Guidance: urban design frameworks, development briefs and master plans*. Thomas Telford Publishing.
- Cross, N. (2001). Designerly Ways of Knowing: Design Discipline Versus Design Science. *Design Issues*, 17(3), 49-55.
- Cuthbert, A. (2011). *Understanding cities: method in urban design*. Routledge.

۵. نتیجه‌گیری

تعمیم‌پذیری رویکرد تدریجی به لحاظ نظری قابل تبیین است اما اثبات آن به طور عملی نیازمند نمونه‌های موردی و استفاده عملیاتی مکرر و متوالی است. استفاده عملیاتی از فرایند طراحی تدریجی امکان تعدیل چارچوب را به سمت واقعی‌تر شدن فراهم می‌سازد. آنچه در نتیجه تبیین نظری به دست می‌آید، قالبی عمومی از فرایند است که کاربرد متوالی و مکرر آن می‌تواند در قالب یک مدل اولیه در طی زمان با تجربیات آتی خود تغییر یابد و به مدلی نهایی، صورت‌های دیگر و مدل‌های دیگر تبدیل شود. در واقع بعد از مطالعه مبانی نظری، مدلی از فرایند طراحی ایجاد می‌شود که با تعدیل حاصل از پژوهش تجربی نمونه موردی تبدیل به یک فرایند طراحی پیشنهادی خواهد شد. اما این فرایند محک تجربه عملیاتی طراحی ممکن است از صورت اولیه خود دور شود. می‌توان گفت در نهایت این پژوهش، قالبی از فرایند پیشنهادی است که خود فرایند غایی نیست بلکه زمینه‌ای برای دستیابی به یک فرایند غایی است که می‌تواند بر اساس تجربه متوالی فرایند اولیه پیشنهادی حاصل آید.

بر این اساس فرایند پیشنهادی طراحی تدریجی نیازمند آن است که بارها و بارها مورد آزمون قرار گیرد. رابطه بین حرفه و اجرا از طریق تجربه مستقیم فرایند تدریجی قابل شناسایی و تحکیم است. اما ارتباط میان ساحت اجرا و تئوری (در تداوم رابطه میان تئوری و حرفه) می‌تواند بر اساس رویکردهای پژوهشی مانند طراحی‌پژوهی مشخص شود. در این صورت معین می‌گردد که دانش نظری چگونه تبدیل به محتوای عملیاتی پروژه‌ها خواهد شد.

مدل فرایند طراحی تدریجی، چارچوبی است برای گذار از فرایندهای خطی-چرخه‌ای که توان مقابله با مسائل بدقلق و آسیب‌های طراحی شهری را ندارند. فرایندهای سنتی معمولاً وقتی به نتیجه طراحی دست پیدا می‌کنند که بسیاری از احکام اولیه تعیین‌کننده طرح در شرایط بستر طراحی تغییر کرده و طرح عملاً و جاهت اجرایی خود را از دست می‌دهد. چارچوب پیشنهادی روندی را طرح می‌کند که با تلفیق فرایند طراحی و اجرا در پروژه‌های شهری، فاز اجرا به لحاظ منطقی از زمان تهیه طرح آغاز شود. سازوکار فرایند یاد شده با تجربه متوالی و مکرر در پروژه‌های مختلف و مکان‌ها و بسترهای متنوع، از طریق ثبت نحوه مواجهه فرایند، تیم طراحی و دست‌اندرکاران پروژه شرایط کالبدشکافی، فرایند طراحی و ارتباط جنبه‌های نظری و عملی فرایند را فراهم می‌آورد. چارچوب پیش‌رو امکان بازخورد گرفتن از شرایط متنوع و تعدیل‌های متوالی در خود فرایند را ممکن می‌سازد. این چارچوب گذار می‌تواند در نهایت به نوعی نوین از فرایند طراحی منجر شود که با خواستگاه اولیه آن متفاوت است. در واقع مدل تدریجی فرایند طراحی، فرایندی خودمکمل است که مدام تغییر خواهد کرد و شاید روزی به فرایندی نوین که ریشه در فرایند تدریجی داشته اما ابعاد آن بسیار گسترده‌تر است، استحاله یابد.

قدردانی

مجموعه داده‌های دو طرح جامع اراضی عباس‌آباد و طراحی اراضی کن جنوبی به ترتیب از مهندسین مشاور نقش جهان پارس و مهندسین مشاور گزینیه اخذ شده که از ایشان کمال تشکر به جامی‌آید.

- Etzioni, A. (1973). Mixed-scanning: a third approach to decision-making. In A. Faludi (Ed.), *A Reader in Planning Theory*. Pergamon Press.
- Friedman, K. (2000). Creating design knowledge: from research into practice. IDATER 2000 Conference, Loughborough University.
- Garcia, M. (2010). *The diagrams of architecture: AD Reader*. Wiley.
- Gehl, J. (2011). *Life between buildings: using public space*. Island Press.
- Hamid, S. (1985). *Urban design process*
- Van Nostrand-Reinhold
- Healey, P. (1998). Building institutional capacity through collaborative approaches to urban planning. *Environment and planning*, 30(9), 1531-1546.
- Hoch, C. J. (2002). Evaluating plans pragmatically. *Planning Theory*, 1(1), 53-75.
- Inam, A. (2002). Meaningful urban design: teleological/catalytic/relevant. *Journal of Urban Design*, 7(1), 35-58.
- Kreditor, A. (1990). The Neglect of Urban Design in the American Academic Succession. *Journal of Planning Education and Research*, 9(3), 155-163.
- Krieger, A. (2003). Where and How Does Urban Design Happen. In A. Krieger & W. Saunders (Eds.), *Urban Design* (pp. 113-120). University of Minnesota Press.
- Krieger, A. (2006). Territories of urban design. In M. Moor & J. Rowland (Eds.), *Urban Design Futures* (pp. 36-46). Routledge.
- Lang, J. (2005). *Urban design: A typology of process and products, Illustrated with over 50 case studies*. Elsevier/Architectural Press.
- Lawson, B. (1980). *How Designers Think?* Pennsylvania State University.
- Lindblom, C. E. (1959). The Science of Muddling Through. *Public administration review*, 19(2), 79-88.
- Lindblom, C. E. (1973). The Science of Muddling Through. In A. Faludi (Ed.), *A Reader in Planning Theory*. Pergamon Press.
- Liu, Y., He, S., Wu, f., & Webster, C. (2010). Urban villages under China's rapid urbanization: unregulated assets and transitional neighbourhoods. *Habitat International*, 34(2), 135-144.
- Madanipour, A. (1996). *Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process*. John Wiley & Son Ltd.
- Madanipour, A. (1997). Ambiguities of Urban Design. *The Town Planning Review*, 63(3), 363-383.
- Madanipour, A. (2006). Roles and Challenges of Urban Design. *Journal of Urban Design*, 11(2), 173-193.
- March, A. (2010). Practising theory: When theory affects urban planning. *Planning Theory*, 9(2), 108-125.
- Marshall, S. (2009). *Cities, design and evolution*. Routledge.
- Mera, K. (1967). Consumer sovereignty in urban design. *Town Planning Review*, 37(4), 305.
- Moughtin, C., Cuesta, R., Sarris, C., & Signoreta, P. (1999). *Urban Design: Method and Techniques*. Architectural Press.
- Oliveira, V., & Pinho, P. (2010). Evaluation in Urban Planning: Advances and Prospects. *Journal of Planning Literature*, 24(4), 304-361.
- Oxman, R. (2006). Theory and design in the first digital age. *Design studies*, 27(3), 229-265.
- Rittel, H. W., & Webber, M. M. (1973). Dilemmas in a general theory of planning. *Policy sciences*, 4(2), 155-169.
- Schurch, T. W. (1999). Reconsidering Urban Design: Thoughts about its Definition and Status as a Field or Profession. *Journal of Urban Design*, 4(1), 5-28.
- Sorkin, M. (2013). The end (s) of urban design. In M. Larice & E. Macdonald (Eds.), *The Urban Design Reader*. Routledge.
- Talen, E. (1996). After the Plans: Methods to Evaluate the Implementation Success of Plans. *Journal of Planning Education and Research*, 10(3), 79-91.
- Talen, E. (1996). Do Plans Get Implemented? A Review of Evaluation in Planning. *Journal of Planning Literature*, 10(3), 248-259.
- William, K., & Dair, C. (2007). What is stopping sustainable building in England? Barriers experienced by stakeholders in delivering sustainable developments. *Sustainable Development*, 15(3), 135.

نحوه ارجاع به مقاله:

نوریان، فرشاد؛ امین زاده، بهناز؛ عبایی، مازیار؛ (۱۴۰۰) از بازبینی فرآیند تا تحقق محصول در طراحی شهری به سوی رویکرد تدریجی فرایند طراحی شهری، مطالعات شهری، 10 (40)، 3-14. doi: 10.34785/J011.2021.464/Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



نقش الگوی فضایی و پوشش گیاهی فضاهای باز محلی بر میزان آسایش حرارتی در اقلیم سرد

پگاه یادگاری - دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
حسن سجادزاده^۱ - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۹ بهمن ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۰۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

آسایش حرارتی به عنوان یکی از عوامل اساسی در حضورپذیری انسان‌ها در فضاهای شهری مطرح است. طراحی فضاهای باز شهری تحت تأثیر عناصر و عوامل مختلف می‌تواند باعث تغییر در کیفیت آسایش حرارتی استفاده‌کنندگان شود که در این پژوهش براساس ضرورت نقش دو مؤلفه الگوی هندسی و پوشش گیاهی در ارتباط با میزان آسایش حرارتی در فضاهای باز محلی در بافت قدیمی شهر همدان با اقلیم سرد و کوهستانی تبیین و تحلیل شده است. هدف از انجام پژوهش حاضر ارزیابی الگوی پوشش گیاهی و الگوی هندسه فضاهای باز محلی بر آسایش حرارتی در فصل زمستان در این بافت شهری است. در این راستا، مرکز محله تاریخی در شهر همدان به عنوان بستر تحلیل پژوهش در نظر گرفته شده که با استفاده از نرم افزار Envi-met، شبیه‌سازی و با ورود داده‌های اقلیمی و فضایی، تحلیل‌های مورد نظر انجام شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که در نظر گرفتن الگوی پوشش گیاهی و الگوی هندسی فضاهای باز به طور توأمان نقش مهمی در آسایش حرارتی در این اقلیم دارد. علاوه بر این از میان متغیرهای محیطی آسایش حرارتی، سرعت باد بیشترین تأثیر را بر آسایش حرارتی در فصل زمستان داشته است. همچنین وجود پوشش‌های گیاهی برگ ریز ضمن آن که در تابستان با ایجاد سایه اندازه مناسب شرایط آسایش اقلیمی مناسبی را برای کاربران فراهم می‌نماید، در زمستان هم مانع تابش نور خورشید بر فضاهای باز گشته (ضمن آن که در این گونه اقلیم‌ها شاهد وزش بادهای سرد و کمبود رطوبت به خصوص در ایام زمستان هستیم)، وجود این نوع الگوها و درختان باعث جذب رطوبت از زمین و انعکاس آن به محیط‌های اطراف می‌گردد.

واژگان کلیدی: آسایش حرارتی، الگوی هندسی، پوشش گیاهی، فضاهای باز محلی، اقلیم سرد.

نکات برجسته

- محصوریت نسبی فضاهای باز عمومی محله‌های مسکونی در اقلیم سرد نقش موثری در آسایش حرارتی کاربران دارد.
- کاهش سرعت باد نقش اساسی در افزایش آسایش حرارتی اقلیم سرد و در فصل زمستان دارد.
- درختان برگ‌ریز در طول روز نور خورشید را جذب کرده و در ساعات عصر و شب آن را به محیط منعکس می‌کنند.

۱. مقدمه

تقریباً ۵۴ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری سکونت دارند و پیش بینی می‌شود که این میزان به دلیل مهاجرت جمعیت از مناطق روستایی به مناطق شهری تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۷۰ درصد برسد (Organization, 2019). این روند به معنی گسترش پیدا کردن شهرهاست که در صورت ادامه پیدا کردن منجر به اثرگذاری منفی بر خرد اقلیم شهرها می‌شود و با توسعه شهرها و تغییر ساختارها و تراکم‌های شهری همراه با غفلت از برنامه ریزی و طراحی فضاهای باز، کنترل خرد اقلیم و بهبود شرایط آسایش حرارتی با دشواری همراه خواهد شد (Barakat et al., 2017). خرد اقلیم شهری به طور کلی به علت تأثیرگذاری بر کیفیت هوای شهری از اهمیت زیادی برخوردار است (Oke, 1988). از آنجایی که فضاهای شهری به عنوان بخش قابل توجهی از شهر نقش مهمی در ایجاد خرد اقلیم شهری دارند، طراحان و برنامه ریزان شهری می‌توانند از طریق برنامه ریزی و طراحی مناسب باعث کاهش اثرات منفی اقلیمی بر سلامت شهروندان شوند (Johansson & Emmanuel, 2006).

در اقلیم‌های سردسیر به علت شرایط آسایشی خاص خود، مردم تنها چهار درصد از وقت خود را در فضاهای باز می‌گذرانند (Chapman et al., 2018). بنابراین پاسخ فیزیولوژیکی و حرارتی انسان به تغییرات گذرای محیط حرارتی در مناطق سردسیر قابل توجه است (Chen et al., 2019). با توجه به این که یکی از اهداف طراحی و برنامه ریزی شهری، جذاب کردن فضاهای باز عمومی برای استفاده‌کنندگان از فضا به عنوان مکانی برای تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های جمعی است، اگر فضاهای باز بیرونی از نظر حرارتی راحت باشند، زمان استفاده از این گونه فضاها بیشتر شده و کاربران می‌توانند فعالیت‌های خود را با آرامش و امنیت نسبی بیشتری انجام دهند (Lai et al., 2020; Peng et al., 2019). این پژوهش در پی مطالعه میزان اثرگذاری پوشش گیاهی و الگوی هندسه فضایی محلات شهری بر آسایش حرارتی در اقلیم سرد است. براین اساس، این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که برهمکنش دو عامل پوشش گیاهی و الگوی هندسی، چگونه و با چه سازوکاری برای ایجاد آسایش حرارتی در فضاهای باز محلی در اقلیم سرد اثرگذار خواهند بود؟

۲. چارچوب نظری

آسایش حرارتی به عنوان شرایط ذهنی، بیان‌کننده رضایت از محیط حرارتی که با ارزیابی ذهنی تعیین می‌شود، تعریف شده که شامل چهار مؤلفه محیطی دمای هوا، رطوبت نسبی، باد و میانگین دمای تابشی و پارامترهای شخصی مانند میزان فعالیت و لباس استفاده‌کنندگان است (ASHRAE, 2014). در مطالعات پیشین پژوهشگران به بررسی یک پارامتر محیطی (Szkordilisz, 2020; Bouketta & Bouchahm, 2016) یا چندین پارامتر با یکدیگر و اثرات آن پرداخته‌اند (Barakat et al., 2017; Chatzidimitriou & Yannas, 2015; Zölich et al., 2019). در این پژوهش هر چهار متغیر محیطی تشکیل دهنده آسایش حرارتی مورد بررسی قرار گرفته است. هندسه شهری معمولاً با پارامترهای زیر مشخص می‌شود: ضریب دید

به آسمان^۱، نسبت ارتفاع به عرض^۲ و جهت‌گیری فرم و فضای شهری (Lai et al., 2019). در نسبت ارتفاع به عرض (H/W)، در حالی که H ارتفاع ساختمان‌ها را نشان می‌دهد، W فاصله (عرض) بین آنها را نشان می‌دهد (Dursun & Yavas, 2015). طبق یافته‌های ششوا بار و هافمن، در نسبت ارتفاع به عرض اگر فاصله بین پهنای ساختمان‌ها زیاد باشد، می‌تواند باعث افزایش دمای هوا در روز شود (Shashua-Bar & Hoffman, 2003). علاوه بر این هنگامی که ضریب دید به آسمان بزرگ است یا به بیانی فرم شهری بازتر است، درجه دمای هوا نیز بالاتر است (Bourbia & Boucheriba, 2010). با این حال هر چه فرم شهری بازتر باشد، میزان ظهور باد هم بیشتر خواهد بود (Taleghani et al., 2015) که این مسئله باعث عدم احساس آسایش حرارتی در زمستان خواهد شد. به همین علت جهت‌گیری فرم شهری یکی از پارامترهای مهم تعیین‌کننده دسترسی خورشیدی و سرعت باد در فضاهای شهری است و از این رو در آسایش حرارتی مقیاس پیاده قابل توجه است (Shishegar, 2013).

بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان مشاهده کرد که پوشش گیاهی، میانگین دمای تابشی و به دنبال آن آسایش حرارتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Afshar et al., 2018). در مطالعات پیشین بیان شده است که گیاهان قادر به کاهش تأثیرات سرمازدگی باد در فصل زمستان و مانع از نسیم خنک در فصل تابستان هستند (Jamei et al., 2016). در بین عناصر مختلف منظر، درختان بیش از همه مورد توجه قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که شبیه سازی‌ها نشان داده است که منطقه‌ای با بودن درختان در مقایسه با یک منطقه باز و بدون درخت منجر به کاهش سرعت باد تا ۵۰ درصد می‌شود (Morakinyo et al., 2016; Szkordilisz & Zöld, 2016). توانایی پوشش گیاهی بر حرکت هوا و جابه‌جایی هوا تا حد زیادی به نوع پوشش گیاهی بستگی دارد. به عنوان مثال، یک درخت برگ ریز می‌تواند سرعت باد را ۳۰-۴۰ درصد کاهش دهد، حتی یک درخت برگ ریز بدون برگ در زمستان می‌تواند سرعت باد را بین ۵۰ تا ۹۰ درصد در مقایسه با یک منطقه باز کاهش دهد (Ali-Toudert & Mayer, 2007). در طول زمستان پوشش گیاهی باعث تعدیل اقلیم، ناهمواری یک سطح یا حجم برگ و چمن باعث از بین رفتن باد سرد، کاهش سرمای هوا و محافظت از ساقه و ریشه گیاهان می‌شود. توده حرارتی خاک نیز عامل مهمی است که ممکن است منجر به دمای بالاتر در شب شود (Taleghani et al., 2014). بر اساس مطالعه انجام شده در زمستان، درختان دچار افت تبخیر، تعرق و سایه زنی می‌شوند، به همین علت برگ درختان برگ ریز که در تابستان مانع برخورد اشعه خورشید به زمین می‌شوند، در زمستان که ریزش برگ دارند، باعث برخورد نور خورشید به زمین شده بنابراین زمین زیر درختان دچار افزایش دمای می‌شود و دمای هوا در منطقه سبز افزایش می‌یابد؛ بنابراین اختلاف دمای بین مناطق سبز و سخت کم می‌شود (Hamada & Ohta, 2010).

بهینه سازی فضاهای عمومی، نشانگر اقدامات خاصی است که تحت شرایط حرارتی مناسب برای بهبود شرایط ذهنی و روانی کاربران انجام می‌شود و آن را تا حد ممکن به رضایت کامل برای کاربران ارتقا

1 Sky View Factor (SVF)

2 Height to Weight ratio (H/W)

مانند ارتفاع ساختمان‌ها، مساحت بلوک‌های ساختمانی، فرم بلوک‌ها، نوع، تعداد و ارتفاع درختان در برداشت‌های میدانی، این اطلاعات به منظور شبیه‌سازی محیط حرارتی در نرم افزار وارد شده است. چهار پارامترهای اقلیمی تشکیل دهنده آسایش حرارتی (دمای هوا، سرعت باد، میانگین دمای تابشی و رطوبت نسبی) در این پژوهش در نظر گرفته شده که با استفاده از نرم افزار Envi-met در فصل زمستان اندازه گیری شده‌اند. در ادامه به منظور بررسی آسایش حرارتی در مقیاس عابر پیاده در مرکز هر فضای باز یک رستور قرار داده شده که در این نقطه پارامترهای طراحی فضا و تأثیر آن بر آسایش حرارتی زمستان بررسی شده است. مراحل زیر به تفصیل رسیدن به هدف پژوهش را نشان می‌دهد.

۳.۱. مطالعه موردی

برای رسیدن به هدف پژوهش، شهر همدان به عنوان یکی از شهرهای سردسیر ایران با تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های بسیار سرد و خشک انتخاب شده که در طول سال دما به طور معمول از ۲۴ درجه فارنهایت تا ۹۳ درجه فارنهایت تغییر می‌کند و به ندرت کمتر از ۱۵ درجه فارنهایت یا بالاتر از ۹۸ درجه فارنهایت است (Diebel, 2019). در همین راستا ابتدا نُه مرکز محله در شهر همدان به عنوان یک نمونه از فضاهای باز شهری انتخاب شده‌اند. دلیل اصلی انتخاب این محلات، هندسه متفاوت آنان با یکدیگر و همچنین میزان تنوع و پراکندگی پوشش گیاهی در این محلات بوده است که با توجه به هدف تحقیق حاضر، گونه‌شناسی مناسبی را به دست می‌دهد. همچنین، فاصله این مراکز از یکدیگر در حداکثر حالت ممکن برابر سه کیلومتر است که احتمال اثرگذاری تفاوت‌های متغیرهای خرده اقلیمی را بر آنها تا حد ممکن کاهش خواهد داد. این نُه سایت با توجه به فاکتورهایی همچون عدم تغییرات ساختاری در کلیت مرکز محله و در دسترس بودن اطلاعات انتخاب شده‌اند. نسبت ارتفاع به عرض محلات، جهت گیری بافت، درختان و پوشش گیاهی و سهم فضایی آنها از جمله مهمترین پارامترهای قابل اندازه گیری و ورودی نرم افزار است که به وسیله آنها میزان اثرگذاری هر کدام بر آسایش حرارتی محلات مورد بررسی قرار گرفته است. تصویر شماره ۱ موقعیت هر کدام از مراکز محلات را نشان می‌دهد.

۳.۲. گردآوری و تحلیل داده‌ها

به منظور شبیه‌سازی شرایط آسایش حرارتی، ابزارهای متفاوتی ارائه شده است. از جمله شناخته شده ترین ابزارها می‌توان به Biomet, Envi-met اشاره کرد. Envi-met یک مدل میکروکلیماتیکی سه بعدی است که به منظور بررسی اثرات خرداقلیمی ساختارهای شهری، آب و هوای داخلی و پراکندگی آلودگی، برای ارزیابی شرایط آسایش حرارتی در فضای باز در روزهای خاص و به ویژه تأثیر عناصر سبز بر پارامترهای مختلف هواشناسی تهیه شده است. پس از انجام فرآیند شبیه‌سازی، ابزار "Biomet" می‌تواند شاخص‌های آسایش حرارتی مختلفی را مانند شاخص جهانی آسایش حرارتی^۱ و دمای معادل فیزیولوژیکی^۲ محاسبه کند (Bruse, 2006).

می‌دهد (Zheng et al., 2018). فضاهای شهری تحت تأثیر عناصر مختلف طراحی می‌تواند باعث تغییرات در آسایش حرارتی استفاده کنندگان شود؛ به طور مثال پارامترهای مختلفی مانند الگوی هندسه فضایی، پوشش گیاهی، عناصر طبیعی و نوع مصالح در فضاهای باز می‌تواند باعث تغییر خرداقلیم در این فضاها شود (Bourbia & Boucheriba, 2010; Chatzidimitriou & Yannas, 2015). در این میان برخی محققان به تأثیر آب بر آسایش حرارتی پرداخته‌اند (Al-Hemiddi & Al-Saud, 2001; Robitu et al., 2006). در پژوهشی دیگر تأثیر مصالح و سطوح شهری بر آسایش حرارتی بررسی شده است (Chatzidimitriou & Yannas, 2015; Rosso et al., 2018). برخی دیگر به تأثیر پوشش گیاهی و درختان مانند دیوار و بام سبز، پارک‌های شهری، بوته‌ها و چمن پرداخته‌اند (Hamada & Ohta, 2010; Lobaccaro & Acero, 2019; Morakinyo et al., 2016; Zölch et al., 2015). در پژوهشی دیگر تأثیر مورفولوژی و هندسه شهری بر پارامترهای آسایش حرارتی نیز توسط برخی دیگر بررسی شده است (Bouketta & Bouchahm, 2015; Taleghani et al., 2013; Shishegar, 2020). عده‌ای هم به بررسی توأمان چند پارامتر محیطی آسایش حرارتی در ترکیب با یکدیگر پرداخته‌اند (Barakat et al., 2017; Chatzidimitriou & Yannas, 2016; Taleghani et al., 2014).

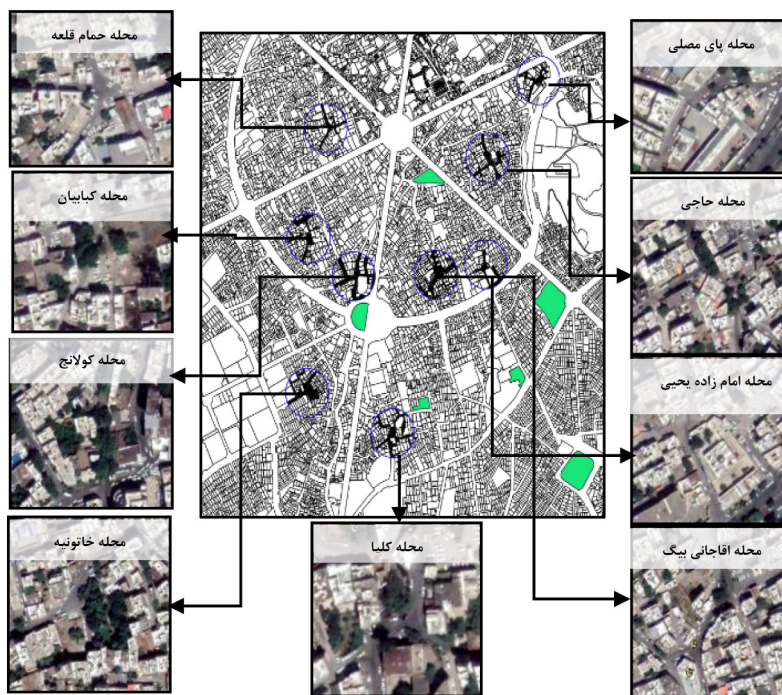
بررسی‌های انجام شده همچنین نشان می‌دهد که پوشش گیاهی و الگوی هندسی، بیشترین تأثیر را از بین پارامترهای طراحی شهری در مقیاس خرد بر آسایش محیطی در فضاهای باز عمومی و شهری دارند. این موضوع را می‌توان در مقاله مروری لای و همکاران که بعد از بررسی راهبردهای طراحی شهری و مقایسه تأثیرات آن بر آسایش حرارتی در فضاهای باز بر یکدیگر پرداخته‌اند، مشاهده کرد. آنها معتقدند که هندسه فضایی و پوشش گیاهی تأثیر بیشتری بر تغییر آسایش حرارتی و دمای معادل فیزیولوژیکی داشته‌اند (Lai et al., 2019). در پژوهش‌های دیگری نیز به این نکته اشاره شده است که در میان پارامترهای طراحی شهری، الگوی هندسی، فرم و همچنین پوشش گیاهی در مقیاس فضاهای خرد شهری، تأثیر بسزایی بر آسایش حرارتی استفاده کنندگان داشته است (Ali-Toudert & Mayer, 2006; Dursun & Yavas, 2015; Oke, 1981; Jamei et al., 2016; Lin et al., 2017). این عناصر ممکن است نقش مهمی در تعادل آسایش حرارتی شهری در زمستان هم داشته باشند. هرچند که تأثیر مؤلفه‌های پوشش گیاهی و الگوهای هندسی فضاهای باز عمومی در تعادل بخشی به آسایش حرارتی در زمستان هر یک به طور جداگانه در پژوهش‌هایی هر چند اندک مورد توجه قرار گرفته است (Bourbia & Boucheriba, 2010; Jim, 2014; Taleghani et al., 2014). بنابراین بررسی و تحلیل توأمان الگوی پوشش گیاهی و درختان و نیز پارامترهای هندسی فضا در فصل زمستان و اقلیم سرد چندان بررسی نشده و این مقاله به دنبال تحلیل این مسئله است.

۳. روش پژوهش

برای دستیابی به هدف پژوهش در این بخش برای شبیه‌سازی وضعیت موجود و مقایسه آسایش حرارتی هر یک از فضاهای باز از نرم افزار Envi-met استفاده شده است. در ابتدا بعد از استخراج پارامترهای طراحی شهری سایت‌های انتخابی (مراکز محلات به عنوان فضاهای باز شهری)

1 Universal Thermal Climate Index (UTCI)

2 Physiological Equivalent Temperature (PET)



تصویر شماره ۱: موقعیت مراکز محلات

(جدول شماره ۲). نُه مرکز محله انتخابی با جهت گیری های متفاوت و ارتفاع های وارد شده متناسب با داده های وضع موجود که از طریق برداشت های میدانی و مطالعات کتابخانه ای استخراج گردیده، وارد نرم افزار شده است. جدول شماره ۱ داده های ورودی نرم افزار را نشان می دهد. مصالح بافت به منظور یکسان کردن تأثیرات برآسایش حرارتی در همه محلات یکی در نظر گرفته شده است.

داده های آب و هوایی وارد شده به نرم افزار بر اساس داده های آب و هوایی پنجاه ساله انرژی پلاس همدان انتخاب شده و با نرم افزار Weather tool مورد بررسی قرار گرفته و خروجی ساعتی گرفته شده است؛ که برای تاریخ یک دی ماه (۲۲ دسامبر)، به عنوان یکی از سردترین روزهای زمستان، وارد نرم افزار Envi-met شده است. سایت های مورد نظر در یک گرید ۹۰x۹۰x۳۰ ساخته شده است (z,y,x) که در این شبکه اندازه واحد ۲،y متر و اندازه واحد ۱z و x متر در نظر گرفته شده است

جدول شماره ۱: داده های ورودی مدل سازی مراکز محله نمونه

ردیف	مرکز محله	مساحت مرکز محله	جهت گیری	مساحت فضای سبز	تعداد درختان موجود	تعداد طبقات پیرامون مرکز محله	مصالح	نام درخت	ارتفاع
۱	امام زاده یحیی	۷۴۱	شمال شرق - جنوب غرب	-	۲	۵-۱ طبقه	خاک آسفالت اجر	افرا	۶
۲	بای مصلی	۸۱۰	شمال شرق - جنوب غرب	۱۵	۴	۵-۱ طبقه	خاک آسفالت اجر	زبان گنجشک	۶ متر
۳	حمام قلعه	۸۱۳	شمال - جنوب	-	۲	۵-۱ طبقه ساختمان های اطراف مرکز محله ۱ تا دو طبقه است	خاک آسفالت اجر	زبان گنجشک	
۴	کلپا	۱۲۴۰	شمال - جنوب	۱۹۸	۱۳	۶-۱ طبقه	خاک آسفالت اجر	چنار- افاقیا- توت- سپیدار- زبان گنجشک	توت ۱۳ ۲-۵-۶-۸-۲,۵
۵	کلبیان	۱۲۲۰	شمال - جنوب	۱۴۰	۹	۵-۱ طبقه	خاک آسفالت اجر	زبان گنجشک	۱۲
۶	حاجی	۱۴۳۷	شمال غرب - جنوب شرق	۱۹۰	۹	۵-۱ طبقه ساختمان های پیرامون مرکز محله دو تا سه طبقه هستند	خاک آسفالت اجر	زبان گنجشک افاقیا	۹
۷	کولانچ	۱۹۷۱	شمال - جنوب	۱۰۰	۱۹	۷-۱ طبقه	خاک آسفالت اجر	چنار	۱۲
۸	آقاجانی	۳۰۷۵	شمال غرب - جنوب شرق	۱۰۰	۲	۷-۱ طبقه	خاک آسفالت اجر	زبان گنجشک	۶
۹	خانونیه	۳۴۹۰	شمال غرب - جنوب شرق	۱۴۶۰	۴۹	۷-۲ طبقه	خاک آسفالت اجر	سرو + افرا	۲-۱۲-۵

شبیه سازی ۲۴ ساعت انجام شده پس از اجرای مدل سازی، خروجی های مدل اقلیمی توسط نرم افزار Envi-met برای دو مقطع زمانی صبح (ساعت ۹:۰۰) و بعدازظهر (ساعت ۱۷:۰۰) در تاریخ یک دی ماه محاسبه و داده های عددی به وسیله نرم افزار Excel خروجی گرفته شده و سپس برای نمایش گرافیکی، با توجه به خروجی ها و به کمک نرم افزار Leonardo قابل استخراج گردیده اند. سرعت باد در این آنالیز ۳/۵ متر بر ثانیه، میزان ابرناکی هوا ۴ اوکتناس در نظر گرفته شده است. جدول شماره ۲ روز شبیه سازی، ساعت و داده های اقلیمی ورودی نرم افزار را بیان می کند.

جدول شماره ۲: داده های اقلیمی ورودی نرم افزار

۲۳م و ۲۴م دسامبر ۲۰۱۹	روز شبیه سازی
۶ بعدازظهر	ساعت شروع
۲۴ ساعت	مدت شبیه سازی
پیشرفته	سطح انتخابی
استاندارد	نیروی وارده
۳٫۵	سرعت باد
۲۵۰	طول ناهمواری
۰٫۰۱	فواصل خروجی
۶۰	رستپور و ساختمان (دقیقه)
۶۰	همه فایل های دیگر (دقیقه)
۹۰،۹۰،۳۰	تعداد شبکه ها X، Y، Z
۱ متر) به ۵ زیر سلول تقسیم می شود (dz)	x و y اندازه خانه های شبکه
۰	تعداد شبکه های تودرتو
دیوار آجری (هوادهی)	مصالح دیوار
عایق متوسط دیوار	مصالح سقف
۴	پوشش ابرهای کم (octas)
۳	پوشش ابرها متوسط (octas)
۱	پوشش ابرها بالا (octas)

شاخصی که تعادل گرمایی بدن انسان را در نظر می گیرد، در این پژوهش استفاده شده است. مزیت اصلی دمای معادل فیزیولوژیکی نسبت به سایر شاخص ها به دلیل ارائه آن بر حسب سلسیوس است و می توان به صورت روزانه و حتی ساعتی مورد ارزیابی قرار داد (Matzarakis et al., 2000). از سویی دیگر در سنجش آسایش حرارتی بیرونی مورد استفاده، مطالعات بسیار زیادی انجام شده است. شاخص دمای معادل فیزیولوژیکی بر مبنای مدل تعادل انرژی مطرح می شود. تمامی خروجی ها در سطح عابران پیاده در ارتفاع ۱/۵ گرفته شده است.

محاسبات دمای معادل فیزیولوژیکی از طریق نرم افزار Biomet به طور پیش فرض برای یک مرد ۳۵ ساله معمولی ۱/۷۵ قد و ۷۵ کیلوگرم انجام شده و میزان متابولیک آن ۸۰ وات یا ۳/۲ مت است (هنگامی که یک فرد عادی با سرعت ۱٫۲ متر بر ثانیه حرکت می کند، سطح فعالیت ۸۰ وات پدید می آید). دمای معادل فیزیولوژیکی، احساس حرارتی و درجه استرس فیزیولوژیکی بدن و همچنین داده های پیش فرض ورودی نرم افزار شاخص آسایش حرارتی را می توان به ترتیب در جدول های شماره ۴ و ۵ مشاهده کرد.

جدول شماره ۴: دمای معادل فیزیولوژیکی، احساس حرارتی و درجه استرس فیزیولوژیکی بدن

درجه دمای معادل فیزیولوژیکی	میزان احساس حرارتی	درجه استرس فیزیولوژیکی
کمتر از ۴	خیلی سرد	استرس سرمای زیاد
۴-۸	سرد	استرس سرمای قوی
۸-۱۳	سرد	استرس سرمای معتدل
۱۳-۱۸	کمی سرد	استرس سرمایی کم
۱۸-۲۳	آسایش	عدم وجود استرس حرارتی
۲۳-۲۹	کمی گرم	استرس گرمای ملایم
۲۹-۳۵	گرم	استرس گرمایی متوسط
۳۵-۴۱	داغ	استرس گرمایی قوی
بیشتر از ۴۱	بسیار داغ	استرس گرمایی شدید

ماخذ: (Matzarakis et al., 2000)

جدول شماره ۵: داده های پیش فرض ورودی نرم افزار شاخص آسایش حرارتی دمای معادل فیزیولوژیکی

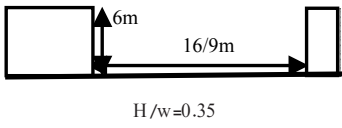
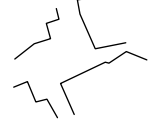


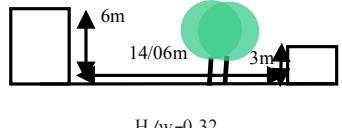



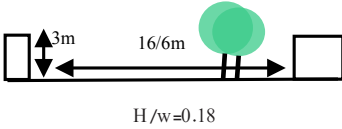
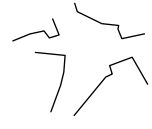
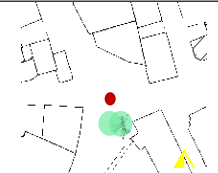

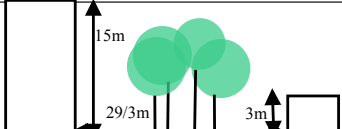


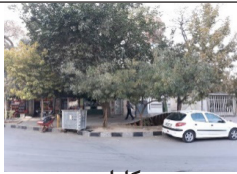
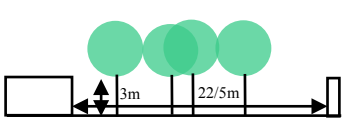
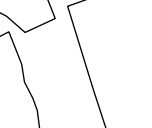


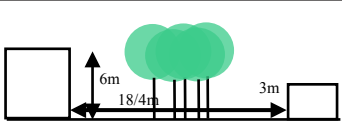




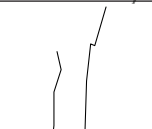


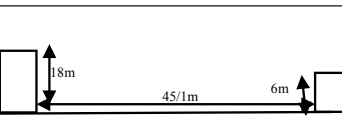
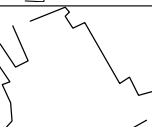
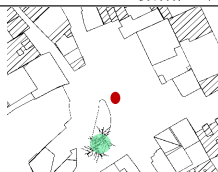

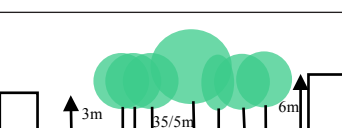
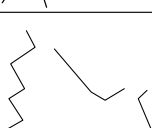
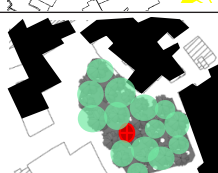
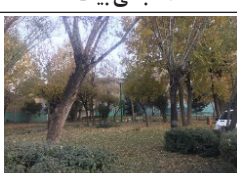
تنظیمات محاسبه PET	
۱/۲۱ متر بر ثانیه	سرعت (آرام راه رفتن)
۲/۳	متابولیک (MET)
۰/۵	میزان پوشش (clo)
مرد	جنسیت
۳۵	سن
۱/۷۵ متر	قد
۷۵ کیلوگرم	وزن

ماخذ: (Matzarakis et al., 2000)

به منظور یکسان سازی شرایط محیطی در تمامی مراکز محلات، به هنگام آنالیز، نقطه مرکزی در وسط مراکز محلات انتخاب شده است. در نقطه انتخابی، "ضرایب دید آسمان" از طریق شبیه سازی به دست آمده است. برای هندسه های فرضی، مقادیر ضریب دید به آسمان را می توان از نرم افزار شبیه سازی به دست آورد (Chen et al., 2009). این میزان از ۰/۲۱ در محصورترین محور (مرکز محله کلیا) تا ۰/۸۱ در گسترده ترین فضا (مرکز محله آقا جانی) را در بر می گیرد. جدول شماره ۳ موقعیت هر رستپور و ارتباط آن با پارامترهای طراحی فضا را نشان می دهد.

برای ارزیابی دقیق تر از تأثیرات عناصر هندسه شهری و پوشش گیاهی بر فاکتورهای آسایش حرارتی مانند باد، رطوبت، دما و دمای تابشی، رستپور (نقطه در نظر گرفته شده برای راحتی حرارتی) در مرکز هر محله و در ارتفاع (۱/۵ متری) قرار داده شده است. در کنار داده های هوا شناسی شاخص دمای معادل فیزیولوژیکی برای ارزیابی آسایش انسان در نظر گرفته شده است. شاخص دمای معادل فیزیولوژیکی به عنوان

جدول شماره ۳: پارامترهای طراحی مراکز محلات

SVF	جهت گیری	H/W	شکل هندسی	موقعیت رسیطور	تام مرکز محله
۰٫۶۸	شمال شرق - جنوب غرب	 H/w=0.35			 امام زاده یحیی
۰٫۷۱	شمال شرق - جنوب غرب	 H/w=0.32			 پای مصلی
۰٫۶۷	شمال - جنوب	 H/w=0.18			 حمام قل-امام زاده یحیی
۰٫۲۱	شمال - جنوب	 H/w=0.3			 کلیا
۰٫۵۴	شمال غرب - جنوب شرق	 H/w=0.13			 کبایان
۰٫۳۴	شمال غرب - جنوب شرق	 H/w=0.25			 حاجی
۰٫۵۸	شمال - جنوب	 H/w=0.68			 کولانج
۰٫۸۱	شمال غرب - جنوب شرق	 H/w=0.25			 آفجانی بیگ
۰٫۳۴	شمال غرب - جنوب شرق	 H/w=0.13			 خاتونیه

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش بعد از شبیه سازی در نرم افزار Envi-met در قالب گراف و نمودار در چهار متغیر محیطی آسایش حرارتی و شاخص دمای معادل فیزیولوژیک به شرح زیر ارائه شده است. سپس ترکیب پارامترهای طراحی و میزان اثرگذاری آنها بر شاخص آسایش حرارتی با مقایسه طراحی متفاوت هر مرکز محله بیان شده است.

۴.۱. میانگین دمای تابشی

از آنجایی که دمای تابشی مستقیماً تحت تأثیر خورشید است، در ساعت ۵ بعد از ظهر که دیگر تابش خورشید نداریم، رنج دمای تابشی از صفر تا دو درجه است؛ در حالی که در ساعت ۹ صبح رنج آن از ۳ تا ۹ درجه سانتیگراد است. علاوه بر این با مشاهده گراف‌های ساعت ۵ بعد از ظهر می‌توان تفاوت میانگین دمای تابشی را در مراکز که دارای پوشش گیاهی هستند، مشاهده کرد. مرکز محله کولانچ در مقایسه با معبرموازی با خود دارای میانگین دمای تابشی بالاتری است اما معبر کناری با همان جهت گیری میانگین دمای تابشی کمی دارد. علت این امر وجود پوشش گیاهی در مرکز محله کولانچ است که در ساعت ۵ بعد از ظهر در محیط وجود دارد. در محله کبابیان نیز صحت این موضوع مشخص است. در ساعت ۹ مرکز محله کبابیان و زمین خالی در قسمت شرق آن دارای میانگین دمای تابشی یکسانی هستند اما در ساعت ۵ که دیگر تابش خورشید نیست، مشاهده می‌شود که در مرکز محله به علت وجود درختان همچنان دمای تابشی داریم، در حالی که در زمین خالی مجاور به علت نبود درخت دمای تابشی کاهش یافته است.

۴.۲. دمای هوا

با توجه به این که زمان آنالیز در زمستان انجام شده و همچنین باتوجه به میزان ابرناکی هوای موجود، میزان دامنه تغییرات دمایی در ساعت ۹ صبح زیاد نبوده و تغییرات دما از ۲ درجه سانتیگراد و ۴ درجه تغییر کرده است. در ساعت پنج بعد از ظهر به علت این که در طول روز نور خورشید به فضاها تابیده شده، به صورت کلی نسبت به رنج دمایی ۹ صبح دمای بالاتری را مشاهده می‌کنیم. در مراکز محلات شاهد تفاوت دمایی در نقاطی که دارای پوشش گیاهی هستند و مراکز محلاتی مانند امام زاده یحیی و حمام قلعه که این ویژگی را ندارند، هستیم؛ که به علت نداشتن پوشش گیاهی این مناطق دمای بیشتری دارند. اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که نوع درختان موجود در سایت‌ها از نوع برگ ریز بوده، همان طور که مطالعات پیشین بیان کرده‌اند، درختان برگ ریز باعث عبور اشعه خورشید و برخورد آن به زمین می‌شوند (Hamada & Ohta, 2010; Van Esch et al., 2012). به همین علت نمی‌توان تفاوت‌های دمایی زیادی را در مراکز محلاتی که فضای سبز دارند و مراکز که فضای سبز ندارند، مشاهده کرد. نکته قابل توجه در محله کولانچ اینست که در ابتدای محله، دمای هوا زیاد است اما در بخش انتهایی محله به علت چرخش معبر دسترسی خورشیدی از سمت جنوب کاهش یافته و دمای هوا پایین‌تر است. محلات کلیا، حاجی و کبابیان به علت مساحت نزدیک به هم و وجود فضای سبز مرکزی در آنها عملکرد دمایی یکسان است.

۴.۳. رطوبت نسبی

میزان رطوبت نسبی در ساعت ۹ صبح در محلات بیشتر بوده و از ۵۵ درصد تا ۶۰ درصد متغیر است. در حالی که رنج تغییرات رطوبت نسبی در ساعت ۵ بعد از ظهر کم‌تر از ۵۰ درصد تا ۵۳ درصد است. به طور کلی رطوبت فاکتور کلان مقیاسی است که در مقیاس خرد اقلیم و با هندسه شهری رابطه کمتری دارد و بیشتر تحت تأثیر پوشش گیاهی است. کمترین رطوبت نسبی در ساعت ۵ بعد از ظهر متعلق به مراکز محلات کولانچ و مصلی است؛ علت آن متراکم بودن فضای مرکز محله کولانچ نسبت به سایر مراکز است. در مرکز محله امام زاده یحیی شاهد رطوبت نسبی کمتری هستیم، زیرا در این مرکز محله پوشش گیاهی وجود ندارد و عامل رطوبت هم تحت تأثیر پوشش گیاهی قرار دارد.

۴.۴. سرعت باد

تأثیر درختان در کاهش جریان باد نسبت به ساختمان‌های صلب متفاوت است. در حالی که ساختمان‌ها اختلاف فشار زیادی بین جهت‌های مقابل و مخالف به باد ایجاد می‌کنند، اختلاف فشار ایجاد شده توسط درختان به دلیل ماهیت متخلخل آنها بسیار کمتر است. در نتیجه در حالی که درختان تأثیر کمتری بر سرعت باد می‌گذارند، در پیرامون لبه‌ها و سقف ساختمان‌ها باد سرعت بیشتری دارد. همان طور که در گراف‌ها می‌توان مشاهده کرد، میزان سرعت باد در محوطه‌های باز مانند مراکز محلات آقاجانی بیگ، خاتونیه و کبابیان نسبت به فضای متراکم مرکز محله حاجی و کولانچ بیشتر است. علاوه بر این جهت گیری شمالی جنوبی محله کولانچ که عمود بر جهت باد غالب زمستانی همدان است، از سمت غرب می‌وزد؛ که این امر خود باعث کاهش سرعت باد در این محدوده می‌شود. در محله کبابیان شاهد سرعت بالای باد در وسط مرکز محله هستیم. به علت تناسب عرضی مرکز محله، ارتفاع ساختمان‌های سمت غرب آن که در جهت باد سرد زمستان هستند، یک طبقه است. بنابراین از نفوذ باد به درون مرکز محله جلوگیری نمی‌کند.

۴.۵. آسایش حرارتی رسپتور مرکزی (شاخص PET)

همان طور که از مقایسه نمودارهای نقطه مرکزی مشخص است، می‌توان گفت از میان پارامترهای تشکیل دهنده آسایش حرارتی، میزان تغییرات سرعت باد بسیار بیشتر از میانگین دمای تابشی، دمای هوا و رطوبت نسبی بوده است و همین امر منجر به تفاوت در میزان آسایش حرارتی نقطه مرکزی شده است. با توجه به نمودار شماره ۱ آسایش حرارتی خروجی از نرم افزار که مقایسه میزان آسایش محلات با یکدیگر را در نقاط مرکزی هر سایت نشان می‌دهد، محلات کلیا و کولانچ از شرایط مطلوب‌تری به علت بالاتر بودن مقدار شاخص دمای معادل فیزیولوژیکی برخوردارند. جدول شماره ۶ اعداد دقیق آسایش حرارتی هر محله را که با نرم افزار اکسل گرفته شده، نشان می‌دهد. علاوه بر این رنج تغییرات آسایش حرارتی در سطح دو بعدی مراکز محلات نشان داده شده است.

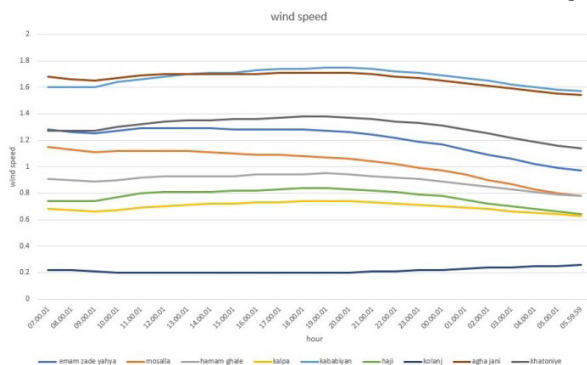


نمودار شماره ۱: مقایسه آسایش حرارتی ۹ مرکز محله در رستپور مرکزی (محدوده آسایش با رنگ نشان داده شده است)

جدول شماره ۶: رتبه بندی محلات از لحاظ آسایش حرارتی ساعت ۵ بعد از ظهر و ۹ صبح

رتبه	رستپور مرکزی	میزان شاخص PET در ساعت ۵ بعد از ظهر	رتبه	رستپور مرکزی	میزان شاخص (PET) در ساعت ۹ صبح
۱	کولانچ	۹۲/۷	۱	کولانچ	۳۱/۸
۲	کلپا	۹۳/۵	۲	کلپا	۷۳/۵
۳	حاجی	۳۱/۵	۳	حاجی	۳۲/۵
۴	حمام قلعه	۸۷/۴	۴	حمام قلعه	۴۲/۴
۵	خاتونیه	۴۶/۴	۵	خاتونیه	۹۹/۳
۶	امام زاده یحیی	۴۵/۴	۶	امام زاده یحیی	۶۳/۳
۷	آقاجانی بیگ	۹۱/۳	۷	پای مصلی	۲۵/۳
۸	کبابیان	۸۷/۳	۸	کبابیان	۱۴/۳
۹	پای مصلی	۳/۲۸	۹	آقاجانی بیگ	۲/۹۷

است که این امر باعث جلوگیری از نفوذ باد سرد زمستانی در این نقطه از محلات شده و به عنوان یک بادشکن نقش محافظت از استفاده کنندگان در برابر باد زمستانه را دارد. به طور کلی نسبت ارتفاع به عرض کمتر از یک، مناسب فصل زمستان و اقلیم سرد است اما اگر این مقدار از حدی کمتر باشد، باعث عدم آسایش عابر پیاده در برابر باد می شود؛ مانند محله کبابیان که نسبت ارتفاع به عرض نقطه مرکزی آن ۰٫۱۳ است و همان طور که در نمودار مقایسه آسایش حرارتی مشخص است، این محله دارای شاخص آسایش حرارتی کمی بوده و لازم است تمهیداتی در جهت محافظت در برابر باد و طوفان زمستانه در نظر گرفته شود.



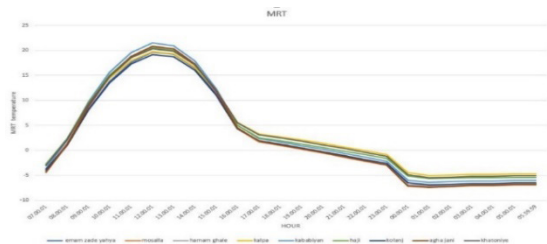
نمودار شماره ۲: مقایسه تغییرات باد مرکز محلات در نقاط مرکزی

۵. بحث

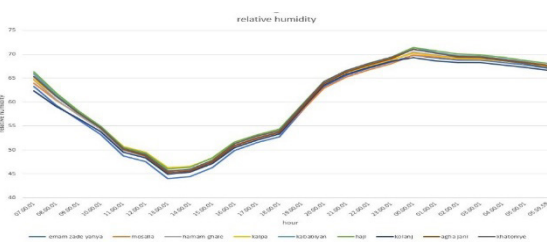
با توجه به وضع موجود محلات، جهت گیری هر دو محله کلپا و کولانچ یکسان و به صورت جهت گیری شمالی جنوبی است. این نوع از جهت گیری در زمستان از دسترسی نور خورشید بالایی برخوردار است. در حالی که در فصل زمستان مناسب ترین جهت گیری، عمود بر وزش باد غالب زمستانی است (DeKay & Brown, 2013; Dursun & Yavas, 2015). همان طور که پژوهشی نشان داده شده، بهترین نتایج در زمستان در خیابان های در معرض تابش خورشید و محافظت از باد اتفاق می افتد؛ بدین صورت که راحت ترین شرایط در یک فضای باز شهری جهت گیری عمود بر باد غالب نشان داده شده است (Chatzidimitriou & Yannas, 2016). در اینجا هم هر دو محله در جهت عمود بر باد زمستان همدان هستند که از سمت غرب جریان دارد. این امر می توان با توجه به نمودار مقایسه سرعت باد مشاهده کرد که کمترین سرعت باد مربوط به محلات کولانچ و کلپاست.

نسبت ارتفاع به عرض در رستپور مرکزی محله کولانچ ۰٫۶ و در محله کلپا ۰٫۳ است که نسبت به محلات دیگر از محصوریت بالاتری برخوردار است. درست است که طبق یافته های ششوا-بار و هافمن، فاصله بین پهنای ساختمان ها می تواند باعث شود دمای هوا در روز افزایش یابد (Shashua-Bar & Hoffman, 2003). اما با توجه به نمودار شماره ۲، با میزان ابرناکی و نور خورشید در این روز، اثرگذاری باد بر آسایش حرارتی بیشتر بوده است. در هر دو نقطه، ارتفاع ساختمان سمت غرب بیشتر

تأثیر خنک کنندگی پوشش گیاهی در زمستان به علت کاهش سطح برگ و تبخیر کم است. درختان سرعت باد در زمستان را کاهش می دهند (Andreou & Axarli, 2012; Jamei et al., 2016). پوشش گیاهی در هر ۹ سایت از نوع درختان برگ ریز است که در زمستان مانع از تابش خورشید نمی شود بلکه می تواند باعث جلوگیری از وزش باد سرد زمستانه از سمت غرب شود. با توجه به گراف های پوشش گیاهی، وجود پوشش گیاهی در مراکز محلات باعث افزایش میانگین دمای تابشی در ساعت ۵ بعد از ظهر شده است؛ زیرا درختان در طول روز نور خورشید را جذب کرده و در بعد از ظهر به محیط پس می دهند. علاوه بر این پوشش گیاهی متراکم باعث کاهش ضریب دید به آسمان شده است. با مشاهده نمودار شماره ۵ که بیانگر مقایسه تغییرات میانگین دمای تابشی نقاط مرکزی محلات است هم می توان دید، محلاتی که دارای فضای سبز هستند، دارای میانگین دمای تابشی بالاتری هستند. همچنین براساس نمودار شماره ۶ می توان دید وجود درختان باعث افزایش رطوبت محیط شده است. با توجه به هوای خشک همدان در زمستان وجود پوشش گیاهی به منظور بهبود آسایش لازم است. به طور کلی می توان نتیجه گرفت، هر دو عامل پوشش گیاهی از نوع گونه برگ ریز، هندسه شهری و پارامترهای آن مانند محصوریت نسبی که با نسبت ارتفاع به عرض تعیین می شود، ضریب دید به آسمان کم و جهت گیری شمالی جنوبی می تواند در افزایش میزان آسایش حرارتی در اقلیم سرد و محافظت از باد زمستانه اثرگذار باشد.



نمودار شماره ۵: مقایسه تغییرات میانگین دمای تابشی نقاط مرکزی



نمودار شماره ۶: مقایسه تغییرات رطوبت نسبی مرکز محلات در نقاط مرکزی

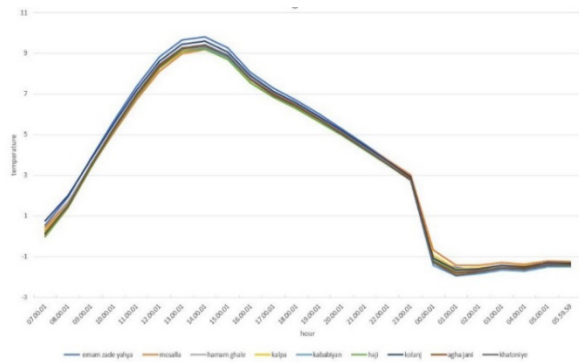
۶. نتیجه گیری

در مطالعات اخیر، آسایش حرارتی به عنوان کیفیتی مهم به منظور حضور مطلوب انسان در فضاهای زیستی، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. شهر همدان با اقلیم سرد و کوهستانی همواره در نیمه دوم سال با کاهش حضورپذیری شهروندان در فضاهای عمومی روبه رو است. در این میان، مراکز محلات تاریخی شهر همدان (چمن ها)، به عنوان یکی از مهم ترین فضاهای عمومی، همواره محلی برای تأمین نیازهای ساکنان و تعاملات اجتماعی ساکنان محلات بوده و حضورپذیری

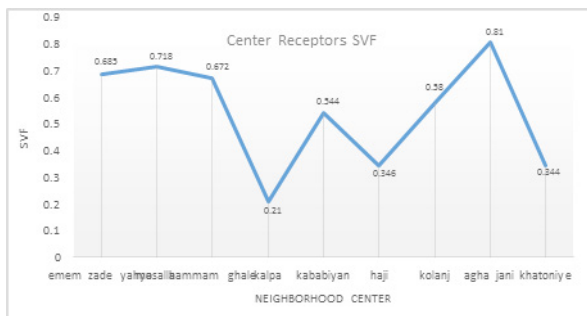
ضریب دید به آسمان در نقاط مرکزی از طریق شبیه سازی در نرم افزار محاسبه شده اند. براساس جدول شماره ۷، کمترین میزان ضریب دید به آسمان متعلق به مرکز محله کلیاست؛ یعنی این نقطه پوشش بیشتری نسبت به آسمان دارد. بیشترین ضریب دید به آسمان متعلق به مرکز محله آقاچانی است. ضریب دید به آسمان ارتباط مستقیمی با نسبت ارتفاع به عرض و وجود درختان دارد. همان طور که در جدول شماره ۷ مشخص است، رسپتور های محلات حاجی، کلیا و خاتونیه که در زیر درختان در نظر گرفته شده، دارای میزان کمتری است. با توجه به نمودار شماره ۳ مقایسه دمای هوای نقاط اختلاف کمی دارد. این بدین معنی است که درختان برگ ریز در محلات، مانع از تابش خورشید در زمستان نشده اند. اما براساس نمودار شماره ۴، با توجه به کم بودن ضریب دید به آسمان در محلات کولانج و کلیا که دارای آسایش حرارتی بالاتری بودند، می توان این را بیان کرد که محصوریت نسبی فرم در اقلیم سرد به آسایش استفاده کنندگان کمک خواهد کرد.

جدول شماره ۷: میزان شاخص دید به آسمان نقاط مرکزی محلات با درخت و بدون درخت

رسپتور مرکزی	ضریب دید به آسمان با درخت	ضریب دید به آسمان بدون درخت
کولانج	۰٫۵۸	۰٫۶۷۷
کلیا	۰٫۲۱	۰٫۷۴۳
حاجی	۰٫۳۴۶	۰٫۷۹
حمام قلعه	۰٫۶۷۲	۰٫۷۹
خاتونیه	۰٫۳۴۴	۰٫۷۸
امام زاده یحیی	۰٫۶۵۸	۰٫۶۵۸
آقاچانی بیگ	۰٫۸۱	۰٫۸۱۸
کبابیان	۰٫۵۴۴	۰٫۸۲۸
پای مصلی	۰٫۷۱۸	۰٫۷۸۳



نمودار شماره ۳: مقایسه تغییرات دمای هوا مرکز محلات در نقاط مرکزی



نمودار شماره ۴: مقایسه میزان ضریب دید به آسمان در رسپتور مرکزی

- canyon microclimate in traditional and contemporary environment. Experimental investigation and parametric analysis. *Renewable Energy*, 43, 354-363.
- Barakat, A., Ayad, H., & El-Sayed, Z. (2017). Urban design in favor of human thermal comfort for hot arid climate using advanced simulation methods. *Alexandria Engineering Journal*, 56(4), 533-543.
 - Bouketta, S., & Bouchahm, Y. (2020). Numerical evaluation of urban geometry's control of wind movements in outdoor spaces during winter period. Case of Mediterranean climate. *Renewable Energy*, 146, 1062-1069.
 - Bourbia, F., & Boucheriba, F. (2010). Impact of street design on urban microclimate for semi arid climate (Constantine). *Renewable Energy*, 35(2), 343-347.
 - Chapman, D., Nilsson, K., Rizzo, A., & Larsson, A. (2018). Updating winter: The importance of climate-sensitive urban design for winter settlements. *Arctic yearbook*.
 - Chatzidimitriou, A., & Yannas, S. (2015). Microclimate development in open urban spaces: The influence of form and materials. *Energy and Buildings*, 108, 156-174.
 - Chatzidimitriou, A., & Yannas, S. (2016). Microclimate design for open spaces: Ranking urban design effects on pedestrian thermal comfort in summer. *Sustainable Cities and Society*, 26, 27-47.
 - Chen, L., Ng, E., An, X., Ren, C., & Lee, M. (2009). Sky view factor analysis of street canyons and its implication for urban heat Island Intensity. *Proceedings of PLEA 2009 26th Conference on passive and low energy architecture*,
 - Chen, X., Xue, P., Gao, L., Du, J., & Liu, J. (2019). Physiological and thermal response to real-life transient conditions during winter in severe cold area. *Building and environment*, 157, 284-296.
 - DeKay, M., & Brown, G. (2013). *Sun, wind, and light: architectural design strategies*. John Wiley & Sons.
 - Diebel, J. (2019). Weatherspark.com. <https://weatherspark.com/y/104612/Average-Weather-in-Hamad%C4%81n-Iran-Year-Round>
 - Dursun, D., & Yavas, M. (2015). Climate-sensitive urban design in cold climate zone: the City of Erzurum, Turkey. *International Review for Spatial Planning and Sustainable Development*, 3(1), 17-38.
 - Hamada, S., & Ohta, T. (2010). Seasonal variations in the cooling effect of urban green areas on surrounding
- بالایی داشته اند. در این پژوهش با استفاده از مفهوم آسایش حرارتی و متغیرهای مرتبط، نسبت به تحلیل و بررسی ویژگی‌های آسایش حرارتی در نُه مرکز محله همدان به عنوان نمونه اقدام گردیده است. در این راستا، با استفاده از دو مؤلفه اساسی هندسه فضایی و پوشش گیاهی و تأثیر آنها بر پارامترهای اقلیمی (باد، رطوبت، دما و دمای تابشی) در نمونه‌های مورد مطالعه، مشخص گردید که عامل باد نسبت به سایر عوامل اقلیمی نقش بیشتری از نظر آسایش اقلیمی در مناطق سرد و خشک ایفا می‌نماید؛ یعنی محلاتی که از نسبت ارتفاع به عرض بیشتری برخوردار بوده، از شدت جریان باد نامطلوب و سرد و سوزان بیشتر در امان بوده و دارای آسایش اقلیمی و حرارتی بهتری به خصوص در ایام سرد است. عامل دیگر که نقش مهمی در آسایش اقلیمی در فضاهای باز عمومی در مناطق سرد و خشک ایفا می‌کند، پوشش گیاهی است. استفاده از درختان برگ ریز به طور خاص، ضمن آن که در تابستان، کاربران را در مقابل آفتاب مستقیم محافظت می‌نماید، موجبات تابش خورشید را در زمستان ایجاد می‌کند. با مراجعه به جداول شاخص دمای معادل فیزیولوژیکی، مشاهده می‌شود که میزان دمای فضاهای باز که دارای پوشش گیاهی هستند، در زمستان در بعدازظهر افزایش می‌یابد. این امر به این دلیل است که گرمای ذخیره شده در طول روز در بعد از ظهر و عصر به هوا رها می‌شود. با این حال تحقیقات بیشتری لازم است تا اثرات انواع دیگر درختان شهری و ترکیب بندی‌های مختلف آن با هندسه فضایی مورد توجه قرار گیرد تا تأثیرات خرد اقلیمی آنها بر آسایش انسان مشخص گردد. ضمن این که پژوهش حاضر به سنجش آسایش حرارتی در فصل زمستان در اقلیم سرد پرداخته است. برای نتایج دقیق‌تر لازم است فصول دیگر سال نیز مورد آنالیز و ارزیابی قرار گیرد.

References:

- Afshar, N. K., Karimian, Z., Doostan, R., & Nokhandan, M. H. (2018). Influence of planting designs on winter thermal comfort in an urban park. *Journal of Environmental Engineering and Landscape Management*, 26(3), 232-240.
- Al-Hemiddi, N. A., & Al-Saud, K. A. M. (2001). The effect of a ventilated interior courtyard on the thermal performance of a house in a hot-arid region. *Renewable Energy*, 24(3-4), 581-595.
- Ali-Toudert, F., & Mayer, H. (2006). Numerical study on the effects of aspect ratio and orientation of an urban street canyon on outdoor thermal comfort in hot and dry climate. *Building and environment*, 41(2), 94-108.
- Ali-Toudert, F., & Mayer, H. (2007). Effects of asymmetry, galleries, overhanging facades and vegetation on thermal comfort in urban street canyons. *Solar energy*, 81(6), 742-754.
- Andreou, E., & Axarli, K. (2012). Investigation of urban

- urban areas. *Urban forestry & urban greening*, 9(1), 15-24.
- Jamei, E., Rajagopalan, P., Seyedmahmoudian, M., & Jamei, Y. (2016). Review on the impact of urban geometry and pedestrian level greening on outdoor thermal comfort. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 54, 1002-1017.
 - Jim, C. Y. (2014). Passive warming of indoor space induced by tropical green roof in winter. *Energy*, 68, 272-282.
 - Johansson, E., & Emmanuel, R. (2006). The influence of urban design on outdoor thermal comfort in the hot, humid city of Colombo, Sri Lanka. *International journal of biometeorology*, 51(2), 119-133.
 - Lai, D., Chen, B., & Liu, K. (2020). Quantification of the influence of thermal comfort and life patterns on outdoor space activities. *Building simulation*,
 - Lai, D., Liu, W., Gan, T., Liu, K., & Chen, Q. (2019). A review of mitigating strategies to improve the thermal environment and thermal comfort in urban outdoor spaces. *Science of the Total Environment*, 661, 337-353.
 - Lin, P., Gou, Z., Lau, S. S.-Y., & Qin, H. (2017). The impact of urban design descriptors on outdoor thermal environment: A literature review. *Energies*, 10(12), 2151.
 - Lobaccaro, G., & Acero, J. A. (2015). Comparative analysis of green actions to improve outdoor thermal comfort inside typical urban street canyons. *Urban Climate*, 14, 251-267.
 - Matzarakis, A., Rutz, F., & Mayer, H. (2000). Estimation and calculation of the mean radiant temperature within urban structures. *WCASP-50, WMO/TD, 1026, 273-278*.
 - Morakinyo, T. E., Dahanayake, K. K. C., Adegun, O. B., & Balogun, A. A. (2016). Modelling the effect of tree-shading on summer indoor and outdoor thermal condition of two similar buildings in a Nigerian university. *Energy and Buildings*, 130, 721-732.
 - Oke, T. R. (1981). Canyon geometry and the nocturnal urban heat island: comparison of scale model and field observations. *Journal of climatology*, 1(3), 237-254.
 - Oke, T. R. (1988). Street design and urban canopy layer climate. *Energy and Buildings*, 11(1-3), 103-113.
 - Organization, W. H. (2019). Global action plan on physical activity 2018-2030: more active people for a healthier world. World Health Organization.
 - Peng, Y., Feng, T., & Timmermans, H. (2019). A path analysis of outdoor comfort in urban public spaces. *Building and environment*, 148, 459-467.
 - Robitu, M., Musy, M., Inard, C., & Groleau, D. (2006). Modeling the influence of vegetation and water pond on urban microclimate. *Solar energy*, 80(4), 435-447.
 - Rosso, F., Golasi, I., Castaldo, V. L., Piselli, C., Pisello, A. L., Salata, F., Ferrero, M., Cotana, F., & de Lieto Vollaro, A. (2018). On the impact of innovative materials on outdoor thermal comfort of pedestrians in historical urban canyons. *Renewable Energy*, 118, 825-839.
 - Shashua-Bar, L., & Hoffman, M. E. (2003). Geometry and orientation aspects in passive cooling of canyon streets with trees. *Energy and Buildings*, 35(1), 61-68.
 - Shishegar, N. (2013). Street design and urban microclimate: analyzing the effects of street geometry and orientation on airflow and solar access in urban canyons. *Journal of clean energy technologies*, 1(1).
 - Szkordilis, F., & Zöld, A. (2016). Effect of vegetation on wind-comfort. *Applied Mechanics and Materials*,
 - Taleghani, M., Kleerekoper, L., Tenpierik, M., & Van Den Dobbelsteen, A. (2015). Outdoor thermal comfort within five different urban forms in the Netherlands. *Building and environment*, 83, 65-78.
 - Taleghani, M., Tenpierik, M., van den Dobbelsteen, A., & Sailor, D. J. (2014). Heat mitigation strategies in winter and summer: Field measurements in temperate climates. *Building and environment*, 81, 309-319.
 - Van Esch, M., Looman, R., & de Bruin-Hordijk, G. (2012). The effects of urban and building design parameters on solar access to the urban canyon and the potential for direct passive solar heating strategies. *Energy and Buildings*, 47, 189-200.
 - Zheng, B., Bernard BEDRA, K., Zheng, J., & Wang, G. (2018). Combination of tree configuration with street configuration for thermal comfort optimization under extreme summer conditions in the urban center of Shantou City, China. *Sustainability*, 10(11), 4192.
 - Zölch, T., Rahman, M. A., Pfleiderer, E., Wagner, G., & Pauleit, S. (2019). Designing public squares with green infrastructure to optimize human thermal comfort. *Building and environment*, 149, 640-654.

نحوه ارجاع به مقاله:

یادگاری، پگاه؛ سجاذاده، حسن؛ (۱۴۰۰) نقش الگوی فضایی و پوشش گیاهی فضاهاى باز محلی بر میزان آسایش حرارتی در اقلیم سرد، مطالعات شهری، 10 (40)، 15-26. doi: 10.34785/J011.2021.937/Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



برندسازی شهری در راستای توسعه گردشگری خلاق به کمک مدل مدیریت

برندشهری^۱ - (CBM)

نمونه مورد مطالعه: شهر جوقنقان

زهره اسدی^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
حمید محمدی - استادیار، عضو هیات علمی گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۷ بهمن ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۰۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

در چند دهه گذشته، موضوع برند سازی در برنامه ریزی گردشگری توجه بسیاری را به خود جلب نموده است. در بازارهای به شدت رقابتی جهانی، نیاز مقصدها برای ایجاد یک هویت منحصر به فرد و بی نظیر (یعنی متمایز ساختن خودشان از رقبا) بیش از پیش اهمیت حیاتی پیدا کرده است. برند سازی در راستای گردشگری به معنی چگونگی ادراک ذهنی استفاده کنندگان از یک مقصد گردشگری است. در همین راستا هدف اصلی این پژوهش ایجاد یک تصویر روشن، واضح و خاص از سیمای شهر جوقنقان برای جذب حداکثری جریان بازدید کنندگان در ازای ارتقای جذابیت های شهر است تا شرایط بهتری برای زندگی فراهم گردد. در پژوهش کاربردی و توسعه محور حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی و به کمک شیوه مطالعات کتابخانه ای که برای جمع آوری اطلاعات و داده ها استفاده شده، ابتدا چارچوب نظری در رابطه با موضوع برند سازی شهری و گردشگری خلاق و نقش برند سازی شهری در گردشگری تبیین شده و در ادامه با کمک مدل مدیریت برند شهر^۳ و شیوه کتابخانه ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته به ایجاد برند برای شهر جوقنقان پرداخته شده است. نتایج حاکی از این است که قلعه سردار اسعد بختیاری به عنوان تصویر برند شهر جوقنقان شناسایی شده و در راستای توسعه گردشگری خلاق به کمک برند شهر به ایجاد یک مسیر گردشگری منجر می شود که حوزه های تاریخی و طبیعی موجود در شهر را با هم می آمیزد تا با ایجاد محصولات نوآورانه و جذب کارآفرین ها، مزیت های رقابتی نسبت به مقاصد دیگر پیدا کرده و آوازه و چشم انداز شهر را در سراسر جهان بازگو نموده و پشتیبان و هدایتگر خلاقیت در شهر گردد و به پیشبرد گردشگری، صادرات و سرمایه گذاری در شهر منجر شود.

واژگان کلیدی: برند، برند سازی شهری، گردشگری خلاق، مدیریت برند شهری، جوقنقان.

نکات برجسته

- برند می تواند نقش هماهنگی بین بسیاری از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی ایجاد کند و برای همه ذینفعان گردشگری جذاب باشد.
- جهت گیری راهبردی برای تمرکز فعالیت های همه ذینفعان به منظور دستیابی به یک هدف نهایی مشترک.
- کمک به شهرها برای جذب جمعیت ماهر، جذب گردشگر و سرمایه گذار با تکیه بر مزیت ها و هویت رقابتی
- برندسازی شهری فرآیندی است که به شهرها کمک می کند تا احساس تعلق و رضایت شهروندان فعلی را افزایش دهند
- استفاده از قابلیت های مقاصد برای ایجاد جاذبه های خلاقانه برای جذب گردشگر

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی شهری با عنوان "تبیین نقش برندسازی شهری در توسعه گردشگری خلاق - نمونه موردی: شهر جوقنقان" است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه یزد دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: zohreh.asadi2014@yahoo.com

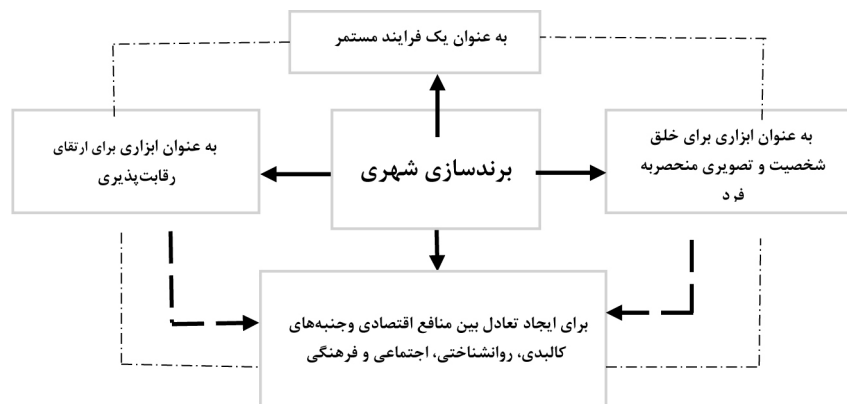
۱. مقدمه

شهرها با توجه به ظرفیت، پیشینه و آینده پیش روی خود، تصویر، هویت و شهرت خاصی دارند که آنها را از دیگر شهرها متمایز می‌سازد. دنیای امروز دنیای تصاویر و تصورهاست؛ تصورها و ادراک‌های دیداری و شنیداری که پیام‌های زیادی به ذهن مخاطبان ارسال می‌کند. امروزه هر شهری برای داشتن سهمی در بازارهای جهانی باید با دیگران به رقابت بپردازد (Anholt, 2007). در حقیقت یکی از راهکارهای مناسب در تصویرسازی مثبت از یک شهر به منظور جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاران و گردشگران و مهاجران، «برندسازی شهری» است (Mousavi, et al., 2017: 161). پایه و اساس برند سازی شهری معرفی قابلیت‌ها و جاذبه‌های شهرها از طریق ارائه هویت بارز آن است (Ibid). از این رو می‌توان گفت، برند سازی شهری ابزاری قدرتمند در دست مسئولان است که به کمک آن می‌توانند بازدیدکنندگان، گردشگران و سرمایه‌گذاران را جذب کرده و رشد و رونق اقتصادی را برای شهر به ارمغان آورند (Braun & Zenker, 2010). در نتیجه برند در بحث گردشگری راهکاری مؤثر است که منجر به توسعه این صنعت می‌شود. از طرفی گردشگری خلاق با بحث خلاقیت در گردشگری که به منظور افزایش اصالت و نوآوری است، می‌تواند در مزیت‌های رقابتی بر بنگاه و مقصدها تأثیر بگذارد (Robati Anaraki et al., 2016: 14). استفاده از خلاقیت در گردشگری، این امکان را برای گردشگران که امروزه در پی یافتن و یادگیری چیزهای جدید هستند، فراهم می‌آورد تا با تعامل با مردم محلی و شهروندان، فرهنگ آنها را بشناسند و استعدادهای خلاق خود را کشف کنند. همچنین گردشگری خلاق، با به کارگیری همه‌ی ظرفیت‌ها و جاذبه‌های ملموس و ناملموس، به شهرها در رفع معضلاتی همچون بیکاری، فقر و حفظ میراث فرهنگی کمک می‌کند و موجبات شناسانده شدن آنها در سطح ملی و بین‌المللی می‌شود. (Goli Garmestani et al., 2016: 10) بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که شهرهای مختلف در راستای رقابت کارا و اثربخش بر سر جذب منابع مالی، سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه اجتماعی، جذب توریست، رونق کسب‌وکار و اقتصاد، شأن و منزلت، احترام و اعتبار بیشتر و بهبود کیفیت زندگی بایستی به دنبال ایجاد برند شهری متمایز و ممتاز در سطح منطقه، کشور و بین‌الملل باشند (Mozafari, 2012: 16). همچنین در بیشتر پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، مباحث برند سازی و خلاقیت به تنهایی در گردشگری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند اما تا به حال پژوهشی در این راستا که بتوان با کمک برند سازی، گردشگری خلاق را توسعه داد، صورت نگرفته است. در نتیجه توسعه صنعت گردشگری یک کشور مستلزم توسعه زیربنای گردشگری و فراهم کردن شرایط جذب گردشگر است (Monshi & Jan Babanejad, 2015). با توجه به مطالب عنوان شده، این پژوهش به دنبال این است که در زمینه توسعه گردشگری به چگونگی نقش برند بر توسعه گردشگری خلاق بپردازد و به کمک مدل مدیریت برند شهر به شناسایی برند شهر چونقان کمک کند و نقش و جایگاه برند سازی شهری در حوزه گردشگری این شهر را در راستای خلاقیت شناسایی نماید.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. برند و برند سازی شهری

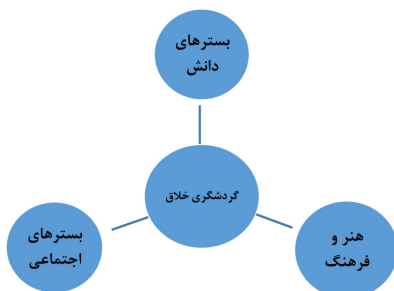
برند منبعی غنی از ارتباطات احساسی، شناختی و اثربخشی است که منجر به تجربیات به یادماندنی از یک مکان، یک شهر و یا یک نام و نشان تجاری می‌شود و وعده تجربه‌ای منحصر به فرد را به خریدار و فروشنده می‌دهد. به گفته برن وزانکر، انجمن بازاریابی امریکا در سال ۱۹۶۰ برند را عنوان، اصطلاح، علامت، نماد، طرح و یا ترکیبی از این موارد می‌داند که مشخص کردن کالا یا خدمات یک فروشنده یا گروهی از فروشندگان و متمایز نمودن آنها از سایر محصولات و رقبا، هدف آن است (Braun & Zenker, 2010). به عبارتی دیگر برند ابزاری برای به خاطر سپردن محصول یا خدمت در ذهن گردشگر است که به شناسایی محصول کمک می‌کند (Zargham Borujeni et al., 2013). برند سازی شهری، مفهومی نسبتاً جدید است که شهرها در تلاش برای متمایز ساختن خود از بقیه شهرها، ایجاد غرور مدنی در میان شهروندانشان و کمک به تصمیم‌گیری گردشگران و صاحبان تجارت آن را اتخاذ نموده‌اند (Kavaratzis & Ashworth, 2007). برند سازی یک شهر نیازمند تشخیص و اطلاع‌رسانی در مورد ویژگی‌های باورکردنی و واقع‌گرای یک شهر است و این اطلاع‌رسانی باید دارای جذابیتی متمایز و معتبر، باورکردنی و ساده باشد (Zare Elmi & Mohammadi, 2016: 5). برند سازی شهر ممکن است به عنوان فرایندی که در آن ویژگی‌های فیزیکی منحصر به فرد شهر شناخته می‌شوند، تعریف شود. علاوه بر این، برند سازی شهری، تنها به ترویج و ارتقای یک تصویر مثبت از شهر محدود نمی‌شود بلکه آن را به منظور تبدیل به یک تجربه شهری بسط می‌دهد. شهرهای دارای تصویر، یک مفهوم فرهنگی هستند که به صورت ایده آل، به عنوان یک ارزش نمادین و در نتیجه اقتصادی عمل می‌کنند. برند یک شهر تا حد زیادی به افزایش اعتبار و موقعیت یک شهر برای انتخاب گردشگر یا به عنوان یک مکان کسب‌وکار یا سکونت کمک می‌کند (Ibid). برند شهری دارای مهمی برای توسعه شهر و ابزاری مؤثر برای شهر و وجه تمایز آن از سایر شهرهاست و موفقیت آن را بهبود می‌بخشد (Kavaratzis & Ashworth, 2007). برند سازی آگاهانه به شهرها هویت تازه‌ای می‌بخشد (Metaxas, 2010) و شامل هویت تاریخی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی هر شهر و دربرگیرنده چگونگی فعالیت‌های اقتصادی و امکانات رفاهی و تفریحی آن است (Mousavi, et al., 2017: 162). برند سازی شهری در دهه‌های اخیر به موضوعی مهم در ادبیات گردشگری و یکی از عوامل اساسی اثرگذار بر صنعت گردشگری تبدیل شده است (Mohammad Pourzarandi & Aminian, 2015: 122). برند سازی موفق برای شهرها و مقاصد گردشگری شهری بر اساس پتانسیل‌ها و استعدادها بالقوه آنها صورت می‌گیرد؛ به طوری که امکان جایگزینی آن با مقاصد دیگر باقی نخواهد ماند (Movahed, 2011). برند سازی شهری از الزامات مدیریت شهری است که سال‌هاست در کشورهای توسعه‌یافته پیاده‌سازی می‌شود و جزو مفاهیم چند رشته‌ای است که تلاقی علوم گوناگون از جمله بازاریابی، سیاست و دیپلماسی، گردشگری و اقتصاد پدید آمده است (Tasci et al., 2007). در ادامه مهم‌ترین عوامل مشترک از مفهوم برند و برند سازی شهری بیان شده است (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: مهم ترین عوامل مشترک از مفهوم برند و برندسازی شهری (Moradi et al., 2017:37)

۲.۲. گردشگری خلاق

خلاقیت، پیشران اصلی صنعت، اقتصاد، توسعه شهری و زندگی اجتماعی قرن بیست و یکم و اکسیر توسعه گردشگری است. گردشگری خلاق با فرهیختگی گردشگران و تمایل به داشتن تجارب متمایز، ارتباطی ناگسستنی دارد (basteNegar & Hassani, 2018). همان طور که در گزارش یونسکو هم تأکید شده است، امروزه گردشگران فرهیخته تر شده اند و به دنبال کسب آگاهی های جدید و معنا بخشی به زندگی خود هستند (UNESCO, 2006). از سوی دیگر به دلیل عدم نیاز به سرمایه گذاری های سنگین و سخت و توجه به فرهنگ، آداب و رسوم محلی و ویژگی های منحصر به فرد شهرها، مورد اقبال شهرها و مقاصد گردشگری قرار گرفته است. در این نوع از گردشگری، رسوم محلی، سنت، هنر، تاریخ و فرهنگ بیشتر مورد توجه قرار گرفته و گردشگران به طور فعالانه در فرهنگ و خلاقیت محلی درگیر شده و از فرآورده هایی که آنها را به مشاهده گران صرف تنزل می دهد، روی می گردانند (Richards, 2009). به این ترتیب مقاصدی که تجارب منحصر به فرد عرضه می کنند، ارزش و مزیت رقابتی بالاتری به دست می آورند. در گردشگری خلاقانه، گردشگران در چشم انداز فرهنگی مقصد طوری درگیر می شوند که سهمی در فعالیت های مختلف مانند کشاورزی، هنر، آشپزی، رقص و موسیقی و سایر فعالیت های خلاقانه در ابعاد گردشگری خلاق به عهده می گیرند که در نمودار شماره ۳ به آنها اشاره شده است. بدین ترتیب فرصت های جدیدی برای یادگیری مهارت های جدید و برقراری پیوند نزدیکی میان گردشگران و مردم محلی و میراث فرهنگی آنها پدید می آید (basteNegar & Hassani, 2018) و افزایش علاقه مندی به میراث ناملموس، گردشگری خلاق را شکل نوظهوری از گردشگری فرهنگی می داند که برآورنده سطوح بالاتری از نیازهای انسانی است و تمرکز اصلی آن بر توسعه فعال مهارت هاست (Richards & Wilson, 2007).



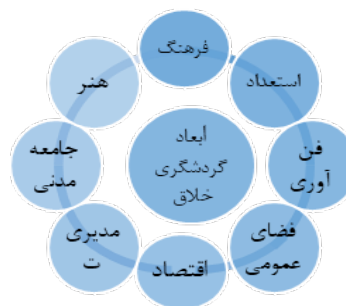
نمودار شماره ۲: زیرساخت های گردشگری خلاق (Rahimi et al., 2013:27)

گردشگری خلاق یعنی سفر به سوی تجربه ای اصیل و جالب توجه و آموختن هنر، آشنایی با میراث یا ویژگی خاص یک محل و نیز برقراری ارتباط میان گردشگران و اهالی آن منطقه که پدیدآورندگان آن فرهنگ زیستی هستند (Shahi and Khorshid, 2015). گردشگری خلاق باید با مقوله فرهنگ درآمیزد که یکی از زیرساخت های گردشگری خلاق است (نمودار شماره ۲). نمودارهای فرهنگی یک مکان یا شهر می تواند به ویژگی منحصر به فرد آن مکان تبدیل گردد. جوامع با اتخاذ مدل گردشگری خلاق می توانند در عین حفظ میراث خود، آن را در دسترس بازدیدکنندگان نیز قرار دهند تا تجربه اش کنند (Ibid). پیدایش مفهوم گردشگری خلاق را می توان به سال ۱۹۹۳ نسبت داد، هنگامی که برای نخستین بار به شکل بالقوه ای از گردشگری اشاره شد که واژه مشخص و روشنی برای تعریف آن نبود (Richards, 2011). اصطلاح «گردشگری خلاق» برای اشکال خلاق تر گردشگری از یک پروژه اروپایی به نام EUROTE سرچشمه گرفت که هدفش تشویق تولید صنایع دستی از طریق گردشگری بود (Braun & Zenker, 2010). به نظر می رسد که ایده گردشگری خلاق، نه فقط به خاطر تکامل خواسته گردشگر که همچنین با یک طیف وسیع از برنامه های سیاست گذاری معاصر شکل گرفته باشد. گردشگری خلاق به دلایل مختلف، به عنوان یک گزینه کلیدی توسعه شناخته می شود و می تواند به اهدافی مشخص خدمت کند (Barandegi & Nemati, 2012). گردشگری خلاق شکل پایداری از گردشگری است که فرصت توسعه ظرفیت های خلاقانه را از طریق مشارکت فعال در دوره ها و تجارب یادگیری خاص یک مقصد گردشگری فراهم می سازد که خود از مشخصه های اصلی مقاصد گردشگری متولی این فعالیت هاست (Richards & Raymond, 2000). گردشگران خلاق، ظرفیت خلاقیت خود را توسعه می دهند، از طریق مشارکت غیررسمی در کارگاه های تعاملی به مردم محلی نزدیک می شوند و تجاربی را می آموزند که فرهنگ مقصد سفر برای تعطیلاتشان ترسیم می کند (Barandegi & Nemati, 2012). ریموند همچنین نشان داد که کارگاه های تعاملی که در گروه های کوچک برگزار می شوند، به بازدیدکنندگان اجازه می دهند تا خلاقیت خود را در حالی که به مردم محلی نزدیک می شوند کشف کنند (Richards & Raymond, 2000). این کارگاه ها معمولاً ارزش های مقصد شامل هنر، فرهنگ، سلیقه و طبیعت را در برمی گیرد (basteNegar & Hassani, 2018). به این ترتیب

برند برای شهر با افزایش رقابت بین شهرها برای جذب منابع و داشتن شهروندان ماهر بیشتر احساس می‌شود. مدل مدیریت برندشهر در نمودار زیر آمده است (نمودار شماره ۴).

چیزی که هستیم: این مدل برای ساخت برند یک شهر شامل چهار مرحله است. نخستین مرحله تحلیل وضعیت موجود است و به مدیران دیدی از وضع موجود می‌دهد. در واقع این مرحله چیزی است که هستیم. بخش‌های مختلفی که در طراحی برند شهری فعال هستند، بایست به‌طور کامل منابع و دارایی‌های فعلی یک شهر را ارزیابی نمایند (Moradi et al., 2014: 59-57). عوامل کلیدی در ارزیابی و تحلیل وضع موجود یک شهر، مکان، افراد فرایندهای قانونی و همکاران هستند. مکان در مدل ارائه شده شامل موقعیت جغرافیایی یک شهر، زیرساخت‌های پیشرفته نظیر فرودگاه‌ها و دستگاه‌های حمل‌ونقل و حضور خوشه‌های صنعتی و اقتصادی در شهر است. عنصر مردم در بردارنده سرمایه نیروی انسانی در یک شهر است. جمعیت نیروی جوان، افراد ماهر، خلاقیت و رفتار شهروندان یک شهر همگی به‌عنوان سرمایه‌های انسانی آن قابل بررسی هستند. فرایندهای قانونی در شهر به ارتباط بین شهر و بدنه دولت و حاکمیت و جهت‌گیری راهبردی دولت در تهیه برنامه‌ها و نیز پیشبرد سیستم‌ها و اهرم‌های قانونی، یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی برنامه‌ها با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی، بهبود وضعیت فساد در سیستم اداره، پیاده‌سازی الگوهای مدیریتی و رفتاری درست و پذیرفته شده می‌پردازد. همکاران با بخش فرایندهای قانونی ارتباط نزدیکی دارند. این عنصر در واقع ذی‌نفعان فرایند را مشخص می‌کند. شرکت‌ها، گروه‌های مردم‌نهاد و صنایع می‌توانند جزئی از این ذی‌نفعان باشند. در واقع ذی‌نفعان و بخش خصوصی و صنایع می‌توانند نقشی مهم در ارائه تصویری قوی از شهر به جهان داشته باشند.

گزینه‌های پیش روی ما: در بیشتر موارد، شهرهایی که به دنبال خلق برند برای شهرهایشان هستند، ایده‌های خوبی درباره هویت شهری خود هستند؛ هویتی که دارند و یا خواهان تداوم آن نیز هستند. محیط پرچالش پیش روی ما همواره در حال تغییر است و این یعنی این که ما با فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی روبه‌رو هستیم. چیزی که قبلاً در موقعیتی مشابه جواب داده، ممکن است اکنون دیگر کارایی نداشته باشد. شهرها باید برای داشتن آینده دلخواهشان و این که چگونه دیده شوند، گزینه‌هایی داشته باشند. دومین گام مدل مدیریت برندشهر بر روی این گزینه‌ها تمرکز می‌کند، گزینه‌هایی که بر مبنای تحلیل‌های مکانی قبلی و نیز تحلیل‌های سوات^۱ به دست آمده‌اند. در این مرحله



نمودار شماره ۳: ابعاد گردشگری خلاق (Saeedi Rezvani, 2012)

۲.۳. مدل مدیریت برند شهری (CBM) از گاویتی و دیگران

تعیین برند مناسب هر شهر، فرایندی است پیچیده و چندمرحله‌ای که متشکل از شناخت هویت شهر، تصویر شهر، وضعیت، قابلیت‌های بالفعل و بالقوه شهر، تشخیص نقاط ضعف و قوت، یافتن مزایا و نقاط برجسته شهر، بررسی پیشینه و ارزیابی زمینه‌های موجود بر مبنای واقعیات، پتانسیل‌ها و برنامه‌ها و اهداف آتی و در نهایت تعیین برند شهری خواهد بود (Ghaffari & Zare, 2015: 10). شهرها نه کالا و نه شرکت هستند، بنابراین شکل خاصی از فرایند برندینگ را باید برای برندینگ یک شهر به کار بست (Ashworth & Kavaratzis, 2009). با توجه به مدل‌های متعددی که در زمینه برندینگ و یا برند شهری وجود دارد، ملاحظه می‌شود هیچ‌یک از چارچوب‌ها به بیان فرایند برند سازی نپرداخته و روش مرحله‌ای مشخصی برای برند سازی در شهر پیشنهاد نمی‌کند. در این پژوهش تلاش شده فرایند و مدلی انتخاب گردد که سنخیت بیشتری در راستای اهداف پژوهش داشته باشد. در بین تمام مدل‌های ارائه شده در این زمینه مدل مدیریت برند شهر بیشترین تطابق با اهداف و موارد مطرح شده در بالا را دارد و در این پژوهش به کمک مدل مدیریت برند شهری به برند سازی برای شهر جونقان در راستای توسعه گردشگری خلاق پرداخته شده است. این مدل که به وسیله گاویتی و دیگران پیشنهاد شده، برای طراحی راهبرد برند شهر چهار مرحله در نظر گرفته شده است (Gaggiotti et al., 2008). از این مدل به‌عنوان چارچوبی برای ساخت یک برند شهری و نیز شناسایی تصمیمات و وظایف راهبردی در فرایند خلق یک برند استفاده می‌شود. این مدل از طریق افزایش رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال و ثروت و جذب سرمایه‌گذاری در شهر به راهبرد کلی شهر که همان ارتقای کیفیت زندگی است، کمک کرده و سلامت مالی بلندمدت شهر را تضمین می‌نماید. نیاز به وجود یک چارچوب برای خلق یک



نمودار شماره ۴: مدل مدیریت برند شهری از گاویتی و دیگران (Gaggiotti et al., 2008)

نمونه گلوله برفی انتخاب شده‌اند، به بررسی عوامل کلیدی مؤثر در شکل‌گیری تصویر شهر مورد مطالعه (جونقان) و شناسایی برند آن در راستای توسعه گردشگری خلاق پرداخته است. در این روش نخستین عضو نمونه، به طریقی انتخاب شده است که بیشترین ارتباط را با موضوع مورد تحقیق دارد. از طریق ارتباط این عضو با اعضای دیگر جامعه آماری، امکان دسترسی به سایر نمونه‌ها میسر شده است. به‌گونه‌ای که پس از شناسایی یا انتخاب نخستین واحد نمونه‌گیری، از آن برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه‌گیری استفاده یا کمک گرفته شده است. به همین ترتیب واحدهای دیگر نمونه شناسایی و انتخاب شدند. بر اساس این شیوه نمونه‌گیری، پژوهشگران از طریق ایجاد ارتباطات شخصی با کسانی که علاقه‌مند به انجام مصاحبه بودند، از آنها درخواست کردند اگر اشخاص دیگری را می‌شناسند که دارای ویژگی‌های مورد نظر پژوهش و مایل به انجام مصاحبه هستند، معرفی کنند. این کار تا آنجا ادامه یافته است که محققان به اطلاعات لازم دست پیدا کنند. به این ترتیب اعضای نمونه حاصل شده، مانند یک شبکه اجتماعی به یکدیگر پیوند داشته و می‌توانند بیشترین اطلاعات را در مورد موضوع تحقیق و شناخت پدیده مورد نظر در اختیار محققان قرار دهند. در نهایت با انجام این تعداد مصاحبه، تشخیص محققان این بوده است که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست. در انتخاب این تعداد نمونه، مسائلی چون زمان، در دسترس بودن مصاحبه‌شوندگان (جدول شماره ۱) و میزان همکاری آنها مورد توجه بوده است. ملاک انتخاب افراد برای مصاحبه، آشنایی با شهر جونقان، مسائل مربوط به گردشگری این شهر، دانش روز شهرسازی و مدیریت شهری بوده است. روش تحلیل مصاحبه در این پژوهش، تحلیل تفسیری است. در این روش تحلیل، پژوهشگر درصدد است تا در حد امکان، به آشکار نمودن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه بپردازد. برای دستیابی به این هدف، متن مصاحبه باید به‌طور کامل و با شرح جزئیات نوشته شود. سؤال‌های اصلی پرسیده شده، یادآوری‌ها، کندوکاو‌هایی که مصاحبه‌گر انجام داده است و سؤال‌های مکمل در آن باید بیان شود تا بتوان به درک کاملی از آنچه مصاحبه‌شونده گفته است، دست یافت. محققان برای معنا بخشیدن به این متن‌ها، آنها را با رویکرد تفسیری مرور و رمزگذاری کرده‌اند. یعنی محققان با مرور ادبیات موجود درباره موضوع پژوهش، ایده‌هایی را درباره این که چه موضوعات و مفاهیمی باید برای رمزگذاری انتخاب شود را به کمک کدگذاری باز، محوری و انتخابی به دست آورده‌اند و بر اساس آنها، رمزها را تعریف کرده، سپس مفاهیم جدیدی متناسب با آنها از داده‌های مصاحبه استخراج کرده‌اند. سئوالات مصاحبه به این صورت است:

- ✓ در رابطه با رسوم محلی، سنت‌ها، هنر، تاریخ و فرهنگ شهر جونقان چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟
- ✓ کدام یک از سوغاتی‌ها و صنایع دستی شهر جونقان نزد گردشگران تقاضای بیشتری دارد؟
- ✓ به نظر شما شهر جونقان بیشتر با چه عنوان و تصویری شناخته می‌شود؟
- ✓ کدام یک از حوزه‌های گردشگری شهر جونقان شهرت بیشتری دارد؟ اگر بخواهیم دریکی از حوزه‌های گردشگری شهر تمرکز

بهرتر است با انتخاب قواعدی که بازتاب‌دهنده طیف گسترده‌تری از پیش‌نیازهای برند هستند، به ارزیابی گزینه‌هایمان بپردازیم. جذابیت‌های مالی و ماندگاری تصویر انتخاب شده، از این دست قواعد هستند. همچنین مهم است تا بتوانیم بین منابع موجود، فرصت‌های خارجی و تصویر کنونی، بهترین ترکیب را انتخاب نماییم. این ترکیب انتخاب شده بهینه، تعیین‌کننده جهت‌گیری مهم ما در مسیر فرایند راهبردی خلق برند است.

چیزی که می‌خواهیم باشیم: این مرحله تعیین‌کننده چیزی است که ما می‌خواهیم باشیم. تثبیت این مرحله از فرایند باید دربردارنده بیشترین بازده اجتماعی و اقتصادی برای شهر باشد. مرحله تثبیت، یکی از جنبه‌های برند شهری است که همچون چتری، کلیه فعالیت‌ها را دربر گرفته و چشم‌انداز، ارزش‌ها، شخصیت و تصویر برند را به نمایش می‌گذارد. با این وجود، امکان انتخاب مسیر اشتباه در این مرحله بسیار بالاتر است. باید ببینیم که بیشتر شهرها چند برند فرعی دارند و در فرایند طراحی راهبرد برند یک شهر، ذی‌نفعان متعددی همکاری خواهند داشت. شورای شهر و یا شهرداری، ارگان‌های مرتبط با گردشگری، وزارتخانه‌های مختلف، اتاق‌های بازرگانی و یا حتی شخص رئیس‌جمهور می‌توانند برنامه‌های موازی و یا در برخی موارد متضاد باهم برای شهری در دستور کار داشته باشند. در چنین شرایطی که زمینه‌ها و برندهای فرعی قوی پیش روی شهری قرار دارد، خلق یک برند یگانه و جامع بسیار مشکل خواهد بود. همچنین استفاده از چند برند فرعی مختلف نیز باعث سردرگمی مخاطب شده و تلاش‌های صورت گرفته برای ساخت یک برند قوی برای شهر را تحت شعاع قرار خواهد (Ibid). در چنین مواقعی توصیه می‌شود تا نقاط قوت شهر را با تقاضای موجود در شهر هماهنگ کرده و به منظور یکی ساختن راهبرد ارتباطات سخت‌گیری نشان داده و آن را ادامه داد (Ibid: 59).

چیزهایی که نیاز داریم: آخرین مرحله این مدل تعیین چارچوب‌هایی برای فعالیت‌های آینده است. کارهایی که نیاز داریم انجام دهیم به منظور حمایت از گام سوم مدل خواهد بود. این مرحله یک برنامه کاری نیست تا در آن وظایف خاصی برای سازمان خاصی مشخص شود. این مرحله، جهت‌گیری‌های راهبردی را برای تمرکز فعالیت‌های همه ذی‌نفعان به منظور حصول یک هدف نهایی مشترک، پیشنهاد می‌دهد. بنابراین این مرحله، همه ذی‌نفعان را برای توسعه و به‌کارگیری برنامه‌های عملیاتی مشخصی به چالش وامی‌دارد (Gaggiotti et al., 2008).

۳. روش پژوهش

این پژوهش باهدف ایجاد برند برای توسعه شهر جونقان به‌عنوان یک مقصد گردشگری خلاق صورت گرفته و نتایج حاصل از آن در تدوین مسیر مطلوب توسعه گردشگری، توسط نهاد‌های متولی امور گردشگری و فرهنگی و نهاد‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری قابل استفاده است. از این رو پژوهش پیش‌رو از لحاظ نوع هدف، کاربردی و همچنین توسعه‌ای است. با استفاده از روش تحقیق توصیفی به تدوین چارچوبی برای پژوهش پرداخته شده که در آن به کمک مدل مدیریت برند شهر و با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته با متخصصان امور شهری و گردشگری که به شیوه نمونه‌گیری غیر احتمالی به روش

✓ مکان

شامل موقعیت جغرافیایی یک شهر، زیرساخت‌های پیشرفته و سیستم‌های حمل‌ونقل و حضور خوشه‌های صنعتی و اقتصادی در شهر است.

الف) موقعیت جغرافیایی

شهر جونقان به لحاظ موقعیت جغرافیایی در ۵ درجه و ۴۱ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۲ درجه و ۹ دقیقه عرض جغرافیایی و در انتهایی‌ترین قسمت جنوب شرقی شهرستان فارس واقع شده است. این شهر به لحاظ موقعیت عمومی در فاصله ۴۲ کیلومتری جنوب مرکز استان چهارمحال و بختیاری (شهرکرد) قرار گرفته است. شهر جونقان در پهنه‌ای قرار گرفته است که از سمت شمال و شمال شرقی به کوه و از سمت جنوب و جنوب غربی به دشت و اراضی کشاورزی منتهی می‌شود. شکل عمومی شهر جونقان به صورت مستطیل نسبتاً کشیده‌ای با جهت جنوب شرقی به شمال غربی است و خیابان اصلی شهر از سمت شمال غرب به جنوب شرق شامل بلوار کشاورزی، خیابان امام حسین، خیابان ولیعصر و در نهایت خیابان شهید رجایی به صورت طولی پهنه کالبدی شهر را به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. نزدیک‌ترین نقطه سکونتگاهی به شهر جونقان روستای راستاب و چلیچه است که در شمال غربی شهر واقع شده‌اند (master plan of Junqan city, 2009). اصلی‌ترین شاخص‌های طبیعی اطراف شهر جونقان رشته‌کوه‌های بلند زاگرس است که به صورت دیواری بلند قسمت شمالی و شمال شرقی شهر را محصور کرده‌اند. این ارتفاعات به کوه جهان بین معروف هستند و در بلندترین نقطه ارتفاعی به بیش از سه هزار و ۳۲۱ متر می‌رسند. اما محدوده‌ای که بستر کالبدی شهر روی آن استقرار یافته، بین دامنه ارتفاعی ۲۰۱۰ تا ۲۱۰۰ متر واقع شده است. قسمت‌های جنوب و جنوب غربی شهر دارای کمترین دامنه ارتفاعی و قسمت‌های شمالی و شمال غربی شهر در دامنه‌ی ارتفاعی بالایی دو هزار و ۶۰ متر قرار گرفته‌اند. به همین علت جهت عمومی شیب زمین از سمت کوه جهان بین به سمت جنوب و جنوب غربی یعنی دشت جونقان و کوه میانه (شیخ) است و کلیه آب‌های سطحی شهر با جهت عمومی شیب از سمت شمال شرقی

سرمایه‌گذاری کنیم کدام حوزه بهتر است؟

در راستای روایی مصاحبه نیز از روش روایی محتوایی استفاده شده است. روایی محتوایی، ایجاد اطمینان می‌کند که همه ابعاد و مؤلفه‌هایی که می‌توانند مفهوم مورد نظر را انعکاس دهند و در آن سنجش وجود دارد، مدنظر قرار گرفته است (Gholipour & et al., 2011). در ابتدا سئوالات مصاحبه از دیدگاه پژوهشگران مورد ارزیابی قرار گرفت. این ارزیابی در اصل بر روایی محتوایی شاخص‌های ارائه شده برای سنجش ابعاد مورد نظر در طرح تحقیق تمرکز داشت. بنابراین از روش اعتبار محتوا برای سنجش میزان اعتبار مصاحبه و اصلاح آن در صورت ضرورت استفاده شده است.

به منظور اعتمادپذیری تحقیق، اعتبار و تأیید پذیری آن، تمامی فرایند تحقیق به صورت روشن و شفاف به مصاحبه‌شوندگان توضیح داده شده و در تحقیق نیز ارائه شده است. در تمام مراحل پس از انجام مصاحبه، متون پیاده شده، تحلیل‌ها و تفسیرها و نتایج به دست آمده تا مرحله پایانی، به مصاحبه‌شوندگان برگردانده شده، اصلاحات مدنظر آنها اعمال شده و مجدداً به آنها ارائه شده است. به گونه‌ای که نتایج تحقیق با اظهار نظر مصاحبه‌شوندگان بیشترین تطابق را داشته باشد.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، یافته‌های به دست آمده در قالب مراحل مدل مدیریت برند شهر در شهر مورد مطالعه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۴٫۱. ایجاد برند با استفاده از مدل مدیریت برند شهری

مرحله نخست: چیزی که هستیم

این مرحله به تحلیل وضعیت موجود شهر جونقان اشاره دارد. در واقع در این مرحله بخش‌های مختلفی که در طراحی برند شهر جونقان فعال هستند باید به طور کامل منابع و دارایی‌های فعلی شهر را ارزیابی نمایند. عوامل کلیدی در ارزیابی و تحلیل وضع موجود یک شهر شامل مکان، افراد، فرایندهای قانونی و همکاران هستند که در ادامه به توصیف آنها در شهر جونقان پرداخته شده است.

جدول شماره ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه برای پژوهش

شماره	نام و نام خانوادگی	میزان تحصیلات	شغل
۱	ارسلان قاسمی	کارشناسی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	عضو شورای اسلامی شهر - مسئول فنی شهرداری
۲	محمد رحیمی	کارشناسی شهرسازی	فعال گردشگری
۳	اسماعیل امانی	کارشناسی حسابداری	سرپرست سابق شهرداری - مدیر اداری شهرداری
۴	مریم قاسمی	کارشناسی کشاورزی	عضو سابق شورای اسلامی شهر
۵	رضا حاجی پور	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	بخشدار بخش جونقان
۶	کرامت محمدی	کارشناسی ارشد تاریخ	کارمند اداره اوقاف شهرکرد - فعال گردشگری
۷	حسن نوروزی	کارشناسی مهندسی فناوری و نرم افزار	کارمند شهرداری - فعال شهری
۸	سرخاوت امانی	دیپلم	فعال گردشگری - عضو هیئت کوهنوردی شهر جونقان - عضو انجمن مردم‌نهاد حیات سبز شهر جونقان
۹	رضوان عرب	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	رئیس شورای اسلامی شهر جونقان - عضو کمیسیون بانوان شهر جونقان
۱۰	مصطفی احمدیان	کارشناسی جامعه‌شناسی	عضو شورای اسلامی شهر جونقان - رئیس شورای شهرستان فارس - مدیرعامل موسسه خیریه امام حسین
۱۱	بهروز مهرپور	کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی	استاد دانشگاه - فعال در حوزه گردشگری
۱۲	مصطفی هادی پور	کارشناس ارشد معماری	کارشناس میراث فرهنگی

آخر اقداماتی برای بهبود شرایط اقتصادی مانند طرح‌های زهکشی، آبخیزداری، ایجاد شهرک صنعتی و همچنین راه‌اندازی کشتارگاه صنعتی انجام پذیرفته است. هم‌اکنون کشتارگاه صنعتی شهر در حال کار است. از نظر باغداری شهر جونقان حدود هزار جریب باغ انگور، بادام و گردو دارد. در این شهر گرایش‌هایی به صنعت مرغداری و زنبورداری نیز وجود دارد. شهر جونقان از بسیاری از جهات دارای توانمندی‌های بالا اما نهفته و راکد است که همدلی مسئولان و سرمایه‌گذاری اصولی می‌تواند به وضع کنونی سروسامان دهد. از این دست می‌توان به صنعت فرش که سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد، اشاره کرد. فرش‌های دست‌بافت جونقان از مرغوبیت و کیفیت در سطح بالایی قرار دارد که امید است با همت مسئولان امر و بازنگری آنان باعث رونق این صنعت گردد. چراکه از یک سو به تأمین معاش کمک می‌کند و از سوی دیگر شکوفایی قسمتی از صنعت منطقه را موجب می‌شود (Summary of the master plan report, 2019: 25). بررسی وضعیت گروه‌های عمده فعالیتی برحسب نوع شغل در بخش‌های مختلف نشان می‌دهد، سهم بخش خصوصی در اشتغال شهر بسیار بالا بوده و این شهر به لحاظ مشاغل اداری دولتی و عمومی سهم چندانی ندارد (Ibid). همچنین بر مبنای سرشماری ۱۳۹۵ در شهر جونقان ۴۶٫۳۷ درصد از شاغلان شهر در امور صنعت و ساختمان اشتغال دارند که بالاترین سهم اشتغال در شهر جونقان را تشکیل می‌دهد و سهم شاغلان در بخش بازرگانی و خدمات برابر ۳۲٫۸ درصد است. در بخش کشاورزی نیز معادل ۲۰٫۷۹ درصد از شاغلان شهر فعالیت دارند. با این ارقام جایگاه اقتصاد شهر در مثلث تعیین نقش بوزگارانیه در محدوده اقتصاد چند نقشی قرار می‌گیرد (Statistics Center of Iran, 2016).

د) ویژگی‌های گردشگری

دشت جونقان یکی از قدیمی‌ترین مناطق ایران به لحاظ سکونت است. وجود آب‌وهوای مناسب، خاک حاصلخیز و رودخانه‌ها و چشمه‌های پرآب سبب اسکان درازمدت انسان‌ها در این منطقه بوده است. وجود آثار پیش‌ازتاریخ در این منطقه بیانگر این است که مکان‌های استقرار بشر در ادوار پیش‌ازتاریخ در منطقه وجود داشته است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتیبه سراب جونقان و طاق سنگی‌ها (موسوم به خانه اوی) اشاره کرد. شهر جونقان با قرارگیری در موقعیت طبیعی عالی و با داشتن طبیعت بکر و بی‌نظیر قطعاً یکی از شهرهایی است که می‌تواند در زمینه گردشگری در آینده نقش بسزایی در توسعه صنعت توریسم داشته باشد. علاوه بر آثار و میراث تاریخی، حوزه‌های طبیعی شهر نیز از پتانسیل‌های خوبی برخوردارند؛ وجود چشمه‌های فراوان اطراف و در سطح شهر بر جذابیت شهر افزوده است. برای مثال چشمه بلبل که در شمال شرقی شهر قرار دارد، با عبور از وسط شهر دره‌ای زیبا در شهر ایجاد کرده است که هم‌راستا با آن درخت‌های کهنسال زیادی وجود دارد. این چشمه بعد از خروج از شهر با عبور از پل گشنیز جان وارد مراتع کشاورزی می‌شود. همچنین کوه‌های اطراف (کوه شیخ، کوه سالدران، کوه جهان‌بین و کوه سوخته) که هرساله پذیرای کوهنوردان بی‌شماری بوده، دارای چشم‌انداز زیبایی هستند. بر بلندای کوه شیخ می‌توان تمام روستا و شهرهای اطراف شهر و دشت‌ها را به خوبی تماشا کرد. با توجه به این که در

به سمت جنوب و جنوب غربی جریان یافته و از محدوده شهر جونقان به سمت اراضی کشاورزی جنوبی شهر از حوزه دشت خارج می‌شوند. از مهم‌ترین محدودکننده‌های توسعه کالبدی شهر جونقان می‌توان به عوامل طبیعی اشاره کرد. شاخص‌ترین این عوامل شامل ارتفاعات بلند و شیب‌دار و صخره‌ای (کوه جهان‌بین) سمت شمال و شمال شرقی شهر است. اراضی مرغوب و حاصلخیز کشاورزی واقع در جنوب غربی، جنوب و شرق شهر از دیگر عوامل طبیعی اصلی محدودکننده توسعه کالبدی شهر به شمار می‌روند (Rahimi, 2014).

ب) زیرساخت‌های شهری و سیستم‌های حمل‌ونقل

مراکز تأسیسات شهری شامل فعالیت‌های مربوط به آب، برق، تلفن، گاز و ... و تجهیزات شهری دربرگیرنده مراکزی مثل آتش‌نشانی، جمع‌آوری زباله، کشتارگاه و غیره است. این کاربری مساحتی معادل ۴/۸۴ هکتار، ۵۲/۱ درصد از سطح خالص شهر را شامل می‌شود. عمده‌ترین مراکز شاخص این کاربری در شهر جونقان شامل تأسیسات مربوط به پمپ‌بنزین و چاه‌های آب کشاورزی است که در داخل محدوده شهر هستند (Summary of the master plan report, 2019: 11).

● **سیستم حمل‌ونقل:** کاربری حمل‌ونقل و انبار نیز شامل فضاهایی مثل انبارهای عمده کالا، سردخانه، انبارهای سوخت، گاراژها و پایانه‌ها و نظایر آن است. سطح این کاربری ۷۸۶/۶۰ مترمربع است و ۰/۰۲ درصد از کل سطح خالص شهر را تشکیل می‌دهد. سرانه این کاربری به ازای هر نفر ۰/۰۵ مترمربع محاسبه شده است (Summary of the master plan report, 2019). در رابطه با سیستم حمل و نقل عمومی که در شهر فعالیت دارند، می‌توان به تاکسی و مینی‌بوس‌های بین‌شهری اشاره کرد. به‌منظور ساماندهی به سواری‌های خطی، مینی‌بوس‌ها و اتوبوس‌هایی که مسافران جونقانی را در ارتباط با سکونتگاه‌های شهری و روستایی اطراف جابه‌جا می‌کنند، یک قطعه زمین در ورودی شهر از سمت غرب به‌منظور احداث پایانه اختصاص داده شده است. مساحت این کاربری شش هزار و ۵۹۵ مترمربع در نظر گرفته شده ولی تاکنون اقدامی در این رابطه صورت نگرفته و پایانه قدیمی شهر که در مرکز شهر واقع شده، به کار خود ادامه می‌دهد؛ که متأسفانه با کمبود تجهیزات همراه بوده و مینی‌بوس‌هایی که جابه‌جایی مسافر را بین مرکز شهرستان (فارسان) و مرکز استان (شهرکرد) انجام می‌دهند، فرسوده هستند. علاوه بر آن تاکسی‌ها نیز در همین پایانه فعالیت دارند. تاکسی‌های در سطح شهر نیز از ساماندهی مناسبی برخوردار نیستند. در نتیجه در راستای تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز گردشگری برای آن دسته از گردشگرانی که از وسایل نقلیه عمومی و اتوبوس‌ها استفاده می‌کنند و همچنین کسانی که در سطح شهر از تاکسی استفاده می‌کنند، باید به این امر توجه ویژه‌ای صورت بگیرد.

ج) خوشه‌های صنعتی و اقتصادی در شهر

در رابطه با معرفی ویژگی‌های اقتصادی شهر جونقان می‌توان گفت که این شهر از نظر اقتصادی وابسته به کشاورزی و دامداری است؛ چراکه از نظر زمین‌های کشاورزی و مراتع تا حدی غنی است. در چند سال

مطالعات صورت گرفته و برداشت‌های انجام‌شده، جمعیت شهر جوقنقن مطابق داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۴ هزار و ۴۳۳ نفر بوده که از این تعداد هفت هزار و ۳۳۶ نفر مرد و هفت هزار و ۹۷ نفر زن هستند. در ضمن نرخ رشد جمعیت آن نیز طی دهه گذشته معادل ۰/۵۵- بوده است. طبق (نمودار شماره ۶)، جمعیت جوان در شهر به نسبت سنین دیگر بیشتر است و این یعنی تعداد بیشتر افراد تحصیل‌کرده یا در حال تحصیل را داریم؛ همین‌طور سنینی که وارد بازار کار شده‌اند یا جویای کار هستند. در نتیجه هم باید زمینه شغلی برای جوانان مهیا شود و هم این که وجود این قشر تحصیل‌کرده و جوان می‌تواند برای تحقق اهداف طرح کمک‌کننده باشد. بر این اساس باید برنامه‌ریزی‌ها به‌گونه‌ای باشد که بیشترین بهره هم برای شهر و هم برای جوانان شهر به دست آید. مهم‌ترین نهاد رسمی مجری طرح‌های شهری، شهرداری است. از طرف دیگر به منظور اجرای صحیح الگوهای پیشنهادی طرح‌های شهری، شهردار نیازمند نیروی انسانی متخصص و ماهر خواهد بود. شهرداری جوقنقن اصلی‌ترین سازمان دخیل در امور اجرایی-عمرانی شهر بوده و نقش مؤثری در تهیه و اجرای برنامه‌های عمرانی کوتاه‌مدت، بلندمدت و یا پروژه‌های بخشی دارد. از جمله مسائلی که همواره در شهرداری جوقنقن پیشرفت در انجام امور شهری را دچار مشکل می‌نماید، عدم کارایی و تخصص و سطح تحصیلات کارکنان اداری و پرسنلی شهرداری است. شهرداران نیز به جای انتخاب از بین افراد صاحب صلاحیت در امور شهرسازی، برنامه‌ریزی و معماری و با ساختمان، معمولاً به دلیل توجه به جنبه سیاسی بودن این پست، از افراد غیرمتخصص در این امور استفاده می‌کنند که خود این مسئله در نحوه مدیریت طرح‌ها و چگونگی سازمان‌دهی و اجرا و اولویت دادن به هر پروژه نسبت به دیگری اثر فراوان می‌گذارد. در مجموع ملاحظه می‌گردد که شهرداری جوقنقن نسبت به سایر شهرهای کشور تقریباً از امکانات ناچیزی برخوردار است. از طرفی ترکیب فعلی کارکنان صاحب صلاحیت، در آینده و به منظور اجرای مفاد طرح‌های شهری قادر به تأمین نیازها نبوده و باید در مورد به‌کارگیری و استفاده از خدمات کارشناسان و متخصصان امر سود جست (Summary of the master plan report, 2019).

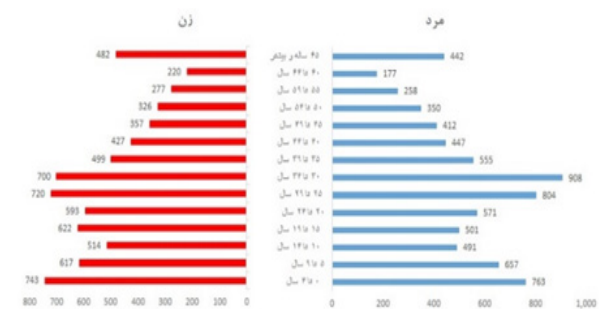
• فرایندهای قانونی

این بخش متشکل از عواملی است که در شهر نقش مؤثری ایفا می‌کنند و در پیشبرد اهداف، برنامه‌ها و اجرای پروژه‌ها نقش دارند. جوقنقن سال‌هاست که از نبود بعضی از ادارات رنج می‌برد؛ اگرچه با مساعدت مسئولان در سال‌های اخیر نمایندگی‌های وارداتی افتتاح گردیده است. هم‌اکنون این شهرداری شهرداری، دانشکده‌ی فنی دخترانه، دانشگاه پیام نور، اداره‌ی برق، اداره‌ی مخابرات، اداره‌ی پست، اداره‌ی گاز، اداره‌ی آب و فاضلاب، کتابخانه‌ی عمومی، نمایندگی آموزش و پرورش، نمایندگی تربیت‌بدنی، نمایندگی ثبت‌احوال، نمایندگی سازمان نظام‌مهندسی، نمایندگی اداره بیمه، نمایندگی اداره‌ی دارایی، مرکز خدمات کشاورزی و کلاتری است. در شهر جوقنقن شهرداری به‌عنوان یکی از عوامل اصلی این فرآیند مطرح است. تأسیس شهرداری در جوقنقن به تاریخ ۱۳۵۵/۷/۲۰ برمی‌گردد. این ارگان به دلیل ارتباط مستقیمی که هم با ارگان‌های بالادستی و هم مردم دارد، می‌تواند به

توسعه گردشگری علاوه بر جاذبه گردشگری، زیرساخت‌ها نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، می‌توان عنوان کرد که به‌تازگی بوم گردی‌هایی در سطح شهر در حال شکل‌گیری هستند که می‌توانند باعث آشنایی گردشگران با سبک زندگی مردم شهر در گذشته شوند. قالی‌بافی بانوان و وجود دار قالی در این بوم گردی‌ها نشان از قدمت این هنر است. گردشگران می‌توانند با پوشیدن لباس‌های محلی و مشارکت در پختن غذاهای محلی، زندگی متفاوتی را تجربه کنند. همچنین وجود قلعه سردار اسعد بختیاری که امروزه به‌عنوان موزه مشروطیت مطرح است، پذیرای گردشگران بی‌شماری است. طبق گزارش‌های صورت گرفته، میزان ورود گردشگر به شهر جوقنقن نشان‌دهنده این امر است که قلعه سردار اسعد بختیاری بیشترین گردشگر ورودی را با روزانه ۴۸۸-۵۸۸ نفر در ایام تعطیلات عید نوروز و تابستان به خود اختصاص داده است که با توجه به شرایط کشور و انتشار ویروس کرونا در سال ۱۳۹۹ تعداد کل بازدیدکنندگان در ایام تعطیلات عید نوروز به ۱۸۵۸ نفر رسید که بیشترین ورود گردشگر استان را به خود اختصاص داده و بعد از آن تنگ درکش ورکش یکی از جاذبه‌های طبیعی شهر، رتبه دوم بازدید را دارد (Reports of the Cultural Heritage & Handicrafts Organization, 2020) (نمودار شماره ۵).



نمودار شماره ۵: جاذبه‌های گردشگری شهر جوقنقن



نمودار شماره ۶: هرم سنی و جنسی جمعیت شهر جوقنقن در سال ۱۳۹۵ (Statistics: Center of Iran, 2016)

• افراد

عنصر مردم دربردارنده سرمایه نیروی انسانی در شهر جوقنقن است. جمعیت نیروی جوان، افراد ماهر، خلاقیت و رفتار شهروندان همگی به‌عنوان سرمایه‌های انسانی آن قابل بررسی هستند. با توجه به

را این‌گونه شناسایی نمود: ۱- شهروندان، ۲- مدیران شهری و ۳- متفکران و فعالان در عرصه برند سازی و گردشگری (تصویر شماره ۱). همچنین در روند استقرار برند شهری و توسعه گردشگری به گروه‌هایی مانند شورایی به منظور توسعه اقتصادی، رهبران کسب و کار و صنف‌های مختلف، رهبران و مدیران شهری، نمایندگان مردمی، مدیران گردشگری، دانشگاه‌های محلی، مؤسسات فرهنگی و میراث فرهنگی، رسانه‌های محلی، کمیسیون‌های مرتبط با رویدادها و نمایشگاه‌ها و... می‌توان به‌عنوان ذی‌مدخلان اشاره نمود. البته نمی‌توان نقش بسیار مهم مردم عادی شهر را نیز در پیشبرد اهداف برند شهری نادیده گرفت. فعالیت و برنامه‌های تمامی گروه‌های یادشده با همکاری و ارائه آموزش‌های لازم به شهروندان به نتیجه مطلوب خواهد رسید.



تصویر شماره ۱: ذی‌مدخلان برند سازی و توسعه گردشگری در Jonqan

قومیت در کنار هم باعث به وجود آمدن فرهنگ و رسوم و سنت‌های خاصی گردیده که در مراسم عروسی و عزاداری اجرا می‌شود (مانند موسیقی‌های محلی، رقص محلی و لباس محلی دو قوم بختیاری و قشقایی). دشت Jonqan به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دشت‌های استان، محصور در بین کوه‌های سربه فلک کشیده در گذشته، نقش مهمی در تاریخ داشته است. وجود قلعه تاریخی سردار اسعد بختیاری در این شهر و آغاز حرکت قشون مشروطه خواهان از شهر Jonqan به سمت تهران سبب گردیده تا این قلعه تاریخی تبدیل به موزه مشروطه استان شود و قوم بختیاری نسبت به این شهر تعلق خاطر ویژه‌ای داشته و همچنین سهم ویژه‌ای در حجم گردشگری این شهر داشته باشند.

✓ سوغاتی و صنایع دستی شهر Jonqan

با توجه به تحلیل‌های به‌دست‌آمده، شهر Jonqan به‌نوبه‌ی خود هنر و صنعت خاصی ندارد تا مورد توجه گردشگران قرار بگیرد فقط این که از دیرباز قالی‌بافی در بین بانوان شهر رواج داشته است. اما به دلیل عدم استقبال بازار از این صنعت کم‌کم نقش این صنعت کم‌رنگ شده و بیشتر جنبه سرگرمی به خود گرفته و یا خانوارها برای تأمین مایحتاج خود به قالی‌بافی مشغول هستند. شهر Jonqan همانند بیشتر شهرهای استان دارای باغات فراوان است که محصولاتی چون گردو، بادام، انگور

پیشبرد اهداف کمک کند. علاوه بر آن شورای شهر به‌عنوان یکی دیگر از اهرم‌های فرایند می‌تواند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی و اجتماعی شهر داشته و در راستای تدوین برنامه‌های مؤثر در این زمینه اقدام نماید.

• همکاران

همکاران با بخش فرایندهای قانونی ارتباط نزدیکی دارند. این عنصر در واقع ذی‌نفعان فرایند را مشخص می‌کند. برند سازی شهر Jonqan فرایندی پیوسته است که شامل همه شهروندان می‌شود. پیاده‌سازی و نگهداری از برند شهر وظیفه یک گروه خاص نیست، بلکه باید در این راه همه افراد مرتبط و مناسب دخیل شوند. در یک نگاه کلی می‌توان سه گروه دخیل در برند سازی شهری و توسعه گردشگری شهر Jonqan

مرحله دوم: گزینه‌های پیش روی ما

در راستای شناسایی تصویر کنونی شهر، پیشینه، ظرفیت‌ها، مزیت‌ها، نیازها و فرصت‌های شهر و مزیت شهر نزد گروه‌های مخاطب مختلف بررسی می‌گردد و منجر به ارائه تصویر واقعی از شهر نزد ذی‌نفعان و مخاطبان مختلف می‌شود. بر همین اساس برای شناسایی تصویر کنونی و هویت شهر Jonqan مصاحبه‌هایی با مسئولان شهری و متخصصان و فعالان در عرصه گردشگری انجام شده که در نهایت با تحلیل مصاحبه با استفاده از کدگذاری باز (که داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا درمی‌آیند و هدف اصلی آن، مفهوم‌سازی و برچسب زدن به داده‌هاست)، کدگذاری محوری (تکیه بر مشخص کردن یک پدیده با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد) و کدگذاری انتخابی (فرایند انتخاب یک مقوله) در جدول شماره ۲ مفاهیم نهایی استخراج و توضیحات نهایی ارائه گردیده است.

✓ هویت شهر Jonqan

با توجه به دیدگاه متخصصان شهری و گردشگری، هویت شهر Jonqan متشکل از تاریخ، سنت‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ آن است. شهر Jonqan از معدود شهرهایی در استان چهارمحال و بختیاری است که ترک زبان بوده و توأمان مسلط به زبان بختیاری و فارسی هستند و ترکیب سه

جدول شماره ۲: مقولات و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها در رابطه با برند شهر

شماره	گزاره‌ها	کد مصاحبه‌شوندگان	مقولات	مفاهیم
۱	از معدود شهرهای ترک‌زبان - مطرح بودن قلعه و بحث مشروطیت - فرهنگ شهر جونقان متأثر از قوم بختیاری‌هایی است که وارد جونقان شدند- هویت شهر ناشی از قدمت تاریخی آن است و هویت شهر را قلعه سردار اسعد بختیاری و راه‌های منتهی به آن می‌سازد -۹۰ درصد هویت شهر جونقان به‌غیر از زبان بختیاری شده است- شهر جونقان هفتمین شهر پرجمعیت استان است- دارای نقطه سوق الجیشی است و آغاز حرکت مشروطه خواهان به سمت تهران از جونقان بوده است- یکی از دشت‌های وسیع استان وتامین کننده مایحتاج مردم- تنها شهر ترک‌زبان در بخش میزدج که مسلط به زبان بختیاری و فارسی نیز هستند- زنده نگاه داشتن سنت‌های گذشته و اجرای این سنت‌ها در مراسم عروسی و شب‌نشینی‌ها- قرارگیری در یک بن‌بست جغرافیایی که باعث عدم گسترش روابط فرهنگی و اقتصادی شده است -شهر خیرین در زمینه ساخت مدارس و مساجد شهر- قطب دامداری و کشاورزی- قدیمی‌ترین فرهنگ به دلیل موقعیت مناسب سکونتی	11-11-11,11-12,7,9,12-14-112-111-110-13,10-110-12,3,10-110-18,9-19-15,6-13-12-	قدمت تاریخی و موقعیت جغرافیایی شهر- ادغام فرهنگ دو قوم لر(بختیاری) و ترک (قشقایی)- شهرسخت‌مندان (ساخت مدارس و مساجد و کمک‌های عمرانی به وسیله خیرین)- پایبندی به رسومات گذشته‌های بسیار دور و اجرای آیین‌های مختلف در مراسم عروسی	تاریخ و فرهنگ اصیل که برگرفته از موقعیت جغرافیایی، زبان و قومیت‌های مختلف ساکن در شهر است
۲	محصولات لبنی و محصولات باغی مانند گردو و بادام- لباس‌های محلی- غذاهای محلی (آش دوغ و...)- داروهای گیاهی- صنایع دستی (فرش)- گوشت- ابزارآلات کشاورزی- سوغاتی خاص و متنوعی نداریم که مورد توجه باشد	11,2,3,5,6,7,8,9,11-12-12,3,10-16-16,10-18-110-14,12	محصولات لبنی و باغی- غذاهای محلی- صنایع دستی (فرش)	تولیدات مشترک استان (محصولات لبنی و باغی)
۳	قوم ترک و قلعه سردار اسعد بختیاری- کشاورزی و دامداری- قلعه و راه‌های منتهی به آن- طبیعت شهر- خیر بودن مردم (سخت‌مندی)- فرهنگ اصیل- غیرت مردان و عفت زنان- دشت وسیع و مهم- مشروطیت و قلعه- بخش تاریخی شهر(کتیبه‌ها و خانه اوی)	11-17-112-111,8-110-19-19-15,6-12-12	قلعه سردار اسعد بختیاری- طبیعت شهر- کتیبه‌ها- خانه اوی- دیار مشروطه خواهان- تنگ درکش ورکش	تاریخ مشروطیت و قلعه سردار اسعد بختیاری- طبیعت بکر و چشمه‌ساران
	قلعه سردار اسعد بختیاری- شهر آشوب و نزع و قتل- شهر لات و معتاد نشین- غرور کاذب و درگیری‌های محلی- مهمان‌نوازی- طبیعت چشمه‌ساران فراوان- تعصب و غیرت- باغات میوه و دشت و گندم‌زارها-	11,2,7,12-14,9-111-110-18-18,11-15-13	قلعه سردار اسعد بختیاری- چشمه‌های فراوان و کوه‌های اطراف شهر- درگیری‌های محلی	تاریخ مشروطیت و قلعه سردار اسعد بختیاری- طبیعت بکر و چشمه‌ساران
۴	بخش اول	11,3,7,12-11-12,6-14,8,9,10-19	قلعه سردار اسعد بختیاری- کوه‌ها و باغات و چشمه‌ها- تنگ درکش ورکش- خانه اوی و کتیبه‌ها	حوزه گردشگری تاریخی- حوزه گردشگری طبیعی
	بخش دوم	11,4,7,10-12,3,9-15,6-18-111,12	قلعه سردار اسعد بختیاری و بخش تاریخی شهر- طبیعت شهر	محور گردشگری تاریخی و طبیعی (از قلعه سردار اسعد تا تنگ درکش ورکش)

بیشترین تصویری که نسبت به شهر جونقان وجود دارد، برگرفته از فرهنگ مشروطیت و قلعه تاریخی سردار اسعد بختیاری است. همچنین آثار تاریخی دیگری همچون خانه اوی و کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها و بعدازآن طبیعت بکر و چشمه‌ساران و کوه‌ها نقش گسترده‌ای در این تصویر ذهنی دارند. متأسفانه شهر جونقان همچون دیگر شهرها ممکن است با مشکلات و آسیب‌هایی همراه باشد. درگیری‌ها و نزاع‌هایی که گاهی اوقات رخ می‌دهد، موجب مخدوش شدن چهره شهر شده و تصویر نامناسبی از شهر را نزد دیگران به نمایش گذاشته که امید است با

و ... در آنها برداشت می‌شود و با توجه به دامدار و کشاورز بودن بیشتر مردم شهر محصولات لبنی و باغی این شهر نیز مورد استقبال گردشگران است. اما به دلیل نبود مراکز دائمی برای عرضه این محصولات، آن‌گونه که شایسته است، از لحاظ اقتصادی برای شهر و مردمان آن سودمند نبوده است.

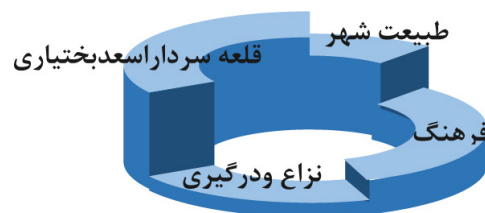
✓ تصویر ذهنی نسبت به شهر جونقان

با توجه به نظر متخصصان، تصویر فعلی شهر جونقان چه در نزد خودشان و چه در نزد شهروندان و گردشگران متأثر از چند ویژگی است.

همدلی بیشتر مردم و اقدامات مسئولان و مراقبت‌های نیروی انتظامی این آسیب‌ها به حداقل ممکن برسد.

✓ حوزه‌های گردشگری شهر جونقان

با توجه به نظر متخصصان، در شهر جونقان حوزه‌ی گردشگری تاریخی شامل قلعه سردار اسعد بختیاری، خانه‌اوی و کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها از شهرت بیشتری نزد گردشگران برخوردار است و بعدازآن طبیعت و حوزه طبیعی شهر قرار دارد که شامل چشمه‌ها، تنگ درکش و رکش، کوه‌های اطراف شهر، باغات بکان و... است. بیشترین گردشگری که وارد شهر می‌شود، برای بازدید از قلعه سردار اسعد بختیاری است و بعدازآن رهسپار خانه‌اوی و تنگ درکش می‌شوند. همان‌طور که در جدول بالا عنوان شد و با توجه به این که دو حوزه گردشگری تاریخی و طبیعی شهر توأمان باهم هستند و هر دو حوزه این پتانسیل را دارند که در راستای توسعه گردشگری و جذب گردشگر مطرح باشند، همین‌طور با توجه به دیدگاه‌های متخصصان، به نظر می‌رسد با ایجاد یک مسیر گردشگری که متصل‌کننده مکان‌های دیدنی و تفریحی شهر باشد (مسیری که از ورودی شهر و پارک کوهستانی آغاز شده و بعدازآن به سمت حمام‌های تاریخی (حمام خان) و بعدازآن قلعه سردار اسعد بختیاری و چشمه صالح و بعدازآن تنگ درکش و رکش و خانه‌اوی را دارد) بتواند پاسخگو باشد و سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند مثمر ثمر واقع شود.



نمودار شماره ۷: تصویر کنونی شهر جونقان

با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته مشخص شد که شهر جونقان بیشتر با عنوان قلعه سردار اسعد بختیاری (چه نزد شهروندان و چه در نزد گردشگران) شناخته می‌شود و نخستین تصویری که در ذهن بیشتر افراد نقش می‌بندد، وجود این میراث تاریخی است. بعدازآن بیشتر طبیعت شهر (شامل دشت و گندم‌زارها، باغات و کوه‌های اطراف و چشمه‌ها) است که سازنده تصویر شهر در ذهن مخاطبان می‌شود. بعدازآن فرهنگ شهر شامل غیرت و تعصب و سخاوتمندی و خیر بودن مردم، سازنده تصویری است که دیگران نسبت به شهردارند و در آخر دیدگاهی است که چهره شهر را کدر و مخدوش نشان می‌دهد؛ یعنی نزاع‌ها و درگیری‌های قومی که گاهی در شهر صورت می‌گیرد (نمودار شماره ۷).

مرحله سوم: چیزی که می‌خواهیم باشیم

این مرحله تعیین‌کننده چیزی است که ما می‌خواهیم باشیم. تثبیت این مرحله از فرایند باید در بردارنده بیشترین بازده اجتماعی و اقتصادی برای شهر باشد. مرحله تثبیت یکی از جنبه‌های برند شهری است که همچون چتری، کلیه فعالیت‌ها را در بر گرفته و چشم‌انداز، ارزش‌ها، شخصیت و تصویر برند را به نمایش می‌گذارد. تدوین چشم‌انداز

برای یک شهر در حقیقت به مفهوم ارائه هدفی به ساکنان شهر برای کلیه تلاش‌هایشان و توصیف چیزی است که احتمالاً در آینده به آن نائل خواهند شد. چشم‌انداز انگاره موضعی است که شهر و جامعه می‌خواهند در آینده در آنجا باشند. چشم‌انداز چیزی فراسوی آینده قابل پیش‌بینی و فراتر از روندهای موجود فراهم می‌سازد و بازتاب فهم مشترک طولانی‌مدت جامعه از اهداف توسعه خویش است. عموماً چشم‌انداز تلاش دارد تا پاسخ این سؤال را که این شهر یا منطقه توان بالقوه چه چیزی شدن را دارد، فراهم آورد. در ادامه با بررسی و بازنمایی در چشم‌اندازهای پیشین و موجود و دیدگاه‌های متخصصان و شناخت اولیه از شهر و پتانسیل‌های گردشگری، بیانیه چشم‌انداز شهر جونقان به شرح زیر تدوین شده است:

✓ شهر جونقان در افق ۱۴۲۰ شهری است همساز با شاخص‌های گردشگری خلاق که به‌عنوان الگویی در زمینه خلاقیت مطرح است. پتانسیل و استعدادها با لایه شهر جونقان در خصوص فضاها و عناصر بارزش، بستری برای افزایش تبادل تجربه‌های نوین متخصصان در زمینه گردشگری خلاق ایجاد کرده است. هویت و اصالت شهر جونقان که تبلور آن در آثار تاریخی شهر مشهود است، به شکلی بارز احیا شده و منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای پایدار و پویا از اموری است که در ارتباط تنگاتنگ با نیازهای ساکنان آنست. از ویژگی‌های مهم شهر جونقان وجود بنای مربوط به قلعه سردار اسعد بختیاری است که به‌عنوان برند در قسمت مرکزی این شهر واقع شده و با عنوان موزه مشروطه ملی هر ساله علاقه‌مندان زیادی را به خود جذب می‌کند تا ضمن آشنایی با تاریخ مشروطیت بتوانند تجربه‌ای متفاوت از زندگی در آن زمان را تجربه نمایند. سفر به جونقان یعنی سفر به سوی تجربه‌ای اصیل و جالب‌توجه و آموختن هنر قالی‌بافی، آشنایی با میراث تاریخی و ویژگی خاص طبیعی و نیز برقراری ارتباط میان گردشگران و اهالی آن منطقه که پدیدآورندگان آن فرهنگ زیستی هستند. وجود حس تعلق نسبت به شهر و جاذبه‌های آن در بین ساکنان، زمینه‌ساز مشارکت بیشتر شده است. این شهر همگام با توسعه‌های پیرامون در عین حفاظت از زندگی شهروندان، معرف پتانسیل‌ها و پیشران‌های آن نیز است. وجود ابنیه و آثار ارزشمند تاریخی در شهر منجر به توسعه بیشتر گردشگری شده است. جونقان فقط مقصد گردشگران نیست بلکه به یک محور عبوری جذاب نیز تبدیل شده است. محوری که از ورودی شهر آغاز می‌شود و با مرکزیت قلعه سردار اسعد بختیاری به سمت چشمه صالح و بعدازآن تنگ درکش و رکش و خانه‌اوی ادامه پیدا می‌کند. مسیری که در راستای خود معرف حوزه‌های گردشگری و پیشران‌های شهر است. در پی بهبود نگاه مردم و مدیران به شهر جونقان و امکان جذب همکاری بیشتر، سازمان‌های مردم‌نهاد و سایر نهادهای غیردولتی توانسته‌اند در مدیریت شهری نقش داشته باشند. همچنین وجود جوانان علاقه‌مند و فعال در زمینه گردشگری به‌عنوان نیرویی تأثیرگذار در جهت‌دهی به تصمیم‌گیری‌ها زمینه مشارکتی یکپارچه را فراهم کرده است. همچنین برای توسعه هنر قالی‌بافی اقداماتی در راستای حمایت از طرح‌های سنتی صورت گرفته که باعث رونق و شهرت بیشتر این هنر نزد گردشگران شده و شهر جونقان به‌عنوان یکی از مراکز اصلی در طراحی و بافت فرش شناخته می‌شود.

مرحله چهارم: چیزهایی که نیاز داریم

آخرین مرحله این مدل، تعیین چارچوبی برای فعالیت‌های آینده است. جهت‌گیری‌های راهبردی را برای تمرکز فعالیت‌های همه ذی‌مدخلان به منظور حصول یک هدف نهایی مشترک، پیشنهاد می‌دهد. بنابراین این مرحله، همه ذی‌نفعان را برای توسعه و به‌کارگیری برنامه‌های عملیاتی مشخصی به چالش وامی‌دارد. با توجه به وجود ذی‌مدخلان مختلف در عرصه برند شهر و گردشگری خلاق و چشم‌انداز شهر جوقنقان، این امر مهم احساس می‌شود که در راستای رسیدن به چشم‌انداز تدوین شده همه گروه‌های درگیر در این امر باید در یک مشارکت همگانی با یک برنامه‌ریزی مدون قدم بردارند تا اهداف مورد نظر این پژوهش حاصل شود. مدیران و مسئولان شهری با داشتن این چشم‌انداز به‌عنوان یک چراغ‌راهنما می‌توانند در طرح‌های شهری و برنامه‌های اجرایی اولویت‌های درست را انتخاب نمایند و در راستای پیشبرد اهداف قدم بردارند. همچنین شهروندان جوقنقانی به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی این طرح باید با دید مثبت‌تر و آینده‌نگرتری به این قضیه نگاه کنند و این باور را در خود پرورش دهند که برای داشتن آینده‌ای خوب برای خودمان و فرزندانمان، باید منافع جمعی را نیز در نظر گرفت و گاهی بر منافع شخصی ارجحیت داد. جوانان متخصص، تحصیل‌کرده و فعال در عرصه‌های گردشگری و شهری می‌توانند به‌عنوان یک نیروی کمکی مهم، هم در جهت همفکری و راهنمایی با مدیران شهری همراه شوند و هم به‌عنوان یک انجمن مردم‌نهاد در به‌باور رسیدن مردم نسبت به تغییر دیدگاه‌های منفی و مشارکت در پیشرفت شهر قدم بردارند. با توجه به این که مشخص گردید تصویر کنونی شهر جوقنقان و چشم‌انداز آینده برای این شهر شامل چه چیزهایی است می‌توان اذعان داشت که بیشترین چیزهایی که سازنده تصویر ذهنی نسبت به شهر جوقنقان است، قلعه سردار اسعد بختیاری و طبیعت شهر هستند. در همین راستا قلعه سردار اسعد بختیاری به‌عنوان برند شهر مطرح است. در نتیجه با توجه به تحلیل‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده در راستای نقش برند شهر بر توسعه گردشگری خلاق، تصمیم بر این است که قلعه سردار اسعد بختیاری و راه‌های منتهی به آن در کنار دیگر عناصر طبیعی شهر به تشکیل یک محور گردشگری بینجامد که متصل‌کننده عناصر تاریخی و طبیعی شهر در کنار هم باشد. در همین راستا می‌توان در این محور کارگاه‌هایی در راستای خلاقیت ایجاد کرد که گردشگران را با خود همراه سازند. علاوه بر آن با ایجاد شرایطی می‌توان تاریخ مشروطیت را در قلعه به‌گونه‌ای بازگو کرد که گردشگران حضور در آن فضا را کاملاً درک کنند و علاوه بر آن بتوانند با نحوه زندگی مردم در آن زمان آشنا شوند و آنها را تجربه کنند.

۵. نتایج یافته‌های پژوهش

هدف از برندینگ در گردشگری ایجاد و نگهداری تصویر مطلوب از مقصد، افزایش آگاهی گردشگران، ایجاد نگرش مثبت نسبت به مقصد و تغییر رفتار آنان برای بازدید از مقاصد است. همچنین برند مقصد می‌تواند نقشی هماهنگ‌کننده میان بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی داشته و برای تمامی ذی‌نفعان گردشگری دارای جذابیت باشد. تصویری مشترک میان آنان ایجاد کند و به وسیله آنها پشتیبانی شود. یک برند علامتی از یکپارچگی و شهرت

و منعکس‌کننده تمام محصولات و خدمات یک مقصد گردشگری است که پیوسته در ذهن مصرف‌کنندگان آن مقصد شکل می‌گیرد و از تجربه‌ها، یادها و نظرهای دیگر گردشگران نیز متأثر می‌شود. درباره این که برند گردشگری کشورها از دل تاریخ، فرهنگ و عناصر زیبایی‌شناختی آنها استخراج می‌شود، اتفاق نظر وجود دارد و تأکید می‌شود یک برند خوب، بکر، متمایز و ارزش‌آفرین است و ابتکار و تمایز آن پایدار، باورکردنی، القاکننده ایده‌های قوی و مربوط به مقصد است. در واقع برند یک شهر در گردشگری لبه برنده شهر در رقابت‌های اقتصادی و اجتماعی برای توسعه گردشگری است. توسعه گردشگری در ایران علاوه برداشتن جنبه‌های مثبت اقتصادی می‌تواند به نزدیکی بین انسان‌ها با ملیت‌های متفاوت و صلح پایدار منجر شود. تحقیق حاضر کوشید ضمن بررسی مفهوم برند و برند شهری و گردشگری خلاق و چارچوب‌های این مفاهیم، به کمک مدل مدیریت برند شهری به ایجاد یک برند و مدیریت آن برای شهر جوقنقان بپردازد. در نتیجه این شهر می‌تواند به کمک برند در راستای تقویت هر یک از شاخص‌های خلاقیت عمل نماید و منجر به توسعه گردشگری خلاق شود. واژه برند امروز به‌عنوان یک ابزار راهبردی برای همسوسازی اهداف و برنامه‌های شهری و نیز پیام‌هایی که از شهر مخابره می‌شود، به کار گرفته می‌شود. برند سازی در فرهنگ تصویری و بارش اطلاعاتی دنیای امروز ابزاری قدرتمند برای نفوذ در ناخودآگاه افراد و تأثیر بر تصمیم‌گیری آنها تلقی می‌شود. همان‌گونه که عنوان شد، به کمک مدل مدیریت برند شهر و با استفاده از مصاحبه‌هایی که با متخصصان امور شهری و گردشگری در شهر جوقنقان صورت گرفت، قلعه تاریخی سردار اسعد بختیاری به‌عنوان برند شهر جوقنقان مشخص گردید که نماینده تاریخ این شهر است و بسیاری از افراد ساکن در شهر و گردشگران، شهر جوقنقان را با آن می‌شناسند و تصویری که در ذهن آنها وجود دارد، متشکل از این قلعه و تاریخ مشروطیت است. بعد از مشخص شدن برند شهر جوقنقان و با توجه به نقش آن در گردشگری شهر و همچنین در راستای چشم‌انداز تدوین شده در راستای توسعه گردشگری خلاق و وجود پتانسیل‌های طبیعی شهر، نتایج پژوهش حاکی از آن است که با ایجاد یک محور گردشگری با ترکیبی از حوزه تاریخی و طبیعی شهر با مرکزیت برند شهر (قلعه سردار اسعد بختیاری) می‌توان به توسعه گردشگری در شهر جوقنقان پرداخت.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی برندینگ شهری فرآیندی است که در عصر جهانی شدن به شهرها کمک می‌کند تا بتوانند با تکیه بر مزیت‌های رقابتی پایدار و هویت خود، به جذب جمعیت ماهر و افزایش میزان حس تعلق و رضایت شهروندان فعلی، جذب گردشگر و سرمایه‌گذار بپردازند. حال اگر از این برند در مسیر گردشگری خلاق استفاده شود، خود می‌تواند بر توسعه اقتصاد تأثیر بسزایی داشته باشد. در حال حاضر با تغییر نیازهای گردشگران در سراسر دنیا روبه‌رو هستیم. گردشگرانی که خواهان تجربه‌ی چیزی جدید و یادگیری و کشف استعداد‌های خود هستند. مقاصد با بهره‌گیری از قابلیت‌ها به ایجاد جاذبه‌های جدید و خلاقانه اقدام می‌کنند تا از این طریق بتوانند نظر این نسل جدید از گردشگران را جلب کنند. آنها با ارائه‌ی جاذبه‌های خلاق و فراهم آوردن

به دست آمده می‌توان موارد زیر را به عنوان پیشنهادهایی در راستای شاخص‌های خلاقیت و مدیریت برند شهر همسو با چارچوب پژوهش ارائه نمود:

- با توجه به این که در گردشگری خلاق، گردشگر به عنوان یک شهروند رفتار می‌کند، تلاش برای زمینه‌سازی برای تعامل بیشتر گردشگران در زمینه‌های آموزشی، احساسی، اجتماعی و همچنین مشارکت با مکان، فرهنگ زندگی و مردم محلی در برنامه‌ریزی‌های شهری مورد توجه قرار گیرد.
- با توجه به این که گردشگری خلاق به تعامل گردشگران با جامعه محلی و کسب تجارب واقعی تأکید بیشتری می‌کند، پیشنهاد می‌شود به طراحی مسیرهای پیاده با نورپردازی مناسب و امن (در مسیرها و اماکن گردشگری) و جلوگیری از تردد سواره در محدوده‌های مشخص شده مانند پل تاریخی گشنیزجان، سنگفرش کردن، حفظ و بهسازی بناهای قدیمی، طراحی مسیر پیاده توأم با بهسازی و سازمان‌دهی حاشیه رودخانه (تنگ درکش ورکش) به‌ویژه در مسیرهای گردشگری و دوچرخه‌سواری اقدام شود.
- توجه بیشتر به فضاهای عمومی شهر با بهره‌گیری از نمادهای صنایع دستی در میدان‌ها و فضاهای عمومی.
- جلب مشارکت تولیدکنندگان صنایع دستی برای برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های مشارکتی توأم با آموزش و دخالت گردشگران برای کسب تجربه.
- توجه به خلاقیت در زمینه صنایع دستی و محصولات مرتبط و حتی در میراث ناملموس از قبیل توسعه جشنواره‌های سنتی از قبیل جشنواره آش و غذای محلی.
- توسعه ورزش‌های صخره‌نوردی و کوه‌پیمایی و اسکی با وجود سایت بزرگ تفریحی-توریستی واقع در ارتفاعات شمالی شهر.
- ایجاد کارگاه‌های قالی‌بافی در راستای زنده نگه داشتن این هنر و توسعه کارآفرینی در این زمینه با ایجاد شغل برای بانوان شهر و حضور گردشگران در این کارگاه‌ها و فعالیت در آن.
- توسعه بوم گردی‌ها در راستای توسعه سبک زندگی و حضور گردشگران در این مکان‌ها برای دریافت تجربه‌ای از زیستن با پوشش محلی در کنار مشارکت در پخت غذاها و نان‌های محلی.
- با توجه به این که، نقش خدمات گردشگری معمولی در دهه‌های اخیر مدام در حال تغییر است و بسیاری از امکانات گردشگری با هدف تسهیل تجارب گردشگری توسعه می‌یابند، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری شهر چونان به توزیع فضایی مناسب در بین نواحی تاریخی و طبیعی توجه شود. زیرا در گردشگری خلاق می‌توان به نمادسازی، ایجاد جاذبه‌های مصنوعی، ایجاد فضاهای فرهنگی و عمومی از قبیل موزه‌ها و با تأکید بیشتر بر روی گالری‌ها و میادین شهری به عنوان عاملی برای توسعه گردشگری خلاق اشاره نمود.

این امکان برای گردشگران که بتوانند با ساکنان ارتباط برقرار کرده و با زندگی روزمره‌ی آنها آشنا شوند و برطرف ساختن نیازهای خلاق آنها، هم موجب شناخته شدن میراث ناملموس و ملموس خود شده و هم ماندگاری و بازگشت دوباره‌ی آنها را تضمین می‌کند. با این کار بسیاری از مشکلات جامعه‌ی خود را برطرف کرده، رشد اقتصادی را برای مردمان خود به ارمغان آورده و خود را در کورس رقابت با سایر رقبا حفظ می‌کنند. حمایت از کارآفرینان و کسب‌وکارهای کوچک و خطرپذیر، حمایت از محصولات خلاق و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های مرتبط، حمایت از سازمان‌های تحقیق و توسعه و حمایت تحقیقاتی از تمایلات بازار، ایجاد یک سیستم آموزشی حرفه‌ای نیروی کار، تأسیس آموزشگاه‌های تخصصی برای آموزش به مردم، همکاری بین بخش‌ها و حذف نظارت دولتی بر قوانین، می‌توانند شهرها و مقاصد را در توسعه‌ی گردشگری خلاق یاری کنند. در سال‌های گذشته عمل برند سازی و بازاریابی برای مقاصد بسیار معمول شده و سازمان‌های بازاریابی مکان‌ها به دنیای برند سازی روی آورده‌اند که در آن هویت واضحی از مقاصد، خلق و برای گردشگران شهری و روستایی معرفی می‌شود. در عصر کنونی مسئولان شهری در جست‌وجوی راه‌هایی برای بازاریابی شهر هستند. در این رابطه برند سازی شهری راهبردی برای افزودن مزیت رقابتی به وسیله فراهم نمودن تصویر قاطع، منبعی برای ارزش بالایی اقتصادی، اهمیت فرهنگی و سیاسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی است. هدف اصلی این بحث فراهم آوردن جذابیت بیشتر برای سرمایه‌گذاری، جذب گردشگران و ساکنان بالقوه با توجه به توسعه جامعه و بازاریابی هویت محلی در شهر چونان است. از دیرباز، نیاز به تمایز در مکان‌ها، به منظور پیگیری اهداف مختلف اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی-روان شناختی وجود داشته است. کوشش آگاهانه حکومت‌ها به منظور شکل دادن به یک هویت مکان طراحی شده‌ی خاص و بهبود آن برای شناسایی بازارهای داخلی و خارجی، تقریباً خود، دارای قدمت طولانی است. در راستای اهداف، دستاوردهای نهایی پژوهش در قالب ابعاد گردشگری خلاق مطرح است. در زمینه فرهنگ‌سازی و اقدامات فرهنگی، در این پژوهش سعی در معرفی و توسعه و به‌کارگیری سنت‌ها، آداب و رسوم و پوشش مردم، هنر و صنایع دستی و مطرح کردن نحوه زندگی و تعاملات جامعه مدنی در راستای ایجاد زمینه‌ای برای گردشگری در شهر چونان بوده است. همین‌طور با توسعه فناوری و جامعه اطلاعاتی امروزه نیاز به استفاده از استعدادها و فارغ‌التحصیلان متخصص بومی بیش از پیش در مدیریت شهری احساس می‌شود. توسعه فضاهای عمومی برای افزایش تعاملات و برگزاری نمایشگاه‌ها از دیگر زیرساخت‌های مورد نیاز در شهر چونان بوده که در راستای توسعه گردشگری خلاق است. هر یک از موارد اشاره شده می‌تواند هم در مدیریت و هم در اقتصاد شهر مطرح و کمک‌کننده باشد تا بتوان هم‌راستا با نقش برند در توسعه خلاقیت در گردشگری شهر چونان اقدام کرد. از جمله محدودیت‌هایی که محققان در کار با آن مواجه بودند می‌توان به مواردی همچون نبود پژوهش‌هایی در راستای عنوان کار که از مدل‌های شهرسازی استفاده کرده باشند، نبود آمار و اطلاعات دقیق ثبت شده از میزان ورود، ماندگاری و خروج گردشگر از شهر و شرایط نامناسب برای مصاحبه حضوری با توجه به گسترش ویروس کرونا در کشور اشاره نمود. با توجه به یافته‌های تحقیق و نتایج

References:

- Anholt, S. (2007). *The New Brand Management for Nations, Cities and Regions. Competitive Identity and Development*/Palgrave Macmillan Ltd, 6.
- Ashworth, G., & Kavaratzis, M. (2009). Beyond the logo: Brand management for cities. *Journal of Brand management*, 16(8), 520-531.
- Braun, E., & Zenker, S. (2010). Towards an integrated approach for place brand management.
- Gaggiotti, H., Cheng, P. L. K., & Yunak, O. (2008). City brand management (CBM): The case of Kazakhstan. *Place Branding and Public Diplomacy*, 4(2), 115-123.
- Baste negar, M; Hassani, A. (2018). Approach; Spiritual strategy or strategic spirituality in the development of creative tourism. *Bagh-e Nazar*, Year 15, No. 60. [in Persian]
- Berandegi, B; Nemati, D. (2012). Creative tourism; A path to development. *The First National Conference on Tourism and Nature Tourism of Iran*, Islamic Azad University, Hamedan Branch, Farda Environmental Thinkers Company, Hamedan, Iran. [in Persian]
- Dalavi, M; Salamatian, N. (2014). Urban branding with emphasis on the components of the Islamic city. *Sixth National Conference on Urban Planning and Management*, 12 and 13 November, Mashhad, Iran. [in Persian]
- Ghaffari, A; Zare, N. (2015). Fundamentals and concepts of branding and its relationship with the city. , *International Conference on New Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning*, 26 November. Tehran.Iran. [in Persian]
- Goli Garmestani, Z. (2016). *Urban Creator Tourism Development Strategies in Iran [Case study: Sari city]*. Master Thesis in Tourism Management, Planning and Development, Hakim Jorjani Institute of Higher Education. Golestan,Iran. [in Persian]
- Karami, S; Fakhraei, A. (2012). Brand position and special value in tourism development and tourist attraction. *The first national conference on geography and tourism in the third millennium*. Najafabad, Iran, Islamic Azad University. [in Persian]
- Kavaratzis, M., & Ashworth, G. J. (2007). Partners in coffeeshops, canals and commerce: Marketing the city of Amsterdam. *Cities*, 24(1), 16-25.
- Lezgi, E; Siami, Q. (2017). Expressing urban branding criteria with emphasis on its economic dimensions [Case study: Mashhad metropolis]. *Geographical Research Quarterly of the Thirty-second Year*, No. 3, the autumn 2017, No. 126. [in Persian]
- Master Plan of Junqan City. (2009). *Persin Consulting Engineers Design and Construction*. [in Persian]
- Metaxas, T. (2010). Place marketing, place branding and foreign direct investments: Defining their relationship in the frame of local economic development process. *Place Branding and Public Diplomacy*, 6(3), 228-243.
- Mohammadpour Zarandi, H; Aminian, N. (2015). Assessing the potential for Recreating of tourist sidewalks from the perspective of sustainable urban development [Case study: 15 Khordad St., Tehran]. *Journal of Urban Economics and Management* 3 (11). [in Persian]
- Molaei, A; Sanaei, A; Bahramian, S. (2014). Analysis of brand building methods in tourism destinations. *National Conference on Marketing Research*, International Conference Center, Tehran, Iran, Shahid Beheshti University. [in Persian]
- Monshi, M; Jan Babanejad, M. (2015). The role and importance of branding in tourism planning *International Development Conference focusing on agriculture, environment and tourism*. Tabriz, Iran. [in Persian]
- Moradi, F; Zarabadi, Z; Majedi, H. (2017). Explain the urban branding model in order to promote competitiveness and urban economic growth using the F ANP model, *Journal of Economics and Urban Management*, No. 22, pp. 33-56. [in Persian]
- Mousavi, N; Sepahvand, R; Shariatnejad, A. (2017). Explaining the components of urban branding with emphasis on tourism industry [Case study: Khorramabad city] *Journal of Tourism and Development*, Year 6, No. 4, 160-179. [in Persian]
- Movahed, A. (2011). *Tourism marketing for cities* Azarakhsh Publishing, Tehran. [in Persian]
- Rahimi, A. (2014). *History and culture of Junqan City Cup*. Moalef Publications, Tehran, Iran. [in Persian]
- Rahimi, M; Mardali, M; Daha, E; Fallahzade, A. (2013). *Creative city [theoretical foundations and indicators]*. Tehran Studies and Planning Center, Daneshshahr, No. 196, August, 9-36. [in Persian]
- Richards, G. (2009). Creative tourism and local development. *Creative Tourism: A global conversation*, 78-90.
- Richards, G. (2011). Creativity and tourism: The state of the art. *Annals of tourism research*, 38(4), 1225-1253.

- Richards, G., & Raymond, C. (2000). Creative tourism. *ATLAS news*, 23(8), 16-20.
- Richards, G., & Wilson, J. (2007). Tourism development trajectories: From culture to creativity? In *Tourism, creativity and development* (pp. 23-56). Routledge.
- Robati Anaraki, A. (2016). Creative strategic tourism planning. Master Thesis, Isfahan University of Arts, Isfahan, Iran. [in Persian]
- Saeedi Rezvani, N. (2012). Entrepreneurship and Creativity in Tourism [Creative Tourism]. Conference on Tourism Infrastructure Developmen. [in Persian]
- Shahi, T; Khorshid, S. (2015). Intangible heritage is a path to the development of creative tourism [Case study - Mazandaran province]. "International Conference on New Research in Industrial Management and Engineering, Tehran, Iran. [in Persian]
- Statistical Yearbooks (2016), Statistics Center of Iran. [in Persian]
- Summary of Junqan city master plan report. (2019). First stage studies [studies of region, sphere of influence and city] and second stage studies [analysis and inference]. Saman Vision Planning Consulting Engineers. [in Persian]
- Tasci, A. D., Gartner, W. C., & Tamer Cavusgil, S. (2007). Conceptualization and operationalization of destination image. *Journal of hospitality & tourism research*, 31(2), 194-223.
- UNESCO, (2006). Creative Cities Network Towards Sustainable Strategies for Creative Tourism: Discussion Report of the Planning Meeting for 2008 International Conference on Creative Tourism Santa Fe New Mexico, U. S. A October 25
- Zare elmi. M; Mohamadi, H. (2016). Urban branding from concept to performance [the role of urban branding in economic empowerment of place]. The Second International Conference on New Research Achievements in Civil Engineering, Architecture and Urban Management. Tehran, Iran, Comprehensive University of Applied Sciences. [in Persian]
- Zargham Borujeni, H; Bazrafshan, M; Abui Yazdi, H. (2013). cognition the tourism industry [tenets, Procedures and Approaches]. Tehran: Mahkameh Publishing, Fourth Edition. [in Persian]

نحوه ارجاع به مقاله:

اسدی، زهره؛ محمدی، حمید؛ (۱۴۰۰) برندسازی شهری در راستای توسعه گردشگری خلاق به کمک مدل مدیریت برند شهری - (CBM)، (نمونه مورد مطالعه: شهر جونقان)، مطالعات شهری، 10 (40)، 27-42. doi: 10.34785/J011.2021.114/Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



ارزیابی نقش کیفیت معماری در ارتقا کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی از دیدگاه سلامت ساکنان

علی اکبر حیدری^۱ - استادیار معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
ملیحه تقی پور - استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۸ شهریور ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: ۱۵ شهریور ۱۳۹۹

چکیده

بی‌توجهی طراحان و معماران به کیفیت مجموعه‌های زیستی در جریان رشد شتابان شهرنشینی، ساکنان این مجموعه‌ها را با مشکلات متعددی روبه‌رو نموده که از جمله مهمترین آنها، افت شدید کیفیت زندگی در این مجموعه‌هاست. اهمیت این موضوع به حدی است که در بعضی موارد، زندگی در این مجتمع‌ها، سلامت ساکنان آن را به مخاطره می‌اندازد. در همین ارتباط پژوهش حاضر، کیفیت معماری را به عنوان متغیر مستقل، کیفیت زندگی را به عنوان متغیر وابسته و کیفیت سلامت را به عنوان متغیر میانجی مد نظر قرار داده و سعی در تحلیل چگونگی ارتباط میان متغیرهای یادشده نموده است. بنابراین براساس ادبیات تحقیق، کیفیت سلامت با سه شاخص سلامت جسمانی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفت. کیفیت معماری نیز در قالب سه شاخص کیفیت محیطی، کیفیت ساختاری و کیفیت عملکردی مد نظر قرار گرفت و در نهایت کیفیت زندگی خود به عنوان یک مفهوم ثابت و چند جانبه تعریف گردید. گردآوری اطلاعات در حوزه کیفیت معماری و سلامت با استفاده از پرسشنامه محقق ساز و در ارتباط با کیفیت زندگی با استفاده از پرسشنامه استاندارد انجام گرفت. جامعه آماری در این تحقیق، ساکنان سه مجتمع اساتید، دراک و چوگان در شهر شیراز بودند که از نظر بافت اجتماعی ساکنان و نیز موقعیت جغرافیایی در شهر، در یک سطح قرار داشته ولی از نظر شاخص‌های محیطی و معماری، دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر بودند. تحقیق از نوع کمی - کیفی و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری و نیز تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته از ساکنان انجام گرفته است. در انتها نتایج تحقیق حاکی از آن بود که کیفیات معماری، تأثیر بسزایی در کیفیت زندگی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی دارد که این موضوع از طریق ارتقای سطوح مختلف سلامت ساکنان شکل می‌گیرد. به این ترتیب که کیفیت محیطی باعث ارتقای سلامت جسمانی شده، کیفیت ساختاری باعث ارتقای سلامت روانی شده و کیفیت عملکردی باعث ارتقای سلامت اجتماعی ساکنان می‌شود و در نهایت برآیند این موارد باعث ارتقای کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی می‌شود.

واژگان کلیدی: کیفیت معماری، کیفیت زندگی، ابعاد سلامت، مجتمع‌های مسکونی، شیراز.

نکات برجسته

- سلامت جسمانی افراد در مجتمع‌های مسکونی، با کیفیت محیطی آن مجتمع‌ها در ارتباط مستقیم قرار دارد؛
- سلامت روانی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی، با کیفیت ساختاری مجتمع‌ها در ارتباط مستقیم قرار دارد؛
- سلامت اجتماعی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی، با کیفیت عملکردی مجتمع‌ها در ارتباط مستقیم قرار دارد؛
- تأمین ابعاد سلامت در مجتمع‌های مسکونی، ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی ساکنین دارد.

۱. مقدمه

بزرگترین گم شده‌ی معماری امروز، کیفیت زندگی انسانی است؛ موضوعی که سال‌هاست توجه بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان در حوزه‌های مختلف به ویژه معماری و شهرسازی را به خود جلب نموده و در عین حال، تاکنون هیچ‌گونه تعریف واضح و روشنی از آن ارائه نشده است. از آنجا که اصلی‌ترین وظیفه طراحان و معماران، تبدیل محیط‌های طبیعی به فضاهایی قابل زیست برای انسان است (Mugerauer, 1995)، دستیابی به مطلوبیت فضایی و خلق محیطی با کیفیت بهتر برای ارتقای سطح کیفی زندگی افراد، همواره جزو والاترین اهداف طراحی به شمار می‌رود. از سویی از آنجا که خانه، مهمترین فضا در زندگی انسان به شمار می‌رود و افراد بیشترین زمان عمرشان را در محیط‌های مسکونی سپری می‌کنند، موضوع کیفیت مسکن و نقش آن در ارتقای کیفیت زندگی افراد، موضوعی قابل توجه و مهم به شمار می‌آید. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی ارتباط کیفیات محیطی مسکن بر کیفیت زندگی ساکنان آنها، به تحلیل سازوکار این ارتباط نیز می‌پردازد. در همین ارتباط کیفیت محیطی مسکن به عنوان متغیر مستقل و کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. اما از آنجا که کیفیت مسکن، موضوعی عینی و کیفیت زندگی، موضوعی ذهنی است، به منظور تحلیل نحوه ارتباط میان این دو مفهوم، به یک متغیر میانجی نیاز بود که هم جنبه عینی و هم جنبه ذهنی داشته باشد. بر همین اساس مفهوم سلامت به عنوان متغیر میانجی در این پژوهش در نظر گرفته شد و با بررسی ارتباط آن با ابعاد کیفیت محیطی از یک سو و ارتباط آن با کیفیت زندگی از سویی دیگر، سعی در تبیین چگونگی ارتباط میان متغیرهای اصلی تحقیق شده است. با این توضیح، سئوالات تحقیق به این شکل قابل ارائه هستند:

- چه ارتباطی میان کیفیات محیطی مسکن و کیفیت زندگی ساکنان وجود دارد؟
- کیفیات محیطی مسکن چگونه باعث ارتقای وضعیت سلامت ساکنان در آن می‌شود؟

- چه ارتباطی میان ابعاد سلامت ساکنان و کیفیت زندگی آنها در یک مجتمع مسکونی وجود دارد؟

۲. روش تحقیق

همانگونه که پیش از این نیز عنوان شد، هدف اصلی در پژوهش حاضر، بررسی چگونگی تأثیرگذاری کیفیات معماری مجتمع‌های مسکونی بر کیفیت زندگی ساکنان آنهاست. با توجه به این که کیفیات معماری، موضوعی عینی و کیفیت زندگی، موضوعی ذهنی است، به منظور سنجش نحوه تأثیرگذاری این ارتباط، به یک متغیر میانجی که هم جنبه عینی و هم جنبه ذهنی داشته باشد، نیاز بود. بر همین اساس مفهوم سلامت به عنوان متغیر میانجی مد نظر قرار گرفت که از یک سو متأثر از کیفیات معماری است و از سویی دیگر، نشان دهنده کیفیت زندگی در مجتمع‌های زیستی است.

پس از بررسی ادبیات و استخراج شاخص‌های مرتبط با هر کدام از متغیرهای تحقیق، چارچوب نظری تحقیق ارائه گردید. این شاخص‌ها با استفاده از ابزارهای مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه در سه مجتمع مسکونی در شهر شیراز به عنوان نمونه موردی به آزمون گذاشته شد. به منظور سنجش کیفیت زندگی، از پرسشنامه استاندارد (Soleymani, 2017) استفاده شد. کیفیت معماری با استفاده از ابزار مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه محقق ساز بر اساس شاخص‌های ارائه شده در این خصوص مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت وضعیت سلامت ساکنان نیز با استفاده از پرسشنامه بسته محقق ساز مورد ارزیابی قرار گرفت. برای تعیین اعتبار و پایایی پرسشنامه‌ها، ابتدا گویه‌های مربوط به هر کدام از متغیرها، طرح و در اختیار استادان قرار گرفت و پس از اصلاح، تعدیل و حذف برخی گویه‌ها، سئوالات نهایی در قالب ۲۶ گویه طرح و ضریب آلفای کرنباخ برای هر گروه از سئوالات به تفکیک تعیین گردید. این مقدار برای کل پرسشنامه‌ها معادل ۰/۸۱۵ به دست آمده که نشانگر پایایی بالای پرسشنامه بود (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: محاسبه آلفای کرنباخ برای گویه‌های طرح شده در ارتباط با متغیرهای تحقیق

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرنباخ	تعداد سؤال‌های هر مؤلفه
کیفیت معماری	۲/۹۴	۰/۷۵۹	۰/۷۹۳	۸
ابعاد سلامت	۲/۹۱	۰/۸۸۰	۰/۹۳۱	۱۸

مشهود است.

پس از انتخاب نمونه‌ها و با مراجعه به سایت، بر اساس مصاحبه با ساکنان مجتمع‌های مورد مطالعه و نیز مشاهدات مستقیم نگارندگان از فضاها، کیفیات فضایی - اجتماعی مجتمع‌های مورد نظر استخراج گردید که در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

همانگونه که عنوان شد، نمونه‌های موردی در این تحقیق شامل سه مجتمع اساتید، دراک و چوگان در شهر شیراز هستند که این مجتمع‌ها از منظر موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی ساکنان، دارای شرایط تقریباً مشترکی با یکدیگرند؛ اما به لحاظ کیفیات فضایی - معماری، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. این تفاوت‌ها تا حدودی در دیدگاه مردم نسبت به این مجتمع‌ها نیز

۱ پرسشنامه کیفیت زندگی (فرم کوتاه ۳۶ سئوالی): پرسشنامه‌ای معتبر است که به طور گسترده برای ارزیابی کیفیت زندگی به کار برده می‌شود. در ایران این فرم به وسیله منتظری و همکاران (۲۰۰۲) با روش ترجمه به فارسی برگردانده شد و روی ۴۱۶۳ نفر در دره سنی ۱۵ سال به بالا هنجاریابی شد. در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد که نسخه ایرانی این پرسشنامه ابزاری مناسب برای ارزیابی کیفیت زندگی باشد. این پرسشنامه شامل ۳۶ سؤال است.



تصاویر شماره ۲، ۱ و ۳: مجتمع مسکونی اساتید

تصاویر شماره ۵، ۴ و ۶: مجتمع مسکونی دراک

تصاویر شماره ۸، ۷ و ۹: مجتمع مسکونی چوگان

جدول شماره ۲: کیفیات فضایی - اجتماعی مجتمع های مورد بررسی ←

نام مجتمع ویژگی های فضایی - اجتماعی	اساتید	دراک	چوگان
فضای سبز	دارای ابعاد مناسب استفاده از درخت، درختچه، گل و چمن	در ابعاد نه چندان وسیع استفاده از درخت و درختچه	کمبود فضای سبز استفاده از درخت
جهت گیری بلوک ها	شمالی - جنوبی	شمالی - جنوبی / شرقی - غربی	شمالی / جنوبی / شرقی
آسایش صوتی	مناسب / قرارگیری در فضایی آرام عقب نشینی بلوک ها از خیابان	نامناسب / قرارگیری در کنار خیابان اصلی	نامناسب / قرارگیری در کنار خیابان اصلی
ایمنی	مناسب / رعایت استانداردها	تقریباً مناسب / رعایت برخی از استانداردها	تقریباً مناسب / رعایت برخی از استانداردها
نور مناسب واحد ها	نور دوطرفه واحدها / وجود واحدهای شمالی - جنوبی	نور دوطرفه واحدها / واحدهای شمالی - جنوبی / واحدهای شرقی - غربی	نور یکطرفه واحدها / واحدهای شمالی واحدهای جنوبی / واحدهای شرقی
سرانه فضای باز	میزان سرانه استاندارد	میزان سرانه نزدیک به استاندارد	میزان سرانه کمتر از استاندارد
فضاهای خدماتی در مجتمع	وجود سوپرمارکت و خشکشویی در مجتمع	عدم وجود فضاهای خدماتی در مجتمع	وجود میوه فروشی در مجتمع
حریم بصری	در بیشتر واحدها حریم بصری حفظ شده است	تا حدودی تلاش شده تا حریم بصری حفظ گردد، اما در برخی از فضاها اشرافیت وجود دارد	در بیشتر فضاها اشرافیت وجود دارد
چشم انداز	قسمتی از باغ های اطراف	کوه های دراک / چشم انداز شهر	خیابان های اطراف و دیگر بلوک ها
امنیت مجتمع	وجود نگهبان در قسمت های مختلف / حصار و دیوار	وجود نگهبان / نرده در اطراف مجتمع / عدم کنترل ورود و خروج	وجود نگهبان در برخی از ورودی ها / نرده در اطراف مجتمع / به راحتی از خیابان های اطراف دسترسی به داخل مجتمع وجود دارد

← ادامه جدول شماره ۲: کیفیات فضایی - اجتماعی مجتمعاتی مورد بررسی

نام مجتمع ویژگی های فضایی - اجتماعی	اساتید	دراک	چوگان
تفکیک فضاها عمومی و خصوصی	فضای باز مربوط به بلوک ها مجزاست / هر بلوک دارای لابی است / در طبقات فضای عبور و مرور از ورودی واحدها تفکیک شده است	فضای باز مربوط به هر بلوک تفکیک شده است / در قسمت داخلی سعی بر تفکیک سیرکولاسیون از ورودی واحدها بوده است	تفکیکی برای فضای باز بلوک ها صورت نگرفته است / در فضای داخلی سیرکولاسیون و ورود به واحدها توأمان انجام می گیرد
مشابهت با همسایگان	غالباً افراد ساکن از به رده شغلی هستند	افشار مختلف مردم / مشابهتی وجود ندارد	برخی از بلوک ها به ارگان های خاص مربوط بوده است ولی با جابه جایی ساکنان، اختلاط ساکنان قابل گزارش است
وجود لابی	در طبقه همکف لابی وجود دارد	فضای ورودی کمی گشایش یافته اما تعریف لابی بسیار کم رنگ است	لابی وجود ندارد
وجود فضاها برای تعامل در قسمت های عمومی	در فضای باز قسمت هایی برای جمع شدن همسایگان پیش بینی شده است	در فضای باز و فضای سبز قسمت هایی برای نشستن گروهی و یا تعاملات اجتماعی پیش بینی شده است	فضای باز و عمومی غالباً به سیرکولاسیون و مسیر عبور اتومبیل اختصاص داده شده است
تأمین خلوت و حریمیت	حریمیت واحدها رعایت شده است / در فضای باز می توان قسمت هایی را برای خلوت پیدا نمود	حریمیت واحدها رعایت شده است / از گوشه های فضای باز و آلاچیق می توان برای خلوت استفاده نمود	حریمیت واحدها تا حدودی رعایت شده است / در فضای باز به دلیل سیرکولاسیون، فضایی برای خلوت نمی توان یافت
انتظام فضایی مجتمع	سیراز فضای عمومی به نیمه عمومی و خصوصی در بلوک ها و واحدها به خوبی رعایت شده است	سیراز فضای عمومی به نیمه عمومی کمی دچار مشکل است ولی در واحدها تفکیک به خوبی رعایت شده است	سیراز فضای عمومی به نیمه عمومی به تفکیک در واحدها در حد متوسط است
خوانایی فضاها در مجتمع	دستیابی به فضاها مختلف به راحتی انجام می پذیرد	وجود برخی عناصر مشابه، دسترسی و خوانایی فضا را کمی با مشکل مواجه می نماید	به علت مشابهت بلوک ها و فضاها، دسترسی و دستیابی به فضاها با سردرگمی همراه است
تفکیک فضای باز برای بلوک ها	به خوبی انجام شده است	برای هر بلوک فضایی در نظر گرفته شده است	فضاهای باز تفکیک نشده است
پایبندی به الگو و ضوابط شهرسازی	به خوبی انجام شده است	نسبتاً به ضوابط پایبند بوده است	ضوابط کیفی بسیار کم در نظر گرفته شده است
وجود فضاها چند عملکردی	در فضای باز می توان قسمت هایی را برای عملکردهای متنوع مشاهده نمود	در سایت فضاها متنوعی در نظر گرفته شده است که می تواند قابلیت استفاده در مواقع مختلف را داشته باشد اما در مورد بلوک ها تمهیدی اندیشیده نشده است	در سایت و بلوک ها تمهیدی اندیشیده نشده تنها می توان از فضای بازی کودکان برای برخی از فعالیت ها استفاده نمود
دسترسی مناسب	دسترسی به مجتمع از خیابان های متعددی امکانپذیر است / ترافیک خیابان محل استقرار چندان زیاد نیست	دسترسی به مجتمع از خیابان های متعددی امکانپذیر است / ترافیک خیابان محل استقرار زیاد است	دسترسی به مجتمع از خیابان های متعددی امکانپذیر است / ترافیک خیابان محل استقرار زیاد است

در بعضی تعاریف، این مفهوم به عنوان یک موضوع چند شاخه‌ای و بین رشته‌ای تعریف شده (Unglen et al., 2001) و در بعضی موارد نیز با عباراتی چون یک زندگی خوب، شادی در زندگی، رضایت‌مندی و مواردی از این قبیل معرفی شده است (Schuessler & Fisher, 1985). با این حال از میان تعاریف مختلف مرتبط با کیفیت زندگی، تعریف سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۶) در این خصوص قابل توجه است. در این تعریف، منظور از کیفیت زندگی، ادراک فرد از وضعیت زندگی با توجه به نظام‌های فرهنگی و ارزشی که در آن زندگی می‌کند، تعریف شده و متناسب با اهداف، انتظارات، معیارها و نگرانی‌های روزمره فرد شکل می‌گیرد. بنا به این تعریف «کیفیت زندگی یک سازه چند بعدی است که حیطه‌های مختلف جسمی، جنسی، اجتماعی و هیجانی زندگی افراد را در بر می‌گیرد و با سلامت جسمی، اجتماعی و روان شناختی وی در ارتباط است» (Victorson et al., 2007).

۳. چارچوب نظری

۳.۱. مفهوم کیفیت زندگی

مفهوم استاندارد زندگی نخستین بار در میان منتقدان علوم اجتماعی در سده بیستم و در پی وقوع تلخ‌ترین وقایع در سده نوزدهم ظاهر شد. در آن دوران، ناراحتی مردم از زاغه‌نشینی به یک جریان سیاسی تبدیل شده بود و علاوه بر مسئله فقر و بیماری، هدر رفت منابع و امکانات نیز از جمله مشکلات موجود در آن روزگار به شمار می‌رفت. در همین دوران بود که مفهومی با عنوان «کیفیت زندگی» شکل گرفت و در ذیل آن، مفاهیمی چون بهداشت عمومی، سلامت جمعی، روابط اجتماعی، عزت نفس و مواردی از این قبیل نیز به بخشی از مطالبات عمومی تبدیل شد (Devine, 1915). این مفهوم امروزه بسیاری از عرصه‌های زندگی از قبیل مسکن، آموزش، اشتغال و محیط را در بر می‌گیرد اما با این حال، هنوز تعریفی جامع و قابل پذیرش در ارتباط با آن ارائه نشده است.

۳.۲. مفهوم کیفیت معماری

«کیفیت» واژه‌ای است که در چارچوب گفتمان تمام حوزه‌های حرفه‌ای اعم از هنر و صنعت به طور فراوان به کار رفته است، تا جایی که گویا هدف همه حوزه‌ها، بهبود و ارتقای محصول‌شان به شمار می‌رود (Sameh, 2018). این مفهوم از نظر لغوی به معنای «مجموعه‌ای از خصوصیات و صفات مشخص است که باعث متمایز شدن یک شی از اشیاء دیگر شده و ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، فروتری یا مشابهت چیزی در مقایسه با چیز دیگر، داوری کرده و از نظر زیباشناختی در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن و از نظر عملکردی در مورد کارآمد یا ناکارآمد بودن آن حکم کنیم» (Golkar, 2001). این مفهوم نشان می‌دهد که یک محصول تا چه حد الزامات خواسته شده را برآورده ساخته و چگونه تأثیر عاطفی یا عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد (Pakzad, 2002).

کیفیت مفهومی چندبعدی و گسترده است که جوانب مختلفی از موضوعات را شامل می‌شود و به راحتی قابل تعریف نیست. با این حال در حوزه مرتبط با محیط، مفهوم کیفیت در دو بعد قابل بررسی است که شامل بعد عینی و بعد ذهنی است:

در رویکرد عینیت‌گرا «کیفیت به آن دسته از ویژگی‌های مشخص یک چیز یا پدیده اطلاق می‌شود که تأثیر عاطفی و عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد» (Pakzad, 2002). بنا به این تعریف، هر محیط کالبدی واجد ویژگی‌هایی است که به عنوان بازتابی بیرونی از طبیعت درونی آن بروز می‌کند و کیفیت محیط کالبدی، به عنوان صفت ذاتی محیط کالبدی و مستقل از معنای آن در ذهن بهره‌برداران تعبیر می‌شود (Moeyini, 2012). در رویکرد ذهنیت‌گرا، ایجاد و کنترل کیفیت به عنوان امری درونی در رابطه با سازندگان تلقی می‌شود و کیفیت به معنای قابلیت هر چیز برای استفاده تعریف می‌گردد (Montgomery, 2020). بنابراین از این منظر، کیفیت محیط انسان ساخت به مجموعه‌ای از صفات اساسی و خاص از پدیده مشخص اطلاق می‌گردد که بر اساس تصاویر ذهنی از هر چیز، در ارتباط با تأثیر متقابل فرد و محیط کالبدی شکل می‌گیرد (Uljeng et al., 2001).

بنا به ادبیات موجود، کیفیت معماری در سه حوزه قابل بررسی است که شامل کیفیت محیطی، کیفیت ساختاری و کیفیت عملکردی است. کیفیت محیطی نخستین سطح و پایه‌ای‌ترین نظام شکل‌دهنده کیفیت در معماری به ویژه در محیط‌های مسکونی به شمار می‌رود (Rossi et al., 1982). این سطح از کیفیت گویای وجه ساختمانی و یا کالبدی آن است که در آن نحوه پاسخ، بنا به نیازمندی‌های اولیه انسان از جمله نیاز به سرپناه تعریف می‌شود. برخی این وجه از کیفیت را بسیار مهم قلمداد می‌کنند و بدیهی است که در صورت عدم تأمین این سطح از کیفیت در بنا، دستیابی به سایر کیفیات معماری نیز امکان‌پذیر نخواهد بود (van der Voordt & van Wegen, 2007). در این سطح مفاهیمی چون ایمنی، بهداشت، آسایش محیطی، نورگیری مناسب بنا و مواردی از این قبیل مورد توجه قرار می‌گیرد.

کیفیت ساختاری دومین سطح در تعریف کیفیت معماری است که در ارتباط با نوع ساختار بنا و نحوه انتظام فضایی اجزای آن به وجود می‌آید. این وجه از کیفیت به فضای کالبدی یا محیط انسان ساخت از آن حیث که مجموعه‌ای از پدیده‌ها یا واقعیات عینی است که از طریق

تجربه ذهنی به ادراک درمی‌آید. اشاره دارد (Moeyini, 2012). نتیجه این سطح در قالب احساسات مختلف افراد از محیط نمود می‌یابد که شامل احساس امنیت در فضا، احساس محصوریت یا عدم محصوریت فضایی، خلوت و محرمت در فضا، سلسله مراتب فضایی و مواردی از این قبیل می‌گردد (Sameh, 2018).

سومین سطح از کیفیت محیط مسکونی، کیفیت عملکردی آن است. اگرچه عملکرد مفهومی پایه‌ای در تعریف معماری است، اما بعد عملکردی کیفیت محیط، موضوعی است که به نحوه پاسخ فضا به سطوح مختلف نیازهای انسان از جمله نیازهای فردی و اجتماعی وی می‌پردازد و بیش از هر چیز در ارتباط با میزان کارایی بنا و قابلیت کاربرد و استفاده از آن در پاسخ به این نیازها مطرح است. جیرد دیکسترا در مقاله‌ای با عنوان «کیفیت معمارانه» به وضوح چنین کیفیتی در معماری را با «کاربرد بودن» مرتبط می‌داند و توجه به الزامات عملکردی را عاملی مهم در تعیین کیفیت یک محیط تعریف می‌کند (Dijkstra, 2001). بنابراین کیفیت عملکردی یک ساختمان را باید به عنوان قابلیت آن در ممکن ساختن و فراهم آوردن پشتیبانی لازم برای فعالیت‌های مختلف جاری در آن به شمار آورد (Sameh, 2018). در این سطح نحوه پاسخ فضا به مواردی چون عرصه‌بندی فضایی، جهت‌یابی، خوانایی، قلمرو یابی، انعطاف‌پذیری، نفوذپذیری، دسترسی‌پذیری به خدمات و مواردی از این قبیل مورد توجه قرار دارد (Dijkstra, 2001).

۳.۳. مفهوم سلامت و ابعاد مختلف آن در حوزه مسکن

سازمان جهانی بهداشت^۱ که به اختصار (WHO) نامیده می‌شود، یکی از آژانس‌های سازمان ملل متحد است که مهمترین هدف آن، هماهنگی و ارتقای وضعیت بهداشت عمومی در سطح جهان است. بر اساس تعریف این سازمان، مفهوم سلامت به «تأمین رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی که معنای آن تنها به نبود بیماری و نقص عضو، محدود نمی‌شود»، تعریف شده است (Rahimi, 2013). بنابراین تعریف، سلامت دارای سه بعد جسمانی، روانی و اجتماعی است و هر گونه نقص و آسیب وارده به هر یک از این محورهای سه‌گانه می‌تواند منجر به برهم خوردن تعادل فرد و در نتیجه تهدید سلامت وی گردد (Hekmatian, 2012). هر کدام از ابعاد سه‌گانه سلامت به نوعی با موضوع مسکن نیز در ارتباط و معرف واژه‌هایی چون مسکن سالم^۲، سلامت مسکن^۳ و یا بهداشت مسکن^۴ در حوزه معماری هستند. در این تعابیر منظور از مسکن سالم، خانه‌ای است که بتواند تأمین‌کننده هر سه بعد سلامت یعنی سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی برای ساکنانش باشد. در ادامه به معرفی هر کدام از این سه بعد در ارتباط با موضوع مسکن پرداخته می‌شود.

- سلامت جسمی

منظور از بعد جسمانی سلامت در مسکن، عاری نگه داشتن انسان از هر گونه سوانح و خطرات ناشی از آتش‌سوزی، خفگی، مصدومیت و یا

1 world health organization

2 Healthy Housing

3 Healthful Housing

4 Housing Hygiene

(Shaw, 2004) و در مقابل بهبود کیفی محیط خانه، تأثیر مثبتی بر ارتقای سلامت روحی و روانی آنها دارد (Thomson & Petticrew, 2005).

- سلامت اجتماعی

مدل سلامت اجتماعی که نخستین بار به وسیله ریفا^۱ (۱۹۹۶) مطرح گردید، مفهوم سلامت اجتماعی را شامل توانایی مثبت ذهن در ایجاد روابط اجتماعی مناسب با دیگر هموعان خود می‌داند. این مفهوم شامل مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی همچون پذیرش خود، رشد شخصیتی، روابط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط، هدفمند بودن در زندگی و استقلال است (Schuessler & Fisher, 1985). از نظر کیز^۲، عملکرد خوب در زندگی، چیزی بیش از سلامت جسمی و روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد (Keyes, 1998).

بروز بیماری‌هایی چون آسم، آلرژی‌های پوستی، تنفسی و اضافه وزن است (ghafari, 2011). در یک محیط مسکونی، این بعد متأثر از عواملی چون جهت‌گیری مناسب بنا (Asefi M, 2016; ghafari, 2011)، آسایش حرارتی ساختمان (Ghiaei, 2013)، آسایش صوتی واحدهای مسکونی (Habib, 2011)، کاهش آلودگی‌های زیست محیطی در محیط مسکونی (Kawakami et al., 2016; Khaef & Zebardast, 2016)، ایمنی فضاهای مسکونی (Miller et al., 1980; al., 2011) و در نهایت امکان امداد رسانی در مواقع خطر (Campbell, 1996; Khaef & Zebardast, 2016) است.

- سلامت روانی

وجوه روانی سلامت در مسکن شامل تمام تأثیرات روحی و روانی است که محیط کالبدی مسکن بر ساکنان خود می‌گذارد. خانه‌های با کیفیت پایین موجب کاهش سلامتی روحی ساکنانشان می‌شوند

جدول شماره ۳: مؤلفه‌های مرتبط با ابعاد سه گانه سلامت (چارچوب نظری تحقیق)

ابعاد سلامت	مؤلفه	منبع
سلامت جسمانی	ایمنی	(Campbell, 1996; ghafari, 2011; Kawakami et al., 2011; Khaef & Zebardast, 2016; Miller et al., 1980)
	فضای باز	(Baum et al., 1978; ghafari, 2011; Ghiaei, 2013)
	بهداشت	(ghafari, 2011; Khaef & Zebardast, 2016)
	اقلیم	(Asefi M, 2016; ghafari, 2011; Ghiaei, 2013; Habib, 2011)
سلامت روانی	امنیت	(zarghami, 2016)
	چشم انداز	(Asefi M, 2016; Ghiaei, 2013; Heidari, 2013)
	ابعاد	(Galster & Hesser, 1981; Mohit et al., 2010)
	نور	(ghafari, 2011; Ghiaei, 2013)
	حریم بصری	(zarghami, 2016)
	فضای سبز	(Baum et al., 1978; ghafari, 2011; zarghami, 2016)
	آلودگی صوتی، نوری، بصری	(Khaef & Zebardast, 2016; Varady, 1983)
	حریم صوتی	(Jelinkova & Picek; Kinsey & Lane, 1983; zarghami, 2016)
	تفکیک فضای عمومی از خصوصی	(Asefi M, 2016; Habib, 2011; zarghami, 2016)
	وجود فضای آرامش بخش	(Asefi M, 2016; zarghami, 2016)
سلامت اجتماعی	انعطاف پذیری	(Asefi M, 2016; Campbell, 1996; zarghami, 2016)
	امنیت اجتماعی	(Carp et al., 1976)
	مشابهت با همسایگان	(Carp et al., 1976; Ghiaei, 2013)
	فضایی برای ارتباط افراد خانواده	(Asefi M, 2016; ghafari, 2011)
	فضایی برای تعامل با همسایه	(Amérgo & Aragones, 1997; Cozens et al., 2001)
تمایل به معاشرت با همسایه	(Carp et al., 1976; Lansing & Marans, 1969)	

جسمانی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. با این توضیح، متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق و شاخص‌های مربوط به هر کدام با عنوان چارچوب نظری تحقیق، در جدول ذیل ارائه شده است (جدول شماره ۴).

۳/۴. تدوین چارچوب نظری تحقیق

بر اساس اهداف و فرضیات تحقیق، در این پژوهش کیفیت معماری به عنوان متغیر مستقل، کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته و ابعاد سلامت به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده است. با توجه به ادبیات تحقیق، کیفیت معماری در قالب سه شاخص کیفیت محیطی، کیفیت ساختاری و کیفیت عملکردی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت؛ کیفیت زندگی در قالب یک مفهوم روان شناختی - معنایی شامل رضایتمندی از ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی ساکنان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نهایت ابعاد سلامت در قالب سه بعد سلامت

1 Ryff

2 Keyes

جدول شماره ۴: چارچوب نظری تحقیق

متغیر	ابعاد	شاخص‌ها
کیفیت معماری	کیفیت محیطی	جهت‌گیری/ آسایش حرارتی/ آسایش صوتی/ کاهش آلودگی/ ایمنی و امکان امداد رسانی
	کیفیت ساختاری	پیکربندی فضایی/ انتظام فضایی/ عدم احساس محصوریت بیش از حد/ خلوت و محرمت/ سلسه مراتب فضایی واحدها
	کیفیت عملکردی	جهت یابی/ خوانایی/ قلمرو/ انعطاف پذیری/ نفوذپذیری/ دسترسی به خدمات/ دسترسی به حمل و نقل عمومی/ الگو و ضوابط/ تناسبات/ نوع مصالح
کیفیت زندگی	کیفیت روان شناختی - معنایی	تعاملات اجتماعی/ حس تعلق/ ایجاد سرزندگی/ ارتباط با طبیعت
	جسمانی	هویت اجتماعی/ احساس خاطره ذهنی/ خاطرات جمعی/ رویدادهای فرهنگی - تاریخی
سلامت	روانی	ایمنی/ فضای باز/ اقلیم/ بهداشت
	اجتماعی	امنیت/ چشم انداز/ ابعاد/ نور/ حریم بصری/ فضای سبز/ آلودگی صوتی، نوری و بصری/ حریم صوتی/ تفکیک فضای عمومی از خصوصی/ وجود فضای آرامش بخش/ انعطاف پذیری
	اجتماعی	امنیت اجتماعی/ مشابهت با همسایگان/ فضایی برای تعامل با همسایه/ تمایل به معاشرت با همسایگان/ فضایی برای ارتباط اعضای خانواده

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرایند تحقیق در این پژوهش به این شکل انجام گرفت که ابتدا شاخص‌های کیفیت معماری، کیفیت زندگی و وضعیت سلامت ساکنان به صورت جداگانه در ارتباط با هر کدام از مجتمع‌های یادشده مورد ارزیابی قرار گرفت و سپس روابط همبستگی میان هر کدام از متغیرها به منظور رسیدن به اهداف تحقیق مورد تحلیل قرار گرفت.

۴.۱. سنجش وضعیت سلامت ساکنان در نمونه‌های موردی

به منظور سنجش وضعیت سلامت ساکنان در هر کدام از مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی، از آزمون F (تحلیل آنووا) استفاده شد که در ذیل جدول مربوط به نتایج این آزمون به تفکیک برای هر کدام از ابعاد سلامت شامل سلامت جسمانی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی در ارتباط با هر کدام از مجتمع‌های مورد بررسی، استخراج و ارائه شده است (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: نتایج آزمون F (تحلیل آنووا) در ارتباط با بررسی وضعیت سلامت ساکنان در هر کدام از نمونه‌های موردی

چوگان	دراک	اساتید	شاخص	مؤلفه
	میانگین			
۳,۲۷	۳,۰۱	۳,۲۹	ایمنی	سلامت جسمانی
۳,۳۲	۳,۵۵	۳,۹۶	فضای باز	
۳,۱۰	۳,۱۲	۳,۳۲	بهداشت	
۳,۶۲	۳,۸۴	۳,۸۷	اقلیم	
	۴,۱۳		Between group	
	۱۰۳,۴۸۸		Within group	
	۱,۳۰		Mean square	
	۲,۵۵		F	
	۰,۰۵۶		Sig	
۴,۱۴	۴,۵۷	۴,۷۱	امنیت	
۳,۴۴	۳,۷۱	۳,۹۹	چشم انداز	
۳,۰۴	۳,۴۶	۴,۷۲	ابعاد	
۲,۱۸	۳,۶۲	۳,۸۵	نور	
۲,۱۴	۲,۸۷	۴,۰۵	حریم بصری	
۲,۴۰	۲,۴۱	۳,۸۳	فضای سبز	
۲,۴۴	۲,۵۱	۳,۰۲	آلودگی صوتی، نوری، بصری	
۲,۳۰	۲,۴۰	۳,۵۹	حریم صوتی	
۲,۳۳	۳,۱۱	۳,۷۹	تفکیک فضای عمومی از خصوصی	
۱,۹۲	۲,۱۶	۳,۳۰	وجود فضای آرامش بخش	
۲,۴۷	۳,۵۴	۴,۸۰	انعطاف پذیری	
	۲۰,۵۹۳		Between group	
	۷۹,۲۵۶		Within group	
	۶,۸۶		Mean square	
	۱۳,۵۵		F	
	۰,۰۰		Sig	
۳,۹۵	۴,۲۱	۴,۳۳	امنیت اجتماعی	سلامت اجتماعی
۲,۲۵	۳,۰۱	۳,۹۲	مشابهت با همسایگان	
۳,۰۱	۲,۳۶	۳,۰۱	فضایی برای ارتباط	
۲,۰۵	۲,۲۵	۳,۰۱	فضایی برای تعامل	
	۸۷,۸۳۸		Between group	
	۲۲۳,۵۳۶		Within group	
	۲۹,۲۷۹		Mean square	
	۲۵,۱۴۹		F	
	۰,۰۰		Sig	

نتایج ارزیابی سلامتی اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه و مقدار سطح معناداری آنها در آزمون F، نشان از وجود تفاوت‌هایی معنی‌دار میان میانگین‌های اکتسابی بعد سلامت اجتماعی در مجتمع‌های مورد مطالعه دارد. لذا نتایج آزمون تعقیبی توکی در خصوص مقایسه شاخص‌های سلامتی اجتماعی در مجتمع‌های مورد بررسی (جدول ۷)، نشان می‌دهد که میانگین سلامت اجتماعی در مجتمع اساتید با مجتمع‌های دراک و چوگان دارای تفاوت معنادار می‌باشد. همچنین مقادیر بدست آمده در مجتمع اساتید بیش از حد متوسط است، اما در مجتمع‌های دراک و چوگان، این میزان کمتر از حد انتظار است. بنابراین به نظر می‌رسد که وضعیت سلامت اجتماعی در مجتمع اساتید در حد مطلوب است اما این شاخص در مجتمع دراک و چوگان چندان مطلوب نیست.

۴٫۲. سنجش کیفیت معماری در نمونه‌های موردی

کیفیت معماری، متغیر مستقل تحقیق حاضر است که بنا به چارچوب نظری تحقیق، با استفاده از سه عامل کیفیت محیطی، کیفیت ساختاری و کیفیت عملکردی قابل سنجش است. به منظور ارزیابی وضعیت این کیفیات در مجموعه‌های مورد بررسی، از آزمون F تحلیل آنووا استفاده شد که نتایج آن برای هر مجتمع به تفکیک در جدول ذیل ارائه شده است (جدول شماره ۸).

همانگونه که از داده‌های جدول فوق پیداست، در ارتباط با بعد سلامت جسمانی در هر سه مجتمع مسکونی اساتید، دراک و چوگان، وضعیت مطلوبی مشاهده شده است. این موضوع در مقدار سطح معناداری که در آزمون انجام گرفته به دست آمده نیز قابل رؤیت است؛ به این ترتیب که بالا بودن سطح معناداری آزمون از مقدار ۰٫۰۵، نشان دهنده عدم وجود تفاوت معنادار در ارتباط با بعد سلامت جسمانی میان مجتمع‌های مورد نظر است. به بیانی دیگر، وضعیت سلامت جسمانی ساکنان با توجه به بالا بودن میزان میانگین‌ها در هر سه مجتمع، مطلوب و در وضعیتی مشابه با یکدیگر قرار دارد.

اما در ارتباط با وضعیت سلامت روانی ساکنان، سطح معناداری به دست آمده در آزمون F نشان می‌دهد که وضعیت این بعد میان ساکنان مجموعه‌های مورد نظر دارای تفاوت‌هایی معنادار با یکدیگر است (جدول شماره ۶). بنابراین به منظور تعیین نوع تفاوت‌ها، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. نتایج این آزمون در ارتباط با وضعیت سلامت روانی ساکنان در مجموعه‌های مورد بررسی (جدول شماره ۵) نشان داد که وضعیت سلامت روانی ساکنان در مجتمع اساتید و دراک مشابه یکدیگر بوده، اما این شاخص در مجتمع چوگان، متفاوت با آن دو است. با توجه به این که میانگین‌های به دست آمده در مجتمع اساتید و دراک غالباً از حد متوسط بیشتر هستند، به نظر می‌رسد که سلامت روانی در این دو مجتمع در حد مطلوب باشد ولی این شاخص در مجتمع چوگان چندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون تعقیبی توکی در ارتباط با مقایسه شاخص‌های سلامت روان در مجتمع‌های مورد بررسی

	چوگان	دراک	اساتید	
Sig.	۰/۰۰	۰/۰۰۹		تفاوت معنادار در سلامت اجتماعی با مجتمع چوگان و دراک
تفاوت میانگین‌ها	-۰/۳۱۲	۰/۱۰۹۶		
حد پایین	۰/۰۳۲	۰/۶۱۹		
حد بالا	۰/۶۹۹	۰/۸۳۸		
Sig.	۰/۹۰۹		۰/۰۰۹	تفاوت معنادار با مجتمع اساتید
تفاوت میانگین‌ها	-۰/۱۴۰۸		-۰/۱۰۹۶	
حد پایین	-۰/۸۸۴		۰/۸۳۸	
حد بالا	۰/۶۰۲		۰/۶۱۹	
Sig.		۰/۹۰۹	۰/۰۰	تفاوت معنادار با مجتمع اساتید
تفاوت میانگین‌ها		۰/۱۴۰۸	۰/۳۱۲	
حد پایین		-۰/۶۰۲	۰/۶۶۹	
حد بالا		۰/۸۸۴	۰/۰۳۲	

جدول شماره ۷: نتایج آزمون تعقیبی توکی در ارتباط با مقایسه شاخص‌های سلامت اجتماعی در مجتمع‌های مورد بررسی

	چوگان	دراک	اساتید	
Sig.	۰/۰۰	۰/۶۰۷		تفاوت معنادار در سلامت روانی با مجتمع چوگان
تفاوت میانگین‌ها	-۰/۸۶	-۰/۱۷		
حد پایین	-۱/۲	-۰/۰۵		
حد بالا	-۰/۴۹	۰/۱۹		
Sig.	۰/۰۰		۰/۶۰۷	تفاوت معنادار با مجتمع چوگان
تفاوت میانگین‌ها	-۰/۶۸		۰/۱۷	
حد پایین	-۱/۰۵		-۰/۱۹	
حد بالا	-۰/۳۱		۰/۰۵	
Sig.		۰/۰۰	۰/۰۰	تفاوت معنادار با مجتمع اساتید و دراک
تفاوت میانگین‌ها		۰/۶۸	۰/۸۶	
حد پایین		-۰/۳۱	۰/۴۹	
حد بالا		۱/۰۵	۱/۲۴	

جدول شماره ۸: نتایج آزمون F (تحلیل آنوا) در ارتباط با سنجش کیفیت معماری در هر کدام از نمونه‌های موردی

چوگان	دراک	اساتید	شاخص	مؤلفه
				کیفیت محیطی
میانگین				
۳,۸۴	۳,۸۷	۳,۹۲	جهت گیری	
۳,۸۱	۳,۸۹	۳,۹۱	آسایش حرارتی	
۳,۶۱	۳,۵۴	۴,۲۵	آسایش صوتی	
۳,۵۴	۳,۵۱	۳,۶۲	کاهش آلودگی	
۳,۲۷	۳,۱۱	۳,۲۹	ایمنی	
۴,۷۳۱			Between group	
۱۰۹,۶۲۵			Within group	
۱,۴۳			Mean square	
۳,۳۷			F	
۰,۰۶۱			sig	
				کیفیت ساختاری
۲,۸۴	۳,۵۱	۳,۸۷	پیکربندی فضایی	
۲,۰۱	۳,۲۷	۳,۷۲	انتظام فضایی	
۲,۹۷	۲,۶۰	۳,۹۱	خلوت و محرمیت	
۲,۸۵	۳,۴۲	۴,۰۱	سلسله مراتب واحدها	
۲۰,۴۰۳			Between group	
۱۱۵,۹۹۶			Within group	
۶,۸۰۱			Mean square	
۱۱,۲۵۷			F	
۰,۰۰۰			sig	
				کیفیت عملکردی
۲,۵۸	۳,۰۵	۴,۱۸	جهت یابی	
۲,۹۱	۳,۰۹	۴,۷۲	خوانایی	
۲,۷۳	۲,۸۹	۳,۹۱	قلمرو	
۱,۷۷	۲,۱۵	۳,۸۴	دسترسی به خدمات	
۲,۶۱	۳,۷۲	۴,۸۴	تناسبات	
۲,۵۹	۲,۵۴	۴,۵۱	الگو و ضوابط	
۱,۶۱	۲,۷۴	۴,۴۹	انعطاف پذیری	
۱,۵۷	۳,۶۸	۴,۳۳	نفوذپذیری	
۷۲,۳۸۸			Between group	
۱۷۳,۶۳۵			Within group	
۱۸,۳۹۷			Mean square	
۱۷,۴۹۱			F	
۰,۰۰۰			Sig	

آلودگی در مجتمع‌ها و نیز ایمنی فضاهای موجود در مجموعه، نشان می‌دهد که این موارد در هر سه مجتمع در وضعیت مطلوبی قرار دارد. در ارتباط با شاخص‌های مربوط به کیفیت ساختاری مجموعه‌ها، سطح معناداری آزمون F مقدار کمتر از ۰,۰۵ را نشان می‌دهد که این موضوع مؤید وجود اختلاف در ارتباط با این شاخص در میان مجموعه‌های مورد نظر است. بنابراین به منظور تحلیل وضعیت اختلاف‌ها میان مجتمع‌ها در باب کیفیت ساختاری آنها، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۹ ارائه شده است.

بر اساس نتایج جدول فوق، سطح معناداری در ارتباط با متغیر کیفیات محیطی مجتمع‌ها، مقدار ۰,۰۶۱ به دست آمده است که با توجه به بالا بودن این مقدار نسبت به مقدار ثابت ۰,۰۵، این کیفیت در میان مجتمع‌ها نسبت به یکدیگر تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. به عبارتی دیگر هر سه این مجتمع‌ها در ارتباط با شاخص کیفیات محیطی، از وضعیت مشابهی برخوردارند. همچنین میانگین‌های به دست آمده در ارتباط با زیرشاخص‌های مرتبط با این موضوع از جمله وضعیت جهت‌گیری بلوک‌ها نسبت به خورشید، وضعیت آسایش حرارتی و صوتی موجود در ساختمان‌ها، مسائل مربوط به کاهش

جدول شماره ۹: نتایج آزمون تعقیبی توکی در ارتباط با مقایسه کیفیت ساختاری در مجتمع‌های مورد بررسی

	چوگان	دراک	اساتید	
Sig.	۰/۰۰	۰/۱۳		تفاوت معنادار با مجتمع چوگان
تفاوت میانگین‌ها	-۰/۵۱	۰/۶۴		
حد پایین	-۰/۸۱	-۰/۱۶		
حد بالا	-۰/۲۱	-۰/۴۳		
Sig.	۰/۰۰		۰/۶۴	تفاوت معنادار با مجتمع چوگان
تفاوت میانگین‌ها	-۰/۶۴		-۰/۱۳	
حد پایین	-۰/۹۴		-۰/۴۳	
حد بالا	-۰/۳۵		۰/۱۶	
Sig.		۰/۰۰	۰/۰۰	تفاوت معنادار با مجتمع اساتید و دراک
تفاوت میانگین‌ها		-۰/۶۴	۰/۵۱	
حد پایین		-۰/۳۵	۰/۲۱	
حد بالا		۰/۹۴	۰/۸۱	

دارای وضعیت مطلوبی است. این در حالی است که وضعیت کیفیت عملکردی در دو مجتمع دراک و چوگان، در سطح قابل قبولی قرار ندارد.

۴٫۳ سنجش کیفیت زندگی در میان ساکنان مجموعه‌های مورد بررسی

کیفیت زندگی، متغیر وابسته در تحقیق حاضر است که با استفاده از پرسشنامه استاندارد در میان مجموعه‌های مورد نظر، بررسی شده است. در تحلیل این پرسشنامه، از شاخص میانگین وزنی استفاده می‌شود که مقادیر بالای ۳ نشانگر سطح مطلوب، مقادیر بین ۳ و ۱ در حد متوسط و مقادیر زیر ۱ در حد ضعیف ارزیابی می‌شوند (جدول شماره ۱۱). با این توصیف، نتایج آزمون صورت گرفته در ارتباط با وضعیت کیفیت زندگی در سه مجتمع مورد بررسی نشان داد که کیفیت زندگی در میان ساکنان مجتمع اساتید در سطح خوب، مجتمع دراک در سطح متوسط و مجتمع چوگان در سطح پایین قرار دارد.

نتایج حاصل از جدول فوق مؤید این موضوع است که وضعیت این شاخص در مجتمع‌های اساتید و دراک تا حدودی مشابه یکدیگر است؛ در حالی که کیفیت ساختاری در مجتمع چوگان، دارای تفاوت معنادار با این دو مجتمع است.

در باب سنجش کیفیت عملکردی مجموعه‌های مورد بررسی نیز نتایج آزمون F، بر وجود تفاوت معنادار میان میانگین‌های اکتسابی سه مجتمع تأکید دارد. چراکه کمتر بودن این مقدار از ۰٫۵۵ مؤید وجود تفاوت در کیفیت عملکردی مجموعه‌های مورد نظر با یکدیگر است. بنابراین مقایسه مقادیر میانگین‌های اکتسابی مربوط به کیفیت عملکردی در مجتمع‌های مورد نظر نیز در آزمون تعقیبی توکی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۱۰ ارائه شده است. همانگونه که از نتایج جدول فوق پیداست، وضعیت کیفیت عملکردی در مجتمع اساتید دارای تفاوت معنادار با مجتمع‌های دراک و چوگان است و با توجه به بیشتر بودن میانگین مجتمع اساتید، به نظر می‌رسد که این مجتمع در ارتباط شاخص‌های کیفیت عملکردی،

جدول شماره ۱۰: نتایج آزمون تعقیبی توکی در ارتباط با مقایسه کیفیت عملکردی در مجتمع‌های مورد بررسی

	چوگان	دراک	اساتید	
Sig.	۰/۰۴۷	۰/۰۱۱		تفاوت معنادار با مجتمع چوگان و دراک
تفاوت میانگین‌ها	۰/۱۵۷۵	۰/۳۲۰۲		
حد پایین	-۰/۸۱	۰/۱۶		
حد بالا	-۰/۲۱	۰/۴۳		
Sig.	۰/۹۵۱		۰/۰۱۱	تفاوت معنادار با مجتمع اساتید
تفاوت میانگین‌ها	-۰/۱۶۲۷		-۰/۳۲۰۲	
حد پایین	-۰/۹۴		-۰/۴۳	
حد بالا	-۰/۳۵		۰/۱۶	
Sig.		۰/۹۵۱	۰/۰۴۷	تفاوت معنادار با مجتمع اساتید
تفاوت میانگین‌ها		۰/۱۶۲۷	۰/۱۵۷۵	
حد پایین		۰/۳۵	۰/۲۱	
حد بالا		۰/۹۴	۰/۸۱	

جدول شماره ۱۱: وضعیت کیفیت زندگی در میان ساکنان مجتمع‌های مورد بررسی

نام مجتمع	میانگین وزنی
دراک	۳/۳۰
اساتید	۲/۲۱
چوگان	۱/۴۹

۵. بحث

ساکنان بر کیفیت زندگی آنها نیز دارای ارتباطی معنا دار است. بنابراین و با این توضیحات، فرضیه اصلی تحقیق مبتنی بر وجود ارتباط معنا دار میان کیفیت معماری و کیفیت زندگی در مجموعه های مسکونی، مورد تأیید قرار می گیرد. اما آنچه در این بخش لازم به توجه است، تحلیل چگونگی سازوکار تأثیرگذاری کیفیت معماری بر کیفیت زندگی است که برای این منظور، چگونگی ارتباط میان اجزای سازنده این متغیرها با یکدیگر، به صورت دو به دو مورد تحلیل قرار گرفته است که در ادامه به این موضوع پرداخته می شود.

۵.۱. بررسی رابطه میان کیفیت معماری و ابعاد سلامت

بر اساس چارچوب نظری تحقیق، کیفیت معماری متشکل از سه بعد کیفیت محیطی، کیفیت ساختاری و کیفیت عملکردی است و سلامت ساکنان در مجموعه های مسکونی نیز متأثر از سه بعد سلامت جسمانی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی است. با این اوصاف، ارتباط میان ابعاد کیفیت معماری و ابعاد سلامت با استفاده از آزمون همبستگی، مورد بررسی قرار گرفته که نتیجه آن در جدول شماره ۱۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۲: نتایج آزمون همبستگی میان متغیرهای تحقیق

ابعاد سلامت	کیفیت زندگی	کیفیت معماری		
۰/۶۰۷	۰/۵۸۲	۱	R	کیفیت معماری
۰/۰۰	۰/۰۰		sig	
۰/۸۱۳	۱	۰/۵۸۲	R	کیفیت زندگی
۰/۰۰		۰/۰۰	sig	
۱	۰/۸۱۳	۰/۶۰۷	R	ابعاد سلامت
	۰/۰۰	۰/۰۰	Sig	

جدول شماره ۱۳: آزمون همبستگی میان مؤلفه های کیفیت معماری و ابعاد سلامت

	ابعاد سلامت			کیفیت محیطی	کیفیت معماری
	سلامت اجتماعی	سلامت روانی	سلامت جسمانی		
R	۰/۳۹	۰/۵۳	۰/۷۶۱	کیفیت محیطی	
sig	۰/۰۴۱	۰/۰۳	۰/۰۰		
R	۰/۲۷	۰/۸۰۳	۰/۴۱	کیفیت ساختاری	
sig	۰/۰۳۷	۰/۰۰	۰/۰۲۴		
R	۰/۷۹۸	۰/۵۶۱	۰/۵۰۳	کیفیت عملکردی	
sig	۰/۰۰	۰/۰۲۱	۰/۰۳۳		

دو مجتمع چوگان و دراک از این نظر در وضعیت چندان مطلوبی قرار ندارند. همچنین نتایج جدول شماره ۷ در ارتباط با کیفیات معماری در این سه مجموعه نیز نتایجی مشابه ارائه نموده است. به این ترتیب که کیفیت محیطی در هر سه مجموعه در وضعیتی مطلوب ارزیابی شده است. کیفیت ساختاری در مجتمع اساتید و دراک در وضعیت مناسب بوده و در نهایت، کیفیت اجتماعی تنها در مجتمع اساتید در سطح مطلوب ارزیابی شده است.

با توجه به توضیحات ارائه شده می توان چنین برداشت نمود که:

۱- سلامت جسمانی افراد در مجتمع های مسکونی، با کیفیت محیطی آن مجتمع ها در ارتباط مستقیم قرار دارد؛ این بدان معنی است که شاخص هایی چون جهت گیری مناسب بنا، آسایش حرارتی، آسایش صوتی، کاهش آلودگی های محیطی و افزایش ایمنی در درجه نخست با سلامت جسمانی افراد ارتباط مستقیم دارد و سپس با سایر ابعاد

پس از ارزیابی وضعیت متغیرها در نمونه های موردی، در این بخش به آزمون فرضیات تحقیق در باب ارتباط میان متغیرهای یاد شده پرداخته می شود. با توجه به اهداف و سئوالات طرح شده در بخش مقدمه، در پژوهش حاضر یک فرضیه اصلی وجود دارد که بر اساس آن، وجود ارتباط میان کیفیت معماری و کیفیت زندگی در مجموعه های مسکونی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین وضعیت سلامت ساکنان و نحوه ارتباط آن با ابعاد کیفیت محیط و کیفیت زندگی، موضوع فرضیه های فرعی هستند که در این پژوهش به آنها پرداخته می شود. با این توضیح و به منظور ورود به بحث، در نخستین گام رابطه همبستگی میان این سه متغیر به صورت دو به دو بررسی شده که نتیجه این موضوع در جدول شماره ۱۲ ارائه شده است.

همانگونه که از داده های جدول فوق پیداست، هر سه متغیر کیفیت زندگی، کیفیت معماری و وضعیت سلامت ساکنان مجموعه ها به صورت دو به دو با یکدیگر دارای رابطه معنا دار هستند. به عبارتی دیگر بر اساس جدول فوق، کیفیت معماری با کیفیت زندگی و کیفیت سلامت ساکنان دارای ارتباطی معنا دار بوده و همچنین کیفیت سلامت

با توجه به داده های جدول فوق و مقادیر مربوط به سطوح معنا داری میان متغیرها، می توان به وجود رابطه معنا دار میان هر سه بعد کیفیت معماری با هر سه بعد سلامت پی برد. با این حال و با مشاهده ضرایب همبستگی میان متغیرهای یاد شده، مشاهده می شود که بیشترین مقدار ضریب همبستگی میان کیفیت محیطی و بعد سلامت جسمانی (۰/۷۶۱)، کیفیت ساختاری با سلامت روانی (۰/۸۰۳) و کیفیت عملکردی با سلامت اجتماعی (۰/۷۹۸) به دست آمده است. از سویی نتایج حاصل از جدول شماره ۴ در باب تحلیل وضعیت سلامت ساکنان در مجتمع های مورد بررسی نیز نشان می دهد که ساکنان هر سه مجتمع از نظر سلامت جسمانی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. از نظر سلامت روانی، مجتمع های دراک و اساتید در وضعیت مناسب و مجتمع چوگان در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و در نهایت از نظر سلامت اجتماعی، تنها مجتمع اساتید در وضعیت مطلوب قرار دارد و

از این نیز عنوان شد، سلامت اجتماعی به معنای توانایی افراد در ایجاد ارتباط مؤثر با دیگران و نیز تمایل آنها به مشارکت در امور مربوط به محل سکونت است. این موضوع از یک سو متأثر از یکپارچگی اجتماعی میان افراد ساکن در یک مجتمع بوده و از سویی دیگر، متأثر از قابلیت فضا در تأمین شرایط مناسب برای ایجاد چنین رخدادی است. در بین مجتمع‌های مورد بررسی در این پژوهش، مجتمع اساتید، ویژه اسکان اساتید دانشگاه شیراز ساخته شده و همین امر باعث شکل‌گیری نوعی یکپارچگی اجتماعی در بافت ساکنان این مجتمع در مقایسه با دو مجتمع دراک و چوگان شده است. مضاف بر این موضوع، وجود فضاهایی مختص گردهمایی اعضا، بازی کودکان، سالن‌های ورزشی، لابی‌های مبلمان شده و نیز استقرار نیمکت و صندلی در محوطه مجتمع، امکان برقراری تعاملات اجتماعی مثبت در میان ساکنان را ارتقا بخشیده است که تأثیر این موضوع در افزایش سطح روابط بین همسایگان در مجتمع اساتید در مقایسه با دو مجتمع دراک و چوگان کاملاً مشهود است. بنابراین کارکرد فضا در ایجاد بستر مناسب برای برقراری تعامل اجتماعی سازنده میان ساکنان در یک مجتمع مسکونی، ارتباط مستقیمی با سلامت اجتماعی ساکنان آن مجتمع دارد که در این ارتباط، قلمروپذیری فضایی، انعطاف‌پذیری فضایی و نیز تأمین امنیت فضایی در محیط‌های جمعی از جمله شاخص‌های کیفیت عملکردی هستند که می‌توانند در ارتقای امنیت اجتماعی و ایجاد فضایی برای تعاملات اجتماعی مؤثر باشند.

۵.۲. بررسی رابطه ابعاد سلامت و کیفیت زندگی

ارتباط میان سطوح مختلف سلامت ساکنان و کیفیت زندگی آنان در مجتمع مسکونی نیز با استفاده از آزمون همبستگی مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن در جدول شماره ۱۴ قابل رؤیت است.

جدول شماره ۱۴: آزمون همبستگی میان مؤلفه‌های کیفیت زندگی و ابعاد سلامت

	ابعاد سلامت			کیفیت زندگی
	سلامت اجتماعی	سلامت روانی	سلامت جسمانی	
R	۰/۷۹۵	۰/۸۱۴	۰/۶۵۸	
sig	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۲۷	

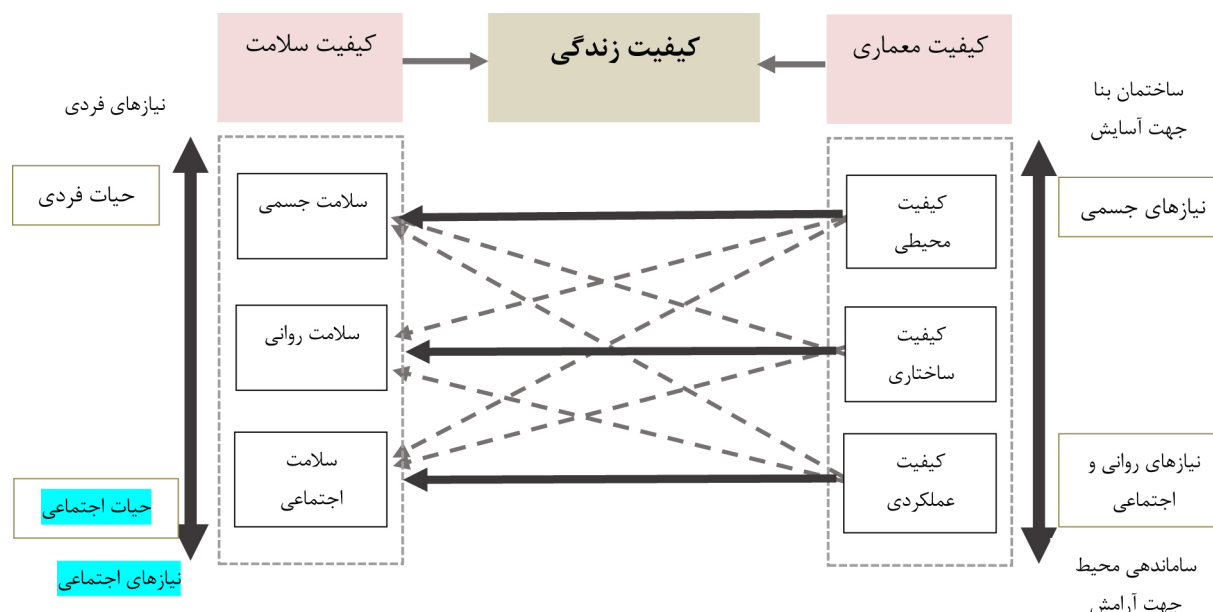
ابعاد سلامت اجتماعی و سلامت روانی عنوان شد، سازگاری دارد. به همین علت است که در مجتمع اساتید که وضعیت هر سه بعد سلامت از جمله سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی در بهترین وضعیت قرار دارد، کیفیت زندگی ساکنان آن نیز در بالاترین سطح نسبت به دو مجتمع دیگر قرار گرفته است. این در حالی است که در مجتمع دراک که تنها از نظر سلامت جسمانی و روانی در وضعیت مناسبی قرار دارد (و سلامت اجتماعی آن نسبت به مجتمع اساتید در وضعیت پایین‌تری قرار دارد) و در نهایت در مجتمع چوگان که از نظر ابعاد سلامت، تنها حائز ویژگی‌های سلامت جسمانی است، در پایین‌ترین سطح از نظر کیفیت زندگی نسبت به دو مجتمع اساتید و دراک قرار دارد. در نهایت با توجه به موارد عنوان شده، نحوه ارتباط میان متغیرهای مورد نظر تحقیق در قالب دیاگرام ذیل قابل ارائه خواهد بود (تصویر شماره ۱۰).

سلامتی ساکنان از جمله سلامت روانی و سلامت اجتماعی آنها در ارتباط است. بررسی‌های به عمل آمده در میان سه مجتمع نیز مؤید این موضوع است که مسائل آسایشی و بهداشتی در هر سه مجتمع مورد توجه ساکنان قرار داشته و همین امر باعث مطلوبیت وضعیت سلامت جسمانی افراد (متأثر از عوامل یادشده) در هر سه مجتمع شده است. بنابراین موضوع ارتباط میان سلامت جسمانی ساکنان و کیفیات محیطی مجتمع که در حوزه آسایش محیطی، ایمنی و بهداشت مطرح است، کاملاً مشهود است.

۲- سلامت روانی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی، با کیفیت ساختاری مجتمع‌ها در ارتباط مستقیم قرار دارد؛ کیفیات ساختاری متأثر از ویژگی‌های بیکره‌بندی فضایی است و در مجتمع‌های مسکونی در قالب مواردی چون عدم محصوریت بیش از حد واحدها، محرمیت موجود در خانه‌ها، سلسله مراتب فضایی واحدها، رعایت حریم صوتی و بصری واحدها، تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی نمود دارد. وجود این موارد در مجتمع‌های مسکونی، بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری احساس امنیت و آرامش روانی ساکنان دارد و این موضوع در مجتمع‌های مورد بررسی نیز به وضوح مشهود است. به این ترتیب که در مجتمع چوگان، به علت عدم عرصه‌بندی فضایی، عدم رعایت حریم بصری و صوتی مناسب در ساخت واحدها، وجود آلودگی‌های صوتی، نوری و بصری به واسطه قرارگیری مجتمع در کنار مسیرهای تردد اصلی شهر و نیز کمبود فضای سبز در مجتمع، میزان آرامش روانی بین ساکنان را در مقایسه با دو مجتمع دراک و اساتید به مراتب کاهش داده است. به همین دلیل می‌توان به رابطه میان سلامت روانی ساکنان و کیفیات ساختاری محیط که خود متأثر از الگوهای بیکره‌بندی فضایی در مجتمع‌هاست، اذعان داشت.

۳- سلامت اجتماعی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی، با کیفیت عملکردی مجتمع‌ها در ارتباط مستقیم قرار دارد؛ همانگونه که پیش

با توجه به داده‌های جدول فوق و مقادیر مربوط به سطوح معناداری، وجود رابطه میان هر سه بعد سلامت و کیفیت زندگی کاملاً تأیید می‌گردد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که تأمین ابعاد سلامت در مجتمع‌های مسکونی، ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی ساکنان دارد. از سویی بررسی مقادیر ضرایب همبستگی میان متغیرهای مورد بررسی، نشان می‌دهد که یک ارتباط قوی میان سلامت اجتماعی و سلامت روانی با کیفیت زندگی وجود دارد. به عبارتی دیگر، کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی تا حد زیادی متأثر از تأمین سلامت اجتماعی و سلامت روانی ساکنان آنهاست. چنین به نظر می‌رسد که علت این امر با مفهوم کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در ارتباط باشد. بنا به ادبیات تحقیق، وجوه کیفی زندگی تا حد زیادی متأثر از عواملی چون سرزندگی محیطی، حس تعلق خاطر، شکل‌گیری هویت اجتماعی، خاطره‌مندی و مشارکت اجتماعی است. این مفاهیم با مواردی که در ارتباط با



تصویر شماره ۱۰: مدل نهایی تحقیق پیرامون نحوه ارتباط میان کیفیت معماری، کیفیت زندگی و ابعاد سلامت در مجتمع‌های مسکونی

است که تأمین بهداشت، ایجاد آسایش محیطی در مسکن، تأمین ایمنی ساکنان و مواردی از این قبیل که در حوزه کیفیت محیطی قرار دارند، مهمترین عوامل در تأمین سلامت جسمانی ساکنان به شمار می‌آیند.

- ارتقای سطح کیفیت ساختاری در مسکن، باعث ارتقای سلامت روانی در مسکن می‌شود؛ به این معنی که توجه به ویژگی‌های ساختاری مسکن در ارتباط با نحوه پیکربندی فضایی، عرصه‌بندی فضایی مناسب، تأمین امنیت روانی ساکنان، ایجاد حریم‌های بصری مناسب در فضای خانه و مواردی از این قبیل، باعث ایجاد آرامش روانی افراد در خانه و در نتیجه ارتقای سطح سلامت روانی آنها در محیط خانه می‌شود.

- ارتقای سطح کیفیت عملکردی، باعث ارتقای سلامت اجتماعی ساکنان در محیط‌های مسکونی می‌شود؛ در این خصوص می‌توان به قابلیت‌های مسکن در تأمین توأمان عملکردهای فردی و اجتماعی در محیط مسکن اشاره نمود که از جمله آنها می‌توان به استقرار فضاهای جمعی در محیط مسکونی، ایجاد فضایی با تنوع عملکردی برای انجام تنوع فعالیتی در فضاهای عمومی، ایجاد سلسله مراتب فضایی و حریم‌های فردی و اجتماعی در فضا و مواردی از این قبیل اشاره نمود. با ایجاد چنین راهکارهایی، امکان افزایش تعامل میان ساکنان افزایش یافته و همین امر باعث ایجاد شناخت بیشتر میان همسایه‌ها، شکل‌گیری هویت جمعی برای ساکنان و نیز افزایش تمایل به مشارکت اجتماعی میان آنها می‌شود که در نهایت به سلامت اجتماعی ساکنان منجر خواهد شد.

۲- کیفیت سلامت ساکنان در مجتمع‌های مسکونی، ارتباط مستقیمی با ارتقای کیفیت زندگی افراد در آن دارند. این بدان معنی است که تأمین هر سه بعد سلامت در محیط‌های مسکونی باعث افزایش کیفیت زندگی آنها در تمام ابعاد می‌شود. بنابراین عدم تأمین هر کدام از ابعاد سلامت در محیط‌های مسکونی، می‌تواند باعث کاهش در سطح کیفی زندگی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی شود.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین اهداف بشر در تمام زمینه‌ها، ارتقای سطح کیفی زندگی‌اش بوده است. تمام فعالیت‌ها، پیشرفت‌ها و دستاوردهای بشر در طول تاریخ، به نوعی در جهت ارتقای این هدف به کار گرفته شده است. به همین دلیل نیز یکی از مهمترین رسالت‌های معماری و طراحی محیطی، ایجاد بستری مناسب برای حضور انسان و ارتقای سطح کیفی زندگی وی بوده است. این موضوع به ویژه در طراحی مسکن به عنوان فضایی که بیشترین حضور انسان در آن شکل می‌گیرد، از اهمیتی دوچندان برخوردار است.

اگر کیفیت فضایی در معماری مسکن را به دو بعد عینی و ذهنی تقسیم کنیم، در بعد عینی بیشتر به نیازهای جسمی کاربر و تأمین آسایش جسمی برای وی توجه می‌شود و در بعد ذهنی، نیازهای روحی و روانی وی در قالب ایجاد آرامش روانی در محیط مسکن مد نظر قرار می‌گیرد. بر همین اساس کیفیت معماری به منظور پاسخ به طیفی از نیازهای جسمانی تا نیازهای روحی و روانی انسان، ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد که در ادبیات معماری در قالب سه بعد کیفیت محیطی، کیفیت ساختاری و کیفیت عملکردی قابل دسته‌بندی هستند.

رابطه میان کیفیت معماری و کیفیت زندگی در قالب مفهوم سلامت قابل ارزیابی است. در این مفهوم، سلامت انسانی در سه بعد سلامت جسمانی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی قابل تقسیم است و دستیابی به آن در گرو تأمین سطوح مختلفی از نیازهای مادی تا نیازهای معنوی انسان است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش و نیز پاسخ به سئوالات تحقیق، متغیرهای یادشده به صورت دو به دو با یکدیگر مورد تحلیل قرار گرفته که در نهایت نتایج زیر حاصل آمد:

۱- کیفیات معماری در فضاهای مسکونی، ارتباط مستقیمی با ارتقای وضعیت سلامت ساکنان در آن دارند. در این خصوص موارد زیر قابل توجه هستند.

- ارتقای سطح کیفیت محیطی، باعث ارتقای تمام ابعاد سلامت در مسکن به ویژه سلامت جسمانی ساکنان می‌شود. این بدان معنی

- (2013). Evaluating the Degree of Relation of Residential Satisfaction with House, Neighbor Unit and Neighborhood Variables (Case Study: Farabi Physicians' Residential Complex). *Journal of Hoviatshahr*, 7(15).
- Golkar, k. (2001). Constituent components of urban design quality. *Journal of Sofeeh*(32).
 - Habib, F. Z., Hosein; Rahbarimanesh, Kaman. (2011). Relevance Between Acquiescence of Habitations and Impacts on Relationships (Case Study: Ekbatan and Behjatabad Tehran). *Journal of Hoviatshahr*, 5(8), 103-118.
 - Heidari, A. A. A., Elham; Karkhaneh, Masoomeh; Ahmadifard, Narges. (2013). Assessing the landscape role of collective spaces in urban quality, a case study: District 1 of Tehran. *Armanshahr journal*, 11, 323-335.
 - Hekmatian, P. (2012). The dimension of urban design health. *Sofeh journal*, 22(1).
 - Jelinkova, Z., & Picek, M. (1984). PHYSICAL AND PSYCHOLOGICAL-FACTORS DETERMINING POPULATION RESPONSES TO ENVIRONMENT.
 - Kawakami, N., Winkleby, M., Skog, L., Szulkin, R., & Sundquist, K. (2011). Differences in neighborhood accessibility to health-related resources: a nationwide comparison between deprived and affluent neighborhoods in Sweden. *Health & place*, 17(1), 132-139.
 - Keyes, C. L. M. (1998). Social well-being. *Social psychology quarterly*, 121-140.
 - Khaef, S., & Zebardast, E. (2016). Assessing quality of life dimensions in deteriorated inner areas: A case from Javadieh neighborhood in Tehran metropolis. *Social indicators research*, 127(2), 761-775.
 - Kinsey, J., & Lane, S. (1983). Race, housing attributes, and satisfaction with housing. *Housing and society*, 10(3), 98-116.
 - Lansing, J. B., & Marans, R. W. (1969). Evaluation of neighborhood quality. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(3), 195-199.
 - Miller, F. D., Tsemberis, S., Malia, G. P., & Grega, D. (1980). Neighborhood satisfaction among urban dwellers. *Journal of Social Issues*, 36(3), 101-117.
 - Moeini, M. E., Gholamreza. (2012). An Analytic Approach Towards the Quality of Contemporary Residential Environment. *Hoviatshahr Journal*, 6(10), 47-58.
 - Mohit, M. A., Ibrahim, M., & Rashid, Y. R. (2010). **۳- کیفیات معماری در فضاهای مسکونی، ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی ساکنان در مجتمع مسکونی دارد.** این موضوع که به نوعی هدف اصلی تحقیق حاضر نیز به شمار می آید، با توجه به موارد بیان شده کاملاً مشهود و قابل درک است. به این ترتیب که بر اساس موارد عنوان شده، از یک سو میان کیفیت معماری و ابعاد سلامت، ارتباطی دو سویه وجود دارد. از سویی دیگر کیفیت سلامت ساکنان در مجتمع های مسکونی نیز ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی آنها در مجتمع دارد. بنابراین می توان ادعا داشت که میان کیفیت معماری در مجتمع های مسکونی و کیفیت زندگی ساکنان آنها نیز ارتباطی مستقیم وجود دارد. به این ترتیب که با ارتقای کیفیات معماری در فضاهای مسکونی، ابعاد مختلف سلامت ساکنان افزایش یافته و این امر در نهایت منجر به ارتقای کیفیت زندگی آنها خواهد شد.
- References:**
- Amérigo, M. a., & Aragones, J. I. (1997). A theoretical and methodological approach to the study of residential satisfaction. *Journal of environmental psychology*, 17(1), 47-57.
 - Asefi M, I. E. (2016). Redefining Design Patterns of Islamic Desirable Contemporary Housing through Qualitative Evaluation of Traditional Homes. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 4(2), 56-73.
 - Baum, A. E., Singer, J. E., & Valins, S. E. (1978). *Advances in environmental psychology: I. The urban environment*. Lawrence Erlbaum.
 - Campbell, S. (1996). Green cities, growing cities, just cities?: Urban planning and the contradictions of sustainable development. *Journal of the American Planning Association*, 62(3), 296-312.
 - Carp, F. M., Zawadski, R. T., & Shokrkon, H. (1976). Dimensions of urban environmental quality. *Environment and behavior*, 8(2), 239-264.
 - Cozens, P., Hillier, D., & Prescott, G. (2001). Crime and the design of residential property—exploring the theoretical background □ Part 1. Property management.
 - Devine, E. T. (1915). *The normal life*. Survey Associates, Incorporated.
 - Dijkstra, T. (2001). *Architectonic Quality*. Policy Note Prepared by the Government Architect, The Hague.
 - Galster, G. C., & Hesser, G. W. (1981). Residential satisfaction: Compositional and contextual correlates. *Environment and behavior*, 13(6), 735-758.
 - ghafari, A. B., Maryam. (2011). What is Healthy House? *Journal of Housing and Rural Environment*, 30(133).
 - Ghiaei, M. H. A., Sharareh; Shahabian, Pouyan.

- Assessment of residential satisfaction in newly designed public low-cost housing in Kuala Lumpur, Malaysia. *Habitat international*, 34(1), 18-27.
- Montgomery, D. C. (2020). Introduction to statistical quality control. John Wiley & Sons.
 - Mugerauer, R. (1995). Interpreting environments: Tradition, deconstruction, hermeneutics. University of Texas Press.
 - Pakzad, J. (2002). The Quality of Space. *Abadi journal*, 2(2).
 - Rahimi, G. (2013). The World Health Organization (WHO). *Journal of Army Medical School*, 5(1), 53-56.
 - Rossi, A., Eisenman, P., Ghirardo, D. Y., & Ockman, J. (1982). The architecture of the city. MIT press Cambridge, MA.
 - Sameh, R. (2018). A Reflection on the Definition of Quality in Architecture. *Journal of Architectural Thought*, 2(3), 44-64.
 - Schuessler, K. F., & Fisher, G. A. (1985). Quality of life research and sociology. *Annual review of sociology*, 11(1), 129-149.
 - Shaw, M. (2004). Housing and public health. *Annu. Rev. Public Health*, 25, 397-418.
 - Soleymani, E. (2017). Investigating the relationship between mental health and quality of life with the mediating role of spiritual health in students. *Journal of Culture in the Islamic University*, 6(21), 565-584.
 - Thomson, H., & Petticrew, M. (2005). Is housing improvement a potential health improvement strategy. WHO Regional Office for Europe's Health Evidence Network (HEN 2005).
 - Ülengin, B., Ülengin, F., & Güvenç, Ü. (2001). A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul. *European Journal of Operational Research*, 130(2), 361-374.
 - van der Voordt, D. J. M., & van Wegen, H. B. R. (2007). *Architecture in use*. Routledge.
 - Varady, D. P. (1983). Determinants of residential mobility decisions the role of government services in relation to other factors. *Journal of the American Planning Association*, 49(2), 184-199.
 - Victorson, D., Cella, D., Wagner, L., Kramer, L., & Smith, M. L. (2007). Measuring quality of life in cancer survivors.
 - zarghami, E. (2016). A Comparative Study of Iranian-Islamic Housing Characteristics with Today's Apartment Housing. *Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning journal*, 6(2), 60-72.

نحوه ارجاع به مقاله:

حیدری، علی اکبر؛ تقی پور، ملیحه؛ (۱۴۰۰) ارزیابی نقش کیفیت معماری در ارتقا کیفیت زندگی در مجتمع های مسکونی از دیدگاه سلامت ساکنان، مطالعات شهری، ۱۰ (۴۰)، ۴۳-۵۸. doi: 10.34785/J011.2021.609/Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تاثیر خرد اقلیم‌های شهری بر آسایش محیطی در فضای باز عمومی نمونه مورد مطالعه: میدان شهدا شهر مشهد^۱

سیامک شکیبایی - دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
ساناز سعیدی مفرد^۲ - استادیار، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۱ مهر ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: ۱۲ اسفند ۱۳۹۸

چکیده

کیفیت طراحی فضاهای باز عمومی به عنوان یک قرارگاه رفتاری برای اوقات فراغت نقش مهمی در میزان رضایتمندی افراد دارد. احساس لذت و رضایتمندی زمانی اتفاق خواهد افتاد که فرد به حد نسبی از آسایش جسمی و روحی (آسایش محیطی) رسیده و فاقد از امور مقیدکننده باشد. همچنین یکی دیگر از عوامل رضایتمندی، آسایش محیطی ناشی از سلسله مراتب اقلیمی است. به همین دلیل توجه به اقلیم در طراحی‌ها از اولویت‌های مهم در توسعه پایدار و طراحی پایدار است. با این حال، خرد اقلیم شهری از عواملی است که برای طراحی فضاهای شهری و فضاهای باز عمومی در راستای رسیدن به آسایش و رضایت محیطی ضروری است. در این راستا میدان شهدای شهر مشهد نیز به عنوان فضای باز عمومی و محصور توسط بناهای اداری و تجاری و ساختار کالبدی فضایی ویژه و همچنین درگیری با مسائل خرد اقلیم شهری، احتمالاً دچار ضعف آسایش محیطی برای شهروندان شده است.

بنابراین با هدف بررسی میدان شهدا در راستای ایجاد آسایش محیطی به کمک خرد اقلیم شهری، پرسشنامه‌ای با سئوالات بسته (در قالب طیف لیکرت) بر روی حجم نمونه ۱۱۲ نفر آزمایش شد. در این راستا روش شناسی تحقیق مبتنی بر روش تحلیلی به کمک آمار استنباطی (آزمون تحلیل عاملی تأییدی) و تحلیل با نرم افزار اسکچاپ و در نهایت تحلیل راینو (پلاگین umi)، برای یافتن عوامل خرد اقلیمی مؤثر بر آسایش محیطی در میدان است. با توجه به تفکیک معیارهای متأثر از خرد اقلیم و تحلیل آنها و بررسی تأثیرشان بر آسایش محیطی، نتایج حاکی از آن است که عوامل محیطی و فرمی مانند شکل میدان و بناهای اطراف آن و جایگاه قرارگیری میدان، فضاهای عملکردی و فعالیتی موجود نظیر ساختمان‌های تجاری و اداری حاشیه میدان به عنوان اماکن پر مخاطب شهروندان و در نهایت آسایش حرارتی و کیفیت هوای درون میدان به عنوان مهم‌ترین زیرمعیارهای خرد اقلیمی تأثیرگذار بر آسایش محیطی از نظر شهروندان واقع در میدان شهدا محسوب شده است.

واژگان کلیدی: فضای باز عمومی، آسایش محیطی، خرد اقلیم شهری، میدان شهدا.

نکات برجسته

- ریز اقلیم شهری یکی از عوامل طراحی فضاهای باز عمومی به منظور دستیابی به آسایش محیطی است.
- احساس لذت و رضایتمندی زمانی اتفاق خواهد افتاد که فرد به حد نسبی از آسایش جسمی و روحی (آسایش محیطی) رسیده است.
- عوامل محیطی و فرمی مانند شکل ساختمان‌ها، موقعیت مکانی، نوع کاربری زمین، آسایش اقلیمی از طریق آسایش محیطی قابل دستیابی است.

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته طراحی شهری با عنوان «طراحی فضاهای باز عمومی با تأکید بر تأثیر خرد اقلیم شهری بر آسایش محیطی استفاده کنندگان نمونه موردی میدان شهدای شهر مشهد» است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: saeedi.s@mshdiau.ac.ir

۱. مقدمه

تشکیل دهنده آن می تواند بر کیفیت شهر و فضاهای آن اثر بگذارد، بلکه کیفیت هوای شهر را نیز می تواند تغییر دهد (Bahreini, 2003: 159). حال آن که به نظر می رسد میدان شهدا یک فضای باز عمومی ویژه است (به دلیل عدم برقراری تعاملات اجتماعی هنوز به عنوان فضای شهری شناخته نمی شود) که در انتهای دید چندین محور اصلی شهر قرار گرفته و از پتانسیل قوی به لحاظ موقعیت و جایگاه مکانی برخوردار است. این فضا از حیث برخورداری پیشینه قوی و وجه عمیق تاریخی در کلانشهر مشهد به مثابه سند تاریخی فرهنگی شهر بوده و رابطه مستقیم آن با حرم برارزش های آن بیش از پیش افزوده است. از سویی نادیده گرفتن و عدم رابطه درست بین ساخت و سازهای اطراف این میدان با خرد اقلیم های شهری و از سوی دیگری توجهی کنونی خود فضای میدان در ارتباط با خرده اقلیم محلی، سبب تنزل و به مراتب از بین رفتن آسایش محیطی شهروندان و حتی زائران در آن شده و آن را تبدیل به میدانی مرده کرده است. بنابراین هدف اصلی از انجام این پژوهش علمی یافتن میزان اثرگذاری زیرمعیارهای خرد اقلیمی بر معیارهای مربوطه (معیار کالبدی، عملکردی-دسترسی و زیست محیطی متأثر از خرد اقلیم) در راستای آسایش محیطی شهروندان در میدان شهداست. در ادامه به بررسی برخی پژوهش های انجام شده پیرامون موضوع تحقیق پرداخته شده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: پیشینه تحقیق

سال	نویسنده	نوع اثر	نام اثر	ارتباط با موضوع پژوهش
2016	Miguel Martin , Afshin Afshari Peter R. Armstrong , Leslie K. Norford	مقاله	A new validation protocol for an urban microclimate model based on temperature measurements in a Central European city	ارائه پروتکل های اعتبارسنجی جدید برای یک مدل خرد اقلیمی شهری بر مبنای اندازه گیری دمای شهرستان ارائه مدلی جدید برای تخمین گرمای انسان ساخت ناشی از ترافیک در فضاهای شهری
2015	Marjolein Pijpers & Van Esch	کتاب	Designing the urban Microclimate	بررسی تأثیرات خرد اقلیم شهری بر رفاه و سلامت جسمانی بررسی نفوذ محیط شهری بر خرد اقلیم آن مثل تأثیرات ارتفاع بناها و ساختمان ها بر سایه اندازی و ... ارئه چارچوبی برای پشتیبانی از اشاعه دانش خرد اقلیم شهری به فرایند طراحی شهری
2014	Jennifer K. Vanos	مقاله	Children's health and vulnerability in outdoor microclimates: A comprehensive review	بررسی آسیب پذیری و سلامت روانی کودکان بر اثر خرد اقلیم در فضاهای باز عمومی و بیرونی ساختمان ها ارتباط و پیوند سلامت روحی، رفتاری و فیزیولوژی کودکان با شرایط جوی ارائه سیاست های قابل اجرا برای کنترل سلامت اقلیمی کودکان
2011	Evyater Eerell ,David Pearlmuter & Terry	کتاب	Urban Microclimate; Designing the Spaces Between Buildings	بررسی میزان تأثیر گذاری و کاربرد اقلیم در برنامه ریزی و طراحی شهری بررسی کاربردی فضاهای خطی و پوشش گیاهی بر خرده اقلیم های شهری راهبردهای طراحی شهری مبتنی بر خرده اقلیم های شهری
2010	Robert D. Brown	کتاب	Design with Microclimate	بررسی موارد و موقعیت های متضاد وابسته به خرده اقلیم ها بررسی سازوکارهای پایه در خرد اقلیم

۲. چارچوب نظری

۲.۱. فضای باز عمومی و ایجاد احساس لذت، رضایتمندی و تعلق

لذت و بهره مندی از این اوقات است. احساس لذت زمانی اتفاق خواهد افتاد که فرد به حد نسبی از آسایش جسمی و روحی رسیده و فاقد امور مقید کننده باشد. بنابراین توجه به این مهم در فضاهای باز شهری برای اوقات فراغت ضروری است و این امر محقق نخواهد شد مگر این که طراحی فضاها با توجه به موقعیت اجتماعی و سنی افراد و بر اساس علایق، خواسته ها و فعالیت های جاری افراد انجام شود و

کیفیت طراحی فضاهای باز شهری به عنوان یک قرارگاه رفتاری برای اوقات فراغت نقش مهمی در میزان رضایتمندی افراد دارد. چگونگی گذران اوقات فراغت بر اساس دیدگاه، توقعات و انتخاب فردی اشخاص متفاوت است. اما آنچه که در افراد مشترک به نظر می رسد، توجه به

جنبه‌های فیزیولوژیکی، روان شناختی و کالبدی انسان و محیط اطرافش است که طیف وسیعی از شرایط آسایش حرارتی، صوتی، بصری، بویایی و کیفیت هوای زیست‌محیطی را شامل می‌گردد (Nikolopoulou, 2003, 4). علاوه بر منظر طبیعی و اقلیم محلی، نوع دیگر اقلیم که بیشتر تحت تأثیر ساخت و سازها و تصمیمات طراحان شکل می‌گیرد، اقلیم خرد است که رابطه متقابل و تنگاتنگی بین ساختمان‌ها و محیط خارجی آنها وجود دارد. هر بنا، وضعیت آب و هوایی اطراف خود را تغییر می‌دهد. هندسه و مقطع شهر، شکل، ارتفاع، اندازه بناها، جهت خیابان‌ها و ساختمان‌ها و سطح فضاهای باز، همگی عواملی هستند که اقلیم خرد شهر را تعیین می‌کنند. بنابراین هر عنصر انسان ساخت شهری، نظیر ساختمان‌ها، خیابان‌ها، فضاهای مخصوص پارکینگ اتومبیل، فرودگاه‌ها، کارخانجات و غیره در اطراف و بالای خود اقلیم مصنوعی خاصی پدید می‌آورد که همواره با آن در ارتباط متقابل قرار می‌گیرد. گاهی ملاحظه می‌شود که جزئیات خاصی در معماری خارجی بناها، اثر تعیین کننده‌ای بر شرایط محیطی اطراف، خصوصاً بر عابران پیاده می‌گذارد؛ مانند محافظت در مقابل باران، آفتاب و یا نور شدید از طریق تعبیه پیش آمدگی در سطوح فوقانی بنا و مسلط بر معبر، راهروهای مسقف و سایه بان. نه تنها شکل شهر، اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن می‌تواند بر کیفیت شهر و فضاهای آن اثر بگذارد، بلکه کیفیت هوای شهر را نیز می‌تواند تغییر دهد (Bahreini, 2003: 159-156). محیط‌های ساخته شده توسط بشر ممکن است تغییر قابل توجهی در خرد اقلیم ایجاد کند. به طور کلی در نواحی دارای ساخت و ساز، سرعت باد ۲۵ درصد کمتر از نواحی بدون ساخت و ساز است (Shafeion, 2011: 7-6).

۲.۳. عوامل و معیارهای خرد اقلیم مؤثر بر آسایش محیطی

در این بخش به تأثیر اجزای مختلف خرد اقلیم شهری بر سلامتی جسمانی پرداخته می‌شود. بعضی از اجزا هم دارای اثرات مثبت و هم منفی هستند. هر یک از اجزای خرد اقلیم شهری شامل تابش خورشیدی، نور و روشنایی روز، باد، کیفیت هوا، صدا و آسایش حرارتی محیط خارجی (که شامل تابش، باد و رطوبت می‌شود) خود نیز دارای چارچوبی در فضاهای شهری هستند که در تصویر شماره ۱ و جدول شماره ۲ ارائه شده است (Pijpers & Esch, 2015: 83).

همساختی بین فضاهای باز شهری (محیط کالبدی) و رفتار انسان به وجود آید و به عبارت دیگر در این فضاها رابطه‌ای سازگار بین رفتار افراد و مکان ایجاد شود. احساس لذت از یک فضا باعث ایجاد ارتباط مؤثر بین فضا و شخص می‌شود، به طوری که شخص احساس تعلق می‌کند و تمایل افراد به استفاده و حضور در این محیط بیشتر می‌شود (Falahat, 2008: 91). سنجش رضایت نه فقط بر اساس محیط عینی، بلکه همچنین بر پایه ادراک افراد از محیطی که به آن تعلق دارند، صورت می‌پذیرد. به طور کلی ضروری است ترکیبی از شاخص‌های عینی و ذهنی در فرایند تحقیق مورد استفاده قرار گیرد. شاخص‌های ذهنی، حصول آگاهی از میزان رضایتمندی افراد و نیز آنچه را که از نظر مردم مهم تلقی می‌شود، امکان پذیر می‌گرداند. این شاخص‌ها نشان دهنده وابستگی افراد به محیط سکونت خویش و وجود حمایت و پشتیبانی عمومی از محیط هستند. شاخص‌های عینی برای سنجش آن دسته از جوانب محیطی که ارزیابی آنها به دشواری صورت می‌گیرد، مورد نیاز است. این شاخص‌ها نقطه عزیمتی برای سیاست گذاری محیطی محسوب می‌شوند و ضامن اعتبار معیارهای ذهنی هستند (Rafiyian, 2009: 15).

۲.۲. مفهوم آسایش محیطی و جایگاه خرد اقلیم در آن

تحقیقات متمرکز بر روی ایجاد آسایش، راحتی و سلامتی مکان‌های باز شهری و کیفیت جهانی زندگی شهری در حال رشد و پیشرفت است. جمعیت رو به رشد شهری نشان دهنده این است که مردم بیشتری به فضاهای آزاد عمومی رو می‌آورند که باعث برانگیختن برخی تغییرات در ویژگی‌های برنامه ریزی شهری می‌شود (Szucs, 2012: 13). طراحی دقیق محیط‌های شهری می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای باعث سلامت جسمانی افراد در شهرها شود. اداره بهداشت جهانی اظهار می‌کند که می‌توان با محیط زیست سالم‌تر از بخش عمده‌ای از مشکلات بیماری‌های جهانی جلوگیری کرد (WHO, 2006: 17). آنها همچنین بیان می‌کنند که طراحی شهری عامل مهمی برای سلامت شهرهاست (WHO, 2014: 34). خرد اقلیم شهری یکی از عوامل زیستی مؤثر بر سلامت جسمی است. در نتیجه باید توجه طراحان شهری قرار گیرد.

آسایش محیطی، احساس رضایت و راحتی حاصل از هماهنگی



تصویر شماره ۱: عوامل مؤثر بر خرد اقلیم (Pijpers & Esch, 2015: 83)

در فضاهای شهری و عرصه‌های باز عمومی رسیده شد که بر مبنای آن می‌توان به بهبود و ارتقای این گونه‌ها به عنوان روزه‌های تنفسی شهر کمک نمود. جدول شماره ۲ معیارها و زیرمعیارهای خرد اقلیم مؤثر بر آسایش محیطی را ارائه نموده است.

با توجه به مطالعات انجام گرفته شامل کتب و مقالات پیرامون موضوع پژوهش، به چارچوب نظری مبتنی بر معیارها که خود به سه دسته معیارهای کالبدی و عملکردی-دسترسی و زیست محیطی تقسیم می‌شود و زیرمعیارهای متأثر از خرد اقلیم در راستای آسایش محیطی

جدول شماره ۲: معیارها و زیرمعیارهای خرد اقلیم مؤثر بر آسایش محیطی

معیار	زیرمعیار
اهمیت عوامل کالبدی متأثر از خرد اقلیم در راستای ایجاد آسایش محیطی	توجه به ساختار بافت
	توجه به عوامل محیطی و فرمی فضاها
اهمیت عوامل عملکردی و دسترسی متأثر از خرد اقلیم در ایجاد آسایش محیطی	توجه به ویژگی‌های کیفی و کمی معابر محدوده
	توجه به فضاهای عملکردی و فعالیتی به عنوان اماکن مخاطب مردم
اهمیت عوامل زیست محیطی متأثر از خرد اقلیم در ایجاد آسایش محیطی	توجه به تأثیرات تابش بر محدوده
	توجه به تأثیرات باد بر محدوده
	توجه به روشنایی بر محدوده
	توجه به تأثیرات کیفیت هوا بر محدوده
	توجه به تأثیرات صدا بر محدوده
	توجه به تأثیرات آسایش حرارتی بر محدوده

در راستای اعتبار سنجی پرسشنامه می‌توان اذعان داشت، پایایی یا قابلیت اعتماد، یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. دامنه ضریب قابلیت اعتماد از صفر تا یک است که هر چه این ضریب به سمت یک میل کند، پایایی پرسشنامه بیشتر است (Sarmad, 2013: 27). در این پژوهش به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، آلفای کرونباخ برای پرسشنامه و ابعاد آن از عدد ۰/۷۰ بیشتر است و می‌توان پایایی پرسشنامه‌ها را تأیید نمود.

۳. روش

تحقیق ارائه شده از نوع کاربردی بوده و روش آن توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات نیز به صورت میدانی از طریق دما سنج، باد سنج معمولی، برداشت کالبدی و پرسشنامه با سئوالات بسته و مقیاس لیکرت است. نمونه‌گیری نیز از روش تصادفی با حجم نمونه ۱۱۲ نفر به دست آمده است. پس از گردآوری اطلاعات با تدوین معیارها و زیرمعیارهای خرد اقلیم مؤثر بر آسایش محیطی، تحلیل اطلاعات نیز از طریق پرسشنامه، نرم افزار راینو (پلاگین umi) و نرم افزار اسکچاپ صورت گرفته است.

جدول شماره ۳: نتایج پایایی پرسشنامه

معیارهای تحقیق	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
اهمیت عوامل کالبدی متأثر از خرد اقلیم در راستای ایجاد آسایش محیطی	۲	۰/۹۳۶
اهمیت عوامل عملکردی و دسترسی متأثر از خرد اقلیم در ایجاد آسایش محیطی	۲	۰/۹۲۷
اهمیت عوامل زیست محیطی متأثر از خرد اقلیم در ایجاد آسایش محیطی	۶	۰/۹۲۲
کل پرسشنامه	۱۰	۰/۹۷۰

اندازی و معیارهای مرتبط با آن و در نهایت مفاهیم آسایش محیطی میدان (نظیر انرژی عملیاتی، سرزندگی و پویایی و انرژی حرارتی که توسط پلاگین umi برای داشتن این کیفیت تعریف شده) به کمک نرم افزار راینو پلاگین umi انجام گرفته است. جدول شماره ۴ کلیت روش شناسی پژوهش را نمایش می‌دهد.

از سوی دیگر روابی داده‌ها و همچنین فهم میزان اثرگذاری زیرمعیارهای خرد اقلیمی بر معیارهای مربوطه (معیار کالبدی، عملکردی-دسترسی و زیست محیطی) در راستای آسایش محیطی شهروندان در میدان شهدا، به کمک آزمون تحلیل عاملی تأییدی بر اساس معادلات ساختاری توسط نرم افزار لیزل انجام گرفته (که در بخش ۵ به آن پرداخته می‌شود) و به کمک نرم افزار اسکچاپ به بررسی سطح سایه

جدول شماره ۴: روش شناسی پژوهش

مفاهیم	شاخص‌ها	ابزارهای گردآوری داده	تحلیل داده
فهم دیدگاه شهروندان در زمینه آسایش محیطی در میدان شهدا (مبتنی بر معیارهای متأثر از خرد اقلیم)	میزان اثرگذاری معیارهای کالبدی، عملکردی و زیست محیطی خرد اقلیم مؤثر بر آسایش محیطی	پرسشنامه (سئوالات بسته - مقیاس لیکرت)	آمار استنباطی: تحلیل عاملی تأییدی بر اساس معادلات ساختاری
بررسی و تحلیل سایه اندازی	میزان سایه دردی ماه و تیر ماه در دو نوبت صبح و بعداز ظهر (به عنوان بلندترین و کوتاه‌ترین طول سایه اندازی)	نرم افزاری	اسکچاپ
تحلیل عوامل آسایش محیطی	انرژی عملیاتی در بدنه میدان شهدا سرزندگی و پویایی در بدنه میدان شهدا انرژی حرارتی در بدنه میدان شهدا	دما سنج و باد سنج معمولی و برداشت میدانی	راینو (پلاگین umi)

شرایط کالبدی-فضایی میدان تحت تأثیر عوامل خرد اقلیم (عوامل کالبدی، عملکردی-دسترسی و زیست محیطی متأثر از خرد اقلیم) سبب تنزل آسایش محیطی شهروندان شده است (تصویر شماره ۲). از این رو بررسی این عوامل متأثر از خرد اقلیم بر آسایش محیطی در میدان شهدا هدف اصلی پژوهش است که در ادامه به تفصیل بررسی و تحلیل می‌گردد.

عرصه پژوهش در این تحقیق میدان شهدا واقع در کلانشهر مشهد است. میدان شهدا یکی از میدان‌های اصلی مشهد است که در نزدیکی حرم امام رضا قرار دارد و محل تلاقی شش خیابان است. این میدان محل بسیاری از اجتماعات مذهبی و فرهنگی است. ساختمان شهرداری و شورای شهر مشهد در دو سوی شمالی و جنوبی میدان شهدا و در بخش غربی و شرقی ساختمان‌های تجاری قرار دارند.

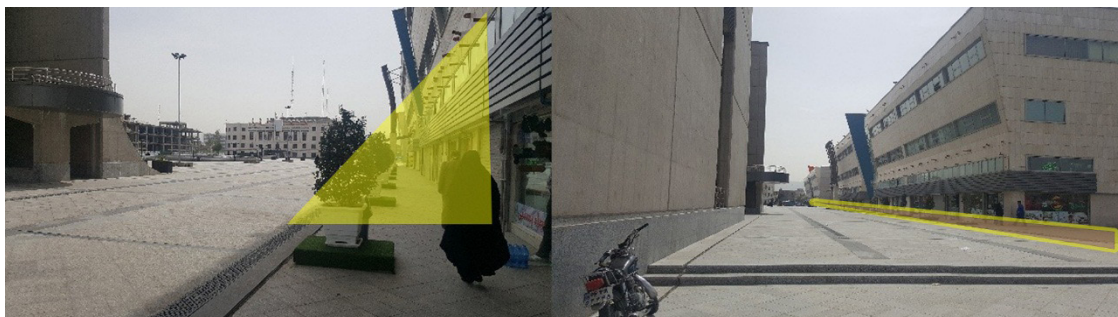


تصویر شماره ۲: میدان شهدا در شهر مشهد

شهدا توسط ساختمان‌های گول پیکرو درشت دانه احاطه شده است. با این وجود به دلیل وسیع بودن محوطه میدان، این ساختمان‌ها نمی‌توانند به اندازه کافی و لازم برای افراد پیاده و استفاده‌کنندگان از فضای میدان در روزهایی که تابش آفتاب به نهایت خود می‌رسد، سایه ایجاد کنند و در نتیجه اغلب افراد برای مسیر حرکتی خود از قسمت‌های کناری ساختمان‌ها که دارای فضاهایی هستند که در آنجا می‌توانند از سایه آن استفاده کنند، عبور می‌کنند (تصویر شماره ۳).

۴. بحث و یافته‌ها

با توجه به مشاهدات صورت گرفته در محدوده مورد نظر می‌توان ادعان داشت که میدان شهدا با توجه به این که یکی از عظیم‌ترین پروژه‌های تاریخ شهر مشهد است ولی در زمینه اقلیم و آسایش اقلیمی آنچنان که شایسته است، نتوانسته خواسته‌ها را برآورده کند. یکی از مشکلاتی که در سطح میدان کاملاً مشهود است، بحث نبود سایه کافی برای استفاده‌کنندگان از فضا است که بسیار جای بحث دارد. میدان



تصویر شماره ۳: وجود سایه در حاشیه کاربری‌ها

افراد از قسمت‌های کناری ساختمان‌ها، رفلکس نوری ایجاد شده در طول روز مخصوصاً در ساعات گرم هوا توسط کفپوش‌های سطح میدان است که به شدت باعث ایجاد حس ناخوشایندی و نداشتن آسایش اقلیمی می‌شود.

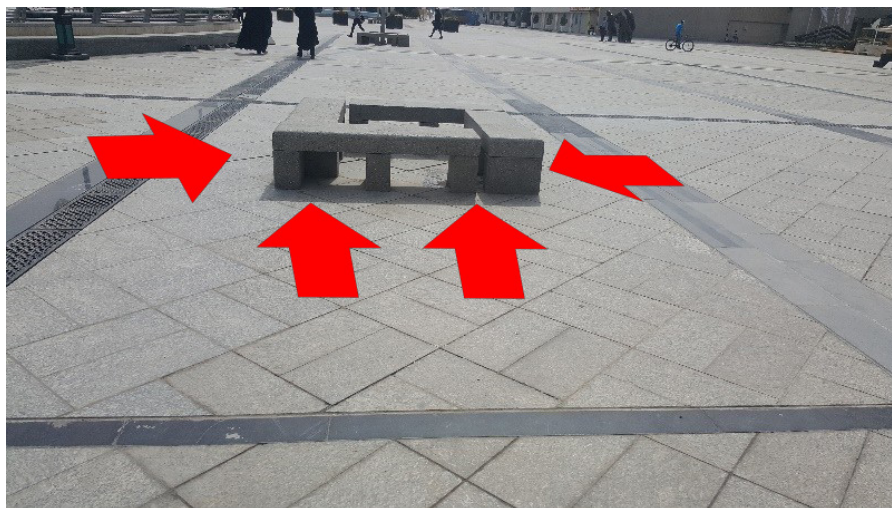
همچنین عامل دیگر، اختلاف دما در قسمت‌های کناری ساختمان‌ها و وسط میدان است که به دلیل گرمای زیاد و تابش شدید آفتاب در وسط میدان، افراد بیشتر راغب به استفاده از قسمت‌های کناری و در واقع پهلوهای میدان هستند (تصویر شماره ۴). یکی دیگر از دلایل استفاده



تصویر شماره ۴: وجود سایه در حاشیه کاربری‌ها

به فضای سبز، درخت و سرسبزی دارد، در قسمت‌های میانی میدان است که در آنجا فضاهایی برای نشستن و گذراندن اوقات فراغت تعبیه شده ولی به دلیل نبود آسایش اقلیمی، افراد استفاده کننده از فضا راغب به استفاده از آنها نیستند (تصویر شماره ۵).

همچنین نبود درخت و درختچه و فضای سبز در سطح میدان یکی دیگر از دلایلی است که افراد پیاده هیچ گونه میل و رغبتی برای حضور و ایستادن در آن از خود نشان نمی‌دهند و فقط از میدان به عنوان فضایی برای عبور کردن استفاده می‌کنند. بیشترین نقاطی که نیاز



تصویر شماره ۵: عدم استفاده از مبلمان شهری

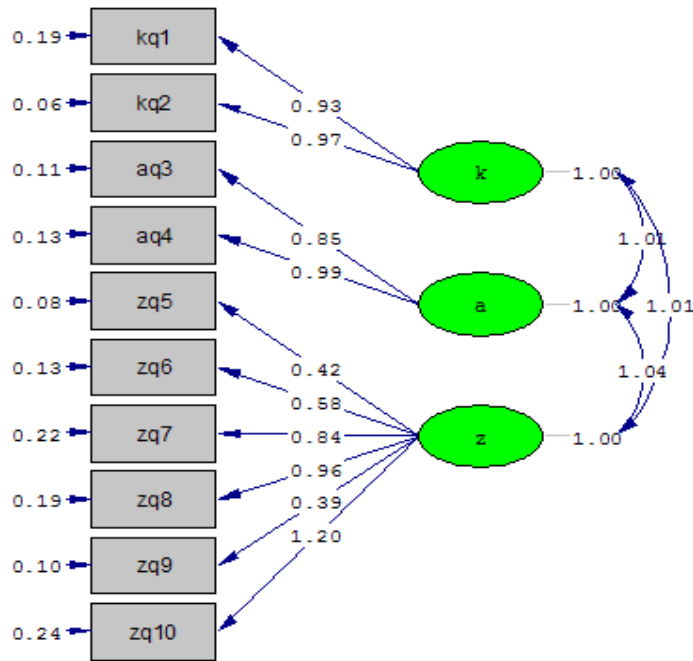
گیری یا همان مدل تحلیل عاملی تأییدی، تأیید شود، نخست باید مقادیر آماره t (t-value) معنی دار باشند، به این معنی که مقدار آماره t در سطح اطمینان ۹۵ درصد باید بزرگ تر از $1/96$ یا کوچکتر از $-1/96$ باشد ($t > 1.96$ یا $t < -1.96$) و دوم شاخص‌های آن، برازش مناسبی داشته باشند. با آن که شاخص‌های برازندگی^۱، پیوسته در حال توسعه و تکامل هستند، اما هنوز درباره آزمون بهینه توافق همگانی وجود ندارد. شاخص‌هایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، عبارتند از کای اسکور نسبی که از تقسیم ساده مقدار کای اسکور بر درجه آزادی مدل محاسبه می‌شود (χ^2/df) که مقدار قابل قبول برای این شاخص مقادیر بین ۱ تا ۳ است. شاخص RMSEA^۲ که مدلهای قابل قبول دارای مقدار کمتر از ۰/۰۸ هستند. همچنین شاخص‌های $AGFI^3$ ، GFI^4 ، IFI^5 ، CFI^6 و NFI^7 که مقدار قابل قبول برای این شاخص‌ها باید بزرگتر از ۰/۹ باشد. تصاویر شماره ۶ و ۷ نتایج آزمون تحلیل عاملی را در غالب دیاگرام مفهومی ارائه نموده که در آن، k : معیار اهمیت عوامل متأثر از خرد اقلیم در راستای ایجاد آسایش محیطی، a : اهمیت عوامل عملکردی و دسترسی متأثر از خرد اقلیم در ایجاد آسایش محیطی و z : اهمیت عوامل زیست محیطی متأثر از خرد اقلیم در ایجاد آسایش محیطی که خلاصه نتایج مربوط به تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه با توجه به تصاویر شماره ۶ و ۷ در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

باد عامل دیگری است که می‌توان از آن به عنوان یکی از ضعف‌هایی که به آن توجه نشده نام برد؛ زیرا در فصل‌های سرد به دلیل وزیدن بادهای پاییزی و زمستانی بایستی به جهت وزش باد غالب توجه می‌شده که این موضوع در واقع آنچنان مورد توجه قرار نگرفته و در بسیاری از روزهای سرد سال با وزش باد در داخل میدان اکثر افراد مجبور به ترک میدان شده و احساس ناخوشایندی به آنها دست می‌دهد. آلودگی صوتی دیگر عاملی است که می‌توان از آن نام برد؛ زیرا میدان شهدا در موقعیت مکانی قرار گرفته که نزدیک به حرم مطهر رضوی است و در اطراف میدان وجود پایانه‌های اتوبوس رانی، تاکسی‌های شخصی و خطی که به تمام نقاط شهر خدمات رسانی می‌کنند، مزید بر علت شده تا این میدان از سرو و صدا و آلودگی صوتی نیز در امان نباشد. در واقع می‌توان گفت که میدان شهدا به لحاظ موقعیت مکانی در جایی قرار گرفته که بیشتر به لحاظ تجاری و اقتصادی می‌تواند متمرکز واقع شود تا برای استفاده افراد به عنوان یک فضای شهری و گذران اوقات فراغت؛ زیرا اکثر آیت‌هایی که بایستی برای استفاده کنندگان از یک فضای شهری فراهم شود، در این میدان وجود ندارد و حتی در چشم انداز طرح نیز دیده نشده است.

۴.۱ یافته‌های مبتنی بر تحلیل عاملی تأییدی

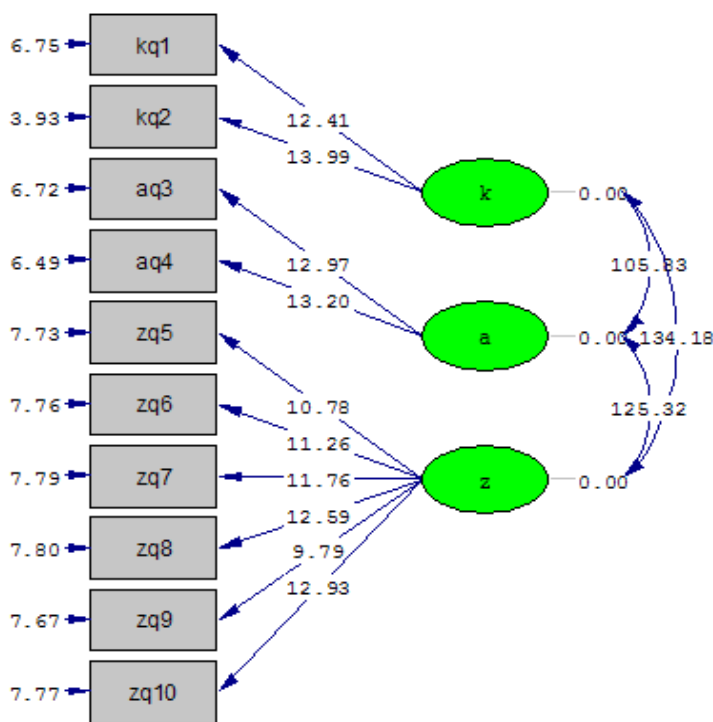
مناسبترین شیوه برای روایی و همچنین سنجش رابطه اثرگذاری شاخص‌ها، استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بر اساس مدل معادلات ساختاری است. در تحلیل عاملی تأییدی به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا زیرمعیارهای پژوهش ساختارهای عاملی مناسبی را برای اندازه‌گیری معیار مورد مطالعه در مدل تحقیق فراهم می‌آورند. تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین کفایت برازش مدل با داده‌ها، از چندین آزمون آماری بهره می‌گیرد و برای این که مدل اندازه

- 1 Fitting indexes
- 2 Root mean squared error of approximation
- 3 Adjusted Goodness of Fit Index
- 4 Goodness of Fit Index
- 5 Incremental Fit Index
- 6 Comparative Fit Index
- 7 Normal Fit Index



Chi-Square=46.92, df=32, P-value=0.00000, RMSEA=0.065

تصویر شماره ۶: نمودار ضرایب عاملی مدل



Chi-Square=46.92, df=32, P-value=0.00000, RMSEA=0.065

تصویر شماره ۷: نمودار مقادیر آماره t مدل

بر آسایش محیطی، بارهای عاملی در این تحلیل متفاوت شده است. عوامل محیطی و فرمی فضاها به عنوان یکی از زیرمعیارهای کالبدی متأثر از خرد اقلیم، از جمله موارد مهم از نظر شهروندان بوده که با توجه نمودن به آن در طراحی فضای میدان می توان به آسایش محیطی دست یافت. همچنین فضاها عملکردی و فعالیتی واقع در میدان

طبق جدول شماره ۵، معیارهای کالبدی، عملکردی-دسترسی و زیست محیطی متأثر از خرد اقلیم به نوبه خود تأثیرات متفاوتی را بر آسایش محیطی دارد. به علاوه، هر معیار نیز شامل زیرمعیارهایی می شود که خود بر آسایش محیطی مؤثر است. با توجه به حجم پرسش شوندگان در میدان شهدا و فهم آنها از اثرگذاری این زیرمعیارها

و شرایط جوی را به عنوان مهم ترین زیرمعیار متأثر از خرد اقلیم در راستای آسایش محیطی دانسته و پس از آن، در نظر گرفتن تمهیداتی برای ارتقای کیفیت هوای درون میدان (از جمله توجه به سایه اندازی و استفاده از گیاهان سایه دار) را به عنوان عامل مؤثر بر بهبود آسایش در میدان دانسته اند.

مانند ساختمان های تجاری و اداری حاشیه میدان به عنوان اماکن پر مخاطب شهروندان یکی از زیرمعیارهای عملکردی متأثر از خرد اقلیم بوده که با بهینه کردن انرژی ها و ساماندهی آنها می توان به آسایش محیطی دست یافت. در نهایت نیز شهروندان آسایش حرارتی در میدان در تمامی فصول

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیرها

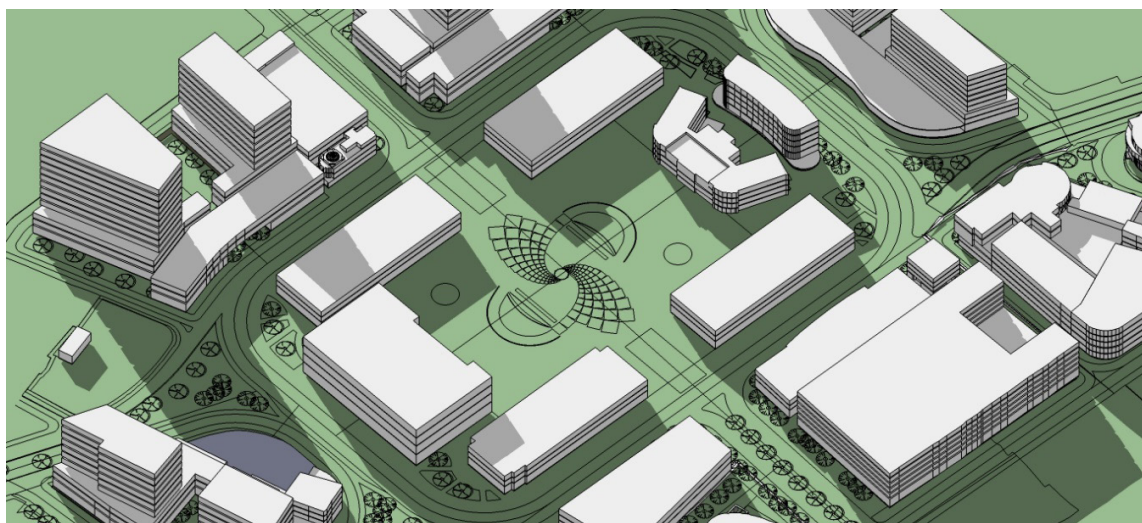
آماره t	بار عاملی	زیرمعیار	معیار
۱۲/۴۱	۰/۹۳	توجه به ساختار بافت	اهمیت عوامل کالبدی متأثر از خرد اقلیم در راستای ایجاد آسایش محیطی (K)
۱۳/۹۹	۰/۹۷	توجه به عوامل محیطی و فرمی فضاها	
۱۲/۹۷	۰/۸۵	توجه به ویژگی های کیفی و کمی معابر محدوده	اهمیت عوامل عملکردی و دسترسی متأثر از خرد اقلیم در ایجاد آسایش محیطی (A)
۱۳/۲۰	۰/۹۹	توجه به فضاهای عملکردی و فعالیتی به عنوان اماکن مخاطب مردم	
۱۰/۷۸	۰/۴۲	توجه به تأثیرات تابش بر محدوده	اهمیت عوامل زیست محیطی متأثر از خرد اقلیم در ایجاد آسایش محیطی (Z)
۱۱/۲۶	۰/۵۸	توجه به تأثیرات باد بر محدوده	
۱۱/۲۶	۰/۸۴	توجه به روشنایی بر محدوده	
۱۲/۵۹	۰/۹۶	توجه به تأثیرات کیفیت هوا بر محدوده	
۹/۷۹	۰/۳۹	توجه به تأثیرات صدا بر محدوده	
۱۲/۹۳	۱/۲۰	توجه به تأثیرات آسایش حرارتی بر محدوده	

ماخذ: خروجی نرم افزار LISREL

میدان را پوشش می دهد. اما با توجه به این که در فصل زمستان نحوه تابش خورشید و جذب نور آن برای گرم شدن محیط و افراد استفاده کننده از محیط بسیار حائز اهمیت است، این موضوع در میدان شهدا آنچنان که می بایست مطلوب نیست و به دلیل طول سایه های ایجاد شده توسط ساختمان های شرقی و همچنین ساختمان شهرداری و تالار شهر باعث سردتر شدن محیط شده و افراد استفاده کننده از این فضای شهری به حضور و ماندن در میدان ترغیب نمی شوند. همچنین ساختمان های غربی نیز طول سایه آنها در حدود ۳۵ متر بوده و سایه به وجود آمده توسط این ساختمان ها به صورت تقریباً کامل سطح پیاده رو و خیابان دور میدان را دربرگرفته است که این امر سبب این موضوع می شود که خیابان و پیاده روهای اطراف نتوانند از نور محیط به منظور گرم شدن، استفاده لازم را ببرند (تصویر شماره ۸).

۴.۲. یافته های مبتنی بر بررسی سایه اندازی به کمک نرم افزار اسکچاپ

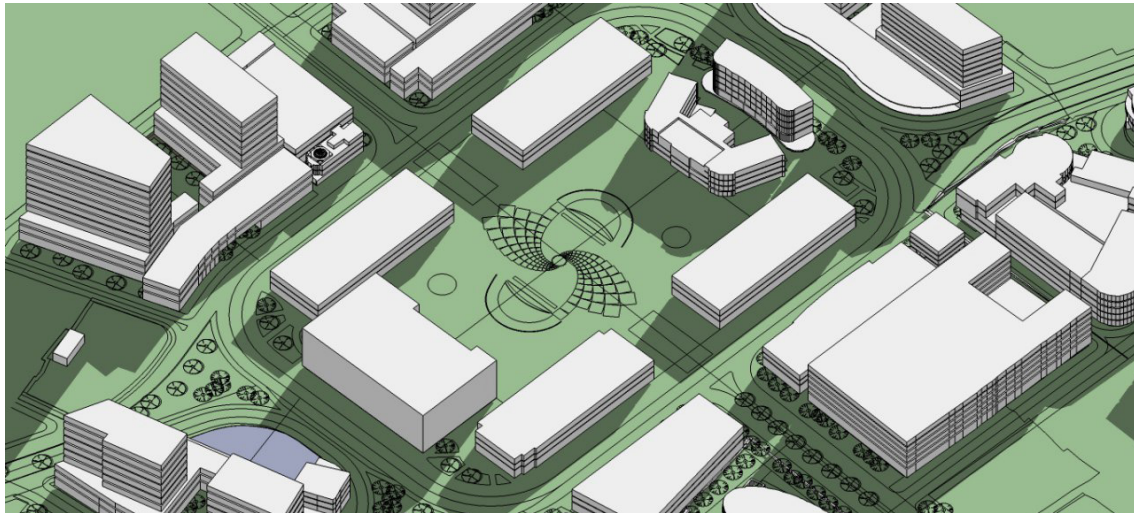
در بررسی سایه اندازی در پژوهش حاضر، محل جغرافیایی جهانی پروژه WGS1984 UTM Zone 40N و همچنین طول جغرافیایی با زاویه $36^{\circ} 17' 52'' N$ است. همچنین بلندترین و کوتاه ترین طول سایه به ترتیب در ماه های دی و تیر ماه در زمان ۱۰ صبح و ۲ بعد از ظهر مورد بررسی قرار گرفته است. اول دی ماه ساعت ۱۰ صبح: همانطور که در تصویر مشاهده می شود، در اوایل فصل زمستان در روز اول دی ماه در ساعت ۱۰ صبح نحوه تابش خورشید و سایه اندازی در میدان زیاد به نظر می رسد. با توجه به اندازه گیری های صورت گرفته توسط نرم افزار اسکچاپ طول سایه ساختمان های شرقی تقریباً در حدود ۴۰ متر بوده و تا نیمه های



تصویر شماره ۸: نحوه سایه اندازی در سطح میدان و اطراف آن در اول دی ماه ساعت ۱۰ صبح

کافی به سطح میدان می‌شود. در قسمت‌هایی از اطراف میدان، نور خورشید به پیاده‌روها و خیابان‌ها می‌تابد ولی این نور بسیار ناچیز بوده و تأثیر آنچنانی ندارد. با توجه به این موضوع که تمامی سطح میدان پوشیده از سایه ساختمان‌ها می‌شود، افراد استفاده کننده از فضا به دلیل نبود آسایش اقلیمی حداقل، مجبور به ترک هرچه سریعتر از میدان می‌شوند. همچنین در این فصل از سال به دلیل وزیدن بادهای بسیار سرد و باز بودن فضای میدان و نبود تابش لازم در فضای میدان همواره با فضایی خالی از تکاپو و جنب و جوش مواجه می‌شویم (تصویر شماره ۹).

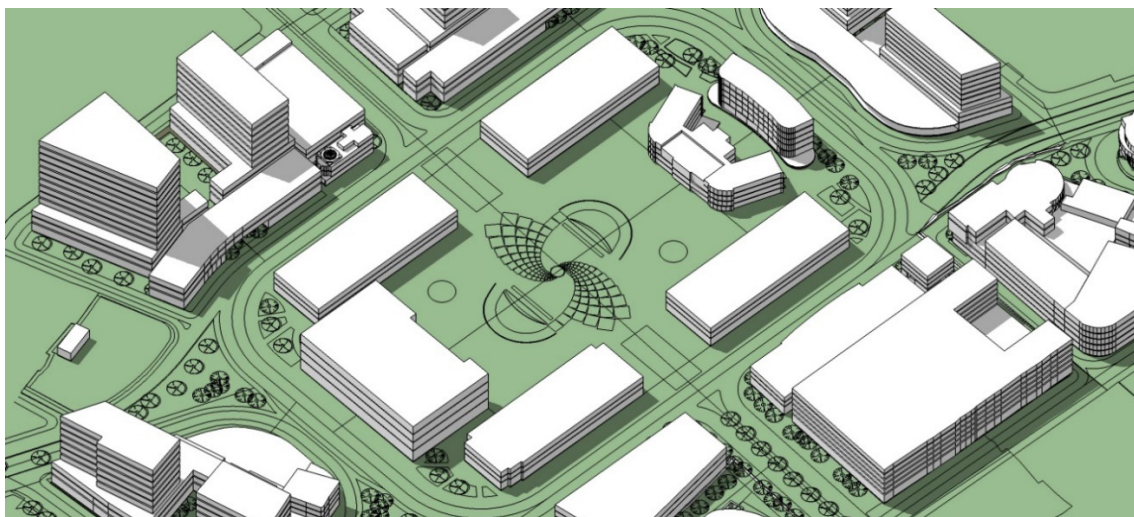
اول دی ماه ساعت ۲ بعداز ظهر: همانطور که در تصویر زیر مشاهده می‌شود، در اوایل فصل زمستان در روز اول دی ماه در ساعت ۲ بعداز ظهر نحوه تابش خورشید و سایه اندازی در میدان بسیار نامطلوب است. می‌توان اینگونه اظهار نظر کرد که تمامی سطح میدان در سایه ساختمان‌های شرقی، غربی، ساختمان شهرداری و تالار شهرفرو رفته و هیچ نوری به داخل میدان تابیده نمی‌شود. طول سایه در این ساعت از روز به حداکثر خود رسیده است. یکی از علت‌های اصلی این موضوع ساختمان‌های اطراف میدان شهرداست که به علت ارتفاع زیاد خود سبب جلوگیری از رسیدن نور به داخل میدان می‌شود و علت دیگر زاویه تابش خورشید در این فصل از سال است که مانع از رسیدن نور



تصویر شماره ۹: نحوه سایه اندازی در سطح میدان و اطراف آن در اول دی ماه ساعت ۲ بعداز ظهر

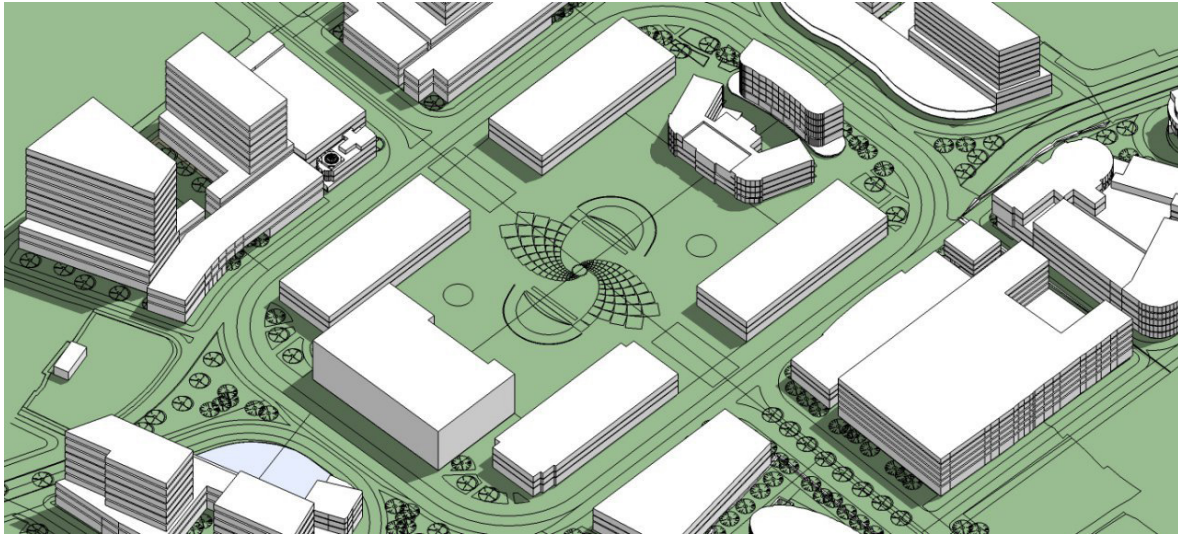
است که در قسمت غربی و گوشه ساختمان بوده و طول آن به ۱۶ متر می‌رسد. مابقی ساختمان‌ها که شامل ساختمان‌های شرقی، غربی و ساختمان شهرداری هستند، به طوری تقریبی سایه‌ای به اندازه ۱۰ متر را دارند که برای فضای به این وسیعی بسیار ناچیز است. همچنین به علت نبود فضای سبز و درخت در سطح میدان افراد استفاده کننده از فضا به علت گرمی هوا، علاقه‌ای به حضور و ماندن در این فضا ندارند (تصویر شماره ۱۰).

اول تیرماه ساعت ۱۰ صبح: همانطور که در تصویر مشاهده می‌شود، در اوایل فصل تابستان و در روز اول تیرماه در ساعت ۱۰ صبح نحوه تابش خورشید و سایه اندازی در میدان بسیار نامطلوب است. از این نظر نامطلوب که سطح میدان توسط کفیوش‌هایی پوشیده شده که بازتاب بسیار بدی از نور دارند و باعث محدود شدن دید و احساس ناخوشایندی در افراد می‌شوند. همچنین به دلیل زاویه تابش خورشید در این فصل از سال بیشترین طول سایه مربوط به ساختمان تالار شهر



تصویر شماره ۱۰: نحوه سایه اندازی در سطح میدان و اطراف آن در اول تیرماه ساعت ۱۰ صبح

روز بیشترین طول سایه ایجاد شده باز هم توسط ساختمان تالار شهر است که طول آن به ۲۷ متر می‌رسد اما به علت زاویه تابش، این سایه بر روی خیابان اطراف آن پدید می‌آید و سطحی از میدان را دربر نمی‌گیرد؛ ساختمان‌های شرقی میدان نیز چنین وضعیتی را دارند. تنها ساختمان‌های غربی میدان و ساختمان شهرداری هستند که سایه آنها در سطح میدان واقع می‌شود و طول آنها به ترتیب برابر ۱۴ و ۱۶ متر است (تصویر شماره ۱۱).



تصویر شماره ۱۱: نحوه سایه اندازی در سطح میدان و اطراف آن در اول تیرماه ساعت ۲ بعداز ظهر

بوده است. پس می‌توان با دخل و تصرف‌هایی در شرایط کالبدی این بناها، آنها را تعدیل و انرژی ساطع شده از آنها را مطلوب سازی نمود. سرزندگی و پویایی در بدنه میدان شهید؛ همانطور که ملاحظه می‌شود، به صورت کلی می‌توان اذعان نمود که رنگ سبز شرایط مثبت سرزندگی و رنگ زرد شرایط متوسط وجود پویایی در بدنه را نمایش می‌دهد. هرچه به سمت قرمز پیش می‌رود، بیانگر عدم پویایی و تحرک پذیری فضا و بدنه است. حال با توجه به نقشه باید گفت که جداره درونی میدان نسبت به فضای بیرونی از سرزندگی و پویایی کمتری برخوردار و در شرایط متوسط قرار دارد. ساختمان شهرداری تنها بخشی است که به دلیل وجود رفت و آمدها و تحرکات افراد از واحد پویایی بیشتری برخوردار است. البته طبقات پایینی واحدهای جداری به سمت خارج از میدان نیز تا حدی از این پویایی برخوردارند. ولی در کل باید اذعان نمود که به منظور تزریق سرزندگی بیشتر می‌بایست به تزریق کاربری‌های فعال در بدنه درونی میدان و ترکیب مناسب رنگ‌ها و ... در آن پرداخت (تصویر شماره ۱۳).

انرژی حرارتی در بدنه میدان شهید؛ طبق نقشه باید اذعان نمود که هرچند از رنگ قرمز به سمت آبی بدنه میل می‌نماید، حاکی از تعدیل و مناسب شدن انرژی حرارتی است. بدنه درونی میدان به ویژه تالار شهر و شهرداری به توجه بیشتری به لحاظ تعدیل حرارتی نیاز دارند؛ چراکه رنگ‌ها در طیف سبز و زرد قرار گرفته‌اند. در این راستا می‌توان با الحاقات فرمیک و یا عناصر کالبدی الحاقی به فضای میدان و یا بدنه، انرژی حرارتی را در بدنه تعدیل نمود (تصویر شماره ۱۴).

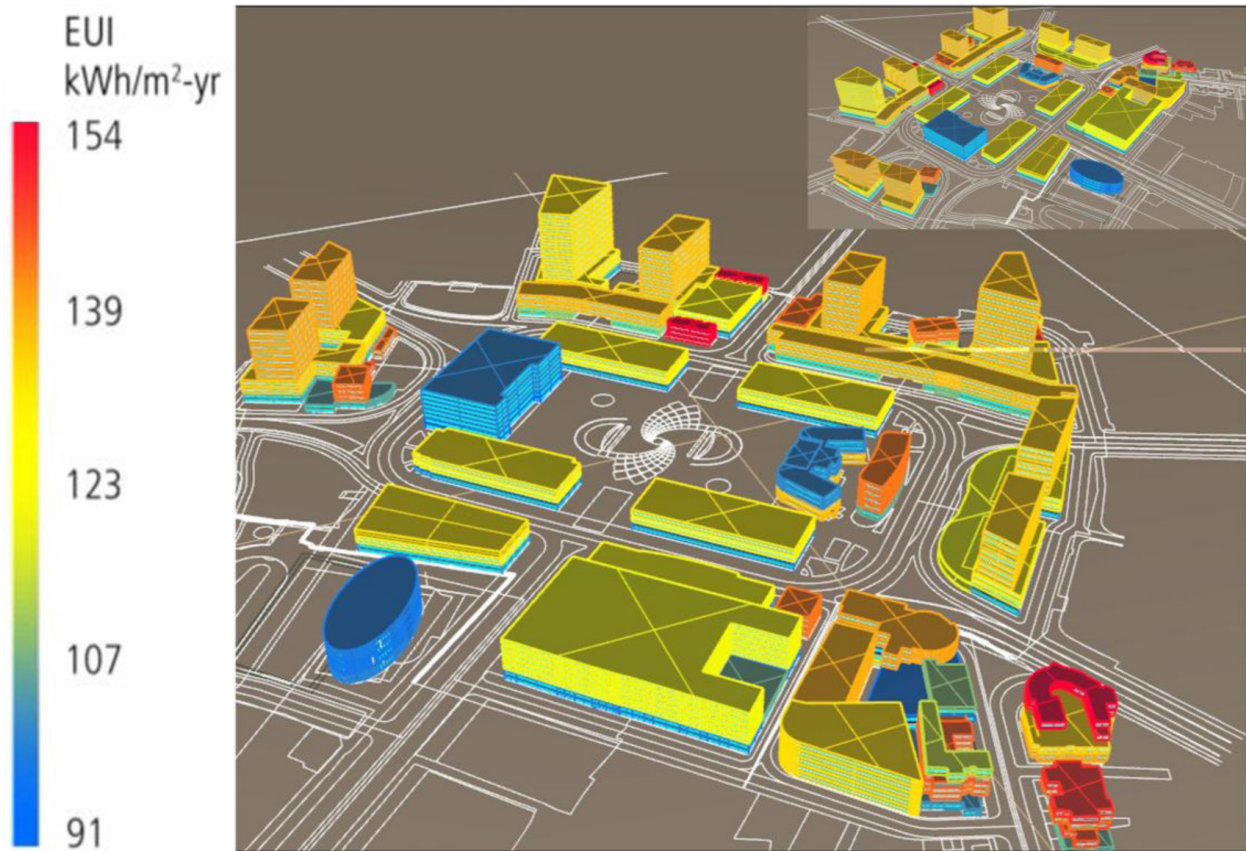
اول تیرماه ساعت ۲ بعداز ظهر؛ همانطور که در تصویر مشاهده می‌شود، در اوایل فصل تابستان و در روز اول تیرماه در ساعت ۲ بعداز ظهر نحوه تابش خورشید و سایه اندازی در میدان باز هم مطلوب نیست. تنها مزیتی که می‌توان از آن نام برد، وزیدن باد و خنک کردن سطح میدان در عصر و ساعات پایانی روز است که به علت فضای باز میدان و وسیع بودن آن باعث می‌شود تا تعداد محدودی از افراد برای گذران اوقات فراغت و تعاملات اجتماعی پا به میدان بگذارند. در این ساعات از

۴.۳. یافته‌های مبتنی بر پلاگین umi در نرم افزار راینو در خصوص عوامل آسایش محیطی میدان شهید

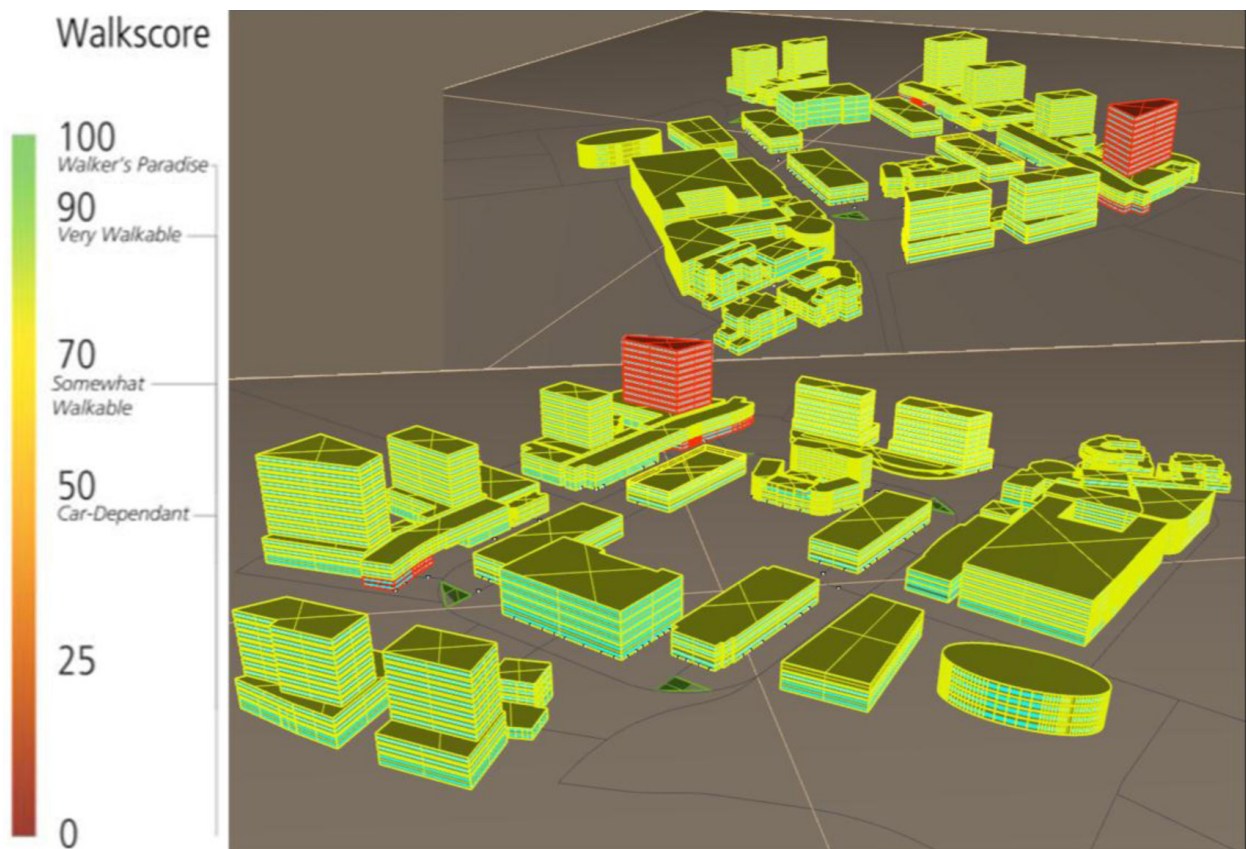
در ابتدا باید اذعان داشت که فرایند استفاده از پلاگین یومی در تحلیل میزان اثرگذاری خرد اقلیم بر آسایش محیطی دارای سه بخش است. نخست مدل سازی سه بعدی در نرم افزار راینو، پس از آن ورود داده های پایه در پلاگین یومی در نرم افزار راینو و در نهایت ارسال فایل ذخیره شده و تحلیل آن در الگوریتم وب سایت یومی^۱. در زمان انجام پژوهش حاضر با توجه به کمبود امکانات و ورژن موجود پلاگین یومی، سه مؤلفه انرژی عملیاتی، انرژی حرارتی و سرزندگی و پویایی که توسط یومی برای شناسایی میزان آسایش محیطی متأثر از خرد اقلیم تعریف شده، برای تحلیل فرایند حاضر استفاده شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

انرژی عملیاتی در بدنه میدان شهید؛ تصویر شماره ۱۲ برآیند تحلیل نرم افزار راینو از مفهوم انرژی عملیاتی است. همان طور که ملاحظه می‌شود، رنگ آبی به سمت قرمز به معنای شرایط مناسب به سمت شرایط نامطلوب است. بنابراین می‌توان اذعان داشت که به لحاظ انرژی مؤثر بدنه بر فضای میدان، بدنه تجاری میدان شرایط نسبتاً مناسب داشته ولی به نسبت کاربری‌های اداری میدان از کیفیت پایین تری برخوردار است. در این راستا به نظر می‌رسد که این انرژی عملیاتی که محصول فرم کالبدی و شکل و الگوی توده است، در توده‌های ساده و بدون فرم خاص و اثرگذار، کمتر از فرم‌های توده‌های خاص و پیچیده

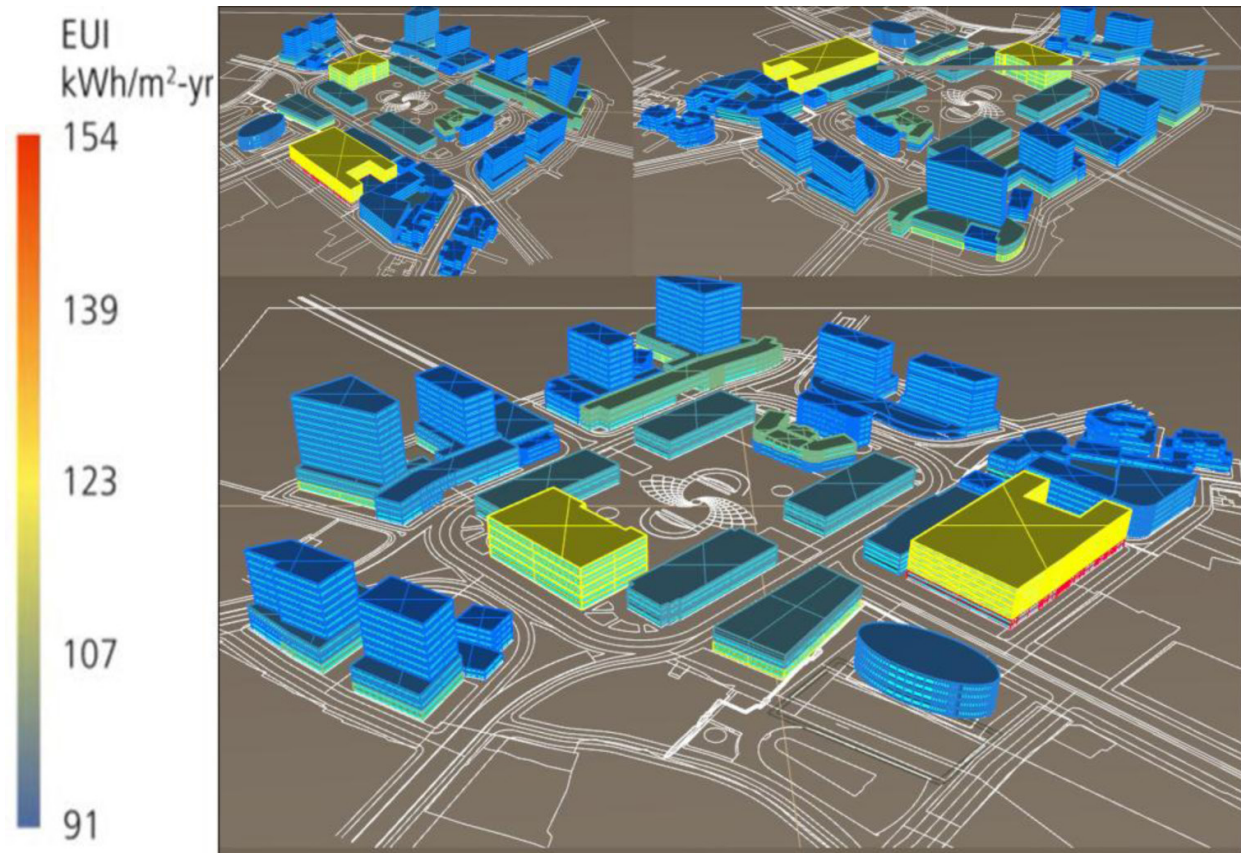
۱ آدرس وب سایت: <http://web.mit.edu/SustainableDesignLab/projects/> Umi.D/



تصویر شماره ۱۲: انرژی عملیاتی در بدنه میدان شهدا



تصویر شماره ۱۳: سرزندگی و پویایی در بدنه میدان شهدا



تصویر شماره ۱۴: انرژی حرارتی در بدنه میدان شهدا

۵. نتیجه گیری

در ابتدا با گریزی بر معضلات میدان شهدا به لحاظ موضوع پژوهش حاضر باید اذعان نمود که یکی از مشکلاتی که در سطح میدان کاملاً مشهود است، نبود سایه کافی و اختلاف دما در بخش های مختلف میدان است که سبب کاهش کارآمدی و استفاده شهروندان شده است. یکی دیگر از دلایل استفاده افراد از قسمت های کناری ساختمان ها، رفلکس نوری ایجاد شده در طول روز مخصوصاً در ساعات گرم هوا توسط کفپوش های سطح میدان است که به شدت باعث ایجاد حس ناخوشایند و نداشتن آسایش اقلیمی می شود. نبود درخت و درختچه و فضای سبز از یک سو و باد و آلودگی صوتی از سوی دیگر نیز از دیگر عواملی است که می توان از آنها به عنوان عوامل کاهش آسایش محیطی در میدان یاد نمود.

براین اساس بر مبنای تحلیل های صورت گرفته، نتایج به دست آمده از مطالعات میدانی حاکی بر آن است که میدان شهدا به عنوان یک فضای باز عمومی که از پتانسیل قوی به لحاظ موقعیت و جایگاه مکانی برخوردار است و همچنین با وجود این که این فضا از حیث برخورداری پیشینه قوی و وجه عمیق تاریخی در کلانشهر مشهد به مثابه سند تاریخی فرهنگی شهر بوده و رابطه مستقیمی با حرم مطهر داشته، به دلیل نادیده گرفتن و عدم رابطه درست بین ساخت و سازهای اطراف آن با خرد اقلیم شهری (با معیارهای کالبدی و عملکردی-دسترس و زیست محیطی متأثر از خرد اقلیم) و همچنین بی توجهی خود فضای میدان در ارتباط با خرد اقلیم محلی، سبب تنزل و به مراتب از بین رفتن آسایش محیطی شهروندان و حتی زائران در آن شده و آن را به

میدانی مرده تبدیل کرده است. بنابراین در راستای تحقیقات صورت گرفته از این پژوهش نتیجه حاکی بر آن است که عوامل محیطی و فرمی فضاها مانند شکل میدان و بناهای اطراف میدان و جایگاه قرارگیری میدان، فضاهای عملکردی و فعالیتی واقع در میدان نظیر ساختمان های تجاری و اداری حاشیه میدان به عنوان اماکن پر مخاطب شهروندان و در نهایت آسایش حرارتی و کیفیت هوای درون میدان در تمامی فصول و شرایط جوی به عنوان مهم ترین زیرمعیارهای خرد اقلیمی تأثیر گذار بر آسایش محیطی از نظر شهروندان محسوب شده و همچنین از جمع بندی مشاهدات و تحلیل های برگرفته از نرم افزار راینو و اسکچاپ نیز می توان نتیجه گرفت که با ارتقای موارد یاد شده به همراه تغییراتی در زمینه تعدیل حرارتی و سایه اندازی در بخش های طولی میدان (کاربری های تجاری) و بخش های مرکزی می توان به حداکثر آرامش و رضایت شهروندان به هنگام استفاده از فضای میدان دست یافت. همچنین می توان از طریق اعمال عناصر کالبدی الحاقی به بنا از جمله جلوخان های نیمه سرپوشیده، مسیر باد و همچنین تعدیل حرارتی و سطح سایه را در کاربری های تجاری تعدیل نمود. با استفاده از پوشش گیاهی سایه دار و سبز و آبناهای کوچک می توان خرد اقلیم را در معیار زیست محیطی بهبود بخشید و سبب آسایش محیطی شهروندان به هنگام استفاده از فضای میدان شد. با استفاده از کفپوش سبز در کنار کفپوش موجود در میدان می توان از سطح رفلکس نوری کاسته و همچنین به خرد اقلیم و آسایش محیطی کمک نمود.

References:

- Bahreini, S.H. (2003) Urban design process. Tehran University. [in Persian]
- Brown, R, D. (2010) Design with Microclimate the Secret to Comfortable Outdoor Space. ISLAND PRESS.
- Erell, E, and pearlmutter, D, and Terry, W. (2011) Urban Microclimate, Designing the Spaces between Buildings. University of Tasmania.
- Falahat, m. (2008) The impact of urban open space on the quality of citizens' leisure time. Urban management. No 22. Winter. [in Persian]
- Martin, M, and Afshari, A, and Armstrong, P, R, and Norford, L, K. (2016) A new validation protocol for an urban microclimate model based on temperature measurements in a Central European city. Energy and Buildings.
- Nikolopoulou, M., and Steemers, K. (2003) Thermal comfort and psychological adaptation as a guide for designing urban spaces. Energy Build 35.
- Pijpers, M., and Esch, v. (2015) Designing the urban Microclimate. Architecture and the Built environment.
- Rafieian, m, khodayi, z. (2009) A Study of Indicators and Criteria Affecting Citizens' Satisfaction with Urban Public Spaces “, Strategy Quarterly, No. 53. [in Persian]
- Szucs, Agota, (2012) Wind comfort in public urban space- Case study within Dublin Docklands, Planning and Environmental Policy, School of Geography, University College Dublin, Dublin4, Ireland.
- Sarmad, z, bazargan, a, Hejazi, e. (2013) Research Methods in Behavioral Sciences “, Agah Publishing Institute, 25th edition. [in Persian]
- Shafeion, e. (2011), Micro-identification of climates in Isfahan and their effect on air temperature, percentage of relative humidity and evapotranspiration of the reference plant “, Master Thesis in Irrigation and Drainage, Isfahan University of Technology, Faculty of Agriculture. [in Persian]
- Vanos, Jennifer, k. (2014) Children's health and vulnerability in outdoor microclimates- A comprehensive review. Environment International.
- WHO (World Health Organization) (2006) Preventing disease through healthy environments. Towards an estimate of the environmental burden of disease. Geneva, WHO Press.
- WHO (World Health Organization) (2014) Healthy cities. Promoting health and equity – evidence for local policy and practice. Copenhagen.

نحوه ارجاع به مقاله:

شکيبایى، سيامک؛ سعیدى مفرد، ساناز؛ (۱۴۰۰) تأثير خرد اقليم‌هاى شهري بر آسایش محیطی در فضای باز عمومی (نمونه مورد مطالعه: میدان شهيدا شهر مشهد)، مطالعات شهري، 10 (40)، 59-72. doi: 10.34785/J011.2021.434/Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



بررسی نقش محوری جریان فضایی- زمانی فعالیت‌های زمان غروب و شب در ادراک امنیت

نمونه مورد مطالعه: مرکز شهر رشت^۱

اکبر اصغری زمانی - دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
شهریور روستایی - دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
نادر زالی - استاد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
سیده سمیرا شفیعی ماسوله^۲ - دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۰ دی ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰

چکیده

حیات شبانه راهی واقعی برای گسترش روز کاری و نیروی محرکی برای رشد و توسعه ملی است. مطالعه حاضر با اتخاذ چارچوب تحلیلی جغرافیای زمان و تحلیل کمی روال‌های مصرف حیات شبانه در مرکز شهر رشت می‌کوشد به این سؤال اصلی پاسخ دهد که چگونه شهر رشت می‌تواند بستر مناسبی را برای جریان فضایی- زمانی فعالیت‌های زمان غروب و شب فراهم سازد؟ برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون خی‌دو و تحلیل خوشه‌ای دومرحله‌ای) به وسیله نرم‌افزار SPSS انجام شد. تفاوت‌های چشمگیری در نوع مصرف حیات شبانه در مرکز شهر با استفاده از تحلیل خوشه‌ای آشکار شد. با وجود این، عدم تجانس در مسیرهای فضایی- زمانی را می‌توان در دو الگوی مشخص خلاصه کرد: «پارک‌گردی» و «خرید». این الگوها از بسیاری جهات با یکدیگر متفاوت بودند اما از نظر موقعیت در یک بخش از مرکز شهر (سبزه میدان) دیده شدند. اهمیت پیش بین‌های اصلی به ترتیب نزولی عبارت بودند از: قومیت گروه (۱/۰۰)، جنس گروه (۱/۰۰)، اندازه گروه (۱/۰۰)، نوع فعالیت / تفریح شبانه (۰/۸۲)، متوسط زمان صرف شده (۰/۶۰)، شرایط زندگی (۰/۴۸)، قومیت (۰/۴۲)، مکان (۰/۳۳)، جنس (۰/۲۷) و سطح تحصیلات (۰/۱۸). در مقابل، نقش حرفه و نوع کار، محل اقامت و سن بسیار کم بود. نتایج نشان داد که اکثریت مصرف‌کنندگان حیات شبانه احساس امنیت می‌کردند و این امنیت ادراک شده را بیشتر (۷۸/۲٪) ناشی از «فعالیت‌ها/ مردم در خیابان و...» می‌دانستند. در محدوده مورد مطالعه، زنان نقش و حضور گسترده‌ای در تولید اجتماعی فضا داشتند و این نقش و حضور را می‌توان به ادراک آنها از احساس امنیت در حیات شبانه مرکز شهر نسبت داد. طبق نتایج بالا و همچنین متوسط زمان رسیدن به نخستین فعالیت شبانه (۱۹:۲۸) و متوسط زمان صرف شده در مرکز شهر (۳/۲۱ ساعت)، رشت می‌تواند تنها بستر مناسبی برای جریان فضایی- زمانی فعالیت‌های زمان غروب باشد (بین ساعات ۱۸ تا ۲۳). سه پیشنهاد اثربخش به صورت توأمان برای تغییر رویه فعلی مطرح می‌شود که عبارتند از ایجاد تنوع فعالیتی بیشتر در مرکز شهر، مدیریت منطقه از طریق افزایش کیفیت فضاهای شهری و حمایت از طولانی شدن ساعات فعالیت شبانه و حمل‌ونقل عمومی همیشگی در اواخر شب.

واژگان کلیدی: حیات شبانه، مسیرهای فضایی- زمانی، فعالیت‌ها.

نکات برجسته

- سرسبزی (درختان سایه‌انداز و پوشش گیاهی) و مکان‌های نشستن حس خوب یک گردش درون شهری را فراهم می‌کنند.
- «باغ‌ها و پارک‌ها» به عنوان یکی از متغیرهای مطلوبیت محیط شبانه شهر هستند.
- اکثریت مصرف‌کنندگان حیات شبانه امنیت ادراک شده خود را بیشتر ناشی از «فعالیت‌ها/ مردم در خیابان و...» می‌دانند.
- جریان فضایی- زمانی فعالیت‌های زمان غروب و شب به درآمد و گردش مالی بیشتر برای شهر و شهرداری می‌انجامد.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با عنوان «تأثیر ویژگی‌های محیط کالبدی بر ادراک امنیت و الگوهای استفاده از فضا در مرکز شهر رشت با استفاده از نقشه‌برداری ارزیابانه و رفتارمبنا» است که به وسیله نویسنده چهارم و با راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسندگان دوم و سوم در دانشگاه تبریز مصوب شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: s.shafiee@tabrizu.ac.ir

۱. مقدمه

تحقیق حاضر به بررسی تأثیر فعالیت‌ها در فضا و زمان بر ادراک خوب امنیت و از این رهگذر، جریان دادوستد در زمان غروب و شب، به‌طور خاص در بستر شهر رشت می‌پردازد. سئوالی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا ناشناخته‌ماندن حیات شبانه در کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران به معنای عدم وجود آن است؟ در زمره جوامعی که کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، کشور ما به علت اعمال مذهبی یا به‌عنوان واکنشی به آب‌وهوا حیات شبانه فعالی دارد. این حیات شبانه به سرگرمی و تفریح منحصر نمی‌شود و مردم فعالیت‌های روزمره مختلفی را در شب انجام می‌دهند. حیات شبانه در ایران با غرب تفاوت‌هایی دارد. از آنجا که تولید فضاهای حیات شبانه شهری تابع سیاست‌های کلان فرهنگی یک کشور است، بر طبق سیاست‌های شهری و فرهنگی پس از انقلاب اسلامی طبعاً برخی از اماکن عمومی که آشکارا غیراسلامی بودند، برچیده شدند (<http://zibasazi.ir/>), January 25, 2020).
 به‌علاوه، حیات شبانه در شهرهای ما خودبه‌خودی است، یعنی نیازی نیست فضایی ساخته شود تا مردم در آن حضور یابند، بلکه شهر خود نقاط یا پهنه‌های مورد استفاده ساکنانش را تولید می‌کند و مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی شهری در ایجاد این حیات‌های شبانه تأثیری نداشته است. اگر مدیریتی وجود داشته باشد، قانون اصناف و اماکن است که ساعتی خاص، گاه تا نیمه‌شب را برای بسته‌شدن مغازه‌ها پی می‌گیرند. البته این رویه باید تغییر کند. کافی است فضاهای خودانگیخته برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شوند (<http://zibasazi.ir/>), January 29, 2020).
 از اینها گذشته، کنترل فضاهای حیات شبانه شهری در هر کشوری عمدتاً از طریق نیروی پلیس صورت می‌گیرد. حیات شبانه در جوامع غربی با یک‌سری بی‌نظمی‌ها، به‌ویژه بی‌نظمی‌های ناشی از مصرف نوشیدنی‌های الکلی، تخریب اموال عمومی و خصوصی در شب و آلودگی‌های صوتی همراه است. پلیس در آن جوامع بیشتر نگران وقوع خشونت و درگیری است و تنها در صورت بروز درگیری است که مداخله می‌کند. در ایران، علاوه بر نگرانی از وقوع خشونت، نگرانی دیگری هم وجود دارد و آن این است که فضاهای عمومی حیات شبانه به فضاهای خصوصی تبدیل شوند (برای مثال، دور دور کردن‌های شبانه برخی از جوانان اتومبیل‌سوار). کنترل این رفتارها از سوی پلیس به گونه‌های دیگری نیز خود را نشان می‌دهد: کشف پارتی‌های شبانه، دستگیری عاملان توزیع و مصرف مواد مخدر، دستگیری رانندگان مست و غیره (<http://zibasazi.ir/fa/2016-01-26-13-21-45/bookplc/>), January 25, 2020).

مطالعات بسیاری در خارج از ایران در مورد حیات شبانه شهرها وجود دارد که بیشترشان به ترکیبی از مطالعات علوم اجتماعی درباره مشروبات الکلی و صنعت فراغت شبانه اشاره دارند (Pedrero-García, 2015; Sjøgaard, 2017; Aresi & Pedersen, 2016; Wilkinson, 2018). در ارتباط با حیات شبانه، در کشور ما مطالعات به‌گونه‌ای متفاوت از تحقیقات خارج از ایران به موضوع پرداخته‌اند؛ این مطالعات بر جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری (Shaykh-Baygloo & Soltani, 2019)، سرزندگی شهری (Ghazanfarpor, et al., 2019)، عوامل فرهنگی

(Anizadeh, 2018)، برنامه‌ریزی اوقات فراغت شبانه شهری (Kashfi, 2012) و منظر شبانه شهر با تأکید بر نورپردازی (AkhavanSaraf, et al., 2014) تمرکز دارند. در برابر این پیشینه تحقیق، مطالعه حاضر با اتخاذ چارچوب تحلیلی جغرافیای زمان و تحلیل کمی روال‌های مصرف حیات شبانه در مرکز شهر رشت، می‌کوشد تحقیقات جغرافیایی گذشته را کامل کند. در این مطالعه، تکنیک‌های آماری داده‌های پرسشنامه‌ای مورد استفاده قرار گرفت؛ به این مقصود که بتوان الگوهای تکرارشونده و مشخص روال‌های مصرف حیات شبانه کنشگران را مورد شناسایی قرار داد؛ آنها کدام نوع فعالیت‌ها را، چه هنگام، کجا، برای چه مدت و با چه کسانی انجام می‌دهند و چقدر این فعالیت‌ها با ادراک امنیت از فضا ارتباط دارند. از این گذشته، بررسی شد که تا چه حد انجام انواع خاصی از فعالیت‌ها در حیات شبانه مرکز شهر در بین کنشگران براساس جنس، سن، قومیت، طبقه (سطح تحصیلات، حرفه و نوع کار) و سبک زندگی (محل اقامت، شرایط زندگی) متمایز می‌شوند. با تحلیل این الگوها که از حالا به بعد به‌عنوان مسیرهای فضازمان حیات شبانه نامیده می‌شود، می‌توان نابرابری‌ها را هم از نظر سن، قومیت، طبقه و جنسیت، و هم از نظر فعالیت‌ها/تفریحات شبانه در مراکز شهر مورد بررسی قرار داد. تلفیق دو زمینه، یعنی مصرف حیات شبانه و ادراک امنیت با اتخاذ چارچوب تحلیلی جغرافیای زمان جنبه نوآوری مطالعه حاضر است. بر این اساس، سئوال اساسی مطالعه مطرح می‌شود: چگونه شهر رشت می‌تواند بستر مناسبی را برای جریان فضایی-زمانی فعالیت‌ها در زمان غروب و شب فراهم سازد؟ مطالعه حاضر بر طبق مجموعه‌ای از سئوالات خاص به این مسئله می‌پردازد: روال‌های مصرف حیات شبانه در مرکز شهر رشت با کدام نوع فعالیت‌ها مشخص می‌شود؟ این فعالیت‌ها چگونه می‌توانند به ادراک خوب امنیت شبانه در مرکز شهر رشت کمک کنند؟ افراد شرکت‌کننده در حیات شبانه مرکز شهر رشت معرف اجتماع گسترده‌تری از مصرف‌کنندگان هستند یا خیر و چرا؟ سهم فیزیکی زنان نسبت به مردان در حیات شبانه مرکز شهر رشت به چه میزان است؟

۲. چارچوب نظری

۲.۱. فعالیت‌ها و ادراک امنیت

ادراک امنیت، یعنی تجربه احساس ذهنی درمان‌بودن (Tulumello & Falanga, 2015: 56) به‌عنوان عنصر کلیدی یک شهر با عملکرد خوب شناخته شده است (Cozens & Tarca, 2016: 3). ادراک امنیت تحت تأثیر عوامل بسیاری، از جمله محیط مصنوع و فعالیت‌ها (Piroozfar, et al., 2019; Alimardani, et al., 2017; Bennetts, et al., 2017; van Nes, et al., 2016) به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مکان‌های امن‌تر (Llewellyn-Davies & Partnership, 2004: 13) قرار دارد. فعالیت‌ها اساس پویایی اجتماعی و اقتصادی هستند که در شبکه فضای عمومی شهری ایجاد می‌شوند و بدون آنها ساختن یک قلمروی منسجم امکان‌پذیر نیست. آنها به‌وجود آورنده جریان و حرکت کاربران در شبکه فضای عمومی شهری هستند (Pinto & Remesar, 2015: 15). توجه به این نکته در اینجا بسیار مهم است که فعالیت به‌تنهایی معیار خوبی از ارزش‌های عمومی وابسته به یک فضا نیست. هدف فضای عمومی باید فراتر از افزایش تعداد افرادی که وارد آن می‌شوند، گسترش یابد تا فضایی

که سطوح بالاتر «چشم‌های ناظر بر خیابان» مجرمان بالقوه را دور نگه می‌دارد. در نتیجه، عابران پیاده نیز می‌توانند احساس امنیت بیشتری داشته باشند (Cozens & Van der Linde, 2015: 76). خلاصه‌ای از یافته‌های کلیدی تحقیقات گذشته در جدول شماره ۱ آورده شده است.

را فراهم کند که میزان انواع کاربری‌ها و کاربران باشد (Németh, 2011: 44) & Schmidt, 2011). به طوری که بتواند نه تنها مردم محلی، بلکه گردشگران را نیز به طور یکسان جلب کند (Ramlee, et al., 2018: 23). فعالیت از طریق طراحی متفکرانه فضاها و استفاده از رویدادهای محلی، کارکردها و دیگر کاربری‌های زمین برای جذب کاربران مشروع حاصل می‌شود (Badiora & Odufuwa, 2019: 251). استدلال می‌شود

جدول شماره ۱: خلاصه‌ای از یافته‌های کلیدی تحقیقات گذشته در باب تأثیر محیط مصنوع و فعالیت‌ها بر ادراک امنیت

محقق (محققان) / مطالعه موردی	مطالب مهم یاد شده	یافته‌های اصلی
(Taghvaei, et al., 2011) تهران، منطقه ۱۷	رابطه بین مؤلفه‌های کاربری زمین و کاهش جرم و ناامنی شهری	در آن دسته از فضاهای شهری که کاربری‌های پیرامونی آنها از ترکیب و تنوع بیشتری برخوردارند، پتانسیل جرم‌زایی پایین و احساس امنیت کاربران بیشتر است. از نظر زمانی، بیشتر جرم‌ها در زمان غروب و در فاصله زمانی آن با شب رخ می‌دهند.
(Alimardani, et al., 2017) مرند، خیابان امام	بررسی تأثیر اختلاط کاربری‌ها، نورپردازی شهری، طراحی کالبدی فضاهای شهری و نفوذپذیری فیزیکی و بصری بر ادراک امنیت و افزایش سرزندگی فضاهای شهری و ارتقای حیات شبانه می‌شود.	اختلاط کاربری‌ها، نفوذپذیری کالبدی و بصری و نورپردازی مناسب منجر به افزایش میزان احساس امنیت ادراک شده از فضا و در نتیجه، بهبود کیفیت زندگی شهری، افزایش سرزندگی فضاهای شهری و ارتقای حیات شبانه می‌شود.
(Heshmati & Charehjo, 2018) سنندج، محلات بافت فرسوده شهر	بررسی تأثیر کیفیت‌های محیطی بر امنیت ادراک شده ساکنان در محلات بافت فرسوده شهر با تأکید بر مؤلفه‌های CPTED	حمایت از فعالیت‌ها و نظارت طبیعی بیشترین میزان اثرگذاری را بر امنیت ادراک شده دارد.
(Yaran, et al., 2019) تهران، خیابان سی تیر	بررسی تأثیر کیفیت معابر و نورپردازی مناسب، پیاده‌مداری و میلان شهری، تنوع فعالیتی و خوانایی فضا بر احساس امنیت زنان در فضاهای باز خیابان	افزایش تنوع فعالیتی و ایجاد نورپردازی مناسب در طول شب منجر به احساس امنیت زنان می‌شود. ویژگی‌های یاد شده خیابان را به یک فضای عمومی گردشگری بدل ساخته است.
(Bwalya, 2012) Manitoba, University of Manitoba Fort Garry campus	شناسایی مناطقی که منجر به احساس امنیت یا ناامنی در محیط کالبدی دانشگاه می‌شوند و شناسایی تغییرات محیط از نگاه کاربران فضا	کاربری‌های مختلط، کاربران دائمی، نظارت طبیعی، چشم‌انداز زیاد و پناهگاه کم [برای بزهکاران] از ویژگی‌های اصلی طراحی برای کاهش ترس از جرم در محیط‌های کالبدی دانشگاهی هستند.
(Tiwari, 2015) Bangalore, Indira Nagar Metro Station	بررسی نگرانی‌های مربوط به امنیت افراد هنگام دسترسی به ایستگاه‌های مترو	پنج پارامتر طراحی بر ادراک امنیت مردم اثر می‌گذارند: (۱) بافت شهری ریزدانه برای بهبود اتصال بصری و الگوهای حرکت متراکم، (۲) متعادل سازی فضای اقتصادی فروشندگان غیررسمی در خیابان‌ها برای افزایش نظارت منفعل، (۳) نماهای فعال، نسبت متعادل توده به فضای خالی، انواع مسیرها و پارکینگ خیابانی برای افزایش نظارت منفعل، (۴) کاربری‌های مسکونی برای افزایش احساس مالکیت و تمایل به نگهداری بهتر محدوده و (۵) پیاده‌راه‌هایی با نورپردازی مناسب و اتصال بیشترین پیاده‌راه‌ها به مناطق اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر برای کمک به یکپارچگی مناطق اجتماعی-اقتصادی مختلف
(Bennetts, et al., 2017) Adelaide, South Australia	بررسی ارتباط بین اصول CPTED (ویژگی‌ها و تصویر ذهنی، فرم مصنوع، چشم‌های ناظر بر خیابان، وجود فعالیت عابران پیاده) و احساس امنیت	فعالیت در سطح خیابان، اتصال بین مسیرهای پیاده، آشنایی با محیط و فضاهای به خوبی نگهداری شده به عنوان مهم‌ترین عوامل شناخته شدند. ساختمان‌های با مقیاس کوچک‌تر با نماهای متنوع و همچنین خط دید روشن از دیگر عوامل مهم در ایجاد احساس امنیت هستند.
(Jiang, et al., 2018) Hong Kong, Yau Tsim Mong District	بررسی دو نظریه پنجره‌های شکسته و فعالیت‌های روزمره برای تبیین ادراک امنیت از محیط‌های شهری	مداخله بر اساس نظریه پنجره‌های شکسته (مداخله در نظافت‌کاری و پوشش گیاهی) افزایش اندکی را در ادراک امنیت نشان داد. در حالی که مداخله بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره (مداخله در عملکردهای شهری) منجر به میزان بالاتری از ادراک امنیت شد.
(Piroozfar, et al., 2019) London, Brixton Town Centre (BTC)	بررسی تأثیر اصول CPTED، یعنی قلمروگرایی، نظارت، کنترل دسترسی، حمایت از فعالیت، مدیریت تصویر ذهنی و دشوار کردن اهداف مجرمانه بر کاهش فعالیت‌های مجرمانه و ترس از جرم پس از انجام برخی اقدامات مداخله‌ای طراحی شهری در مرکز شهر با سابقه خشونت	از زمان اقدامات مداخله‌ای، مرکز شهر کاهش در میزان جرم و جنایت را تجربه کرده است. همچنین نقش نورپردازی در ادراک امنیت از اهمیت حیاتی برخوردار است.
(Park & Garcia, 2019) USA, Auburn Alabama	بررسی ارتباط بین کیفیت خیابان و ادراک امنیت عابران پیاده	نورپردازی مناسب خیابان عامل اصلی افزایش احساس امنیت در خیابان‌هاست که بعد از آن پیچیدگی مورفولوژیکی خیابان‌ها، یعنی انواع مختلف پیشه‌ها، غذا خوردن در فضای باز، نوازندگان خیابانی و سایر فعالیت‌های عابر پیاده قرار دارند.

ترسیم مزایا در نتیجه جریان حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب و جلوگیری از فرصت‌های فعالیت مجرمانه است که می‌تواند با آن در ارتباط باشد. برای مثال، فراهم‌سازی پارکینگ اتومبیل امن، امکانات حمل‌ونقل عمومی و نورپردازی می‌تواند به‌عنوان بخشی از یک راهبرد روشن مورد حمایت قرار گیرد (Llewelyn-Davies & Partnership, 2004: 38-39). برای به‌دست‌آوردن بیشترین بهره از حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب راهبردهایی مطرح است: (۱) پراکنش یا تراکم حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب در سراسر یک شهر یا منطقه سازگار با بستر محلی باشد؛ پراکنش از ایجاد «ازدحام بحرانی» مجرمان بالقوه جلوگیری می‌کند و منافع اقتصادی را گسترش می‌دهد. در حالی که تراکم فعالیت‌ها تضمین می‌کند که حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب وجود دارد تا از کاربری‌های ناسازگار با مناطق مسکونی خودداری کند و ممکن است کار را برای پلیس نیز آسان‌تر سازد، (۲) تنوع‌بخشیدن به حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب؛ حمایت از ایجاد و تا دیروقت بازماندن رستوران‌ها، مغازه‌ها، کافه‌ها، گالری‌ها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و سایر اماکن فرهنگی، (۳) روشن‌کردن تکلیف خطوط حمل‌ونقل؛ هماهنگی حمل‌ونقل عمومی، ایستگاه‌های تاکسی و پارکینگ‌ها و حمل‌ونقل عمومی همیشگی در اواخر شب، تا کاربران بتوانند هر موقع که بخواهند به خانه بروند و (۴) هماهنگی برنامه‌ریزی و مدیریت: حمایت از «رویکرد مدیریت منطقه» که می‌تواند شامل نورپردازی و دوربین‌های مداربسته و هماهنگی برنامه‌ریزی و عملکردهای مجوز [فعالیت] باشد (Basiri mozhdehi, 37: 2013; & Mahmeli Abyaneh). پس از حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب، حیات و دادوستد شبانه (۱۱ شب تا ۲ بامداد) آغاز می‌شود و تعداد و تنوع کاربران حیات شبانه به‌طرز چشمگیری کاهش می‌یابد و به تبع آن، خدمات، به‌ویژه حمل‌ونقل عمومی کمتر می‌شود. از حدود ساعت ۲ بامداد به بعد حیات شبانه به‌عنوان حیات و دادوستد آخر شب (۲ تا ۵ بامداد) توصیف می‌شود (Rowe & Bavinton, 2011: 818).

در ارتباط با حیات شبانه، در کشور ما مطالعات به‌گونه‌ای متفاوت از تحقیقات خارج از ایران به موضوع پرداخته‌اند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، این مطالعات بر جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، سرزندگی شهری، عوامل فرهنگی، برنامه‌ریزی اوقات فراغت شبانه شهری و منظر شبانه شهر با تأکید بر نورپردازی تمرکز دارند. این در حالی است که بیشتر مطالعات فعلی حیات شبانه در خارج از ایران به ترکیبی از مطالعات علوم اجتماعی درباره مشروبات الکلی و صنعت فراغت شبانه اشاره دارند. خلاصه‌ای از یافته‌های کلیدی تحقیقات گذشته در جدول شماره ۲ آورده شده است.

در تحقیق حاضر، شناسایی روال‌های مصرف حیات شبانه و ارزیابی جریان فضایی-زمانی فعالیت‌ها در دو لایه زمان-فضا، یعنی زمان غروب و ساعات اولیه شب - مرکز شهر رشت و شب - از نظر ادراک امنیت، تنوع و فراگیر بودن به‌عنوان ایده‌آل‌های حیات شبانه شهری نتایج مورد انتظار ما خواهند بود.

ادبیات به بحث گذاشته شده در بالا آشکارا حاکی از آن است که عامل فعالیت به‌تنهایی نمی‌تواند سبب تمایز فضایی، ایجاد تمرکز و در نتیجه، احساس امنیت بیشتر گردد. راه حل، ایجاد محیطی با کیفیت بالا از طریق مهیا کردن انواع مختلف فرصت‌ها و فعالیت‌های متفاوت و مکمل و طراحی متفکرانه فضاها برای به‌حداقل رساندن ناسازگاری‌هاست؛ به‌طوری‌که میزبان انواع کاربری‌ها و کاربران باشد. اهمیت این موضوع در بحث حیات شبانه دوچندان می‌گردد. بر این اساس و به‌فراخور بستر مطالعه حاضر، فعالیت‌ها در این تحقیق شامل تنوع گسترده‌ای از کاربری‌ها مانند کسب‌وکارهای خرد، مکان‌های گردشگری در شب که زمینه را برای حضورپذیری شهروندان نیز فراهم می‌کنند و گردشگری فرهنگی مانند سینماهاست.

۲.۲. حیات شبانه یا امتداد دیگرگون دادوستد و اجتماع روز در شب
فضاهای شهری جاذب تعداد زیادی از مردم در شب هستند. در چارچوب توسعه سبک زندگی اقتصادی شهر و شهروندان، بیشتر افراد در طول روز مشغول کار هستند و شب به اوقات فراغت اصلی آنها تبدیل می‌شود (Mohamed, 2017: 1). راهبرد کلان مدیریت شهری در عصر حاضر بازآفرینی فضاهای باز ناآرامد شهری است که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های چنین ضرورتی حمایت از فعالیت‌های شبانه از طریق افزایش ساعات کار واحدهای صنفی و توزیع زمانی-فضایی فعالیت این واحدها و مدیریت مطلوب آنهاست (Ghadimi & Keramati, 2017: 30). حیات شبانه و جاذبه‌های اقتصادی شب‌هنگام راهی واقعی برای گسترش روز کاری است. حیات و دادوستد شبانه نیروی محرک بیشتری را برای رشد و توسعه ملی ایجاد می‌کند (Agbaje, 2017: 11-12). حیات شبانه را به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های مربوط به سرگرمی‌های شبانه و مراکز خرید در شهرها تعریف کرده‌اند. این فعالیت‌ها ممکن است شامل خرید، موسیقی زنده، بارها و کلوب‌ها، رستوران‌ها، فرهنگ کافه، نمایشگاه‌های هنری، تئاترها، موزه‌ها و رویدادها باشند (Pinke-Sziva, et al., 2019: 4; Ibid: 11). با این حال، این تعریفی است که غرب از حیات شبانه ارائه داده است. حیات شبانه در کشور ما به‌علت عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی متفاوت از ادبیات موجود است. در ایران، به دلیل مقررات مذهبی، مشروب‌فروشی، بار، کازینو یا کلوب وجود ندارد. با این حال، شهرها در شب با تداوم فعالیت‌های روز خود (مذهبی، اجتماعی، تفریحی، کاروکسی یا تجاری) کار می‌کنند.

قابل تشخیص‌ترین لایه زمان-فضا، حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب است (که معمولاً بین ساعات ۲۱ تا ۲۳، اما گاهی اوقات بین ساعات ۱۸ تا ۲۳ تعریف می‌شود) (Rowe & Bavinton, 2011: 818). توسعه حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب روش خوبی برای تنوع‌بخشیدن به کاربری‌ها و گسترش فعالیت‌ها در طول روز و شب است. با این حال، باید به ویژگی‌های دیگر توجه شود تا خطر جرم ناشی از آن به‌حداقل برسد. حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب که هم از نظر اقتصادی و هم از نظر امنیت عملکرد خوبی داشته باشد، شامل انواع مختلف کاربری‌هاست: تئاترها، سینماها، رستوران‌ها، گالری‌ها و مغازه‌ها. همچنین کنترل کاربری اراضی بخشی از مجموعه تصمیمات برای

جدول شماره ۲: خلاصه‌ای از یافته‌های کلیدی تحقیقات گذشته در باب حیات شبانه

محقق (محققان) / مطالعه موردی	مطالب مهم یاد شده	یافته‌های اصلی
(AkhavanSaraf, et al., 2014) مشهد	تأکید بر ضرورت وجود نور به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر منظر شبانه شهری	روشنایی کیفی خیابان‌ها و فضاهای شهری و در نتیجه تداوم حیات شهر در شب می‌تواند تبادلات اجتماعی و بهره‌وری فضاهای شهری، همه‌شمول کردن فضاهای جمعی، ایجاد فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری و گردشگری شهری را به ارمغان آورد.
(sheikhbeglo & Tabrizi, 2017) اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد و یزد	ارزیابی مقایسه‌ای شهرهای اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد و یزد برای توسعه گردشگری شبانه شهری از دیدگاه کارشناسان و خبرگان دانشگاهی براساس معیارهای ذیل: جاذبه‌ها و خدمات، وضع موجود شهر شب، مطلوبیت محیطی و وضعیت حمل‌ونقل شبانه	اصفهان به عنوان گزینه ترجیحی نسبی برای توسعه گردشگری شبانه دانسته شد، به دلایل ذیل: دارا بودن جاذبه‌های گردشگری متنوع، امکان فعالیت شبانه در بیشتر فضاهای جاذب گردشگر آن، جذابیت بیشتر برخی جاذبه‌ها در شب در مقایسه با زمان روز، شهرت جهانی
(Ghadimi & Keramati, 2017) تهران، مرکز فعالیت‌های نوین	فرهنگ عاملی مؤثر در ایجاد حیات شبانه؛ بررسی سه مؤلفه اصلی فضای شهری (یعنی کالبد، عملکرد و معنا) در ارتباط با سه عامل اصلی مکان‌های فرهنگی شبانه (مردم، زمان و خلاقیت)	در تعریف حیات شبانه با فعالیت فرهنگی محور، مردم به ترتیب به عملکرد، کالبد و معنا وزن بیشتری می‌دهند و پس از آنها به ترتیب خلاقیت و زمان قرار دارند.
(Shaykh-Baygloo & Soltani, 2019) شیراز	بررسی میزان مطلوبیت گردشگری شبانه شهری براساس عوامل محیطی و جاذبه‌های گردشگری	متغیرهای مطلوبیت محیط شبانه شهر از دیدگاه گردشگران به ترتیب عبارتند از: آب‌وهوا، زیبایی منظر شبانه، مطلوبیت شبانه آثار تاریخی، مطلوبیت شبانه جاذبه‌های فرهنگی، باغ‌ها و پارک‌ها، فضاهای تفریحی و جاذبه‌های مذهبی
(Blecher, 2014) Cape Town, Long Street	بررسی ایده‌آل‌های شهر ۲۴ ساعته	ایده‌آل‌های شهر ۲۴ ساعته: عابرسازی موقتی، افزایش ساعات تجارت خرده‌فروشی، حد اشباع برای جواز مشروبات الکلی در یک منطقه مشخص، بررسی امکان تحقق بازار شب، حمایت از رویدادهای فرهنگی بدون محوریت مشروب‌خواری و نورپردازی کافی در شب
(Brands, et al., 2014) Utrecht and Rotterdam, city-centres	تحلیل مقایسه‌ای روال‌های مصرف حیات شبانه دانشجویان در مرکز دو شهر هلندی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای و تحلیل تشخیص	روال‌های حیات شبانه در مرکز شهر اوترخت با جهت‌گیری بیشتر به سمت بارها/ مشروب‌فروشی‌ها و مصرف بیشتر مشروبات الکلی و در روتردام با همگنی قومی (برخلاف برخی گفتمان‌های عمومی درباره حیات شبانه) مشخص می‌شود. همچنین، تحصیلات به شدت با نوع مصرف حیات شبانه مرتبط است.
(Duff & Moore, 2015) Melbourne	بررسی جو عاطفی فضاهای تحرک در حیات شبانه (سرعت، احساس، مسیرها و ریتم‌های تحرک)	کنترل جو عاطفی در فضاهای تحرک حیات شبانه می‌تواند یکی از مؤثرترین راه‌های کاهش مشکلات شهر در شب (از جمله مشکلات مرتبط با مشروبات الکلی) باشد.
(Kolioulis, 2018) London	کلوب‌های شبانه به عنوان بخش اصلی بازآفرینی شهری	نهادهای دولتی باید اقدامات مؤثری را برای حمایت از مردم و مشاغل در معرض خطر بزرگ جایگزینی انجام دهند. همچنین، مدافعان حیات شبانه باید با در نظر گرفتن قوانین راحت‌تر برای صدور مجوز، درباره نگرش نسبت به امنیت، رفتار ضد اجتماعی و سرو صدا تجدید نظر کنند.
(Velikova & Dimitrova, 2019) Bulgaria	بررسی رویدادها به عنوان فرصتی برای غلبه بر جنبه‌های منفی گردشگری شبانه (مشروبات الکلی، مواد مخدر، فحشا، قمار، خشونت و...)	رویدادها (با تأکید بر سواحل و طبیعت زیبا) به عنوان عاملی اساسی در غلبه بر تصویر ذهنی منفی از مقصد گردشگری و یک ابزار بازاریابی برای تبلیغ آن هستند. این رویدادها روال‌های [فضایی] مثبتی هستند که از سویی فرصت‌هایی را برای حیات شبانه مهیا می‌سازند و از سوی دیگر باعث ارتقای آموزش، فرهنگ، تاریخ و ماهیت کشوری می‌شوند.

۳. روش

۳.۱. محدوده مورد مطالعه

رشت، پرجمعیت‌ترین شهر شمال ایران در بین سه استان حاشیه دریای کاسپین، مرکز سیاسی اداری استان گیلان و مرکز شهرستان رشت است. مساحت این شهر بر طبق محدوده مشخص شده از سوی شهرداری رشت در سال ۱۳۹۵، ۱۰۱۶۳/۶۵ هکتار است (Aghaeizadeh, et al., 2016: 20). بر طبق نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت ساکن در این شهر ۷۴۸ هزار و ۷۱۱ نفر است (Detailed results of population and housing censuses, 2016: 82). این جمعیت در نتیجه شمار زیادی از گردشگران در تعطیلات بهار و تابستان، دارای تغییرات فصلی است. به علاوه، جمعیت شهر در طول روز حدود ۳۰ درصد بیشتر از جمعیت آن در طول شب است

(Rahmani, et al., 2019: 445). رشت از دیرباز به عنوان یک شهر پویا و زنده مطرح بوده است. کمتر شهری در ایران وجود دارد که مردم تا پاسی از شب در خیابان‌ها حضور داشته باشند. افزون بر این، این شهر به سبب تداخل فضاهای متنوع و متعدد اکولوژیکی، انسانی و طبیعی مانند تالاب، چشمه آب شور، دریاچه، پارک جنگلی، پارک‌ها همراه با امکانات رفاهی، موزه‌ها و بناهای تاریخی و همچنین تنوع خوراکی‌ها و صنایع دستی به عنوان عناصر مقوم تولید فضا و تداوم بخش پویایی فضاها، به نظر می‌رسد بستر مناسبی برای بحث درباره حیات شبانه باشد، زیرا این پتانسیل‌ها می‌تواند درآمدهای قابل توجهی را جذب نماید و اقتصاد شهر را رقم زند.

در این تحقیق، به بررسی جریان فضایی-زمانی فعالیت‌ها در زمان غروب و شب پرداخته می‌شود و معطوف به مرکز شهر رشت است. در

جدول شماره ۳: مشخصات مشارکت‌کنندگان

%	N			%	N		
۱۳/۵	۵۲	امور آموزشی، فرهنگی و هنری (۱) اداری و مالی (۲) رشته امور اجتماعی (۳) بهداشتی و درمانی (۴) کشاورزی و محیط زیست (۵) فنی و مهندسی (۶) خدمات (۷) کارگر (۸) دانشجو (۹) خانه‌دار (۱۰) بیکار (۱۱)	حرفه و نوع کار**	۵۳/۵	۲۰۶	زن	مرد
۱۱/۷	۴۵			۴۶/۵	۱۷۹		
۱/۸	۷			۶۷	۲۵۸	گیل	قومیت
۲/۳	۹			۱۵/۳	۵۹	فارس	
۲/۹	۱۱			۸/۳	۳۲	ترک	
۸/۸	۳۴	۴/۲	۱۶	تالش			
۲۸/۳	۱۰۹	۵/۲	۲۰	سایر*			
۸/۱	۳۱	زیر دیپلم دیپلم فوق دیپلم لیسانس فوق لیسانس دکتری و بالاتر	سطح تحصیلات	۶۲/۱	۲۳۹	۱۸-۳۵	سن
۷/۳	۲۸			۲۸/۳	۱۰۹		
۱۱/۴	۴۴			۹/۶	۳۷	۶۰+	
۳/۹	۱۵						
۱۰/۴	۴۰						

* شامل کرد، لر، عرب، تات، طبری بودند.

** به ترتیب، (۱) معلمی، تدریس، تولید ادبی و هنری، مطبوعات و رسانه‌ها و غیره، (۲) حسابداری، حسابداری و غیره، (۳) روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی و غیره، (۴) پزشکی، دندان پزشکی، داروسازی، مامایی، پرستاری و غیره، (۵) مهندسی کشاورزی، مهندسی علوم دامی، دامپزشکی و غیره، (۶) کامپیوتر (سخت‌افزار و نرم‌افزار)، معماری، عمران و غیره و (۷) فروشندگی، توزیع کالا و خدمات، ورزش، توریسم، ساخت‌وساز بنا، حرفه‌های اصلاح و تعمیر و غیره.

این پژوهش از جغرافیای زمان بهره می‌گیرد زیرا این چارچوب تحلیلی در نشان دادن چگونگی پدیدارشدن روال‌های روزمره و شکل‌گیری آنها از طریق بسترهای اجتماعی، نهادی و فیزیکی بسیار مؤثر است و این که می‌توان آن را در تحقیقات کمی به‌کارگرفت (Neutens, et al., 2011: 2). بر این اساس و با توجه به بستر مورد مطالعه، معیارهای مورد استفاده در مطالعه پیشین درباره مصرف حیات شبانه (Brands, et al., 2014) که برگرفته از ادبیات جغرافیای زمان است، با کمی تغییرات برای تلخیص و بررسی مسیرهای فضا-زمان روال‌های حیات شبانه در دو لایه، یعنی حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب (۶ عصر تا ۱۱ شب) و حیات و دادوستد شبانه (۱۱ شب تا ۲ بامداد) در مرکز شهر رشت در نظر گرفته شدند و بنابراین به‌عنوان ورودی برای خوشه‌بندی مورد استفاده قرار گرفتند:

(۱) تعداد فعالیت‌ها/ تفریحات انجام شده در طی یک مسیر فضا-زمان حیات شبانه، (۲) نوع فعالیت/ تفریح شبانه‌ای که در این مسیر مقدار وقت بیشتری برای آن صرف شد، (۳) زمان رسیدن به مکان نخستین فعالیت/ تفریح شبانه به‌عنوان بخشی از این مسیر، (۴) زمان کل صرف شده در این مسیر، (۵) نام مکان (بخشی/ منطقه‌ای از مرکز شهر که در آنجا مقدار وقت بیشتری صرف شد)، (۶) اندازه گروه (تعداد دوستان، بستگان و آشنایان همراه فرد هنگام مراجعه به مکانی که در آن مقدار وقت بیشتری صرف شد)، (۷) جنس گروه و (۸) قومیت گروه. علاوه بر اینها، متغیرهای جنس، سن، قومیت، حرفه و نوع کار، سطح تحصیلات، محل اقامت و شرایط زندگی نیز به‌عنوان ورودی برای خوشه‌بندی استفاده شدند تا خوشه‌های موجود در بین مصرف‌کنندگان حیات شبانه بر اساس اطلاعات دموگرافیک به‌دست آید.

در بخشی از پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا احساس امنیت و یا عدم احساس آن را در مکان (فعالیت/ تفریح شبانه) نامبرده ارزیابی کرده و علت آن را بیان کنند. به‌علاوه، این پرسشنامه شامل سؤالاتی درباره الگوهای کلی‌تر گردش و تفریح پاسخ‌دهندگان و همچنین وضعیت جمعیت شناختی و اجتماعی اقتصادی آنها بود. از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که به‌طور متوسط چند وقت به چند وقت برای گردش و تفریح بیرون می‌روند و اغلب برای شبگردی و تفریحات شبانه به کجا می‌روند. از پاسخ‌دهندگان درباره جنس، سن، سبک زندگی (شرایط زندگی، محل اقامت)، طبقه (سطح تحصیلات، حرفه و نوع کار) و قومیت آنها نیز سؤال شد.

۳.۴. روش‌های تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در مراحل زیر انجام گرفت. در مرحله نخست، از آمار توصیفی برای نشان دادن روال‌های مصرف حیات شبانه در مرکز شهر رشت استفاده شد. تحلیل دومتغیره داده‌ها با استفاده از آزمون خی‌دو انجام شد. مرحله دوم شامل تحلیل خوشه‌ای مسیرهای فضا-زمان حیات شبانه شرکت‌کنندگان در آخرین شبگردی‌شان در مرکز شهر رشت بود. تحلیل خوشه‌ای به این دلیل استفاده شد که ناهمگنی زیاد در فعالیت‌های مربوط به حیات شبانه شرکت‌کنندگان (یعنی کجا، چه هنگام، با چه کسی و غیره) را به تعداد محدودی از الگوهای شاخص کاهش می‌دهد و به بیان دیگر، آنها را در قالب زیرگروه‌های مشابه به هم و بر اساس یک یا چند ویژگی گروه‌بندی می‌کند. در واقع، این روش درک عمیق‌تری را از مسیرهای فضا-زمان حیات شبانه و چگونگی شکل‌گیری آن در بستر مورد مطالعه میسر می‌سازد.

خوشه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. ضریب نیمرخ^۳ برای تعیین تعداد بهینه خوشه‌ها به‌کار گرفته شد. میزان ضریب نیمرخ کمتر از ۰/۲ ضعیف، بین ۰/۲ و ۰/۵ متوسط و بیشتر از ۰/۵ خوب ارزیابی می‌شود و چنانچه میزان این ضریب ۰/۵-۰/۲ و بیشتر باشد، خوشه‌بندی قابل قبول محسوب می‌شود (Clemmow, et al., 2020: 5, 8; Carbone, et al., 2019: 106; Sarstedt & Mooi, 2014: 299). کلیه تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار IBM SPSS Statistics 26 انجام شد. نمودارها با استفاده از نرم‌افزار Excel 2013 رسم شدند.

۴. بحث و یافته‌ها

اکثر پاسخ‌دهندگان (۷۴/۵٪) حداقل یک‌بار در هفته برای گردش و تفریح بیرون می‌روند (جدول شماره ۴). کسانی که دورتر از رشت زندگی می‌کنند، دفعات بیرون رفتن آنها کمتر است (۰/۵ < p < آزمون خی دو).

تحلیل خوشه‌ای دومرحله‌ای به‌کار گرفته شد، زیرا این روش در مورد داده‌های بزرگ و استفاده توأم از داده‌های دسته‌ای و پیوسته کاربرد دارد و تنها الگوریتمی است که ترکیبی از انواع متغیرها را در محاسبه وارد می‌کند. در گام نخست، مشاهدات در قالب خوشه‌های اولیه قرار می‌گیرند و این پیش‌خوشه‌ها به‌عنوان یک هسته اولیه و به‌عنوان یک مشاهده قلمداد می‌شوند. در گام دوم، از روش سلسله‌مراتبی برای طبقه‌بندی این هسته‌ها که خروجی گام قبل هستند و مشاهدات مشابه را در یک هسته قرار داده‌اند، استفاده می‌شود و یا این‌که می‌توان تعداد خوشه‌ها را تعیین کرد (Yucer, et al., 2016: 3). در این مطالعه، تعداد خوشه‌ها دو خوشه در نظر گرفته شد؛ زیرا این تعداد بیشترین تمایز را از نظر متغیرهای موجود در هر خوشه به‌دست می‌داد (جدول شماره ۷). معیار درست‌نمایی لگاریتمی^۱ برای میزان فاصله^۲ (عدم شباهت) بین

جدول شماره ۴: دفعات بیرون رفتن بر اساس محل اقامت (Cramer's V = ۰/۱۳۷; p < ۰/۰۵; $\chi^2 = ۱۴/۴$)

N	یک بار در هفته یا بیشتر	دو هفته یک بار	تقریباً یک بار در ماه	کمتر از یک بار در ماه	رشت
۲۴۵	۸۰/۴٪	۱۰/۶٪	۴/۹٪	۴/۱٪	رشت
۴۰	۶۰/۰٪	۲۰/۰٪	۱۰/۰٪	۱۰/۰٪	حومه رشت
۱۰۰	۶۶/۰٪	۱۵/۰٪	۱۲/۰٪	۷/۰٪	جای دیگر
۳۸۵	۷۴/۵٪	۱۲/۷٪	۷/۳٪	۵/۵٪	کل

جدول شماره ۵ نشان‌دهنده صحنه حیات شبانه نسبتاً متمرکز و متراکم فضایی معطوف به مرکز شهر رشت است. همچنین رابطه مشخصی بین محل اقامت پاسخ‌دهندگان و مکان‌هایی که آنها برای گردش و تفریح بیشتر به آنجا می‌روند، وجود دارد؛ کسانی که در فاصله بیشتری از مرکز شهر زندگی می‌کنند، تمایل کمتری به مرکز شهر دارند (۰/۰۰۱ < p < آزمون خی دو). در جدول شماره ۶، ویژگی‌های مکان‌های امن و ناامن، عوامل مشخصی هستند که پاسخ‌دهندگان برای احساس امنیت و عدم احساس آن در

قسمتی از مرکز شهر که در آنجا مقدار وقت بیشتری را گذرانند، بیان کردند. این جدول نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های مکان‌های امن و احساس امنیت و همچنین بین ویژگی‌های مکان‌های ناامن و عدم احساس امنیت رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بر طبق این جدول می‌توان گفت که میزان امنیت ادراک شده در مرکز شهر رشت (N = ۳۳۵) بالاست. این ادراک امنیت در بیش از ۷۸ درصد موارد ناشی از ویژگی «فعالیت‌ها/ مردم در خیابان و...» است.

جدول شماره ۵: محل شبگردی یا تفریحات شبانه بر اساس محل اقامت (Cramer's V = ۰/۴۳۵; p < ۰/۰۰۱; $\chi^2 = ۱۴۶$)

N	جای دیگر	حومه رشت	رشت، دورتر از مرکز شهر	رشت، مرکز شهر	رشت
۲۴۵	۱۰/۶٪	۲۳/۷٪	۶/۱٪	۵۹/۶٪	رشت
۴۰	۱۷/۵٪	۵۲/۵٪	۲/۵٪	۲۷/۵٪	حومه رشت
۱۰۰	۶۸/۰٪	۱۵/۰٪	۴/۰٪	۱۳/۰٪	جای دیگر
۳۸۵	۲۶/۲٪	۲۴/۴٪	۵/۲٪	۴۴/۲٪	کل

جدول شماره ۶: احساس امنیت و عدم احساس آن در مرکز شهر رشت بر اساس ویژگی‌های محیط

بله (N = ۳۳۵)	خیر (N = ۵۰)	ویژگی‌های مکان‌های امن
۷۸/۲٪	-	فعالیت‌ها/ مردم در خیابان و... (Cramer's V = ۰/۵۶۴; p < ۰/۰۰۱; $\chi^2 = ۱۲۲/۴$)
۱۰/۴٪	-	حضور نگهبانان محله و گشت‌های انتظامی (Cramer's V = ۰/۱۲۲; p < ۰/۰۰۵; $\chi^2 = ۵/۷$)
۱۷/۳٪	-	پانوقی برای جمع شدن و گذران اوقات فراغت (Cramer's V = ۰/۱۶۳; p < ۰/۰۰۱; $\chi^2 = ۱۰/۲$)
-	۲۸/۰٪	زیاله‌های پراکنده (Cramer's V = ۰/۵۰۳; p < ۰/۰۰۱; $\chi^2 = ۹۷/۳$)
-	۵۰/۰٪	نگرانی از تجاوز کلامی یا فیزیکی / سرقت گوشی همراه... (Cramer's V = ۰/۶۸۲; p < ۰/۰۰۱; $\chi^2 = ۱۷۹/۱$)
-	۲۲/۰٪	حضور معتادان (Cramer's V = ۰/۴۴۴; p < ۰/۰۰۱; $\chi^2 = ۷۵/۹$)

1 Log-likelihood
2 Distance measure

3 Silhouette measure of cohesion and separation

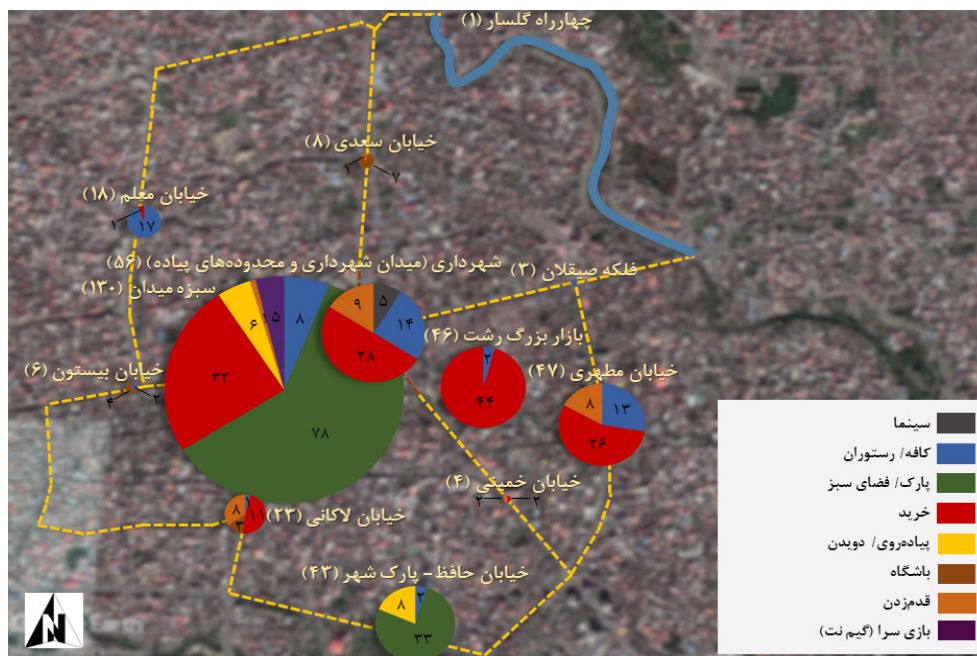
رشت است. به علاوه، بر طبق جدول شماره ۷ و تصویر شماره ۲، قطع نظر از پارک شهر که چسبیده به لبه جنوبی محدوده قرار دارد، از نظر فضایی، مسیرهای فضا-زمان حیات شبانه در منطقه محدودی از مرکز شهر متمرکز شده‌اند؛ بیش از ۷۲ درصد این مسیرها در منطقه نسبتاً کوچکی قرار دارد که از سبزه میدان به سمت شهرداری، بازار بزرگ رشت و خیابان مطهری گسترش می‌یابد. در این میان، سبزه میدان به سبب «کاربری فضای سبز» بر بقیه تسلط و تفوق دارد. اهمیت این ویژگی (یعنی فضای سبز) به وضوح در خیابان حافظ که پارک شهر در آن قرار دارد، دیده می‌شود.

بر طبق جدول شماره ۷، حیات شبانه در مرکز شهر رشت بیشتر بر «پارک / فضای سبز» و «بازار / مراکز خرید» تمرکز دارد. در بین گروه‌هایی که در حیات شبانه شرکت می‌کنند، ترکیب قومیت‌های مختلف کم است. در بیشتر موارد، پاسخ‌دهندگان در طول شبگردی حداقل دو فعالیت / تفریح شبانه را انجام می‌دهند که نشان‌دهنده میزان بالای پویایی و تحرک در حیات شبانه مرکز شهر رشت است. به علاوه، متوسط زمان رسیدن به مناطق حیات شبانه مرکز شهر ساعت ۱۹:۲۸ و متوسط زمان صرف شده ۳/۲۱ ساعت است که این نشان‌دهنده زمان بسته‌شدن سختگیرانه و ضابطه‌مند برای حیات شبانه در

جدول شماره ۷: مسیرهای فضا-زمان حیات شبانه در مرکز شهر رشت

N= ۳۸۵		
۳۶/۶٪	یک	تعداد فعالیت‌ها / تفریحات شبانه انجام شده
۶۳/۴٪	دو یا بیشتر	
۱/۳٪	سینما	نوع فعالیت / تفریح شبانه*
۱۶/۴٪	کافه / رستوران	
۲۹/۹٪	پارک / فضای سبز	
۲۹/۹٪	بازار (سنتی) / مراکز خرید (پاساژ، هایپرمارکت و غیره)	
۹/۱٪	پیاده‌روی / دویدن	
۳/۶٪	باشگاه	
۷/۵٪	قدم‌زدن	
۲/۳٪	بازی سرا (گیم نت)	
۱۹:۲۸	متوسط زمان رسیدن به نخستین فعالیت / تفریح شبانه	
۳/۲۱ ساعت	متوسط زمان صرف شده	
۳۶/۹٪	یک نفر دیگر	اندازه گروه*
۳۹/۲٪	دو تا پنج نفر دیگر	
۷/۰٪	بیشتر از پنج نفر دیگر	
۱۶/۹٪	تنها	
۴۹/۱٪	(عمدتاً) یکسان	جنس گروه*
۳/۶٪	توزیع متعادل	
۳۰/۴٪	(عمدتاً) جنس دیگر	
۱۶/۹٪	تنها	
۶۹/۴٪	(عمدتاً) یکسان	قومیت گروه*
۱/۳٪	توزیع متعادل	
۱۲/۵٪	(عمدتاً) قوم دیگر	
۱۶/۹٪	تنها	
۱۱/۹٪	بازار بزرگ رشت	مکان*
۱/۶٪	خیابان بیستون	
۱۱/۲٪	خیابان حافظ - پارک شهر	
۰/۲٪	چهارراه گل‌سار	
۱/۳٪	خیابان خمینی	
۲۸/۸٪	سبزه میدان	
۲/۱٪	خیابان سعدی	
۱۷/۱٪	شهرداری (میدان شهرداری و محدوده‌های پیاده)	
۰/۸٪	فلکه صیقلان	
۶٪	خیابان لاکانی	
۱۴/۳٪	خیابان مطهری	
۴/۷٪	خیابان معلم	

* اگر مسیر فضا-زمان حیات شبانه شامل حداقل دو فعالیت / تفریح شبانه باشد، اطلاعات مربوط به فعالیت / تفریح شبانه‌ای که برای آن بیشترین زمان صرف شده، به کار گرفته شده است.



تصویر شماره ۲: انواع فعالیت‌های حیات شبانه بر اساس موقعیت جغرافیایی آنها در مرکز شهر رشت

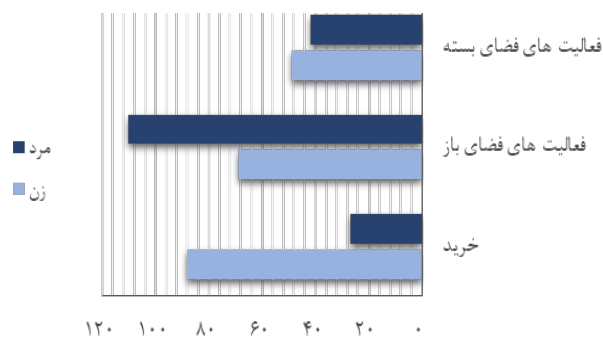
به‌تنهایی به پارک / فضای سبز می‌روند. از نظر فضایی، آنها به سبزه میدان تمایل نشان می‌دهند که سرسبزی (درخت و پوشش گیاهی) و همچنین نیمکت یا مکان‌های نشستن وجود دارد.

بازارگردی و خرید (۸۳٪) - مصرف‌کنندگان حیات شبانه در این خوشه در سبزه میدان و دور و اطراف آن جمع می‌شوند و به مراکز خرید (پاساژ، هایپرمارکت و غیره) گرایش دارند. بنابراین، جای تعجب ندارد که در این خوشه نیز سرسبزی (درخت و پوشش گیاهی) و نیمکت‌ها یا مکان‌های نشستن در سبزه میدان نقشی مهم داشته باشند. به‌طور کلی، این مصرف‌کنندگان حیات شبانه در بیش از یک فعالیت یا تفریح حضور دارند. آنها به‌طور متوسط حدود ساعت ۱۹:۳۰ به این قسمت از مرکز شهر می‌رسند و فعالیت‌های حیات شبانه‌شان نسبت به خوشه قبلی طولانی‌تر است (حدود سه ساعت و ۴۰ دقیقه). گروه‌ها در این خوشه با اندازه متوسط (۲-۵ نفر) و از نظر قومی و جنسیت (عمدتاً) یکسان هستند.

پارک‌گردی بیشتر به وسیله مردان انجام می‌شود. در ۳۰/۸ درصد موارد، سطح تحصیلات مصرف‌کنندگان حیات شبانه در این خوشه دیپلم است. به‌علاوه، پارک‌گردی در بین کسانی که تنها زندگی می‌کنند، بیشتر دیده می‌شود. مسیرهای فضاهای حیات شبانه در خوشه خرید اغلب به وسیله زنان انجام می‌شود. مصرف‌کنندگان این خوشه، در ۴۲/۸ درصد موارد، سطح تحصیلات‌شان لیسانس است. همچنین، این نوع مصرف حیات شبانه در بین کسانی که با والدین‌شان زندگی می‌کنند، بیشتر دیده می‌شود.

در این مطالعه، میزان فاصله (عدم شباهت) بین خوشه‌ها ۴/۹۲ و ضریب نیمرخ ۰/۳ بود. اهمیت پیش‌بین‌های اصلی به ترتیب نزولی عبارت بودند از: قومیت گروه (۱/۰۰)، جنس گروه (۱/۰۰)، اندازه گروه (۱/۰۰)، نوع فعالیت / تفریح شبانه (۰/۸۲)، متوسط زمان صرف‌شده (۰/۶۰)، شرایط زندگی (۰/۴۸)، قومیت (۰/۴۲)، مکان (۰/۳۳)، جنس (۰/۲۷) و سطح تحصیلات (۰/۱۸).

تفاوت کلیدی این است که مسیرهای فضاهای حیات شبانه در مرکز شهر رشت در بین زنان نسبت به مردان، بیشتر به خرید معطوف است (یعنی بازار سنتی) / مراکز خرید (پاساژ، هایپرمارکت و غیره)؛ از هر چهار زن (۸۸/۳۸۵) یک نفر بیشترین زمان را در خرید صرف می‌کند. این نسبت برای مردان، یک از هر چهار نفر است (۲۷/۳۸۵). در مقابل، مردان بیشتر در فعالیت‌های فضای باز (یعنی پارک / فضای سبز، پیاده‌روی / دویدن و قدم‌زدن) شرکت می‌کنند؛ از هر چهار مرد (۱۱۰/۳۸۵) یک نفر بیشترین زمان را در فعالیت‌های فضای باز صرف می‌کند. این نسبت برای زنان یک از هر شش نفر است (۶۹/۳۸۵) (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: مقایسه سهم فیزیکی زنان و مردان در مسیرهای فضاهای حیات شبانه در مرکز شهر رشت

بر طبق جدول شماره ۸، تفاوت‌های آشکاری در نوع مصرف حیات شبانه در مرکز شهر رشت وجود دارد. دو خوشه (نوع مصرف حیات شبانه به شرح زیر برای مرکز شهر رشت قابل تشخیص است:

پارک‌گردی (۱۷٪) - مصرف‌کنندگان حیات شبانه در این خوشه به‌شدت به پارک / فضای سبز گرایش دارند. این مسیرهای فضاهای حیات شبانه به‌طور متوسط کمی قبل از ساعت ۱۹:۳۰ شروع می‌شود و حدود دو ساعت و نیم ادامه دارد. مصرف‌کنندگان در این خوشه،

جدول شماره ۸: انواع متمایز مصرف حیات شبانه در مرکز شهر رشت

بازارگردی و خرید	پارک‌گردی		
-	۵۲/۳٪	یک	تعداد فعالیت‌ها/ تفریحات شبانه انجام شده
۶۶/۶٪	-	دو یا بیشتر	
۳۲/۵٪	۴۳/۱٪	پارک / فضای سبز	نوع فعالیت/ تفریح شبانه*
-	-	بازار (سنتی)/ مراکز خرید (پاساژ، هایپرمارکت و غیره)	
۱۹:۲۹	۱۹:۱۹	متوسط زمان رسیدن به نخستین فعالیت/ تفریح شبانه	
۳/۳۹ ساعت	۲/۲۹ ساعت	متوسط زمان صرف شده	
۴۷/۲٪	-	دو تا پنج نفر دیگر	اندازه گروه*
-	۱۰۰٪	تنها	
۵۹/۱٪	-	(عمدتاً) یکسان	جنس گروه*
-	۱۰۰٪	تنها	
۸۳/۴٪	-	(عمدتاً) یکسان	قومیت گروه*
-	۱۰۰٪	تنها	
۲۷/۸٪	۳۳/۸٪	سبزه میدان	مکان*
۵۹/۷٪	-	زن	جنس
-	۷۶/۹٪	مرد	
۶۳/۷٪	۵۳/۸٪	۱۸-۳۵	سن
۶۹/۱٪	۵۶/۹٪	گیل	قومیت
۲۵/۶٪	۴۱/۵٪	خدمات	حرفه و نوع کار
-	۳۰/۸٪	دیپلم	سطح تحصیلات
۴۲/۸٪	-	لیسانس	
۶۴/۷٪	۵۸/۵٪	رشت	محل اقامت
۴۶/۶٪	-	با والدین	شرایط زندگی
-	۴۱/۵٪	تنها	

* اگر مسیر فضازمان حیات شبانه شامل حداقل دو فعالیت/ تفریح شبانه باشد، اطلاعات مربوط به فعالیت/ تفریح شبانه‌ای که برای آن بیشترین زمان صرف شده، به کار گرفته شده است.

۵. نتیجه‌گیری

می‌شوند؛ در خوشه پارک‌گردی: مردان، کسانی که سطح تحصیلات دیپلم دارند و آنانی که تنها زندگی می‌کنند و در خوشه بازارگردی و خرید: زنان، کسانی که سطح تحصیلات لیسانس دارند و آنانی که با والدین زندگی می‌کنند. در این مطالعه، نقش حرفه و نوع کار، محل اقامت و سن بسیار کم بود. عواملی که بیشترین تأثیر را داشتند عبارت بودند از قومیت گروه، جنس گروه و اندازه گروه. این نتایج نشان‌دهنده این است که افراد شرکت‌کننده در حیات شبانه مرکز شهر رشت معرف اجتماع گسترده‌تری از مصرف‌کنندگان نیستند. به بیان دیگر، در مطالعه حاضر، ویژگی «تنوع کاربران» - یکی از ایده‌آل‌های حیات شبانه شهری - که بلچر در پژوهش خود از آن به‌عنوان معیاری برای ارزیابی حیات شبانه لانگ استریت در کیپ تاون مورد استفاده قرار داده بود (Blecher, 2014:3)، در حیات شبانه مرکز شهر رشت وجود ندارد. به نظر می‌رسد که این نتیجه ناشی از شرایط پیش آمده ناشی از شیوع ویروس کرونا در محدوده زمانی مطالعه حاضر باشد.

نتایج نشان داد که اکثریت مصرف‌کنندگان حیات شبانه مرکز شهر رشت احساس امنیت می‌کنند و این امنیت ادراک شده را بیشتر ناشی از «فعالیت‌ها/ مردم در خیابان و...» می‌دانند. حشمتی و چاره‌جو در پژوهش خود گزارش کردند که حمایت از فعالیت‌ها و نظارت طبیعی بیشترین میزان اثرگذاری را بر امنیت ادراک شده داشته‌اند (Heshmati & Charehjuo, 2018). یاران و همکاران اظهار کردند که تنوع فعالیتی

در مطالعه حاضر، با اتخاذ چارچوب تحلیلی جغرافیای زمان و تحلیل کمی روال‌های مصرف حیات شبانه در مرکز شهر رشت نتایج زیر به دست آمد. تفاوت‌های چشمگیری در مصرف حیات شبانه در مرکز شهر رشت وجود دارد. با وجود این، ناهمگنی و عدم تجانس در مسیرهای فضازمان حیات شبانه در مرکز شهر را می‌توان در دو الگوی مشخص خلاصه کرد: «پارک‌گردی» و «بازارگردی و خرید». این الگوها از بسیاری جهات با یکدیگر متفاوت هستند اما از نظر موقعیت در یک بخش از مرکز شهر (سبزه میدان) دیده می‌شوند. این بدین دلیل است که سرسبزی (درختان تنومند و پوشش گیاهی) و نیمکت‌ها یا مکان‌های نشستن در سبزه میدان رشت، حس خوب یک گردش درون شهری را در یک میدان قدیمی فراهم می‌کند. افزون بر این، در محدوده سبزه میدان و خیابان‌های منتهی به آن، مراکز خرید و فروشگاه‌های زیادی وجود دارد که این منطقه را به یکی از مراکز اصلی خرید در شهر رشت تبدیل کرده است. این میدان توأمان به اقتصاد شهری و تنفس شهروندان در مرکز شهر کمک می‌کند. شیخ‌بیگلو و سلطانی در پژوهش خود از «باغ‌ها و پارک‌ها» به‌عنوان یکی از متغیرهای مطلوبیت محیط شبانه شهر یاد کرده‌اند (Shaykh-Baygloo & Soltani, 2019).

تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد که در هر یک از الگوهای مشخص حیات شبانه در مرکز شهر رشت، گروه‌های اجتماعی خاص زیر بیشتر دیده

حضور را می‌توان به ادراک آنها از احساس امنیت در حیات شبانه مرکز شهر رشت نسبت داد.

با توجه به نتایج یاد شده در بالا و همچنین متوسط زمان رسیدن به نخستین فعالیت/تفریح شبانه و متوسط زمان صرف شده در مرکز شهر، رشت می‌تواند تنها بستر مناسبی برای جریان فضایی-زمانی فعالیت‌ها در زمان غروب و ساعات اولیه شب باشد (بین ساعات ۱۸ تا ۲۳) (Rowe & Bavinton, 2011: 818). علت آن است که زمان بسته شدن سختگیرانه و ضابطه‌مند برای حیات شبانه در رشت مانند دیگر شهرهای کشور وجود دارد (http://zibasazi.ir/fa/2016-01-26-13-21-45/bookplc/, January 29, 2020). زیارتگاهی مشهد که شهری ۲۴ ساعته است (Amid, 2013).

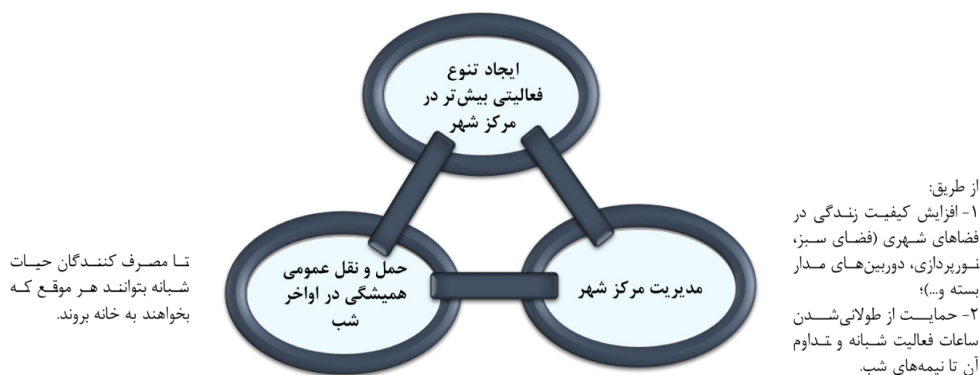
رشت به دلیل تداخل فضاهای متنوع و متعدد اکولوژیکی انسانی و طبیعی، اغلب مقصد گردشگران در بهار و تابستان و همواره میزبان گردشگران از تهران و کرج است. افزون بر این، کمتر شهری مانند رشت در ایران وجود دارد که مردم تا پاسی از شب در خیابان‌ها حضور داشته باشند. نتایج این مطالعه نیز حاکی از میزان بالای پویایی و تحرک در حیات شبانه مرکز شهر رشت است. در واقع، حیات شبانه بخش مهمی از زندگی اجتماعی و اصالت آن است. بنابراین توجه به دو لایه زمان-فضا، یعنی حیات و دادوستد در زمان غروب و ساعات اولیه شب (۶ عصر تا ۱۱ شب) و حیات و دادوستد شبانه (۱۱ شب تا ۲ بامداد) در مرکز شهر رشت به استفاده حداکثری از فرصت‌ها به نفع اقتصاد شهر منتهی می‌شود. برای دستیابی به این هدف، عوامل مطرح شده در تصویر شماره ۳ پیشنهاد می‌شود. این عوامل به‌عنوان حلقه‌های یک زنجیر عمل می‌کنند. شکستن یک حلقه، منجر به گسستن زنجیر می‌شود. بنابراین، بدون هریک از این عوامل دستیابی به هدف غیرممکن به نظر می‌رسد؛ این اقدامات می‌تواند به حضور بیشتر مردم در عرصه‌های عمومی شبانه، سرزندگی، ادراک مردم از احساس امنیت و در نهایت، جریان فضایی-زمانی فعالیت‌ها در زمان غروب و شب در مرکز شهر رشت و در نتیجه درآمد و گردش مالی بیشتر برای شهر و شهرداری بینجامد.

(کاربری‌ها) در حیات شبانه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر احساس امنیت زنان در فضاهای باز خیابان سی تیر تهران است و به جذب بیشتر گردشگران داخلی و خارجی به این مکان کمک می‌کند (Yaran, et al., 2019). تیواری (Tiwari, 2015) و بنت و همکاران (Bennetts, et al., 2017) نیز در پژوهش خود از نماهای فعال متنوع به‌عنوان یکی از عوامل مهم در ایجاد احساس امنیت نام برده‌اند. همچنین، پارک و گارسیا در مطالعه خود، انواع مختلف پیشه‌ها، غذاخوردن در فضای باز، نوازندگان خیابانی و سایر فعالیت‌های عابر پیاده را به‌عنوان عوامل اصلی افزایش احساس امنیت در خیابان‌ها به اثبات رساندند (Park & Garcia, 2019). عوامل یاد شده در مطالعه این دو محقق (یعنی تنوع فعالیتی) به‌وفور در بستر مطالعه حاضر در طول روز و شب یافت می‌شوند.

یکی از ابعاد اختصاص‌دهی فضا به خود از طریق شیوه‌های حضوری، سهم فیزیکی است. ایجاد محدودیت زمانی و فضایی در استفاده از فضا و خدمات شهری، یعنی خصوصی‌سازی فضاهای عمومی به وسیله نیروهای مسلط به فضا، مانع بهره‌مندی شهروندان و مانع اختصاص‌دهی شهر به خود است. در واقع، اختصاص یافتن زمان‌ها و مکان‌های خاص شهری به یک جنسیت و گروه اجتماعی خاص، چه به‌طور رسمی و چه به‌طور غیررسمی، مانع شکل‌گیری حضور عادلانه افراد در فضا می‌شود (Yazdaniyan & Dadashpoor, 2016: 80). در مطالعه حاضر، سهم فیزیکی بر اساس جنسیت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از سهم فیزیکی بالای زنان در حیات شبانه مرکز شهر رشت است. با وجود این، این سهم در بین زنان بیشتر معطوف به حضور در مراکز خرید است. در مقابل، مردان بیشتر در فعالیت‌هایی مانند پارک‌گردی، پیاده‌روی/دویدن و قدم‌زدن شرکت می‌کنند. البته، حضور زنان در این فعالیت‌ها نیز چشمگیر است؛ یک زن از هر شش زن در مقابل یک مرد از هر چهار مرد. به‌علاوه، زنان در فعالیت‌های فضای بسته، از جمله کافه/رستوران نیز حضور قابل توجه‌تری نسبت به مردان دارند. در نتیجه می‌توان گفت که در محدوده مورد مطالعه زنان نقش و حضور گسترده‌ای در تولید اجتماعی فضا دارند و این نقش و

با هدف:

جذب مردم (مردم محلی و گردشگران) از تمام گروه‌های سنی، جنسی و طبقات اجتماعی با علائق مختلف



تصویر شماره ۳: عوامل مؤثر بر جریان فضایی-زمانی فعالیت‌ها در زمان غروب و شب در مرکز شهر

References

- Agbaje, E. B. A. (2017). Deindustrialization, insecurity and demise of night economy: Retrospection on Nigerian underdevelopment. *Global Journal of Sociology: Current Issues*, 7(1), 9-18.
- Aghaeizadeh, E., Oji, R., & Mohammadzadeh, R. (2016). Vakavi-ye asarat-e makangozini-ye edarat dar mahdude-ha-ye motedakhel-e manategh-e sazman-ha-ye khadamatresan-e shahri (Motale'e-ye moredi: Shahr-e Rasht) [An analysis of polarization effects of offices site-selection on overlapped areas of city service zones (Case study: Rasht city)]. *Goghrafiya Va Paydari-Ye Mohit*, 6(19), 17-33. [in Persian]
- AkhavanSaraf ,A., Khosravi danesh, O., Mazaheri, R., & Zamani, B. (2014). Manzar-e shabane-ye shahr; ruykardi dar tarh-e rahbordi-ye nurpardazi-ye shahr-e Mashhad [Urban night landscape; (an approach to strategic plan of lighting in Mashhad city)]. *Armanshahr*, 7(1), 55-66. [in Persian]
- Alimardani, M., Sharghi, A., & Mahdneshin, N. (2017). Barresi-ye naghsh-e amniyat dar sarzendegi va hayat-e shabane-ye faza-ha-ye omumi-ye shahri (Markaz-e shahr-e Marand va khiyaban-e Emam Khomeyni, beyn-e khiyaban-e Shahid Ranjbari va khiyaban-e 7 Tir [The Evaluation of Security Role in Urban Night Life and Vitality (Center city of Marand and Emam Khomeyni Street, Between Shaheed Ranjbari Street and 7 Tir Street)]. *Honar-Ha-Ye Karbordi*, 5(8), 15-26. [in Persian]
- Amid, A. (2013). Night, space and urban design: Case study of Mashhad, Iran. (Doctoral dissertation), University of Westminster.
- Anizadeh, A. (2018). Zendegi-ye shabane dar farhang-e mardom-e Iran [The nightlife in Iranian folk culture]. *Farhang Va Adabiyat-E Amme*, 6(21), 73-98. [in Persian]
- Aresi, G., & Pedersen, E. R. (2016). That right level of intoxication: A Grounded Theory study on young adults' drinking in nightlife settings. *Journal of Youth Studies*, 19(2), 204-220.
- Badiora, A. I., & Odufuwa, B. O. (2019). Fear dynamics in public places: A case study of urban shopping centers. *Journal of Place Management and Development*, 12(2), 248-270.
- Basiri mozhdehi, R., & Mahmeli Abyaneh, H. (2013). Manzar-e shabane dar Tehran; Arzyabi-ye zarfiyat-ha va zarurat-ha [Nightscape of Tehran; Assessing capacities and necessities]. *Manzar*, 4(21), 36-39. [in Persian]
- Bennetts, H., Soebarto, V., Oakley, S., & Babie, P. (2017). Feeling safe and comfortable in the urban environment. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 10(4), 401-421.
- Blecher, M. (2014). An investigation into the nighttime economy in Long Street. (Master's thesis), University of Cape Town.
- Brands, J., Schwanen, T., & van Aalst, I. (2014). Spatiotemporal variations in nightlife consumption: A comparison of students in two Dutch cities. *Applied Geography*, 54, 96-109.
- Bwalya, B. (2012). Enhancing campus safety through planning and design: recommendations for the University of Manitoba Fort Garry campus. Canada: University of Manitoba.
- Carbone, E. A., Pugliese, V., Bruni, A., Aloï, M., Calabrò, G., Jaén-Moreno, M. J., Segura-Garcia, C., & De Fazio, P. (2019). Adverse childhood experiences and clinical severity in bipolar disorder and schizophrenia: A transdiagnostic two-step cluster analysis. *Journal of Affective Disorders*, 259, 104-111.
- Clemmow, C., Gill, P., Bouhana, N., Silver, J., & Horgan, J. (2020). Disaggregating lone-actor grievance-fuelled violence: Comparing lone-actor terrorists and mass murderers. *Terrorism and Political Violence*, 1-26.
- Cozens, P., & Tarca, M. (2016). Exploring housing maintenance and vacancy in Western Australia. *Property Management*, 34(3), 199-220.
- Cozens, P., & Van der Linde, T. (2015). Perceptions of crime prevention through environmental design (CPTED) at Australian railway stations. *Journal of Public Transportation*, 18(4), 73-92.
- Detailed results of population and housing censuses (2016). Statistical Center of Iran: Tehran [in Persian]
- Duff, C., & Moore, D. (2015). Going out, getting about: atmospheres of mobility in Melbourne's nighttime economy. *Social & Cultural Geography*, 16(3), 299-314.
- Ghadimi, S. D., & Keramati, G. (2017). Zendegi-ye shabane dar kalanshahr ba ta'kid bar ta'sir-e avamel-e farhangi bar faza-ye shahri [Night life design with concentration in effects of cultural factors in urban spaces]. *Motaleat-E Mohiti-Ye Haft Hesar*, 5(20), 31-46. [in Persian]

- Ghazanfarpor, H., Sedaghat Kish, M., Solymani, M., & Afzali, M. (2019). Sanjesh-e sarzendegi va hayat-e shabane-ye Meydan-e Naghsh-e Jahan-e Esfahan ba ta'kid bar amniyat-e paydar-e shahri [Measurement of vitality and nightlife of Naghsh-e Jahan Square of Isfahan with emphasis on urban sustainable security]. *Shahr-E Paydar*, 2(2), 87-106. [in Persian]
- Habibi, S. M. (January 29, 2020). Bazkhani-ye Zendege-ye Shabane-ye Tehran, az Diruz ta Hanuz: Shahr-e Shab va Shab-e Shahr [Reading the Nightlife of Tehran, from Yesterday to Still: The City of Night and the Night of the City]. Retrieved from <http://zibasazi.ir/fa/2016-01-26-13-21-45/bookplc/>. [in Persian]
- Heshmati, S., & Charehjo, F. (2018). Ta'sir-e keyfiyat-ha-ye mohit bar amniyat-e edrakshode-ye sakenan, ba ta'kid bar moallefe-ha-ye nasl-e avval va dovvom-e septed [The impact of environmental qualities on perceived security of residents, with an emphasis on CPTED's first and second generation components (Case study: Sanandaj old texture)]. *Pazhuhesh-Ha-Ye Rahbordi-Ye Masael-E Ejtema'i-Ye Iran*, 7(3), 83-100. [in Persian]
- Jiang, B., Mak, C. N. S., Zhong, H., Larsen, L., & Webster, C. J. (2018). From broken windows to perceived routine activities: Examining impacts of environmental interventions on perceived safety of urban alleys. *Frontiers in Psychology*, 9(2450), 1-16.
- Kashfi, S. A. (2012). Barnamerizi-ye oghat-e feraghat-e shabane-ye shahri-ye Tehran, Motale'e-ye moredi: Manategh-e 1 va 2 Shardari-ye Tehran [Urban night leisure planning in Tehran, Case study: Regions 1 and 2 of Tehran Municipality]. (Master's thesis), Islamic Azad University - Central Tehran Branch. [in Persian]
- Kolioulis, A. (2018). More day in the night? The gentrification of London's night-time through clubbing. *Bollettino della Società Geografica Italiana*, 1(2), 207-218.
- Llewelyn-Davies, & Partnership, H. M. (2004). Safer places: The planning system and crime prevention. Thomas Telford.
- Mohamed, N. A. (2017). Role of urban nightscape in good perception of the city Sudan. (Doctoral dissertation), University of Science and Technology.
- Németh, J., & Schmidt, S. (2011). Publicly accessible space and quality of life: A tool for measuring the openness of urban spaces. In *Quality-of-Life Community Indicators for Parks, Recreation and Tourism Management* (pp. 41-66). Netherlands: Springer.
- Neutens, T., Schwanen, T., & Witlox, F. (2011). The prism of everyday life: Towards a new research agenda for time geography. *Transport Reviews*, 31(1), 25-47.
- Park, Y., & Garcia, M. (2019). Pedestrian safety perception and urban street settings. *International Journal of Sustainable Transportation*, 1-12. <https://doi.org/10.1080/15568318.2019.1641577>.
- Pedrero-García, E. (2018). Nightlife and alcohol consumption among youths: The botellón phenomenon in Spain. *SAGE Open*, 8(3), 1-7.
- Pinke-Sziva, I., Smith, M., Olt, G., & Berezvai, Z. (2019). Overtourism and the night-time economy: A case study of Budapest. *International Journal of Tourism Cities*, 5(1), 1-16.
- Pinto, A. J., & Remesar, A. (2015). Urban cohesion: A public space network assessment. *On the w@terfront*, 39(2), 7-25.
- Piroozfar, P., Farr, E. R. P., Aboagye-Nimo, E., & Osei-Berchie, J. (2019). Crime prevention in urban spaces through environmental design: A critical UK perspective. *Cities*, 95, 102411.
- Rahmani, K., Dadashkhah, Z., Alighadri, M., Mokhtari, A., & nazari, h. (2019). Arzyabi-ye zistmohiti-ye charkhe-ye hayat-e samanye modiriyat-e pasmand-e shahr- bar paye-ye modelsazi-ye LCAIWM1 (Motale'e-ye moredi: Shahr-e Rasht) [Environmental assessment of life cycle of waste management system based on LCAIWM1 modeling (Case study: Rasht city)]. *Behdasht-E Mohit*, 6(4), 443-456. [in Persian]
- Ramlee, M., Omar, D., Mohd Yunus, R., & Samadi, Z. (2018). Attributes of successful public spaces through users perception. *Asian Journal of Quality of Life*, 3(11), 21-28.
- Rowe, D., & Bavinton, N. (2011). Tender for the night: After-dark cultural complexities in the night-time economy. *Continuum*, 25(6), 811-825.
- Sarstedt, M., & Mooi, E. (2014). A concise guide to market research: The process, data, and methods using IBM SPSS Statistics. Heidelberg: Springer.
- Shahabi, M. (January 25, 2020). Negahi Jame'shenakhti be zendege-ye shabane-ye shahri: Az nightlife ta zist-e shabane-ye Irani [A sociological look at urban nightlife: from nightlife to Iranian night life]. Retrieved from <http://zibasazi.ir/fa/2016-01-26->

- 13-21-45/bookplc/. [in Persian]
- Shaykh-Baygloo, R., & Soltani, Z. (2019). Matlubiyat-e gardeshgari-ye shabane-ye shahr-az didgah-e gardeshgaran (Motale'e-ye moredi: Gardeshgaran-e shahr-e Shiraz) [Desirability of urban night tourism from tourists' viewpoint (Case study: Shiraz city tourists)]. *Gardeshgari-Ye Shahri*, 6(1), 67-85. [in Persian]
 - sheikhhbeglo, R., & Tabrizi, N. (2017). Tose'e-ye gardeshgari-ye shabane-ye shahri dar Iran; Tahlil-e moghayese'i-ye shahr-ha-ye Esfahan, Tabriz, Shiraz, Mashhad va Yazd [Development of urban night tourism in Iran; Comparative analysis of cities of Isfahan, Tabriz, Shiraz, Mashhad and Yazd]. *Barnamerizi-Ye Mantaghe'i*, 6(24), 45-58. [in Persian]
 - Sogaard, T. F. (2017). Ethnicity and the policing of nightclub accessibility in the Danish night-time economy. *Drugs: Education, Prevention and Policy*, 24(3), 256-264.
 - Taghvaei, A. A., Rafeian, M., & Rezvan, A. (2011). Tahlil-e rabete-ye beyn-e moallefe-ha-ye karbari-ye zamin ba kahesh-e jarayem va na-amni-ye shahri (Motale'e-ye moredi: Mantaghe-ye 17 shahr-e Tehran) [Analysis of the relationship among the components of land use with the declining of urban crime and insecurity (Case study: Region 17th. of the city of Tehran)]. *Pazhuhesh-Ha-Ye Joghrafiya-Ye Ensani*, 43(77), 19-38. [in Persian]
 - Tiwari, R. (2015). Designing a safe walkable city. *Urban Design International*, 20(1), 12-27.
 - Tulumello, S., & Falanga, R. (2015). An exploratory study of uses of 'urban security' and 'urban safety' in international urban studies literature. *Dedalus-Revista Portuguesa de Literatura Comparada*, 19, 55-85.
 - van Nes, A., López, M., de Bonth, L., Verhagen, D., & Waaijer, S. (2016). Spatial tools for diagnosing the degree of safety and liveability, and to regenerate urban areas in the Netherlands. *Research in Urbanism Series*, 4, 139-156.
 - Velikova, E., & Dimitrova, S. (2019). Good practices in the night tourism—Case studies from Bulgaria. *Economics and Management*, 16(2), 189-199.
 - Wilkinson, S. (2015). Alcohol, young people and urban life. *Geography Compass*, 9(3), 115-126.
 - Yaran, A., Arjomandi, H., & Mesgarian, M. (2019). Ta'sir-e moallefe-ha-ye kalbadi bar ehsas-e amniyat-e zanan dar faza-ha-ye baz-e gardeshgar-ye shahri, Nemune-ye moredi: Khiyaban-e 30 Tir [Investigating the contribution of physical components of women's sense of safety to open spaces of urban tourism, Case study: 30 Tir street]. *Manzar*, 11(47), 24-37. [in Persian]
 - Yazdani, A., & Dadashpoor, H. (2016). Mas'ale-ye hozur dar faza: Agahi va ameliyat-e faza'i, ba ta'kid bar faza-ha-ye omumi-ye shahri [The problem of presence in the space: Spatial consciousness and agency, with emphasis on urban public space]. *Motaleat-E Joghrafiya'i-Ye Manategh-E Khoshk*, 7(26), 91-73. [in Persian]
 - Yucer, A. A., Kan, M., Demirtas, M., & Kalanlar, S. (2016). The importance of creating new inheritance policies and laws that reduce agricultural land fragmentation and its negative impacts in Turkey. *Land Use Policy*, 56, 1-7.
 - Zanganeh, A., Soleimani, M., Karami, T., Abaszadeh, M., & Vaisi, R. (2019). Tabyin-e puya'i-ye faza'i-kalbadi-ye bakhsh-e markazi-e shahr-e Rasht [The explanation of physical-spatial dynamics in Rasht city's central district]. *Motaleat-E Barnamerizi-Ye Sokonatgah-Ha-Ye Ensani*, 13(4), 873-892. [in Persian]

نحوه ارجاع به مقاله:

اصغری زمانی، اکبر؛ روستایی، شهریور؛ زالی، نادر؛ شفیعی ماسوله، سیده سمیرا؛ (۱۴۰۰) بررسی نقش محوری جریان فضایی-زمانی فعالیت‌های زمان غروب و شب در ادراک امنیت (نمونه مورد مطالعه: مرکز شهر رشت)، مطالعات شهری، ۱۰(۴۰)، ۷۳-۸۸. doi: 10.34785/J011.2022.512/.73-88
Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleat Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا در شهر رشت با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای نظام‌مند^۱

فضیلت طهری - پژوهشگر دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
مهین نسترن^۲ - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
پرویز اجاللی - دانشیار بازنشسته، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۲ مهر ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۰۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

شهر رشت، به عنوان نمونه یک شهر ایرانی، از افراد متنوع و گوناگون با سنین، جنسیت‌ها، توانایی‌های جسمی و پیشینه‌های قومی مختلف تشکیل شده است. بسیاری از سازوکارهای برنامه‌ریزی شهری جهان با پذیرش تنوع و گوناگونی ساکنان شهری به سوی به‌کارگیری رویکردهای تنوع‌گرا و گنجانیدن تنوع‌ها و تفاوت‌ها در فرایندهای برنامه‌ریزی شهری تغییرمسیر داده‌اند، اما سازوکار برنامه‌ریزی شهری کشور ایران و به تبع آن شهر رشت در سایه تفکرات مدرنیسم همچنان با شهروندان به صورت نوعی واحد برخورد می‌کنند و تفاوت‌های سنی، جنسیتی، قومی نژادی، مذهبی، تفاوت در توانایی جسمی و در نتیجه تفاوت در نیازهای شهروندان در شهر را در نظر نمی‌گیرند. نظریه و عمل برنامه‌ریزی به تازگی از ضرورت خدمات‌رسانی به طیف متنوعی از نیازها و ترجیحات آگاه‌تر شده و برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت، تفسیری اجتماعی از برنامه‌ریزی برای شهرها و رویکردی است که نیازهای گروه‌های اجتماعی مختلف را در نظر می‌گیرد. در کشورمان با خلأ مطالعات دانشگاهی در زمینه معرفی رویکرد برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت و شناسایی عوامل مؤثر بر به‌کارگیری و تحقق آن روبه‌رو هستیم. از این‌رو هدف از این مطالعه معرفی اجمالی این رویکرد و شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق آن در شهر رشت بر مبنای دیدگاه‌های صاحب‌نظران برنامه‌ریزی این شهر است. با توجه به نوع مسئله و جامعه آماری تحقیق از روش نظریه زمینه‌ای نظام‌مند استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها ابتدا پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته‌ای طراحی و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی با ۱۰ نفر از صاحب‌نظران برنامه‌ریزی این شهر مصاحبه‌های عمیق انجام شد. داده‌های متنی حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از فرایند کدگذاری و روش تحلیل سطر به سطر در نرم‌افزار مکس کیو دی ای^۲ تحلیل شدند. در نهایت عوامل مؤثر بر تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا در قالب ۱۷ مقوله اصلی و ۵۹ مقوله فرعی و روابط میان آنها شناسایی شدند و مدل پارادایمی الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا با تأکید بر شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پیامدی و راهبردهای تحقق این الگو ارائه شد. نتایج نشان می‌دهد طیف گسترده‌ای از زیرساخت‌های اندیشه‌ای، سیاستی، ابزاری، سازمانی، قانونی، مالی، آموزشی و فرهنگی اجتماعی در تحقق این رویکرد مؤثرند که شناسایی و تبیین آنها می‌تواند راهنمای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات آینده مراجع برنامه‌ریزی شهری کشورمان باشد.

واژگان کلیدی: الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا، گروه‌های اجتماعی متنوع، نظریه زمینه‌ای، فرایند کدگذاری، مقوله‌ها، شهر رشت.

نکات برجسته

- معرفی نظریه زمینه‌ای به عنوان روشی مناسب برای درک مجموعه شرایط و عوامل مؤثر بر تحقق رویکرد تنوع‌گرا در شهر رشت
- سازماندهی طیف گسترده‌ای از عوامل مؤثر در تحقق رویکرد تنوع‌گرا در قالب پنج دسته شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پیامدی و راهبردها
- دسته‌بندی طیف گسترده‌ای از عوامل مؤثر در تحقق رویکرد تنوع‌گرا در قالب زیرساخت‌های اندیشه‌ای، سیاستی، ابزاری، سازمانی، قانونی، مالی، آموزشی و فرهنگی اجتماعی

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان "توسعه مدل مفهومی الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا، مطالعه موردی: شهر رشت" است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و سوم در دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: m.nastaran@aui.ac.ir

۱. مقدمه

جامعه امروز از افراد متنوع و گوناگون با سنین، جنسیت‌ها، نژادها و پیشینه‌های قومی، توانایی‌های جسمی و باورهای مختلف تشکیل شده است (Higgins et al., 2005: 11). جنسیت، نژاد، معلولیت و سن موضوع‌های کلیدی و ریشه بسیاری از تبعیض‌ها در جوامع هستند (Reeves, 2004: 8). از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی هنگامی که دیدگاه‌های انتقادی درباره اشکالی از برنامه‌ریزی که این تنوع و گوناگونی پیچیده در زندگی شهری را نادیده می‌گرفتند، شروع به ظهور کردند، تفکر برنامه‌ریزی، رویکردهایی که با شهروندان شهری به مثابه افرادی همانند و یک جور برخوردار می‌کرد را نپذیرفت. برنامه‌ریزی به طور روزافزونی به دلیل در نظر گرفتن تنوع شهرها و ساکنانشان شکست خورد و به همین دلیل مقصدانسته شد. صداهای مخالف به طور گسترده‌ای صداهای گروه‌هایی تعبیری شدند که نقطه نظرات خاص آنها، تجربه‌هایشان از شهر و انتظاراتشان در فرایند برنامه‌ریزی به حاشیه رانده شده بود و به نظر می‌رسید که همگونی بستر شهری متنوع، مسلم فرض شده بود. چهل سال بعد از نخستین حمله‌ها به فرضیات و اقدامات همگون‌کننده برنامه‌ریزی، تنوع شهرها و ساکنانشان به موضوع اصلی دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های تفکر و عمل برنامه‌ریزی و به طور کلی نظریه شهری تبدیل شده است (Fincher & Iveson, 2008, vii:2).

برای کسانی که با وجود این انتقادات بر این باورند که برنامه‌ریزی همچنان می‌تواند ابزار ارزشمندی در مبارزه برای عدالت و حق به شهر باشد، شناسایی چارچوب جدیدی برای به کارگیری برنامه‌ریزی در شهرهای معاصر بسیار مهم است (Bridge & Watson, 2011: 407). نظریه و عمل برنامه‌ریزی به تلاقی از ضرورت خدمت‌رسانی به طیف متنوعی از نیازها و ترجیحات آگاه‌تر شده است. رویکرد برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت چارچوب جدیدی برای تفکر در مورد برنامه‌ریزی شهرها ارائه می‌کند. این چارچوب در جست‌وجوی برجسته کردن تعهدات و فرصت‌های اجتماعی برنامه‌ریزی است (Fincher & Iveson, 2008, vii).

وظیفه سازوکارهای برنامه‌ریزی شهری، پاسخگویی به نیازهای گروه‌های اجتماعی متنوع در قالب اقدامات برنامه‌ریزی شهری است. بسیاری از سازوکارهای برنامه‌ریزی شهری جهان با پذیرش تنوع و گوناگونی ساکنان شهری به سوی به کارگیری رویکردهای تنوع‌گرا^۱ و در نظر گرفتن و گنجاندن تنوع‌ها و تفاوت‌ها در فرایندهای برنامه‌ریزی شهری تغییرمسیر داده‌اند، اما سازوکار برنامه‌ریزی شهری کشور ایران و به تبع آن شهر رشت در سایه تفکرات مدرنیستی همچنان با شهروندان به صورت گونه و عام برخوردار می‌کند و تفاوت‌های سنی، جنسیتی، قومی نژادی، مذهبی، تفاوت در توانایی جسمی و در نتیجه تفاوت در نیازهای شهروندان در شهر را در نظر نمی‌گیرد.

عوامل متعددی در به کارگیری و تحقق رویکردهای نوین برنامه‌ریزی شهری از جمله رویکرد تنوع‌گرا توسط سازوکار برنامه‌ریزی شهری کشورمان دخیل هستند که شناسایی و تبیین آنها می‌تواند راهنمای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات آینده مراجع برنامه‌ریزی شهری کشورمان

در سطح ملی و محلی برای به رسمیت شناختن گروه‌های اجتماعی متنوع، پاسخگویی به نیازهای متفاوتشان در شهر و مقابله با تبعیض در اقدامات برنامه‌ریزی شهری باشد. هدف این مطالعه معرفی اجمالی این رویکرد و شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق آن در شهر رشت بر مبنای دیدگاه‌های صاحب نظران برنامه‌ریزی این شهر است. با توجه به نوع مسئله و جامعه آماری تحقیق از روش نظریه زمینه‌ای نظام‌مند^۲ استفاده شده است. این روش در مواردی کاربرد دارد که دانش ما در آن زمینه‌ها محدود است. شهر رشت به عنوان نمونه یک شهر ایرانی و یک کلانشهر غیررسمی به سرعت در حال رشد به عنوان بستر مطالعه کیفی انتخاب شده است؛ چرا که با توجه به سهم قابل توجه گروه‌های اجتماعی مختلف از کل جمعیت شهر به استناد آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ (زنان حدود ۵۱ درصد، کودکان ۱۷ درصد، سالمندان ۱۱ درصد و توانخواهان تحت پوشش بهزیستی حدود ۱/۵ درصد از کل جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند (www.amar.org.ir, 2020))، به رویکرد برنامه‌ریزی شهری مؤثرتری برای پاسخگویی به نیازهای گروه‌های مختلف اجتماع نیاز دارد.

۲. چارچوب نظری

۲.۱ تنوع و تفاوت

اصطلاح تنوع، معانی گوناگونی در ادبیات شهری دارد. در میان طراحان شهری به اختلاطی از انواع ساختمان (طراحی کالبدی متنوع) اطلاق می‌شود. در میان برنامه‌ریزان ممکن است به معنای کاربری‌های مختلط یا ناهمگونی طبقاتی و نژادی قومی باشد. در میان جامعه‌شناسان و تحلیلگران فرهنگی عمدتاً در معنای دوم به کار می‌رود (Fainstein, 2005: 4). خصوصیات و ویژگی‌های تنوع به سه بعد اجتماعی، جمعیت‌شناختی و فرهنگی قابل تقییل هستند. تنوع به طیف به شدت متنوعی از افراد با زمینه‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی مختلف اشاره می‌کند که در شهر زندگی و کار می‌کنند (Leicester city council, 2012: 2). تنوع صرفاً بر قومیت یا جنسیت یا طبقه اجتماعی متمرکز نیست. تنوع تا حد زیادی یک اصطلاح توصیفی است که ابعاد مختلف تمایز اجتماعی را در بر می‌گیرد: قومی، مذهبی، جنسیتی و غیره (Vertovec, 2014: 7). مفهوم تنوع در حال حاضر به مثابه لقبی برای سیاست‌هایی به کار می‌رود که به ناهمگونی جمعیت محلی می‌پردازند و در مقایسه با چند فرهنگ‌گرایی که بر تفاوت قومی فرهنگی متمرکز است، سیاست‌های تنوع در نظر گرفتن مقوله‌های مختلف و متعدد تفاوت شامل نژاد/ قومیت، جنسیت، سن، گرایش جنسی و توانایی ذهنی/ جسمی به مفهوم تفاوت نزدیک می‌شوند (Schiller, 2016: 2).

به عقیده ریوز سردرگمی از اینجا ناشی می‌شود که برخی از تفاوت‌ها منجر به تبعیض و محرومیت می‌شوند و برخی دیگر نه. جنسیت، نژاد، معلولیت و سن موضوع‌های کلیدی و ریشه بسیاری از تبعیض‌ها در جوامع هستند (Reeves, 2004: 8). فینچر می‌گوید نکته مهم این است که تفاوت بین گروه‌های اجتماعی مختلف در برخورداری از فرصت‌ها و برآمدهای منتج از اقدامات برنامه‌ریزی شهری به طور پیوسته توسط طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها و رویه‌ها که برخی از مردم را در جریان

- 1 Planning for diversity and Difference
- 2 Diversity-Oriented Approaches

اصلی قرار می‌دهند و دیگران را به حاشیه می‌رانند، بازتولید می‌شود (Fincher, 2003:1). سیاست‌های برنامه‌ریزی بر تخصیص و توزیع منابع میان گروه‌های مختلف مردم تأثیرگذارند. اثرات اجتماعی توزیعی سیاست‌های برنامه‌ریزی خنثی و بی‌طرف نیستند. بلکه برنامه‌ریزی این پتانسیل را دارد که بر این که چه کسانی به چه منابعی دسترسی پیدا می‌کنند، تأثیر بگذارد. سیاست‌ها و فرآیندهای برنامه‌ریزی می‌توانند ناخواسته نسبت به برخی از افراد یا گروه‌ها بی‌توجه باشند و ممکن است ناخواسته، علیه برخی از بخش‌های جامعه تبعیض قائل شوند (Booth et al., 2004:4-5). بنابراین مفهوم تفاوت به معنای تفاوت در برخورداری از فرصت‌ها و برآمدهایی است که اقدامات برنامه‌ریزی شهری برای شهروندان فراهم می‌کنند.

۱.۲ برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت

بین مردم تنوع وجود دارد. گروه‌های ذی نفع و گروه‌های با ویژگی‌های خاص وجود دارند که به رسمیت شناختن آنها ضروری است. اما آنچه مهم است، این است که تفاوت بین گروه‌ها به طور پیوسته توسط طیف گسترده‌ای از فرایندها و سیاست‌ها که برخی از افراد را در جریان اصلی قرار می‌دهند و دیگران را به حاشیه می‌رانند، بازتولید می‌شوند. سیاست‌های برنامه‌ریزی جزو آن دسته از سیاست‌هایی هستند که در ابتدا به روش‌های خاصی تنوع را تشخیص می‌دهند و از سوی دیگر می‌توانند منجر به تداوم تفاوت‌ها شوند (Fincher, 2003: 1). برای کسانی که با وجود این انتقادات بر این باورند که برنامه‌ریزی همچنان می‌تواند ابزار ارزشمندی در مبارزه برای عدالت و حق به شهر باشد، شناسایی چارچوب جدیدی برای به‌کارگیری برنامه‌ریزی در شهرهای معاصر بسیار مهم است (Bridge & Watson, 2011:407).

در نظر گرفتن نیازهای همه گروه‌های اجتماعی متنوع و رسیدگی به آن نیازها توسط رهیافت برنامه‌ریزی برابری‌گرا و همه‌شمول، بسیار مهم و حیاتی است (Greater London Authority, 2007: 6). برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت، تفسیری اجتماعی از برنامه‌ریزی برای شهرها و رویکردی است که نیازهای گروه‌های اجتماعی مختلف را در نظر می‌گیرد (Reeves, 2004: 182). در این تفسیر عمیقاً اجتماعی از برنامه‌ریزی برای شهرها، دو چارچوب مفهومی یا شیوه مشاهده وجود دارد که باید به طور همزمان به‌کار گرفته شوند. نخست، برنامه‌ریزی برای طیف متنوعی از افرادی که در شهرها زندگی و از آن استفاده می‌کنند، که برنامه‌ریزی برای تنوع است و دوم، برنامه‌ریزی زمینه‌ها و سازوکارهای نهادی به گونه‌ای که مروج و مشوق برابری دسترسی در مکان‌های مختلف باشد که برنامه‌ریزی برای کاهش تفاوت است (Fincher, 2003:2). برنامه‌ریزی برای تنوع، شیوه‌ای از تفکر درباره گروه‌هایی از افراد دارای ویژگی‌های خاص است که به دلیل تفاوت‌هایشان با جریان اصلی به توجه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی نیاز دارند. در برنامه‌ریزی برای کاهش تفاوت‌های تثبیت شده، محرومیت و نابرابری مکانی یک مفهوم اصلی و اولیه است، به این معنا که ویژگی‌های یک مکان موجب ایجاد فرصت‌ها و موانعی برای مردم می‌شود. جایی که افراد زندگی می‌کنند، تفاوت ایجاد می‌کند، زیرا مکان‌ها از ترکیب‌های مختلف و متغیری از امکانات، حمل‌ونقل عمومی، زیرساخت‌های اجتماعی و کالبدی برخوردارند که بر تحرک و

دسترسی تأثیر می‌گذارد (Fincher, 2003:3).

بازشناسی و توزیع مجدد^۱ منطق‌ها، هنجارها یا اهداف اجتماعی^۲ متناظر با برنامه‌ریزی برای تنوع و برنامه‌ریزی برای تفاوت هستند. بازشناسی، عمل تصدیق وجود "افراد مختلف" در هر زمینه و بستری است که از طریق شناسایی و برجسب‌گذاری گروه‌های ذی نفع در یک کشمکش، درگیری یا موقعیت انجام می‌شود. توزیع مجدد، استفاده از برنامه‌ریزی برای کاهش اختلاف بین فقیر و غنی در شهرهاست که اغلب از طریق راهبردهایی با هدف کاهش محرومیت مکانی از طریق قرار دادن امکانات عمومی و زیرساخت‌های اجتماعی و کالبدی انجام می‌شود (Fincher, 2007: 41). بازشناسی مثبت / پذیرا^۳ و بازشناسی نسبی / رابطه‌ای^۴ مفاهیم مهم در بازشناسی هستند. در بازشناسی مثبت / پذیرا بر اساس مدل ذات‌گرا یا اصیل هویت^۵، بین گروه‌های مختلف که مجموعه منافع و تجربیات مشترکی دارند، مرزهایی وجود دارد (Fincher & Iveson, 2008: 91). اما در بازشناسی نسبی / رابطه‌ای، هویت به عنوان نوعی رابطه مبتنی بر تفاوت از دیگران و نه بر اساس جدایی از دیگران، درک می‌شود (Rose, 1997). از این نظر، یک گروه اجتماعی در درجه نخست بر اساس مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات مشترک تعریف نمی‌شود بلکه بر اساس هویت و روابطش با دیگران تعریف می‌شود. برخورداری / محرومیت مکانی و دسترسی پذیری مفاهیم مهم در توزیع مجدد هستند. برخورداری / محرومیت مکانی به طور کلی به یک مکان، محل یا منطقه اطلاق می‌شود که از نظر تسهیلاتی که حاوی آن است، برای ساکنانش سودمند یا محرومیت‌زاست. دسترسی پذیری، مادیت کالبدی فاصله بین یک شخص و امکانات یا خدماتی است که افراد ممکن است به آنها نیاز داشته باشند. قابلیت دسترسی به خدمات چیزی بیشتر از مجاورت کالبدی با آنهاست و شامل درک حس نزدیکی یا سهولت دسترسی اجتماعی گروه‌های اجتماعی متنوع به تسهیلات و خدمات است (Fincher & Iveson, 2008: 30-36).

نظریه تنوع‌گرا به دلیل توجه به گروه‌های اجتماعی مختلف در فرآیندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری با تعدادی از نظریه‌های برنامه‌ریزی همچون برنامه ریزی وکالتی، برنامه ریزی مساوات خواه و برنامه ریزی دموکراتیک قرابت محتوایی دارد. آنچه برنامه ریزی برای تنوع و تفاوت را از برنامه ریزی وکالتی، مساوات خواه و دموکراتیک متمایز می‌کند، تأکید این برنامه ریزی بر اصلاح محتوای برنامه‌ها و تشریح دقیق محتوای یک برنامه توسعه شهری تنوع‌گرا و البته کثرت‌گرا و مردم محور در مقابل تأکید سایر رویکردها بر دخالت دادن هر چه بیشتر گروه‌های محروم جامعه در فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری یا به بیانی دیگر مشارکت مردمی است. در جدول شماره ۱ مطالعات جهانی پیرامون برنامه ریزی برای تنوع و تفاوت در دو حوزه نظری و تجربی اجمالاً مرور می‌شود.

1 Recognition and Redistribution

2 Planning Logics/Norms/Goals

3 Affirmative Model of Recognition

4 Relational Model of Recognition

5 Essentialist or Authenticity Model of Identity

جدول شماره ۱۵: مرور مطالعات جهانی درباره برنامه ریزی برای تنوع و تفاوت

صاحب نظر برنامه ریزی	توضیحات
فینچر و ایوسن	معرفی در رویکرد برنامه ریزی برای تنوع و برنامه ریزی برای تفاوت، معرفی دو منطق/هنجار اجتماعی بازشناسی و توزیع مجدد به عنوان دو هدف اجتماعی کلی برنامه ریزی شهری و تشریح مفاهیم مهم مطرح در بازشناسی و توزیع مجدد و قواعد تصمیم گیری یا شیوه های ایجاد تنوع عادلانه از طریق بازشناسی و توزیع مجدد (Fincher, 2003; Fincher, 2007; Fincher & Iveson, 2008; Bridge & Watson, 2011)
ریوز	معرفی رهیافت در جریان اصلی قرارداد، نقش برنامه ریزی فضایی در مقابله با محرومیت اجتماعی ناشی از نژاد، قومیت، سن، جنسیت، معلولیت و جز آن، وضع مقرراتی علیه تبعیض بین افراد، عدم شناخت نهادهای برنامه ریزی محلی از تنوع موجود در جامعه و چگونگی در نظر گرفتن موضوعات مرتبط با تنوع در فرآیندهای برنامه ریزی، دستورالعمل های راهنمای دولتی در زمینه ادغام تنوع و برابری در جریان اصلی فرآیندهای برنامه ریزی و اسناد سیاست گذاری، ایجاد سازمان های مدافع حقوق گروه های اجتماعی مختلف و ارزیابی اثرات سیاست ها و برنامه ها بر گروه های مختلف (Reeves, 2004)
ورتووک	تعاریف مختلف مفهوم تنوع، منشاء و خاستگاه گفتن تنوع در ایالات متحده آمریکا و اروپا، اتخاذ سیاست «قراردادن تنوع در جریان اصلی» در تمام سطوح بخش عمومی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و انتقادات و ارزیابی های منفی از سیاست ها و برنامه های تنوع (Vertovec, 2007; Vertovec, 2012; Vertovec, 2014)
بوث و همکاران	بازبینی و بررسی سیاست ها و دستورالعمل های راهنمای برنامه ریزی بریتانیا به منظور حصول اطمینان از پرداختن آن سیاست ها و دستورالعمل های راهنما به نیازهای یک جامعه متنوع و انطباق کامل آنها با قوانین برابری بریتانیا، معرفی چارچوب در حال رشد قوانین مرتبط با برابری در بریتانیا (Booth et al., 2004)
هیگینز و همکاران	ارائه دستورالعمل راهنما و تأکید بر تعهد دولت ها به تدوین سیاست های مرتبط با زندگی روزمره مردم و در نظر گرفتن نیازهای تمام بخش های جامعه و قرارداد موضوعات مرتبط با تنوع در جریان اصلی کارهای روزمره نهادهای برنامه ریزی (Higgins et al., 2005)
شهرداری لندن	معرفی برخی از اصول اساسی راهنمای برنامه ریزی برای برابری و تنوع در بستر لندن، نحوه تأثیرگذاری موضوعات مهم برنامه ریزی فضایی بر برابری و تنوع، نیازهای فضایی خاص گروه های هدف (کودکان و جوانان، سالمندان، توانخواهان، اقلیت های قومی و ...) و راهنمایی های مفصل و دقیقی درباره چگونگی استفاده از سیاست ها و پیشنهادهای برنامه ریزی برای پاسخگویی به این نیازهای فضایی خاص (Greater London Authority, 2007, 3)
گراهام و فیلیس	بررسی انواع سیاست ها و پروژه هایی که حکومت های محلی چهار شهر بزرگ تورنتو، مونترال، ونکوور و وینپینگ در واکنش به موضوع تنوع به کار گرفتند و نهادهای جدیدی که برای رسیدگی به مسئله تنوع ایجاد نمودند (Graham & Phillips, 2006, 17-22)
احمدی و تاسان کوک	تشریح ویژگی های خاص مدیریت تنوع در تورنتو عبارتند از تسلط رویکرد کثرت گرا (سالمندان، جوانان، زنان، فقرای شهری، گروه های قومی، توانخواهان، بومی ها و بی خانمان ها) نسبت به تنوع در سیاست گذاری ها، استفاده از رویکرد دارایی منبأ در مدیریت تنوع و به هم پیوستگی سطوح و لایه های مختلف حکومت در اجرای سیاست های تنوع (Ahmadi & Tasan-Kok, 2014)
اندرسن و همکاران	تشریح اقدامات شهر کینهاگ در زمینه تنوع از جمله به کارگیری راهبرد در جریان اصلی قرارداد برای دستیابی به ابتکار عمل های منسجم و موفق برای پاسخگویی به تنوع از طریق گنجاندن ملاحظات مرتبط با تنوع در سیاست ها و اسناد شهرداری، اقدامات روزانه کارمندان شهرداری و مدیریت روزمره شهر (Andersen et al., 2014)
شیلر	تشریح سیاست های تنوع و تمایز آن با سیاست های چندفرهنگ گرایانه و جذب و تشریح ساختار سازمانی، عاملان و اقدامات مرتبط با اجرای سیاست های تنوع در سه شهر اروپایی لیدز، آمستردام و آنتورپ (Schiller, 2016)

۳. روش

اما مرتبط آزاد هستند (Vahidi Borji, 2017: 8). یکی از ایرادات وارد بر روش مصاحبه نیمه ساختارمند این است که محقق در چنین روشی سعی می کند فارغ از پاسخگویی مصاحبه شوندگان محتوای بحث را در مسیر اهداف خود حفظ کند که این خود تا حدودی نتیجه را ریب می کند.

برای گردآوری داده ها ابتدا پرسشنامه نیمه ساختار یافته ای بر مبنای مروریات تحقیق طراحی شد. نمونه گیری بر اساس روش نمونه گیری هدفمند و غیر احتمالی انجام شده و از میان راهبردهای نمونه گیری هدفمند معرفی شده توسط گال و همکاران و تدلی و تشکری (Gall et al., 1996; Tashakkori et al., 2020) نمونه منتخب ۱۰ نفر از باتجربه ترین اساتید دانشگاه و مدیران شهری با میانگین ۲۵ سال سابقه پژوهش و فعالیت اجرایی هستند که با روش گلوله برفی و به پیشنهاد و توصیه دیگر مصاحبه شوندگان انتخاب شدند. پس از مصاحبه عمیق با ۱۰ متخصص، اشباع نظری حاصل شد اما به علت اطمینان بیشتر مصاحبه ها تا ۱۴ مصاحبه ادامه یافت. در جدول شماره ۲ مشخصات مصاحبه شوندگان آمده است.

برای دستیابی به هدف تحقیق از روش نظریه زمینه ای که یکی از کارآمدترین روش های تحقیق کیفی است، استفاده شده است. زیرا مسئله تحقیق، مسئله ای چندوجهی، پیچیده و فرآیندی است و نظریه زمینه ای می تواند روش مناسبی در درک مجموعه شرایط و عوامل مؤثر باشد. در روش نظریه زمینه ای، پژوهشگر کار را با نظریه ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی کند، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می کند و می گذارد تا نظریه از درون داده هایی که گرد می آورد، پدیدار شود (Strauss & Corbin, 2015: 34). منطق نظریه زمینه ای به روش گردآوری داده ها و روش های نمونه گیری آن جهت می بخشد. ارائه نظریه زمینه ای، مستلزم گردآوری داده های متنی مصاحبه ای عمیق است. زیرا روش مصاحبه عمیق، مهم ترین فن گردآوری داده های زمینه ای محسوب می شود (Morse, 2001). مصاحبه عمیق غالباً به عنوان مصاحبه نیمه ساختارمند معرفی می شود؛ به دلیل آن که محقق برخی کنترل ها را بر روی جهت و محتوای بحث نگه می دارد. در حالی که شرکت کنندگان در شرح دادن و یا انتخاب جهت های جدید

1 Mainstreaming Approach

2 Planning Policies and Guidance (PPGs)

3 Asset Based

4 Multiculturalism

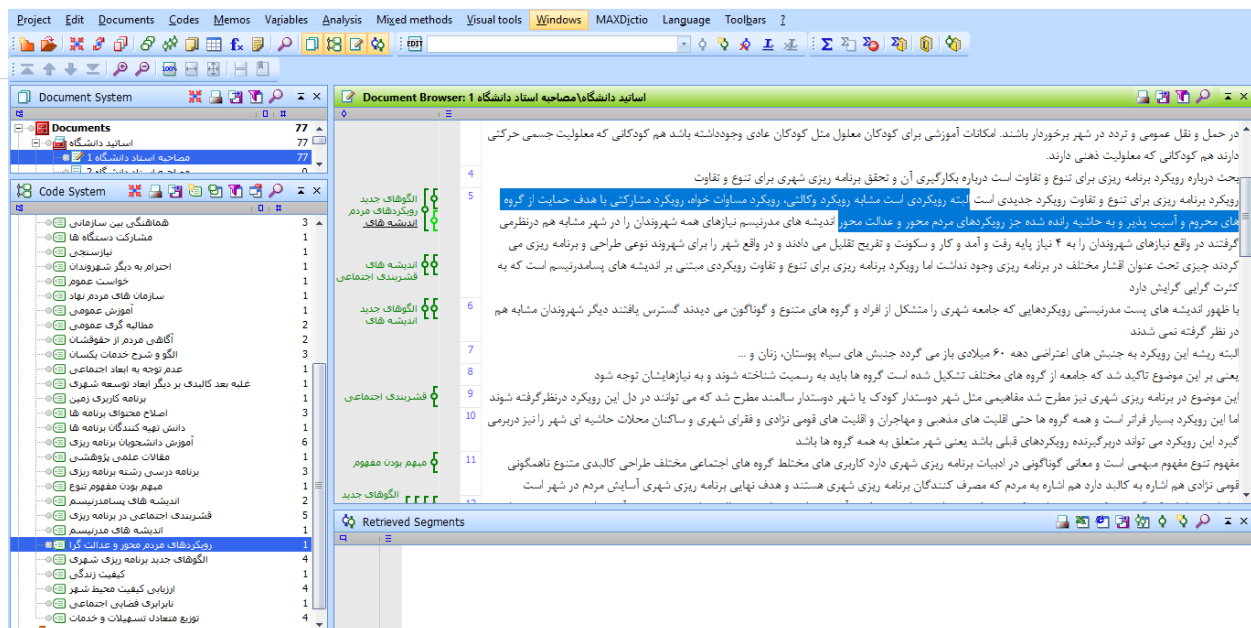
5 Assimilation

جدول شماره ۲: مشخصات مصاحبه‌شوندگان در شهر رشت

ردیف	برجسب	سمت در سازمان	سازمان	ردیف	برجسب	سمت در سازمان	سازمان
۱	M1	مدیر منطقه	شهرداری منطقه	۶	P1	استاد	دانشگاه گیلان
۲	M2	مدیر منطقه	شهرداری منطقه	۷	P2	استاد	دانشگاه گیلان
۳	M3	معاونت شهرسازی و معماری	شهرداری مرکز	۸	P3	استاد	دانشگاه گیلان
۴	M4	معاونت شهرسازی و معماری	شهرداری مرکز	۹	P4	استاد	دانشگاه گیلان
۵	M5	مدیر شهرسازی	اداره راه و شهرسازی استان گیلان	۱۰	P5	استاد	دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

تأکید دارد (Creswell, 2002: 397). در نظریه داده‌بنیاد محقق با انجام مراحل چندگانه کدگذاری شامل کدگذاری باز یا اولیه، کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری انتخابی یا گزینشی، مقولات فرعی، اصلی و هسته‌ای را از دل داده‌ها استخراج نموده و کار تحلیل را ادامه خواهد داد (Beheshti & Rezaayat, 2015; Beheshti, 2016: 51). در هر یک از این مراحل کد یا کدهای الصاق شده باید داده‌های مرتبط با خود را به سطح اشباع برسانند (Strauss & Corbin, 2013). در تصویر شماره ۱ نمونه‌ای از شکل‌گیری کدها در محیط نرم افزار نشان داده شده است.

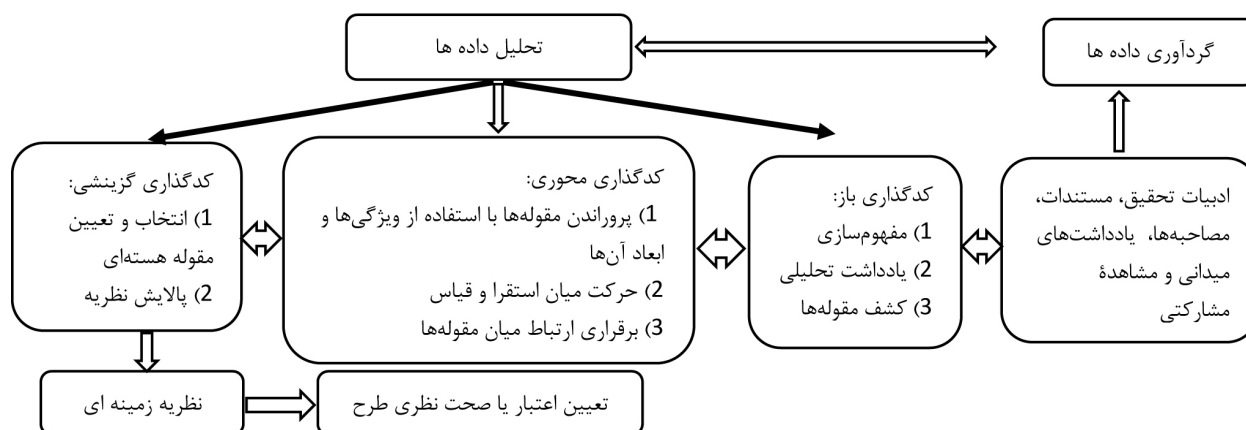
بعد از گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای و متنی، تحلیل و کدگذاری در امتداد با نمونه‌گیری آغاز می‌شود. برای این کار از نرم افزار تخصصی تحقیق کیفی مکس کیودی‌ای استفاده شده است. وظیفه عمده نرم‌افزار کمک به طبقه‌بندی داده‌ها و در ارتباط قراردادن این طبقات با یکدیگر است و امکان تحلیل پیشرفته‌تر را بر روی داده‌ها فراهم می‌آورد (Levines & Silver, 2014: 7). در این پژوهش از رهیافت نظام‌مند در نظریه‌سازی داده‌بنیاد استفاده می‌شود. رهیافت نظام‌مند بر استفاده از گام‌های تحلیل داده‌ها مشتمل بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی و تدوین یک الگوی منطقی یا یک توصیف بصری از نظریه تولیدشده



تصویر شماره ۱: نام‌گذاری روایت و شکل‌گیری کدها در محیط نرم‌افزار مکس کیودی‌ای

مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی، کدگذاری محوری نامیده می‌شود، زیرا کدگذاری در محور یک مقوله صورت می‌گیرد و مقوله‌ها را در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می‌کند (Strauss & Corbin, 2015: 145; Lee, 2001: 49). کدگذاری محوری در محیط نرم‌افزار مکس کیودی‌ای نشان داده شده است.

کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که از طریق آن مفهوم‌ها شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند. در جریان کدگذاری باز، داده‌ها به پاره‌های مجزا خرد می‌شوند و با دقت مورد بررسی قرار می‌گیرند و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند. برای انجام کدگذاری باز از روش تحلیل سطر به سطر استفاده می‌شود. این روش با معاینه دقیق و از نزدیک داده‌ها، عبارت به عبارت و گاه کلمه به کلمه انجام می‌شود (Strauss & Corbin, 2015: 141). فرآیند



نمودار شماره ۱: مراحل تحلیل در نظریه زمینه ای

الگوی برنامه ریزی تنوع‌گرا در شهر رشت، مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان برنامه‌ریزی این شهر، با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای نظام‌مند و نرم‌افزار مکس کیودی‌ای به صورت کیفی تحلیل شدند. در روش نظریه زمینه‌ای متن مصاحبه‌ها با دقت بازخوانی می‌شود و تحلیلگر بر اساس هدف پژوهش با کمترین دخالت، روایت‌های موجود در متن را استخراج کرده و آنها را به شکل مقوله‌هایی دسته‌بندی می‌کند. از کنار هم قرار دادن مقوله‌های دارای مفاهیم مشابه، مقوله‌های اصلی به دست می‌آیند. در پژوهش حاضر نیز با مرور متن مصاحبه‌ها ۱۷ مقوله اصلی به دست آمده که هر یک دارای زیرمقوله‌هایی هستند. این مقوله‌های اصلی در تصویر شماره ۴ که از نرم‌افزار استخراج شده است، معرفی شده‌اند. در ادامه رابطه میان مقوله‌های اصلی به دست آمده از تحلیل بررسی می‌شود.

در نهایت مهم است که مشخص شود آیا تبیین نظری شما برای مشارکت‌کنندگان معنا دارد و معقول است و برگردان دقیقی از وقایع و توالی آنها در خود فرایند است. در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، اعتبارسنجی بخش فعالی از فرایند پژوهش بوده و در قالب یکسری راهبردها اجرا می‌شود (Creswell, 2002). در این مطالعه از دورا هبرد (۱) تأیید مشارکت‌کنندگان از طریق ارائه یافته‌های تحقیق به سه نفر از مشارکت‌کنندگان و اعمال نقطه‌نظرات آنها (۲) درگیر بودن با پدیده تحقیق (پژوهشگر این رساله کارشناس شهرسازی شاغل در شهرداری رشت و از مجریان طرح جامع و تفصیلی این شهر است) استفاده شده است.

۴. بحث و یافته‌ها

۴/۱ شناسایی عوامل مؤثر بر به کارگیری و تحقق الگوی برنامه‌ریزی تنوع‌گرا
برای دستیابی به هدف شناسایی عوامل مؤثر بر به کارگیری و تحقق

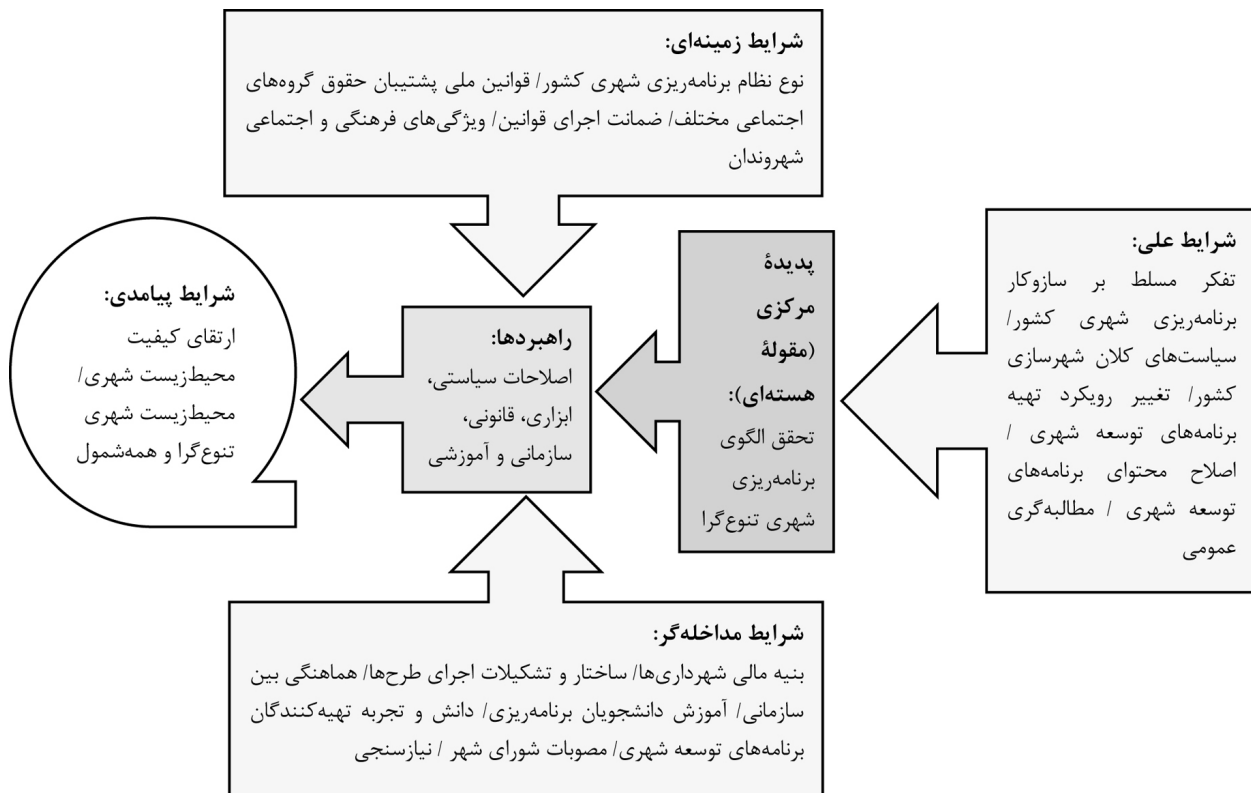
Code	Frequency
Code System	473
تفکر حاکم بر نظام برنامه ریزی شهری کشور	12
ویژگی های فرهنگی و اجتماعی جامع	5
ضمانت اجرایی قوانین	20
تغییر رویکرد تهیه برنامه ها	27
نوع نظام برنامه ریزی شهری	16
سیاست های کلان شهرسازی	28
مصوبات شورا	28
رویکرد برنامه ریزی برای تنوع و تفاوت	8
قوانین ملی	30
ساختار و تشکیلات مناسب برای اجرا	57
ضعف بنیه مالی شهرداری ها	33
هماهنگی بین سازمانی	22
نیازسنجی	19
مطالبه گری عمومی	22
اصلاح محتوای برنامه ها	55
دانش تهیه کنندگان برنامه ها	22
آموزش دانشجویان برنامه ریزی	29
کیفیت محیط شهر	40
Sets	0

تصویر شماره ۴: جدول مقوله‌های اصلی در محیط نرم‌افزار مکس کیودی‌ای

۴٫۲ تولید نظریه

در این مرحله مقوله به کارگیری و تحقق الگوی تنوع‌گرا را از مرحله کدگذاری باز انتخاب کرده و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی آن هستیم، به عنوان پدیده مرکزی قرار می‌دهیم و سپس دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهیم. این مقوله‌های دیگر عبارتند از: شرایط علی^۲ (عواملی که بر پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارند)، راهبردها (کنش‌هایی که در

پاسخ به پدیده مرکزی صورت می‌گیرد)، شرایط زمینه‌ای^۳ و مداخله‌گر^۴ (عوامل محیطی خاص و عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند) و پیامدها^۵ (خروجی‌های به دست آمده از به کارگیری راهبردها). این مرحله مشتمل بر ترسیم نموداری است که الگوی کدگذاری^۶ نامیده می‌شود (نمودار شماره ۲). الگوی کدگذاری روابط بین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها را به تصویر می‌کشد.



نمودار شماره ۲: مدل نظریه زمینه‌ای/کدگذاری محوری عوامل مؤثر بر تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا در شهر رشت

مقوله‌هایی که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، تکمیل می‌شود. بنابراین مقوله مرکزی، بخش بسیار مهمی از یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست. در ادامه عوامل مؤثر بر تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا از طریق نگارش خط داستان با تأکید بر تشریح روابط فیما بین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها، تبیین می‌شوند.

- **شرایط علی**

شرایط علی یا سبب ساز معمولاً آن دسته رویدادها و وقایع اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند (Strauss & Corbin, 2015: 153). این عوامل مجموعه شرایطی را معرفی می‌کند که بر اساس آن به کارگیری الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا به عنوان مقوله هسته‌ای، الزامی معرفی می‌شود. شرایط علی تحقق الگوی تنوع‌گرا در جدول شماره ۳ آمده است.

در این مرحله از کدگذاری، نظریه‌ای را از روابط میان مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش درمی‌آوریم. در یک سطح اصلی این نظریه، شرحی انتزاعی برای فرآیندی که در این پژوهش مطالعه می‌شود یعنی به کارگیری و تحقق الگوی تنوع‌گرا، ارائه می‌دهد. فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود بخشی نظریه در کدگذاری گزینشی از طریق تکنیک‌هایی نظیر نگارش خط داستان که مقوله‌ها را به هم متصل می‌کند و فرآیند دسته‌بندی از طریق یادداشت‌های شخصی در خصوص ایده‌های نظری است. در خط داستانی که در ادامه درباره عوامل مؤثر بر به کارگیری و تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا در شهر رشت نگارش شده، بررسی می‌شود که چگونه عوامل مخصوصی بر پدیده اثر می‌گذارند و منجر به استفاده از راهبردهایی خاص با خروجی‌های ویژه می‌شوند. به عبارت دیگر در مرحله کدگذاری گزینشی یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی گرفته می‌شود، مقوله مرکزی انتخاب می‌شود، به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها مرتبط می‌شود، آن روابط اثبات می‌شود و

- 1 Core category
- 2 Causal conditions
- 3 Contextual conditions

- 4 Intervening conditions
- 5 Consequences
- 6 Coding paradigm

جدول شماره ۳: شرایط / مقوله‌های علی تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا

نوع شرایط / مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
شرایط علی	A: تفکر حاکم بر سازوکار برنامه ریزی شهری	A1: تفکرات مدرنیسم، A2: اندیشه‌های پسامدرنیسم
	B: سیاست‌های کلان شهرسازی	B1: سیاست‌های کالبدی، B2: سیاست‌های اجتماعی در توسعه شهری، B3: سیاست‌تنوع و تفاوت، B4: سیاست یکسان‌سازی و همانندسازی
	C: تغییر رویکرد تهیه برنامه‌های توسعه شهری	C1: رویکردهای مردم‌محور، C2: الگوهای جدید برنامه ریزی شهری
	D: اصلاح محتوای برنامه‌های توسعه شهری	D1: برنامه کاربری زمین، D2: غلبه بعد کالبدی بر دیگر ابعاد توسعه شهری، D3: توجه به ابعاد اجتماعی استفاده از زمین و فضا، D4: کاربرد الگو و شرح خدمات یکسان برای تهیه طرح‌های توسعه شهری، D5: توجه به قشربندی اجتماعی و تفاوت در نیازهای اقشار مختلف
	E: مطالبه‌گری عمومی	E1: تشکل‌های مردمی مدافع حقوق گروه‌ها، E2: آگاهی شهروندان از حقوقشان، E3: آموزش عمومی، E4: خواست شهروندان، E5: نارضایتی عمومی

است. به عقیده صاحب‌نظران برنامه‌ریزی شهر رشت، بررسی اجمالی طرح جامع رشت (۱۳۸۶) حاکی از به‌کارگیری رویکرد ساده - جامع / الگوی برنامه‌ریزی جامع^۱ در تهیه این طرح است. در حالی که بیش از نیم قرن از منسوخ شدن این الگو در خاستگاه آن می‌گذرد و در دهه ۱۹۶۰ میلادی رویکردهای جدیدی از جمله رویکرد سیستمی و سپس راهبردی جایگزین این الگو شدند، در کشور ما پارادایم اصلی در تهیه طرح‌های توسعه شهری محسوب می‌شود (Elyaszade Moghaddam, 2011). دارا بودن دورنمای کالبدی و تأکید طرح جامع رشت (۱۳۸۶) بر جنبه‌های کالبدی و عدم توجه به ابعاد اجتماعی محیط شهری و ترکیب اهداف کالبدی با اهداف اجتماعی، تهیه شدن طرح بدون توجه به نیازها، خواسته‌ها و اولویت‌های شهروندان از گروه‌های اجتماعی مختلف، عدم توجه کافی به تفاوت شهر رشت با سایر شهرها و شرایط محلی و ارزش‌های بومی آن، توجه لازم نمودن به مشکلات شهری و تمرکز نمودن بر موضوعات کلیدی به ویژه در زمینه پاسخگویی به نیازهای گروه‌های اجتماعی مختلف تنها تعدادی از انتقادات وارد بر این الگوی برنامه‌ریزی هستند.

سابقه توجه به گروه‌های اجتماعی مختلف در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری در سطح جهان به حدود شش دهه پیش و رویکردهایی چون برنامه‌ریزی وکالتی، برنامه‌ریزی مساوات‌خواه و برنامه‌ریزی دموکراتیک بازمی‌گردد؛ رویکردهایی که مردم‌محور هستند نه کالبدمحور. مردم هدف نهایی تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه شهری هستند و انتظام‌بخشی کالبدی به محیط شهر برای رفاه و بهزیستی شهروندان است. یکی از این رویکردهای مردم‌محور و برابری‌گرا، رویکرد برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت است که از عمق و غنای مفهومی و نظری بیشتری نسبت به رویکردهای مشابه برخوردار است و می‌تواند در بطن رویکردهای جاری تهیه برنامه‌های توسعه شهری کشورمان از جمله رویکرد جامع و رویکرد راهبردی به کارگرفته شود. با تغییر رویکرد و اتخاذ رویکرد برنامه‌ریزی تنوع‌گرا می‌توانیم به

۱- یکی از مقوله‌های علی مورد تأکید صاحب‌نظران برنامه‌ریزی شهر رشت، تفکر حاکم بر سازوکار برنامه‌ریزی شهری کشور است که می‌تواند بر مقوله‌های علی دیگر تأثیرگذار. بسیاری از سازوکارهای برنامه‌ریزی شهری جهان با پذیرش تنوع و گوناگونی ساکنان شهری و متأثر از اندیشه‌های پست مدرنیسم به سوی به‌کارگیری رویکردهای تنوع‌گرا و گنجانیدن تنوع‌ها و تفاوت‌ها در فرایندهای برنامه‌ریزی شهری تغییرمسیر داده‌اند، اما سازوکار برنامه‌ریزی شهری کشور ایران و به تبع آن شهر رشت در سایه جریان فکری مدرنیسم همچنان با شهروندان به صورت نوعی واحد برخورد می‌کنند و تفاوت‌های سنی، جنسیتی، قومی نژادی، مذهبی، تفاوت در توانایی جسمی و در نتیجه تفاوت در نیازهای شهروندان در شهر را در نظر نمی‌گیرند. در حالی که جریان فکری مدرنیسم در خاستگاه خود منسوخ شده و در سایه اندیشه‌های پست مدرنیسم، توجه به تفاوت، تکثر، تنوع و حتی تعارض به عنوان یک اصل بدیهی پذیرش عام پیدا کرده است.

۲- سیاست‌های برنامه‌ریزی بر تخصیص و توزیع منابع میان گروه‌های مختلف مردم تأثیرگذارند. اثرات توزیعی اجتماعی سیاست‌های برنامه‌ریزی خنثی و بی‌طرف نیستند. بلکه برنامه‌ریزی این پتانسیل را دارد که بر این که چه کسانی به چه منابعی دسترسی می‌یابند، تأثیرگذار. سیاست‌ها و رویه‌های برنامه‌ریزی می‌توانند ناخواسته نسبت به برخی از افراد یا گروه‌ها بی‌ملاحظه باشند و ممکن است ناخواسته علیه برخی از بخش‌های جامعه تبعیض قائل شوند. سیاست‌های کالبدی در شهرسازی، پیامدهای اجتماعی دارند (به عنوان مثال برنامه‌ریزی برای احداث یک فضای شهری عمومی همچون پارک و محروم‌سازی توانخواهان از حضور در این فضای عمومی به علت در نظر نگرفتن اصول مناسب‌سازی). با پذیرش تنوع و گوناگونی ساکنان شهری، ضروری است مواردی همچون قشربندی اجتماعی و تفاوت در نیازهای اقشار مختلف جامعه در سیاست‌گذاری‌های ملی و محلی در نظر گرفته شوند. پس دیگر آن الگوهای یکسان‌سازی و همسان‌سازی در عرصه شهرسازی اعتبار خود را از دست داده و شایسته‌است که سیاست‌های تنوع و تفاوت - سیاست‌هایی برای به رسمیت شناختن همه گروه‌های اجتماعی متنوع و به حداقل رساندن تفاوت‌ها و نابرابری‌ها در دسترسی به امکانات و خدمات شهری - جایگزین سیاست‌های قبلی شوند.

۳- یک مقوله علی بسیار مهم تغییر رویکرد تهیه برنامه توسعه شهری

1 Simple-Comprehensive Approach/Comprehensive Planning

این رهیافت برخوردی جامع را در برنامه‌ریزی اتخاذ می‌کند و راه‌حلی برای آن دسته از مشکلات شهری که دارای ماهیت کالبدی‌اند، ارائه نموده که به زمینه‌هایی چون کاربری زمین، منطقه بندی، کنترل تراکم، مقررات ساختمانی و استانداردهای برنامه‌ریزی می‌پردازد.

سوی اصلاح محتوای برنامه‌ها حرکت کنیم.

۴- مقوله‌ی علی اصلاح محتوای برنامه ارتباط متقابل و دوسویه با مقوله‌ی تغییر رویکرد برنامه‌ریزی دارد. صاحب نظران برنامه‌ریزی شهر رشت در چارچوب مسئله پژوهش، از بعد محتوایی انتقاداتی را به طرح جامع رشت (۱۳۸۶) وارد کردند که عبارتند از: تقلیل طرح جامع به طرح جامع کالبدی و برنامه‌ی کاربری زمین، غلبه‌ی بعد کالبدی بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی توسعه‌ی شهری، عدم توجه به ابعاد و پیامدهای اجتماعی استفاده از زمین و فضا، بی توجهی به قشریندی اجتماعی و تفاوت در نیازهای اقشار مختلف جامعه شهری و کاربرد الگو و شرح خدمات یکسان برای تهیه‌ی برنامه توسعه‌ی شهری بدون توجه به ترکیب جمعیتی اجتماعی شهر رشت. با توجه به انتقادات وارده، اصلاح محتوای برنامه توسعه‌ی این شهر از نظر به رسمیت شناختن گروه‌های اجتماعی مختلف و پاسخگویی به نیازهای فضایی متفاوت آنها در محتوای چشم انداز، اهداف کلان و خرد، راهبردها، سیاست‌ها، پروژه‌های توسعه‌ی شهری و برنامه عملیاتی منتج از این برنامه ضروری به نظر می‌رسد.

۵- در کنار عوامل بیان شده، آگاهی گروه‌های اجتماعی مختلف از حقوقشان در شهر که از طریق آگاهی‌رسانی و آموزش عمومی حاصل می‌شود، رساندن نیازها، خواسته‌ها و اولویت‌های اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر از طریق تشکل‌های مردم نهاد مدافع حقوق گروه‌های اجتماعی مختلف (توانخواهان، سالمندان، کودکان، زنان و ...) به گوش مراجع تصمیم‌گیری و ابراز مسالمت‌آمیز ناراضی‌های عمومی که مجموعاً ذیل مقوله‌ی علی مطالبه‌گری عمومی مطرح می‌شوند، می‌توانند در تحقق این رویکرد مؤثر باشند.

• شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه شرایطی هستند که در محیط برنامه‌ریزی تأثیرگذار بوده اما به عنوان کلان‌روندها در محیطی فراتر از محیط برنامه وجود دارند و به طور غیرمستقیم بر پدیده مورد نظر تأثیرگذارند و برنامه‌ریزان شهری نیز قدرت و اختیار مداخله در آن را ندارند و سطوح تصمیم‌گیری آنها فراتر از تصمیمات برنامه‌ریزی شهری هستند (Vahidi, Borji, 2017: 12). شرایط زمینه‌ای تحقق الگوی تنوع‌گرا در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴: شرایط / مقوله‌های زمینه‌ای تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا

مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	نوع شرایط / مقوله‌ها
F1: نظام متمرکز و از بالا به پایین، F2: نظام برنامه‌ریزی بخشی و تعدد ارگان‌ها	F: نوع نظام برنامه‌ریزی شهری کشور	شرایط زمینه‌ای
G1: احترام به دیگر شهروندان	G: ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهروندان	
H1: کمبود قوانین کلان مدافع حقوق گروه‌های اجتماعی مختلف، H2: مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری، H3: قوانین جامع شهرسازی	H: قوانین ملی پشتیبان حقوق گروه‌های اجتماعی مختلف	
I1: مرجع نظارت بر اجرای قوانین، I2: باز بودن منندهای فرار از قانون، I3: اهمال در اجرای قوانین	I: ضمانت اجرای قوانین	

نیازهای گروه‌های اجتماعی مختلف در شهر است. به خصوص این که شورای عالی شهرسازی و معماری به عنوان عالی‌ترین مرجع قانونی تهیه و تصویب ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری کشور در مصوبات خود به نیازهای سالمندان، کودکان و زنان و وظایف دستگاه‌های اجرایی هنگام طراحی و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ی شهری نپرداخته است. نکته مهم دیگر این است که طیف گسترده‌ای از مراجع از جمله وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شورای عالی شهرسازی، ضوابط، معیارها و آیین‌نامه‌های شهرسازی تدوین کرده‌اند. سازوکار برنامه‌ریزی شهری کشور ما از تفرق و پراکندگی قوانین رنج می‌برد و نیاز جدی به شناسایی کاستی‌ها و خلأهای قانونی و گردآوری این ضوابط در قالب قوانین جامع شهرسازی کشور با تأکید بر تدوین ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاها و اماکن عمومی شهر و وسایل نقلیه عمومی برای گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله توانخواهان، سالمندان، کودکان و زنان دارد.

۳- تدوین و تصویب قوانین پشتیبان برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت گام نخست است. برخورداری از محیط‌ها، امکانات و تسهیلات شهری دوستدار گروه‌های اجتماعی مختلف و پاسخگو به نیازهای فضایی متفاوت آنها منوط به اجرا شدن ضوابط و مقررات است. اجرا نشدن بسیاری از این قوانین و مقررات موجب بی‌اثر شدن آنها می‌شود. بر مبنای گفته‌های صاحب نظران برنامه‌ریزی شهر رشت اهمال دستگاه‌های مجری به خصوص شهرداری در اجرای قوانین، باز بودن منندهای فرار از قانون و نبود مرجع نظارت بر اجرای قوانین از مهمترین دلایل

۱- در نظام برنامه‌ریزی شهری کشورمان که از نوع متمرکز، از بالا به پایین و بخشی است، عمدتاً رویکردهای به کارگرفته شده برای تهیه‌ی برنامه‌های توسعه‌ی شهری و محتوای برنامه‌ها بدون توجه به ترکیب اجتماعی جمعیتی مکان‌ها از سطح ملی به محلی دیکته و برنامه‌ها بر اساس الگو و شرح خدمات یکسان تهیه می‌شوند. سطح محلی به خصوص شهرداری‌ها با وجود شناختی که از ترکیب اجتماعی جمعیتی محدوده جغرافیایی خود دارند، نقش چندانی در تعیین محتوای برنامه‌ها ندارند و تنها هنگام تهیه‌ی برنامه‌های عملیاتی، می‌توانند خواسته‌ها و نظرات خود را منعکس کنند. همچنین تعدد مراجع ذی‌مدخل در تهیه، بررسی، تصویب، اجرا و نظارت بر اجرای طرح‌ها، هرگونه تغییر در رویکرد و اصلاح محتوای برنامه‌ها را بسیار دشوار و زمان‌بر می‌کند.

۲- برنامه‌ریزی در درون یک چارچوب قانونی فعالیت می‌کند که این چارچوب الزاماتی را برای برخورد و رفتار منصفانه برقرار می‌کند. تصویب و اصلاح قوانین به منظور مقابله با تبعیضی که گروه‌های خاص تجربه می‌کنند و حصول اطمینان از این که مسائل مرتبط با تنوع در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته می‌شوند، ضروری است. بنا بر اظهارات بسیاری از صاحب نظران برنامه‌ریزی شهر رشت، کشور ما از کمبود قوانین ملی مدافع حقوق گروه‌های اجتماعی مختلف رنج می‌برد. نگاهی اجمالی به قانون اساسی، قوانین برنامه‌های توسعه، مصوبات مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های اجرایی دولت به خوبی مؤید غفلت اسناد قانون‌گذاری از حقوق و

نشود، رسوخ این موضوعات در قوانین و برنامه‌ها و عینیت یافتن آنها در محیط شهر دشوار خواهد بود.

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، آنهایی اند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییرمی‌دهند (Strauss & Corbin, 2015: 153). آنها شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد (Danaeifard, 2012: 98). شرایط مداخله‌گر تحقق الگوی تنوع‌گرا در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول شماره ۵: شرایط / مقوله‌های مداخله‌گر تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا

مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	نوع شرایط / مقوله‌ها
1: عدم موازنه درآمد و هزینه، 2: کمبود بودجه برای پروژه‌های عمرانی، 3: عدم برخورداری از منابع درآمدی مستمر، 4: فساد مالی و منفعت طلبی	1: بنیه مالی شهرداری‌ها	شرایط مداخله‌گر
K1: تدقیق و اصلاح شرح وظایف بخش‌ها، K2: تداخل و همپوشانی وظایف بخش‌ها، K3: مرجع هماهنگ کننده بخش‌ها، K4: ضعف نظارت در فرهنگ سازمانی، K5: فساد مالی و منفعت طلبی، K6: انتخاب پیمانکاران ذی صلاح، K7: دانش، تجربه و تحصیلات مرتبط مدیران و کارکنان شهرداری، K8: آموزش کادر فنی شهرداری	K: ساختار و تشکیلات اجرای طرح‌ها	
L1: تعدد دستگاه‌های ذی مدخل در توسعه و عمران شهری، L2: هماهنگی و مشارکت ادارات مختلف	L: هماهنگی بین سازمانی	
M1: مقالات پژوهشی درباره رویکردهای نوین، M2: برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی شهری، M3: آموزش دیدگاه‌ها و روش‌های جدید شهرسازی، M4: مبهم بودن مفهوم تنوع	M: آموزش دانشجویان برنامه‌ریزی	
N1: برخورداری مهندسی مشاوران نیروهای متخصص لازم در تمام رشته‌ها، N2: ارزیابی سالانه مشاوران تهیه کننده طرح‌ها، N3: دستورالعمل‌های راهنمای برنامه‌ریزی شهری	N: دانش و تجربه تهیه کنندگان برنامه‌های توسعه شهری	
O1: برخورداری اعضای شورا از دانش، تخصص و تجربه لازم و مرتبط، O2: اهمال در انجام وظایف قانونی، O3: فساد مالی و قدرت طلبی	O: مصوبات شورای شهر	
P1: ارزیابی وضعیت و کیفیت محیط زیست شهری، P2: ارزیابی اثرات اجتماعی برنامه‌ها	P: نیازسنجی	

بهداشتی عمومی در شهر. آیا این وظیفه بر عهده مدیریت هماهنگی و نظارت بر خدمات شهری است یا سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری؟ این که کدام مرجع متولی هماهنگی بین بخش‌ها برای ایجاد وحدت رویه و جلوگیری از موازی‌کاری و کدام مرجع متولی نظارت بر حسن اجرای وظایف محوله است، خود بحث مفصلی است که در این مقال نمی‌گنجد.

نکته مهم دیگر درباره این مقوله این است که بسیاری از مدیران و کارکنان شهرداری از دانش، تجربه و تحصیلات مرتبط با مدیریت، برنامه‌ریزی و عمران شهری برخوردار نیستند و با رویکردهای نوین برنامه‌ریزی شهری به ویژه رویکرد برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت آشنا نیستند. نتایج مصاحبه با تعدادی از مدیران شهرداری رشت نشان می‌دهد که اقدامی برای آموزش کادر فنی شهرداری که عمدتاً تحصیلات غیرمرتبط با توسعه و عمران شهری دارند، انجام نشده و در آخر این که انتخاب پیمانکاران برای اجرای پروژه‌های عمرانی مهمی همچون خیابان‌کشی، پیاده‌روسازی، احداث پارک‌ها، میادین عمومی، پایانه‌های مسافری، ایستگاه‌های اتوبوس، پل‌های هوایی عابریاده و ... بر اساس روابط و بدون توجه به سوابق اجرایی آنها انجام می‌شود و نتیجه پروژه‌های بی‌کیفیت و غیرقابل استفاده برای گروه‌های اجتماعی مختلف در شهر خواهد بود. پروژه‌هایی که شهروندان را گونه و نیازهایشان در شهر را مشابه هم در نظر می‌گیرند.

۳- مقوله دیگری که رابطه دو سویه با مقوله بیان شده دارد، هماهنگی همه ارگان‌های ذی مدخل در توسعه و عمران شهری است. طیف گسترده‌ای از دستگاه‌ها اعم از راه و شهرسازی، حفاظت محیط زیست،

اجرا نشدن قوانین و مقررات مدافع نیازهای گروه‌های مختلف هستند. ۴- دیگر مقوله زمینه‌ای مهم، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهروندان است. احترام به حقوق گروه‌های آسیب‌پذیری چون توانخواهان، سالمندان، کودکان و زنان در وسایل نقلیه عمومی، فضاها و اماکن عمومی شهر از جمله خیابان‌ها، پارک‌ها، میادین و ادارات توسط سایر شهروندان و البته افرادی که متولی خدمت‌رسانی به آنها هستند، ریشه در ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی جامعه شهری ما دارد. تا وقتی که احترام به حقوق این گروه‌ها در فرهنگ ما نهادینه

۱- یکی از مهمترین مقوله‌های مداخله‌گر، بنیه مالی شهرداری‌هاست که مقوله‌ای بازدارنده در تحقق برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا در شهرداری رشت است. بنا بر اظهارات مدیران ارشد شهرداری رشت، این نهاد همچون بسیاری از شهرداری‌های کشور به علت عدم برخورداری از منابع درآمدی مستمر، گستردگی دامنه وظایف محوله به شهرداری در حوزه توسعه و عمران شهری و هزینه‌های مرتبط با این وظایف و در نتیجه عدم موازنه درآمد و هزینه، نه تنها در انجام کارهای عمرانی با مشکلات عدیده‌ای روبروست بلکه در پرداخت حقوق و مزایای پرسنل نیز با چالش مواجه است. به این ترتیب کمبود بودجه برای پروژه‌های عمرانی موجب می‌شود، طراحی و اجرای پروژه‌های شهری با کیفیت، همه شمول و پاسخگو به نیازهای فضایی متفاوت گروه‌های اجتماعی مختلف محقق نشود. البته فساد مالی و منفعت طلبی برخی از مدیران نیز عاملی است که نباید نادیده گرفته شود.

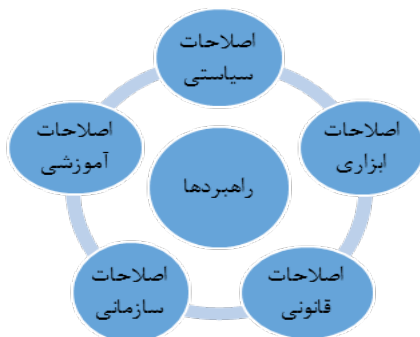
۲- مقوله مداخله‌گر دیگر، ساختار و تشکیلات اجرای طرح‌هاست. شهرداری‌ها در حوزه ارائه خدمات و اجرای پروژه‌های عمرانی نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در تحقق برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا دارند. اما عدم تدقیق و اصلاح شرح وظایف بخش‌های مختلف شهرداری (معاونت‌ها، مدیریت‌ها، اداره‌ها، سازمان‌ها و ...) و در نتیجه تداخل و همپوشانی وظایف و موازی‌کاری موجب اتلاف منابع مالی، زمان و انرژی کارکنان شهرداری خواهد شد. به گفته یکی از مدیران ارشد شهرداری رشت با بررسی شرح وظایف و اقدامات بخش‌های مختلف شهرداری متوجه می‌شویم که متولی بسیاری از خدمات دقیقاً مشخص نیست؛ به عنوان مثال احداث و مناسب‌سازی سرویس‌های

خصوص جامعه‌شناس نیاز دارند. بسیاری از صاحب نظران برنامه‌ریزی بر ضرورت وجود دستورالعمل‌های راهنما برای تهیه‌کنندگان در زمینه چگونگی به رسمیت شناختن گروه‌های اجتماعی متنوع و پاسخگویی به نیازهای فضایی متفاوت آنها در سیاست‌ها و پیشنهادها برنامه‌ها تأکید دارند (دستورالعمل راهنمای برنامه‌ریزی برای تنوع و تفاوت). ارزشیابی سالانه شرکت‌های مشاور و بررسی سابقه آنها در ارائه برنامه‌های مردم‌محور و موفق در عرصه اجرا بسیار مهم است.

۷- نیازسنجی حلقه مفقوده فرایند تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه شهری است که در به کارگیری و تحقق الگوی برنامه‌ریزی تنوع‌گرا نقشی تشویق‌کننده دارد. هدف از برنامه‌ریزی شهری تأمین محیط مناسب زندگی همه شهروندان است. بنابراین ارزیابی کیفیت محیط شهر^۲ از دیدگاه تنوع‌گرایی و پاسخگویی به نیازهای فضایی متفاوت گروه‌های مختلف می‌تواند راهنمای طراحی و اجرای برنامه‌های شهری همه‌شمول باشد. ارزیابی وضعیت محیط شهر رشت از دیدگاه تنوع‌گرایی می‌تواند از طریق طراحی و سنجش شاخص‌های ارزیابی کیفیت محیط به تفکیک گروه‌های اجتماعی مختلف و مقایسه مقدار وضع موجود شاخص‌ها با استانداردها انجام شود. همچنین ضرورت ارزیابی اثرات برنامه‌ها و سیاست‌ها بر گروه‌های مختلف اجتماع و بررسی این که چه کسانی از انواع مختلف سیاست‌ها، اقدامات و رویه‌های برنامه‌ریزی منفعت می‌برند و چه کسانی متضرر می‌شوند، وجود دارد.

• راهبردها

راهبردها، کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند (Danaeifard & Emami, 2007: 84). آنها کنش‌هایی هستند که در پاسخ به پدیده محوری صورت می‌گیرند. عمل / تعامل یا کنش / کنش متقابل^۳ اصطلاحاتی‌اند که ما برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی یا روتین و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌بریم. عمل / تعامل‌های راهبردی، کنش‌های با منظور و عمدی‌اند که برای حل یک مسئله صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آنها پدیده شکل می‌گیرد (Strauss & Corbin, 2015: 155). ترکیبی از عواملی که به عنوان شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در به کارگیری و تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا مطرح شدند؛ یعنی اصلاحات سیاستی، ابزاری، قانونی، سازمانی و آموزشی می‌توانند به عنوان راهبردهای تحقق این رویکرد در نظر گرفته شوند (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵: راهبردهای به کارگیری و تحقق الگوی برنامه‌ریزی تنوع‌گرا

نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، بهزیستی، بهداشت و درمان، تربیت بدنی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، توزیع نیروی برق، آب و فاضلاب و بسیاری از ارگان‌های دیگر در مدیریت شهر دخیل هستند. فراهم آوردن بسیاری از زیرساخت‌های اساسی و ارائه امکانات آموزشی، بهداشتی درمانی، ورزشی، تفریحی و فرهنگی مناسب گروه‌های اجتماعی مختلف به خصوص توانخواهان، سالمندان، کودکان و زنان تنها بر عهده شهرداری نیست بلکه مشارکت و هماهنگی همه دستگاه‌های اجرایی شهر را می‌طلبد. تعدد دستگاه‌های ذی‌مدخل در توسعه و عمران شهری می‌تواند هماهنگی و مشارکت آنها را در مسیر دستیابی به محیط زیست شهری با کیفیت و همه‌شمول برای همه گروه‌های اجتماعی مختلف دشوار سازد.

۴- تحلیل گفته‌های مدیران ارشد شهرداری رشت در کنار مرور اجمالی مصوبات شورای اسلامی این شهر نشان می‌دهد، به جز دو مصوبه «طراحی و مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان با مشارکت بهزیستی» (۱۳۸۳) و «طرح الزام شهرداری برای مناسب‌سازی و بهینه‌سازی فضاهای شهری برای جانبازان و معلولین جسمی حرکتی و سالمندان» (۱۳۹۲) که آیین‌نامه‌های اجرایی این دو مصوبه تاکنون تهیه و تصویب نشده است (www.rashtshora.ir, 2020)، شورای این شهر مصوبه‌ای درباره مناسب‌سازی فضاهای شهری برای کودکان و زنان ندارد^۱ و در طرح جامع رشت (۱۳۸۶) نیز به حقوق و نیازهای فضایی متفاوت گروه‌های اجتماعی مختلف اشاره ای نشده است. برخوردار نبودن اعضای شورا از تخصص و تجربه مرتبط با مسائل شهری، اهمال در انجام وظایف قانونی که یکی از مهمترین آنها قانون‌گذاری و تصویب مصوبات مرتبط با حقوق و نیازهای شهروندان در شهر است و در نهایت فساد مالی و قدرت طلبی از مقوله‌های مورد تأکید صاحب نظران برنامه‌ریزی بودند.

۵- دو مقوله مداخله‌گر که ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، آموزش دانشجویان برنامه‌ریزی شهری و دانش و تجربه تهیه‌کنندگان برنامه‌های توسعه شهری هستند. آموزش و دانش دو روی یک سکه‌اند. بسیاری از دانشجویان و حرفه‌مندان برنامه‌ریزی در بخش خصوصی و عمومی با مفهوم تنوع، ارتباط بین برنامه‌ریزی کالبدی و مسائل مرتبط با تنوع و رویکردهای جدید برنامه‌ریزی شهری به خصوص رویکرد تنوع‌گرا آشنایی کافی ندارند. معرفی رویکردهای جدید برنامه‌ریزی از جمله رویکرد تنوع‌گرا در مقالات علمی پژوهشی و گنجاندن این موضوعات در برنامه درسی دانشجویان، با ارتقای دانش آنها، قطعاً تأثیر خود را در محتوای برنامه‌ها نشان می‌دهد.

۶- علاوه بر این برای اصلاح محتوای برنامه‌های توسعه شهری و تنوع‌گرا شدن آنها، شرکت‌های مشاور تهیه‌کننده برنامه‌ها به متخصصان همه رشته‌های مرتبط با مسائل شهری از جمله برنامه‌ریز شهری، کارشناس حمل‌ونقل شهری، کارشناس محیط‌زیست، اقتصاددان شهری و به

۱ به استناد بند ۱ و ۲ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۵، بررسی و شناخت کمیودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرح‌ها و پیشنهادها برای اصلاحی و راه حل‌های کاربردی در این زمینه‌ها و نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح‌های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان‌های خدماتی از وظایف قانونی شورای شهر است.

2 Urban Environmental Quality Assessment

3 Action/Interaction

• شرایط پیامدی

گرا در واقع همان اثرات و نتایج مثبتی است که انتظاری رود در صورت به کارگیری و تحقق آن به دست آید. شرایط پیامدی تحقق الگوی تنوع‌گرا در جدول شماره ۶ آمده است.

مقوله‌های پیامدی مقوله‌هایی هستند که نتیجه و ماحصل رخداد مقوله مرکزی در آنها نمود می‌یابد. پیامدهای برنامه‌ریزی شهری تنوع

جدول شماره ۶: شرایط / مقوله‌های پیامدی تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا

مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	نوع شرایط / مقوله‌ها
Q1: افزایش کیفیت زندگی، Q2: کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی، Q3: کاهش محرومیت مکانی، Q4: افزایش دسترسی به امکانات و خدمات عمومی، Q5: ایمنی و امنیت، Q6: رضایتمندی شهروندان از شهرداری	Q: ارتقای کیفیت محیط زیست شهری / محیط زیست شهری تنوع‌گرا	شرایط پیامدی

ملی به سطح محلی و در نتیجه دشوار و زمان بر بودن تغییر محتوای برنامه، کمبود قوانین ملی مدافع حقوق گروه‌های اجتماعی مختلف به ویژه غفلت شورای عالی شهرسازی از تصویب مصوبات مرتبط با حقوق و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر در شهر، وجود مشکلات جدی در حیطه اجرای ضوابط و مقررات حتی در صورت وجود قوانین به روز و کارآمد و در نهایت ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهروندان در احترام به حقوق گروه‌های خاص را به عنوان شرایط زمینه‌ای تحقق این الگو مطرح کردند؛ شرایطی که در محیط برنامه‌ریزی تأثیرگذار بوده اما به عنوان کلان‌روندها در محیطی فراتر از محیط برنامه وجود دارند و به طور غیرمستقیم بر پدیده مورد نظر تأثیرگذارند.

صاحب نظران برنامه‌ریزی این شهر عواملی چون بنیه مالی شهرداری رشت برای اجرای پروژه‌های توسعه شهری تنوع‌گرا و همه شمول، ساختار و تشکیلات شهرداری رشت به عنوان مجری برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه شهری از نظر تدقیق و اصلاح شرح وظایف بخش‌های مختلف شهرداری در حوزه برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا و انطباق وظایف و اقدامات از طریق مراجع هماهنگ‌کننده و نظارتی، دانش، تخصص و تجربه تهیه‌کنندگان و مجریان برنامه‌ها و مدیران و کارکنان شهرداری این شهر در زمینه الگوهای جدید برنامه‌ریزی، هماهنگی بین کلیه سازمان‌های ذی‌مدخل در توسعه شهری، تصویب مصوبات مرتبط با حقوق و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر به وسیله شورای اسلامی شهر و در نهایت نیازسنجی و ارائه تصویری از وضعیت فعلی شهر از نظر پاسخگویی به نیازهای گروه‌های اجتماعی مختلف را به عنوان شرایط مداخله‌گری معرفی می‌کنند که می‌توانند در تحقق این الگو جنبه تشویق‌کننده یا بازدارنده باشند. ترکیبی از عوامل و شرایط فوق شامل اصلاحات سیاستی، ابزاری، قانونی، سازمانی و آموزشی می‌توانند به عنوان راهبردهای تحقق این الگو در نظر گرفته شوند. در نهایت دستیابی به محیط زیست شهری تنوع‌گرا و همه شمول یا ارتقای کیفیت محیط زیست شهری برای همه گروه‌های اجتماعی مختلف به عنوان مقوله پیامدی شناسایی شد.

مرور اجمالی یافته‌های سایر تحقیقات نشان می‌دهد که سایر محققان به مواردی چون به کارگیری رویکرد در جریان اصلی قرارداد و در نظر گرفتن ملاحظات مرتبط با تنوع در سیاست‌ها، اسناد و اقدامات روزمره شهرداری، اصلاح محتوای سیاست‌های برنامه‌ریزی در دو سطح ملی و محلی و تنوع‌گرا شدن آنها، وضع قوانین مقابله با تبعیض علیه گروه‌ها، ارتقای دانش برنامه‌ریزان شهری شاغل در بخش عمومی و خصوصی درباره ارتباط برنامه‌ریزی فضایی و موضوعات مرتبط با تنوع و آموزش آنها، تدوین دستورالعمل‌های راهنمای برنامه‌ریزی، ایجاد

۱- از اثرات مثبت و پیامدهای اصلی تحقق این الگو در شهر رشت می‌تواند کاهش تفاوت‌ها و نابرابری‌ها علیه گروه‌های اجتماعی مختلف در دسترسی به امکانات و تسهیلات عمومی مورد نیازشان در شهر باشد. به گونه‌ای که هیچ شهروندی به واسطه سن، جنسیت، توانایی ذهنی / جسمی، قومیت، نژاد، مذهب و دیگر تفاوت‌ها از دسترسی به امکانات عمومی محروم نشود. کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی علیه گروه‌های آسیب‌پذیر می‌تواند منجر به ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر شود. افزایش ایمنی و امنیت گروه‌های آسیب‌پذیر (توانخواهان، سالمندان، کودکان، زنان و ...) در شهر و افزایش رضایتمندی شهروندان از اقدامات مدیریت شهری نیز می‌تواند از پیامدهای جانبی تحقق این الگو باشد. دو دسته پیامدهای اصلی و جانبی (مقوله‌های فرعی) را می‌توانیم در قالب مقوله اصلی **ارتقای کیفیت محیط زیست شهری** برای همه گروه‌های اجتماعی مختلف یا دستیابی به محیط زیست شهری تنوع‌گرا و همه شمول بگنجانیم که نتیجه و ماحصل نهایی تحقق این الگو خواهد بود.

۵. نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای نظام‌مند و گردآوری داده‌های متنی مصاحبه‌ای از افراد مطلع در دو حوزه پژوهشی و اجرایی و تحلیل داده‌ها توانست طیف گسترده‌ای از عوامل مؤثر در به کارگیری و تحقق این رویکرد را در قالب ۱۷ مقوله اصلی و ۵۹ مقوله فرعی و روابط میان آنها شناسایی کند. مقوله‌های شناسایی شده در قالب پنج دسته شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پیامدی و راهبردها، حول مقوله هسته‌ای به کارگیری و تحقق الگوی تنوع‌گرا سازماندهی شدند. با تأکید بر تأثیر انکارناپذیر سطح ملی بر برنامه‌ریزی شهری در سطح محلی، عواملی چون نظام فکری مسلط بر سازوکار برنامه‌ریزی شهری کشور و گذار از تفکرات مدرنیسم به اندیشه‌های پسامدرنیسم، حرکت از سیاست‌های صرفاً کالبدی به سوی ترکیب سیاست‌های کالبدی با سیاست‌های اجتماعی و چرخش از سیاست‌های یکسان‌سازی و همانندسازی به سیاست‌های تنوع و تفاوت، تغییر رویکرد تهیه برنامه توسعه شهری از رویکرد یکسان‌نگر به رویکرد تنوع‌گرا، کثرت‌گرا و مردم‌محور و در نتیجه اصلاح محتوای برنامه توسعه شهر رشت و توجه به نیازهای فضایی متفاوت گروه‌های اجتماعی مختلف در محتوای برنامه و در نهایت مطالبه‌گری عمومی شهروندان این شهر به عنوان شرایط علی به کارگیری و تحقق الگوی تنوع‌گرا شناسایی شدند. متخصصین برنامه‌ریزی شهر رشت عواملی چون متمرکز و بخشی بودن نظام برنامه‌ریزی شهری کشور و دیکته شدن محتوای برنامه از سطح

- H., Harris, N. R., & Imrie, R. (2004). *Planning and Diversity: Research into Policies and Procedures*.
- Bridge, G., & Watson, S. (2011). *The new Blackwell companion to the city*. Wiley-Blackwell Oxford.
 - Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
 - Creswell, J. W. (2002). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative*. Prentice Hall Upper Saddle River, NJ.
 - Danaeifard, H., Emami, S. (2007). *Strategies of Qualitative Research: A Reflection on Grounded Theory*. *Strategic Management Thought*, 1(2), 69-97. [in Persian]
 - Danaeifard, H., Alvaani, M., Azar, A. (2012). *Ravesh Shenaasi-e Pajouhesh-e Kei-fi dar Modiriati, Rouikardi Jame*, [Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach]. Tehran: Saffar Eshraaghi. [in Persian]
 - Elyaszadeh Moghaddam, N. (2011). *Surveying and Feasibility of Replacement of Structural-strategic Model with Urban Comprehensive Planning Model in Iran*. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 4(6), 35-48. [in Persian]
 - Fainstein, S. S. (2005). *Cities and diversity: should we want it? Can we plan for it?* *Urban affairs review*, 41(1), 3-19.
 - Fincher, R. (2003). *Planning for cities of diversity, difference and encounter*.
 - Fincher, R. (2007). *Seeing Cities and their Planning with Diversity in Mind (Keynote Address)*. State of Australian Cities Research Network. Available at: <http://apo.org.au/node/60203> (accessed 1 January 2010).
 - Fincher, R., & Iveson, K. (2008). *Planning and diversity in the city: Redistribution, recognition and encounter*. Macmillan International Higher Education.
 - Gall, M. D., Borg, W. R., & Gall, J. P. (1996). *Educational research: An introduction*. Longman Publishing.
 - Graham, K. A., & Phillips, S. D. (2006). *Another fine balance: Managing diversity in Canadian cities*. Institute for Research on Public Policy.
 - Greater London Authority (2007). *Planning for equality and diversity in London: supplementary planning guidance to the London Plan*. Greater London Authority.
- تشکل‌های مردمی مدافع حقوق و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر، ارزیابی اثرات برنامه‌ها و سیاست‌ها بر گروه‌های مختلف اجتماع و اصلاح ساختار و تشکیلات اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های تنوع‌اشاره کردند. مقایسه یافته‌های تحقیق پیش رو با تحقیقات دیگر علاوه بر دربرگرفتن و تأیید یافته‌های آنها نشان می‌دهد، عوامل بنیادی تر و گسترده‌تری در به کارگیری و تحقق این رویکرد مؤثرند که می‌توان آنها را در قالب زیرساخت‌های اندیشه‌ای (تفکر حاکم بر نظام برنامه ریزی شهری)، سیاستی (سیاست‌های کلان شهرسازی)، ابزاری (رویکرد تهیه برنامه‌های توسعه شهری، محتوای برنامه‌ها و نیازسنجی)، سازمانی (نوع نظام برنامه ریزی شهری کشور، ساختار و تشکیلات اجرای طرح‌ها و هماهنگی بین سازمانی)، قانونی (قوانین ملی مدافع حقوق گروه‌های اجتماعی مختلف، مصوبات شورای شهر و ضمانت اجرای قوانین)، مالی (بنیه مالی شهرداری‌ها)، آموزشی (آموزش دانشجویان برنامه ریزی و دانش و تجربه تهیه کنندگان برنامه‌ها) و فرهنگی اجتماعی (مطالبه‌گری عمومی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهروندان) بیان نمود.
- آنچه مطالعه پیش رو را از سایر مطالعات متمایز می‌کند، علاوه بر شناسایی طیف گسترده‌تری از عوامل، سازماندهی و تشریح مقوله‌های شناسایی شده در قالب پنج دسته شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پیامدی و راهبردها حول مقوله هسته‌ای به کارگیری و تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا و ارائه مدل پارادایمی این الگوست. با توجه به نوع مسئله تحقیق، نظریه زمینه‌ای روش مناسبی در درک مجموعه شرایط و عوامل مؤثر بوده و شناسایی طیف گسترده‌ای از عوامل و سازماندهی آنها در قالب یک مدل پارادایمی را امکان‌پذیر نموده است. امید است شناسایی و تبیین این عوامل بتواند راهنمای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات آینده مراجع برنامه‌ریزی شهری کشورمان برای به رسمیت شناختن گروه‌های اجتماعی متنوع، پاسخگویی به نیازهای متفاوتشان در فرایندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری و مقابله با تبعیض در اقدامات برنامه‌ریزی شهری باشد.

References:

- Ahmadi, D., & Tasan-Kok, T. (2014). *Urban policies on diversity in Toronto, Canada*.
- Andersen, H. T., Blach, V., Beckman, A. W., & Nielsen, R. S. (2014). *Urban Policies on Diversity in Copenhagen, Denmark*. Copenhagen: Danish Building Research Institute, Aalborg.
- Beheshti, S. (2016). *Tahlil-e Dade-Haye Kei-fi ba Narm Afzar-e Max QDA 11, Chap-e Avval* [Qualitative data analysis with maxqda11 software]. Tehran: Ravesh Shenasan. [in Persian]
- Beheshti, S., & Rezaayat, Gh. H. (2015). *Tahlil-e Dade-Haye Kei-fi ba Narm Afzar-e N Vivo* [Qualitative data analysis with NVivo software], Tehran: Agah. [in Persian]
- Booth, C., Batty, E., Gilroy, R., Dargan, L., Thomas,

- Higgins, M., Hague, C., Prior, A., McIntosh, S., Satsangi, M., Warren, F., . . . Netto, G. (2005). Diversity and Equality in Planning: A Good Practice Guide. Office of the Deputy Prime Minister.
- Lee, J. (2001). A grounded theory: integration and internalization in ERP adoption and use. The University of Nebraska-Lincoln.
- Leicester City Council (2012), Summary of the equality and diversity strategy.
- Levines, A. & Silver, C. (2014). Rahnama-ye Gam Be Gam-e Estefade az Narm Afzar-e Max QDA 2 dar Tahghigh-e Kei-fi [A Step-by-Step Guide to Using Max QDA 2 Software in Qualitative Research], (Abolfazl Ramezani). Tehran: Jame Shenasan. [in Persian]
- Mohammad Pour, A. (2013). Ravesh-e Tahghigh-e Kei-fi Zed-e Ravesh, Mantegh va Tarh dar Ravesh Shenasi-e Kei-fi, Jeld-e Avval [Qualitative research method, counter-method, logic and design in qualitative research]. Tehran: Jame-e Shenasan. [in Persian]
- Morse, J. M. (2001). Situating grounded theory within qualitative inquiry. Using grounded theory in nursing, 1-15.
- Reeves, D. (2004). Planning for diversity: policy and planning in a world of difference. Routledge.
- Rose, G. (1997). Situating knowledges: positionality, reflexivity and other tactics. Progress in human geography, 21(3), 305-320.
- Schiller, M. (2016). European cities, municipal organizations and diversity: The new politics of difference. Springer.
- Strauss, A. & Corbin, J. (2015). Mabani-e Pajouhesh-e Kei-fi, Fonoun va Marahel-e Tolid-e Nazari-eh Zmineh-ey [Basics of qualitative research: techniques and stages of production of grounded theory], (Ebrahim Afshar), Tehran: Ney. [in Persian]
- Tashakkori, A., Johnson, R. B., & Teddlie, C. (2020). Foundations of mixed methods research: Integrating quantitative and qualitative approaches in the social and behavioral sciences. Sage publications.
- Vahidi Borji, G. Nourian, F., Azizi, M. M. (2017). The Obstacles against the Success of Suggested Functions in Urban Development Projects in Iran. Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va ShahrSazi, 22(1), 5-14. [in Persian]
- Vertovec, S. (2007). Super-diversity and its implications. Ethnic and Racial Studies, 30 (6), 1024-1054. In.
- Vertovec, S. (2012). "Diversity" and the social imaginary. European Journal of Sociology/Archives Européennes de Sociologie, 53(3), 287-312.
- Vertovec, S. (2014). Routledge international handbook of diversity studies. Routledge.
- www.amar.org.ir
- https://rashtshora.ir

نحوه ارجاع به مقاله:

طهری، فضیلت؛ نسترن، مهین؛ اجلالی، پرویز؛ (۱۴۰۰) شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق الگوی برنامه‌ریزی شهری تنوع‌گرا در شهر رشت با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای نظام‌مند، مطالعات شهری، 10 (40)، 89-104. doi: 10.34785/J011.2021.304/Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تحلیل تطبیقی ویژگی‌های جمعیتی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی شهر سنندج

سعید خانی^۱ - استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
کیومرث ایراندوست - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
علیرضا کمالی - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۵ مهر ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

سکونتگاه‌های غیررسمی چالشی بنیادین در شهرنشینی نو به شمار می‌روند. در برخورد با این چالش، رویکردها و برنامه‌های گوناگونی به‌کار گرفته شده است، ولی بسیاری از برنامه‌ها به دلایل گوناگون از آن گونه نبود شناخت ویژگی‌های این سکونتگاه‌ها به‌ویژه ابعاد جمعیتی با کامیابی همراه نبوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد ابعاد اسکان در سکونتگاه‌های غیررسمی در سنندج بسیار فراتر از میانگین کشوری است و بیش از نیمی از جمعیت شهر را فرا گرفته است. هدف این نوشتار واکاوی شاخص‌ها و ویژگی‌های جمعیتی در سکونتگاه‌های غیررسمی و همسنگی آن با دیگر سکونتگاه‌های شهر سنندج است. این پژوهش یک بررسی توصیفی و از گونه اکتشافی است و با کمک داده‌های ثانویه (اطلاعات سرشماری در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵) درباره محله‌های سنندج به نتیجه رسیده است. دستاوردها نشان می‌دهد که بیشترین دگرگونی‌های جمعیتی شهر سنندج دربرگیرنده حجم، آهنگ رشد جمعیت و مهاجرت در سکونتگاه‌های غیررسمی شکل می‌گیرد. افزون بر این، از دید ویژگی‌های ایستای جمعیت شامل تراکم در خانوار، تراکم در زمین، چگونگی آموزش، بار تکفل و چندوچونی اشتغال گونه‌ای ناپایداری و نبود توازن در میان سکونتگاه‌ها برپاست که همگی می‌توانند زمینه‌ساز نمایان شدن دیگر چالش‌های شهری باشند. راهکار سیاستی نوشتار این است که در فراهم‌آوری و پیشبرد یک رویکرد فراگیر برای برنامه‌ریزی و مدیریت بر پایه بهسازی و بازآفرینی این سکونتگاه‌ها، توجه به ویژگی‌ها و شاخص‌های جمعیتی آنها بایسته و بنیادین است. نتایج این مقاله، علاوه بر نشان دادن ابعاد و ویژگی‌های مختلف جمعیت در مناطق و محلات سنندج، درس‌های مهمی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در مورد سیاست‌های توزیع مجدد جمعیت و مدیریت شهری ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: شاخص‌های جمعیتی، ویژگی‌های ایستای جمعیت، سکونتگاه‌های رسمی، سکونتگاه‌های غیررسمی، شهر سنندج.

نکات برجسته

- با شهری شدن روزافزون و اهمیت یافتن نظام برنامه‌ریزی، به داده‌ها و تحلیل‌های جمعیتی در سطح محله‌های شهری نیاز است.
- مقاله شاخص‌ها و ویژگی‌های جمعیتی در سکونتگاه‌های غیررسمی و سایر سکونتگاه‌های شهر سنندج را با هم‌دیگر مقایسه می‌کند.
- افزون بر ناهمگونی‌های جمعیتی، بخش قابل توجهی از تحولات شامل رشد جمعیت و مهاجرت‌پذیری در سکونتگاه‌های غیررسمی صورت می‌گیرد.
- در مدیریت شهری با هدف بازآفرینی و بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، توجه به ویژگی‌های جمعیتی ضروری است.

۱. مقدمه

شهرنشینی یکی از برجسته‌ترین سویه‌های زندگی اجتماعی در دنیای امروز است. با توجه به دوراندیشی‌های اقتصادی و اجتماعی، انسان امروزی گرایش شگرفی به تمرکز و جا گرفتن در واحدهای سکونتی بزرگ دارد. به‌گونه‌ای که پیش‌بینی شده، شمار فراوانی از شهرنشینان در آینده ساکن شهرهای با بیش از هشت میلیون جمعیت یا «ابر شهرها»^۱ خواهند بود و این نشان می‌دهد که اندیشه «ضدشهرگرایی»^۲ از هم‌اکنون پایان یافته انگاشته می‌شود (Naghdi, 2004: 322). به گفته پوماین، «رشد شهرنشینی در سطح جهان در سده بیستم و به‌ویژه از نیمه دوم آن آغاز شده و از این جهت یک پدیده نوین به شمار می‌رود. این پدیده در عین حال جهانی هم هست و کم‌وبیش همه کشورها آن را تجربه کرده یا می‌کنند. این فرایند جهانی، پراکنش فضایی ساکنان زمین را در همه بخش‌های جهان شکل داده و هنوز هم رو به شکل دادن است. فرایندی که به نظر برگشت‌ناپذیر می‌نماید» (Pumain, 2006: 319).

بر پایه داده‌های سازمان ملل، نسبت شهرنشینی در سطح جهان از ۳۰ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۴۷ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۵ به ۵۸ تا ۶۰ درصد برسد (United Nations, 2000: 9; Population Reference Bureau, 2010: 3). کشور ایران نیز مانند بسیاری از جوامع، رو به تجربه شهرنشینی بوده و شتاب این دگرگونی در کشور از بسیاری از جوامع در حال توسعه نیز بیشتر بوده است. نسبت شهرنشینی در کشور ما در ۵۰ سال گذشته بیش از ۳/۷ برابر شده و از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (Statistical Center of Iran, 1956; 2006; 2016). بنابراین ترکیب جمعیت کشور از یک حالت بیشتر روستایی و عشایری به ترکیب «بیشتر شهرنشین» دگرگشته و «پیش‌بینی می‌شود که این نسبت در سال ۲۰۲۵ میلادی (۱۴۰۴ ه.ش) به ۷۵ درصد برسد» (Khani, 2012: 17).

نسبت شهرنشینی در استان کردستان نیز، همواره روندی افزایشی داشته است. در حالی که در سال ۱۳۳۵ نسبت شهرنشینی در استان کردستان ۱۱/۲ درصد بوده است، در سال ۱۳۴۵ به ۱۶/۵ درصد، در سال ۱۳۵۵ به ۲۴/۲ درصد، در سال ۱۳۶۵ به ۳۹/۷ درصد، در سال ۱۳۷۵ به ۵۲/۴ درصد، در سال ۱۳۸۵ به ۵۹/۴ درصد و بر پایه واپسین سرشماری (سال ۱۳۹۵)، به نزدیک به ۷۱ درصد رسیده است (Statistical Center of Iran, 1956-2016). این دگرگونی‌ها در شهرستان سنندج در سطحی گسترده‌تر و با شتابی بیشتر پیش‌رفته است، به طوری که بر پایه اطلاعات سرشماری، نسبت شهرنشینی شهرستان سنندج از ۲۶/۶ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۸۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (Ibid, 1966; 2016).

در سنندج، عموماً به چهار دلیل «رشد طبیعی جمعیت شهری، مهاجرت، طبقه‌بندی دوباره (تبدیل نقاط روستایی به شهر) و بیوست و همراه کردن گستره‌های جدید به شهر» (Arriaga, 1999: 348; Amani, 2001: 29) و به‌طور ویژه به دلایل دوم و چهارم، شاهد گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی و محله‌های حاشیه‌ای و فقیرنشین هستیم؛

به طوری که بر اساس مطالعات انجام‌گرفته (Irandoost, 2012: 169; Morovati, 2012: 121)، در سنندج حدود ۵۳/۳ درصد از جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی و تنها با حدود ۱۵ درصد از مساحت کل شهر زندگی می‌کنند. براساس مطالعه دیگری (Eghbali & Rahimi, 2010: 58)، ۵۵ درصد جمعیت شهر سنندج در ۱۲/۷ درصد از گستره سراسر شهر اسکان یافته‌اند.

اگرچه چونی زندگی در مناطق شهری در سنجش با سطح زندگی روستاییان بهتر و بالاتر به نظر می‌رسد و همین یکی از انگیزه‌های گرایش روستاییان به سکونت در شهر است، ولی از سوی دیگر، شهر و شهرنشینی، خود عامل پدیدار شدن دشواری‌های فراوانی همچون بی‌مسکنی و بدمسکنی، گسترش آسیب‌ها و کژی‌های اجتماعی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، انبوهی و چالش‌های ترافیکی و بسیاری دشواری‌های دیگر، به‌ویژه در شهرهای کشورهای در حال توسعه شده است؛ زیرا این دگرگونی چشمگیر متأثر از الگوی درون‌زای توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور نبوده و طبیعی است که این الگو از شهرنشینی، پیش‌آمدها و مشکلات بسیاری به همراه داشته باشد؛ افزون بر آن که از دشواری‌های درونی و مشترک گسترش شهرنشینی هم در رنج است. از این رو، برجسته‌تر از سرشت شهرنشینی، چونی و چندی شهری شدن است (Naghdi, 2004: 323). بنابراین در حالی که افزایش اسکان مردم در شهرها و شهرنشینی روزافزون روی می‌دهد، به‌طور هم‌زمان شاهد افزایش فقر و سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای بزرگ نیز هستیم که به یکی از مسائل و چالش‌های اصلی مدیریت شهری تبدیل شده‌اند. اگرچه سکونتگاه‌های غیررسمی، مسکن بخش عمده‌ای از فقرای شهری را تأمین می‌کنند - که بازار رسمی توان تأمین آن را ندارد - و در عین حال این محله‌ها مکانی برای سکونت گروه‌های فقیر می‌شوند که در خدمت اقتصاد شهر هستند و نیروی کار ارزان را برای اقتصاد شهر فراهم می‌کنند، با این وجود، این سکونتگاه‌ها در بردارنده مشکلات و مسائلی هستند که پایداری شهرها را تهدید می‌کنند. آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی، تجمع فقر و برخی آسیب‌های اجتماعی، ناپایداری کالبدی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی از ویژگی‌هایی هستند که این محله‌ها را به‌مثابه مشکل و مسئله در نظام برنامه‌ریزی مطرح می‌کند (Irandoost, 2012: 160).

با توجه به نکته‌های یاد شده و به‌ویژه آن که بخش چشمگیری از جمعیت شهر سنندج در سکونتگاه‌های به اصطلاح «غیر رسمی» ساکن هستند، شناخت و سنجش شاخص‌ها و ویژگی‌های جمعیتی در سکونتگاه‌های گوناگون این شهر تصویری واقع‌بینانه از پدیده‌ها و برآیندهای جمعیتی را فرا روی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری قرار می‌دهد. از دید نظری نیز، اگر انسان را محور و آرمان توسعه بدانیم و بپذیریم که یک بخش بنیادین و جدایی‌ناپذیر دستیابی به توسعه، جمعیت و چگونگی ابعاد ایستا و پویای آن است، کنکاش در این جستار ارزش می‌یابد. همچنین باید یادآور این نکته برجسته شد که اگر در گذشته به شناخت جمعیت و ابعاد آن کمتر توجه می‌شد، امروزه این راستینگی درک شده که برنامه‌ریزی در زمینه‌های گوناگون اقتصادی-اجتماعی به خصوص در دنیای شهری شده امروز، بایسته شناخت ابعاد گوناگون جامعه از آن‌گونه ویژگی‌های جمعیتی آن است. بنابراین در مقاله حاضر ضمن بهره‌گیری از دستاورد مطالعات

- 1 Metropolis
- 2 Anti-urbanism

اتفاق می‌افتاد. از این رو، در برابر شهرنشین شدن یک جمعیت بازدارنده برجسته وجود داشت (Dyson, 2019: 171). مرحله کلیدی در گذار جمعیت شناختی هنگامی فرامی‌رسد که تراز مرگ‌ومیر شهری به پایین تراز تولد موالید شهری کاهش پیدا می‌کند (De Vries, 1990: 53). در چنین شرایطی است که رشد طبیعی جمعیت شهری برای نخستین بار مثبت می‌شود. از این پس جمعیت شهری دارای دو عامل رشد می‌شود؛ یکی رشد طبیعی خود جمعیت شهری و دوم مهاجرت پیاپی از روستا به شهر (که خود میزان رشد طبیعی جمعیت روستایی را کاهش می‌دهد). با کاهش مرگ‌ومیر به تراز پایین تراز موالید در شهرها، سقف جمعیتی برای شهرنشینی برداشته می‌شود؛ بنابراین، در دوره‌ای از رشد شهری پیاپی، نخست مهاجرت روستا-شهری پشتیبان بنیادی رشد شهری است ولی در دنباله و همچنان که سطح عمومی شهرنشینی در یک جمعیت افزایش پیدا می‌کند، این رشد طبیعی خود جمعیت شهری است که به کنشگر بنیادین رشد شهری بدل می‌شود. به عبارت روشن‌تر، در مراحل نخستین گذار جمعیت شناختی - هنگامی که شهر کوچک است - مهاجرت روستا به شهر خاستگاه آغازین رشد شهری است، ولی همچنان که گذار جمعیت شناختی و شهرنشینی ادامه می‌یابد و بخش شهری بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود، رشد طبیعی خود جمعیت شهری خاستگاه بنیادین رشد شهری شمرده می‌شود. رشد طبیعی جمعیت شهری چه بسا بسیار پیش از این که نیمی از همه جمعیت یک سرزمین شهرنشین شود، برانگیزنده بنیادین رشد شهری شمرده می‌شود (Keyfitz, 1980: 149).

کاهش مرگ‌ومیر و افزایش رشد طبیعی جمعیت در مناطق روستایی به این معنی خواهد بود که برخی از نقاط در نتیجه افزایش جمعیت با طبقه‌بندی دوباره، به‌عنوان نقطه شهری شناخته شوند. همچنین رشد طبیعی جمعیت مناطق روستایی جریان مهاجرتی روستا-شهری را نیروبخشی می‌کند. به‌راستی، شواهد نشان می‌دهند که افزایش میزان خالص برون‌کوچی از مناطق روستایی، در فرایند گذار جمعیت شناختی افزایش می‌یابد. افزون بر این هنگامی که در پایان گذار جمعیت شناختی، میزان فوت و موالید هر دو پایین و کم‌وبیش همه‌جا برابرند، چه بسا مهاجرت دوباره عامل بنیادین تأثیرگذار بر رشد جمعیت شهری می‌شود؛ بنابراین، در شمار رو به‌رشدی از کشورهای در حال توسعه که از دید گذار جمعیت شناختی کم‌وبیش پیشگام هستند، کاهش رشد طبیعی جمعیت شهری به معنای این است که مهاجرت روستا-شهری مایه اصلی افزایش رشد شهری است (Chen, et al., 1998: 137).

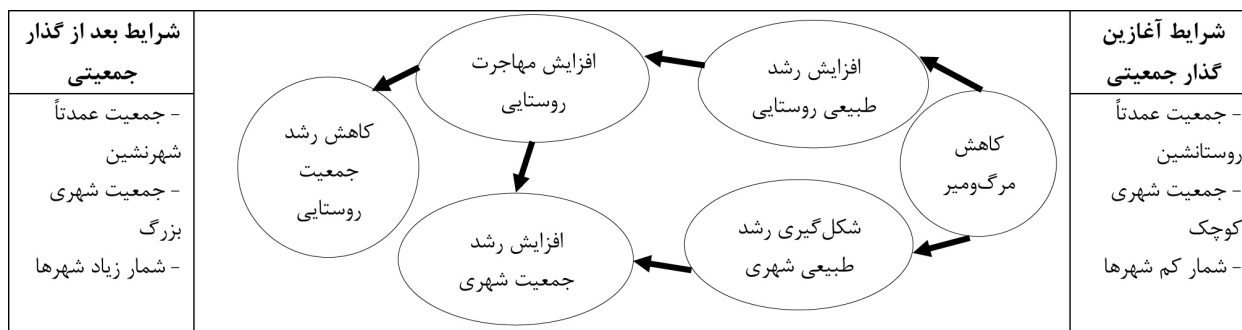
تصویر شماره ۱، اگرچه نمودار بسیار ساده‌شده‌ای از پیوندهای احتمالی و پرشمار میان پدیده‌های گوناگون است، ولی نشان می‌دهد که کاهش مرگ‌ومیر در گذار جمعیت شناختی دوره دیرپا را به وجود می‌آورد که در آن رشد جمعیت شهری دارای دو خاستگاه بنیادین رشد است؛ درحالی‌که جمعیت روستایی زیر کارگزاری مهاجرفرستی رو به‌کاهش می‌گذارد. برپایه این مباحث و آن‌طور که در تصویر شماره ۱۵ نشان داده شده، شهر سندانج در شرایط پس از گذار جمعیتی قرار دارد و (به‌ویژه) عوامل رشد طبیعی و مهاجرت‌های روستایی در نسبت بالای شهرنشینی آن (۸۲ درصد) اثرگذار بوده و هستند.

قبلی، با طبقه‌بندی محله‌های شهر سندانج و گونه‌بندی آنها در شش سکونتگاه، به موشکافی ویژگی‌های جمعیتی در این سکونتگاه‌ها پرداخته و به این پرسش‌ها می‌پردازیم که ویژگی‌ها و شاخص‌هایی چون اندازه، رشد و ساخت سنی جمعیت، مهاجرت، تراکم و واحد مسکونی، فعالیت، اشتغال و بیکاری، سواد و تحصیلات در این‌گونه سکونتگاه‌ها چگونه است؟ چه ناهمسانی با دیگر سکونتگاه‌ها دارد و این ویژگی‌ها چه رهنمودهایی برای مدیریت شهری دارد؟

۲. چارچوب نظری

مبانی نظری این پژوهش را نظریه‌هایی تشکیل می‌دهند که از یک سو توجه خود را به رشد و گوناگونی شهری در کشورهای در حال توسعه معطوف می‌دارند. از سوی دیگر، بنا بر همین گوناگونی، به گونه‌شناسی سکونتگاه‌های شهری می‌پردازند؛ اکنون، نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند. بر پایه گزارش مرکز سکونتگاه‌های انسانی ملل متحد، مناطق شهری در ۳۰ سال آینده برجسته‌ترین کانون رشد جمعیت جهان خواهند بود و با این افزایش جمعیت، برنامه‌ریزان و دولت‌های کشورهای در حال توسعه با چالش نرخ رشد بالای فقر روبه‌رو هستند. این در حالی است که نمود فقر که زمانی بیشتر ویژگی مناطق روستایی بود، امروزه هرچه بیشتر شهری شده است. یکی از پیامدهای بنیادین افزایش فقر در شهرها و شهری شدن فقر، کمبود مسکن و شکل‌گیری فزاینده سکونتگاه‌های غیررسمی است؛ چنانچه جمعیت این سکونتگاه‌ها برای سال ۲۰۲۰ در نزدیک ۸۸۹ میلیون برآورد شده است (Divyani, 2011: 1). ایران نیز در روند دگرگونی شهرنشینی امروزی، پدیده اسکان غیررسمی را به شکل چشمگیری تجربه کرده و می‌کند. بررسی‌ها نشان داده است که سکونتگاه‌های غیررسمی در جهان و از آن‌گونه در ایران از یک شکل و الگوی یکنواخت پیروی نکرده، چه بسا ریخت فضایی و مکانی و روند فرگشت و تکامل محله‌های فقیرنشین از یک منطقه به منطقه دیگر، از شهری به شهر دیگر و حتی در بخش‌های یک شهر با هم ناهمسان است (Irandoost, et al., 2013: 92). آن‌گونه که مونث‌گمری و همکارانش عنوان می‌کنند، «گوناگونی یکی از ویژگی‌های زندگی شهری امروز است که از یک دیدگاه گوناگونی روشن‌نگر پنداره شهر همچون بخت‌آزمایی و عرضه اجتماعی است، جایی که در آن خطرات و پاداش‌هایی در آن نمایش دارد که این شواهد بی‌ثباتی و احتمالات آن است؛ اما از دیدگاه دیگر، گوناگونی به مثابه تجربه‌ای از نابرابری و یادآوری از بی‌ثباتی و پیامد امکان آن است» (Montgomery, et al., 2019: 167).

یکی از کلیدی‌ترین چارچوب‌ها برای بررسی روند و زمینه‌های شهرنشینی، نظریه گذار جمعیت شناختی است. بر پایه این چارچوب، برجسته‌ترین بازگفت جمعیت شناختی شهرنشینی در این راستینگی نهفته است که در شرایط پیش از گذار، میزان مرگ‌ومیر شهری بالاتر از میزان زاد و ولد بوده است. از این رو در جوامع پیش از گذار، بخش شهری یک گودال جمعیتی تلقی می‌شد - جایی که در آن شمار مرگ‌ها بیشتر از موالید بود. در نتیجه، برای دوره‌های طولانی، حفظ جمعیت شهرها وابسته به مهاجرت روستا-شهری بود. در چنین شرایطی، رشد شهری محدود بوده و اگر هم رشدی وجود داشت، به دلیل مهاجرت



تصویر شماره ۱: طرح شماتیکی از فرایندهای منجر به رشد شهری و شهرنشینی

همان‌گونه که اشاره شد، گوناگونی یکی از ویژگی‌های زندگی شهری امروز است. گوناگونی‌ای که تداعی‌کننده نابرابری و به عبارتی، شکل‌گیری سکونتگاه‌های ناهمگون است که مدخلی برای ادامه بحث خواهد بود. در پرداختن به گونه‌های سکونتگاهی شهری، جنیس پرلمن^۱ از جمله نظریه‌پردازان حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی است که با توجه به اعتبار علمی پژوهش‌های وی، شهرتی جهانی یافته است. پرلمن در فاصله سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ در فاولاهای ریودوژانیرو در برزیل به زندگی و تحقیق پرداخت و برای نخستین بار اصطلاح افسانه حاشیه‌نشینی را در مورد ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به‌کار برد. نتیجه پژوهش‌های پرلمن در کتاب افسانه حاشیه‌نشینی: فقر شهری و سیاست‌ها در ریودوژانیرو در سال ۱۹۷۶ منتشر گردید. این کتاب دیدگاه منفی نسبت به فقر شهری را که تا آن زمان غالب بود، به چالش کشید و به انتقاد از دیدگاه رایج پرداخت (Perlman, 1976)؛ اگرچه بعدها با شکل‌گیری شرایط پسا صنعتی به بازنگری برخی از داورهای خود پرداخت (Perlman, 2010).

استاکس^۲ نیز در یک گونه‌بندی میان جوامع یا محله‌های فقیرنشین کامیاب و ناکام مرز روشنی ترسیم نمود و از این دو گروه به‌عنوان آلونک‌های امید و آلونک‌های ناامیدی یاد می‌کند (Potter & Liloyd, 2005: 225). در همین راستا، می‌توان به گونه‌شناسی ترنر بر پایه پویایی گروه‌های ساکن در این سکونتگاه‌ها اشاره نمود که ترنر آنها را به سه دسته تقسیم می‌کند: گروه نخست طلایه‌دار یا تازه‌وارد کم‌درآمد، گروه دوم تثبیت‌کنندگان و گروه سوم جست‌وجوگران پایگاه درآمدی میانه. این سه گروه درون‌مایه چندباره ناهمسانی‌های اقتصادی-اجتماعی میانه گروه‌های معطوف به مسکن کم‌درآمدها را نشان می‌دهند (Ibid: 229).

هرناندو دستوتو^۳ گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیررسمی در پرو را بر پایه گونه تهیه املاک در دو گونه خرید غیرقانونی زمین کشاورزی و تصرف دسته‌بندی می‌کند. نخستین گونه تصرف به‌صورت تدریجی در سکونتگاه‌هایی شکل می‌گیرد که پیش‌تر وجود داشته‌اند. بیشتر این سکونتگاه‌ها به مزارع و معادن و املاکی پیوسته‌اند که مالکان با اشغال‌کنندگان پیوندهایی دارند (کارگر و کارفرما) و خواهان به بیرون راندن آنان نیستند. به‌مرور زمان کسان تازه‌ای که هیچ پیوندی با مالک و ساکنان ندارند، به سکونتگاه افزون می‌شوند. نخست با

اجاره یا خرید قطعه کوچکی آغاز کرده و سپس آن را گسترش داده و به‌این‌ترتیب تصرف تدریجی شکل می‌گیرد. در گونه دیگر تصرف، هیچ هماهنگی و سازشی میان ساکنان و مالک زمین نیست، از این‌رو، تصرف غیرمنتظره و همراه با خشونت است (de Soto, 1989: 20). در کشور نیز پژوهش‌هایی درباره سکونتگاه‌های غیررسمی انجام شده است که می‌توان به نمونه‌ای از آنها اشاره کرد (Piran, 1994; Sarafi, 2003; Piran, 2002; Zebardast, 2006; Hataminjhad & Hosseinoghli, 2009). پیران در یک بررسی فراگیر، بسیاری از این سکونتگاه‌ها را دسته‌بندی کرده و ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی آنها را پدیدار کرده است. از آن‌گونه درباره جنوب تهران که گونه‌های مسکن در این محله‌ها را واکاوی کرده (Piran, 1994) و زبردست هم درباره تهران ویژگی‌هایی کلی از سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامون تهران ارائه کرده است (Zebardast, 2006). حاتمی‌نژاد و حسین‌اوغلی در مطالعه خود به بررسی و ارزیابی تطبیقی شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهرک انقلاب و حصار امیر (به‌عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی) با منطقه ۱۹ شهر تهران پرداختند و به این دستاوردها دست یافتند که شهرک انقلاب و حصار امیر از لحاظ شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سنجش با شهر تهران در سطح پایین‌تری قرار دارند. همچنین، سکونتگاه‌های یادشده رو به گذار از فرهنگ سنتی خود به فرهنگ شهری هستند و به‌نوعی شیوه زندگی شهری دست پیدا کرده‌اند (Hataminejad & Hosseinoghli, 2009). به‌طور خلاصه و بر پایه رهیافت‌های نظری و تجربی، اگرچه سکونتگاه‌های غیررسمی به‌طور کلی فقیرنشین خوانده می‌شوند، اما واقعیت آن است که گونه‌ها، روند ساختن، علت و الگوهای گوناگون را، حتی در یک شهر متوسط به نمایش می‌گذارند. در این بررسی، همانند با نظریه‌های گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیررسمی که از پژوهش ایراندوست و همکاران برگرفته شد (Irandoost, et al., 2013)، به صورت تکمیلی شش گونه سکونتگاه در شهر سندانج تعیین و طبقه‌بندی و محله‌های ناهمگون شهر در آن گونه‌ها جا گرفت که در جدول شماره ۱ و نیز تصویر شماره ۲، بر روی نقشه نشان داده شده است. در قسمت یافته‌ها نیز، تحلیل مقایسه‌ای ویژگی‌های جمعیتی این سکونتگاه‌ها انجام شده است.

۳. روش

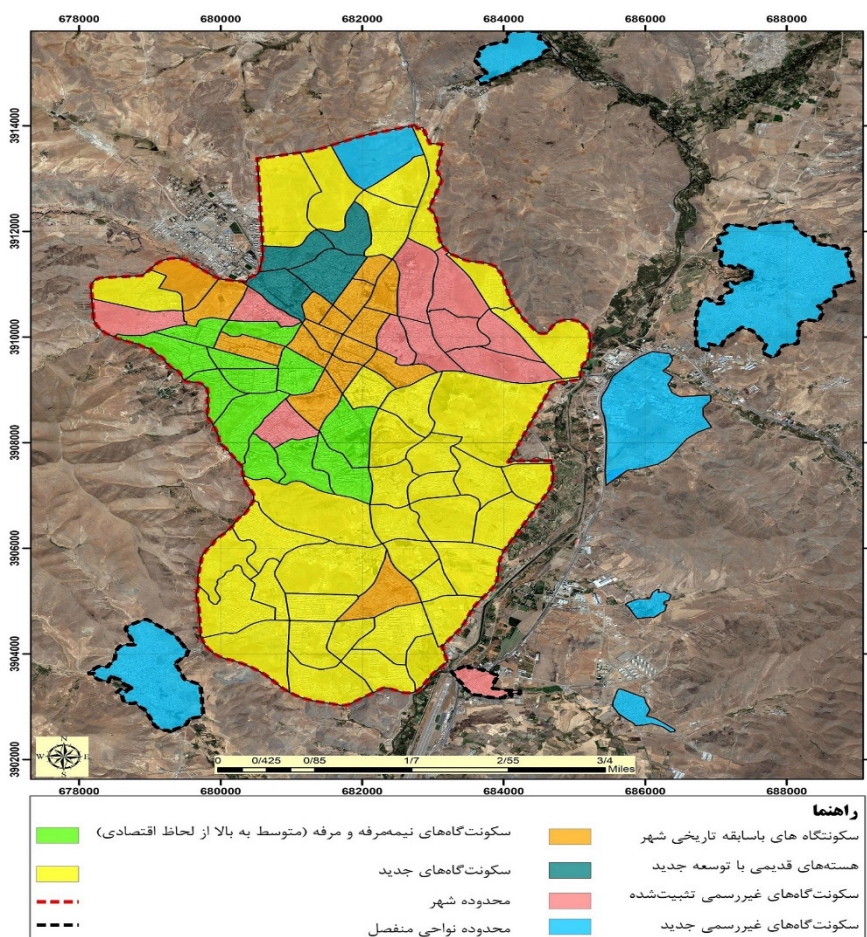
این پژوهش از دید روش از پژوهش‌های کمی از نوع توصیفی است که با وجود توصیف و واکاوی وضعیت موجود، سرشتی اکتشافی نیز دارد و با هدف همسنجی ویژگی‌ها و شاخص‌های جمعیتی در سکونتگاه‌های

- 1 Perlman
- 2 Stokes
- 3 de Soto

جدول شماره ۱: گونه‌شناسی سکونتگاه‌های شهر سنندج بر اساس نظریه‌ها و مطالعات قبلی و طبقه‌بندی محله‌های سنندج

گونه‌شناسی سکونتگاه‌ها	نظریه پردازان و مطالعات قبلی	شامل محله‌ها
۱- سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده	UN-HABITAT, 2003; Nangia & Thorat, 2000 Irandoost, 2009; Ishtiyag & Kumar, 2011	عباس‌آباد، کانی کوزله، حاجی‌آباد، فرجه، تپه بهارمست و پیرمحمد، گلشن، کمربندی ۱۷ شهریور، چم حاجی‌نسه، گریزه، غفور
۲- سکونتگاه‌های غیررسمی جدید	Ishtiyag & Kumar, 2011; UN-HABITAT, 2003 Irandoost, 2009	حسن‌آباد، نایسر، نله، دره سید حسین، قار، دوشان، آساوله
۳- هسته‌های قدیمی با توسعه جدید	Ishtiyag & Kumar, 2011; UN-HABITAT, 2003 Irandoost, 2009	فرادیان، جورآباد، تققان، گردی‌گرو، اسلام‌آباد، تپه اولیابک، تپه شیخ محمد صادق
۴- سکونتگاه‌های جدید	نگارندگان	شهرک‌های بهاران، زیباشهر، ویلاشهر، پیام، شهرداری، بیستون، ساحلی، پردیس، نساجی، کارگران، اداره پست، زاگرس، علوم پزشکی، نظام مهندسی، دکایران، سپاه، اندیشه، معلم، مولوی، ورمقانی، ارشاد، بعثت، کردستان، پنج‌آذر، وحدت، قدس
۵- سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر	Ishtiyag & UN-HABITAT, 2003; Sharma, 1998 Irandoost, 2009; Kumar, 2011	خانقاه، تپه کرباسچی، گریاشان، پیرغریب، شریف‌آباد، نبوت، سفورآباد، چهارباغ، قلعه چهارلان، سرتپوله، پیرعمر، قطارچیان، وکیل، مسیحی‌ها، ایوبی، تپه قوپال، تپه ملاحسین، خسروآباد، سلیمان‌خاطر، مسناو، کمیز
۶- سکونتگاه‌های نیمه‌مره و مره (متوسط به بالا از لحاظ اقتصادی)	نگارندگان	شالمان، شهرک سعدی، شهرک کشاورز، تکیه و چمن، مبارک‌آباد، امیریه، صفری، بلوار شبلی

منبع: (Irandoost, et al., 2013) با تعدیل و اضافات



تصویر شماره ۲: نقشه گونه‌شناسی سکونتگاه‌های شهر سنندج

به‌اضافه چند بخش ناپیوسته پیرامون شهر همچون نله، دره سید حسین، قار، دوشان و آساوله است. داده‌های خام بررسی از بخش آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان گرفته شد. پس از به دست آوردن و پردازش نخستین داده‌ها از سوی گروه نقشه

رسمی و غیررسمی شهر سنندج انجام گرفته است. همچنین، پژوهش از نظر زمانی، مقطعی و از راه واکاوی ثانویه داده‌های خام سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ شهر سنندج به سرانجام رسیده است. گستره زیستگاهی پژوهش، شهر سنندج و همه محله‌های آن

توسعه جدید و سکونتگاه‌های نیمه مرفه و مرفه در سال ۱۳۹۵ به ترتیب با ۰.۸/۸، ۷/۵ و ۷/۲ درصد از ساختار سنی به مراتب سالخورده‌تری برخوردارند. شاخص جوانی جمعیت هم که بیانگر نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت است، نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های غیررسمی جدید، سکونتگاه‌های جدید و نیز سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده به ترتیب با ۲۷/۶، ۲۱/۵ و ۲۰/۹ درصد از ساختار سنی جوان تری در سنجش با دیگر سکونتگاه‌ها برخوردارند. میان سنی از دیگر شاخص‌هایی است که می‌تواند بازنمای وضعیت ساختار سنی جمعیت باشد. این شاخص سن وسط در توزیع سنی جمعیت را نشان می‌دهد و آشکار می‌کند که ۵۰ درصد جمعیت در بالای یک سن مشخص و ۵۰ درصد دیگر در پایین آن سن مشخص قرار می‌گیرند (Saraie, 2009: 90). بر این اساس، هر چه عدد میان سنی بزرگ‌تر باشد، گویای سالخورده‌تر بودن جمعیت است. مطابق با ارقام میان سنی در سال ۱۳۹۵، سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر، هسته‌های قدیمی با توسعه جدید و سکونتگاه‌های نیمه مرفه و مرفه با اعداد ۳۱/۳ و ۲۸/۷ سال از ساختار سالخورده‌تری برخوردارند. این در حالی است که در سکونتگاه‌های غیررسمی جدید، مناطق سکونتگاهی جدید و سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده ارقام میان سنی به ترتیب ۲۵/۴، ۲۶/۸ و ۲۷/۲ سال بوده و گویای جوان‌تر بودن جمعیت آنهاست.

شاخص نسبت جنسی جمعیت، توزیع مردان در برابر هر ۱۰۰ زن را نشان می‌دهد. در جمعیت‌های متعارف (به دور از جریان‌های کم‌و بیش نیرومند مهاجرتی، مرگ‌ومیر یا برکنار از آداب و رسوم و ویژه فرهنگی همچون پسرخواهی) پیش‌بینی می‌شود که شاخص نسبت جنسی از بدو تولد تا پایان میان‌سالگی (۶۰ سالگی) عددی نزدیک به ۱۰۵ باشد و پس از آن به تدریج رو به کاهش بگذارد (Mirzaei, 2002: 33). این شاخص در سال ۱۳۹۵ در سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر، نیمه مرفه و مرفه و سکونتگاه‌های جدید دوراز عدد مورد انتظار است. به گونه‌ای که در اولی و دومی ۹۴/۴ و ۹۵/۵، گویای شمار بیشتر زنان است و می‌تواند نشان از زنانه شدن سالخورده‌گی در این محله‌ها باشد. در دیگر سکونتگاه‌ها، شاخص نسبت جنسی کل جمعیت نزدیک به رقم مورد انتظار بوده است.

در جدول شماره ۲، شاخص‌های دگرگونی مطلق و آهنگ رشد سالیانه جمعیت در سکونتگاه‌های سنندج در سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ هم آمده است. نتایج نشان می‌دهد که در چهار دسته از سکونتگاه‌ها، دگرگونی‌های سالیانه جمعیت مثبت است. چنانکه سکونتگاه‌های جدید، سکونتگاه‌های غیررسمی جدید، سکونتگاه‌های نیمه مرفه و مرفه و سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده به ترتیب از رشد سالیانه ۷/۱، ۶/۵، ۴/۴ و ۱/۵ درصدی برخوردار بوده‌اند. معنای ساده یکی از این درصدها برای نمونه ۷/۱، آن است که در بازه ده ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، در سکونتگاه‌های جدید در برابر هر ۱۰۰ نفر در سال، نزدیک به هفت نفر به جمعیت افزوده شده است. در برابر آن، نرخ رشد سالیانه جمعیت در سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر و هسته‌های قدیمی منفی بوده است. در صورت ادامه روند کنونی، این سکونتگاه‌ها جمعیت‌های خود را بیشتر و بیشتر از دست می‌دهند که می‌تواند

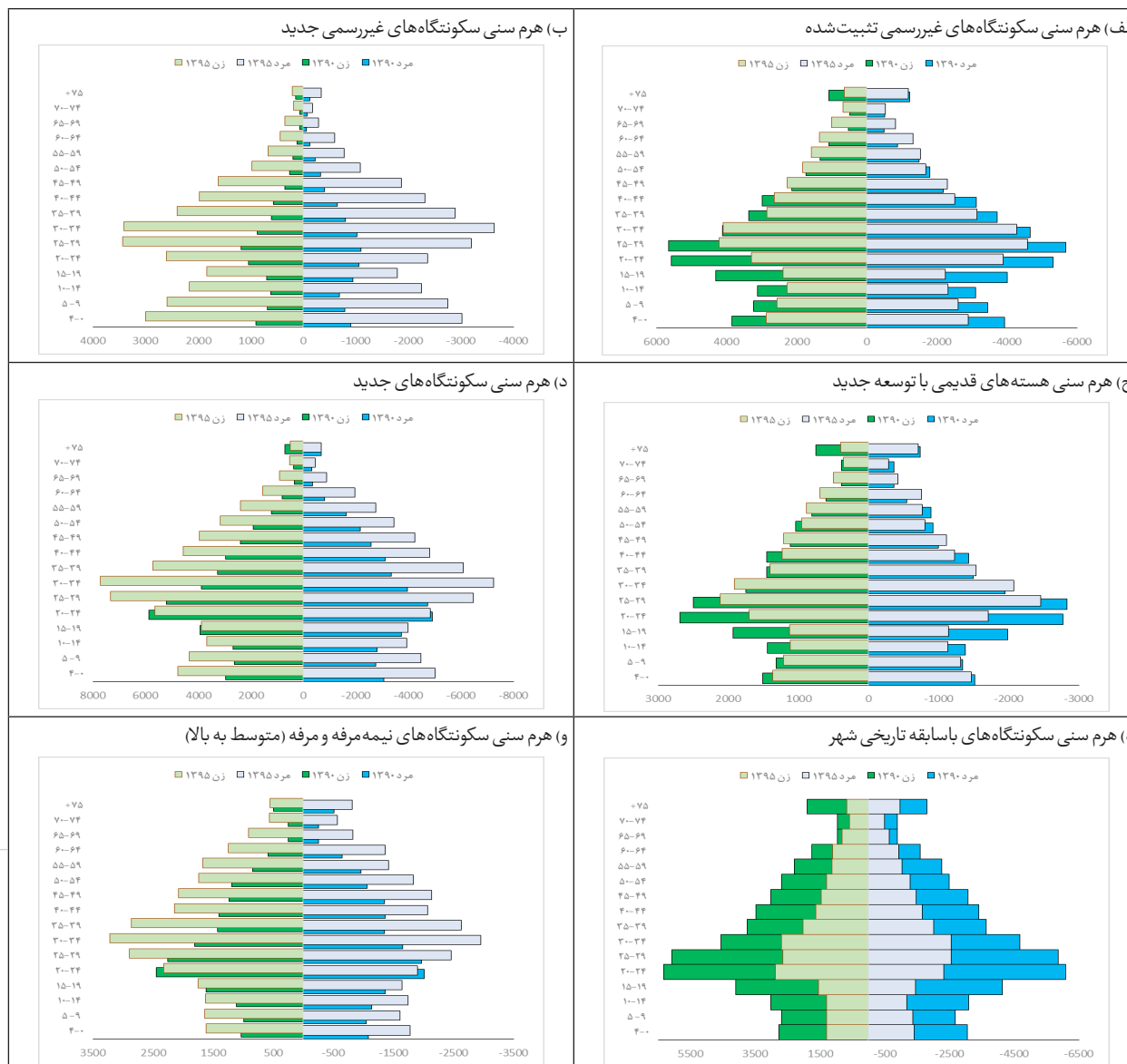
و GIS سازمان یاد شده و طبقه‌بندی محله‌های سنندج به گونه‌های سکونتگاه‌ها بر پایه پژوهش‌های نظری و تجربی (نگاه شود به جدول شماره ۱)، ویژگی‌ها و شاخص‌های جمعیتی برای سکونتگاه‌ها و محله‌های شهری به دست آمد و مورد مقایسه قرار گرفت.

برخی از شاخص‌های به‌کاررفته در این بررسی که نیاز به شناسایی دارند تا بهتر درک شوند، عبارتند از نسبت جنسی کل، شاخص‌های جوانی و سالخورده‌گی جمعیت، شاخص‌های نرخ مشارکت اقتصادی، بار اقتصادی خالص و نسبت‌های اشتغال و بیکاری. نسبت جنسی کل شاخصی است که نشان‌دهنده شمار مردان در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن در کل جمعیت است. شاخص‌های جوانی و سالخورده‌گی جمعیت به ترتیب نشان‌دهنده نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت به درصد و نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر از کل جمعیت به درصد است. نرخ مشارکت اقتصادی گویای نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ سال و بالاتر به درصد است. بار اقتصادی خالص حاصل تفاضل جمعیت شاغل از کل جمعیت و تقسیم آن بر جمعیت شاغل بوده و نشان می‌دهد که هر فرد شاغل علاوه بر خود بایستی تأمین معاش و هزینه‌های زندگی چند نفر دیگر را عهده‌دار گردد. نسبت‌های اشتغال و بیکاری هم نشان‌دهنده شمار جمعیت شاغل و بیکار در مقابل هر ۱۰۰ نفر جمعیت فعال است.

۴. بحث و یافته‌ها

در تصویر شماره ۳، ساختار سنی و جنسی سکونتگاه‌های شهر سنندج در چارچوب هرم سنی در دو دوره زمانی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ نشان داده شده است. این هرم‌های سنی به‌طور فشرده گویای سه نکته برجسته هستند. نخست، سکونتگاه‌های جدید و غیررسمی جدید (قسمت‌های د و ب) در هر دو دوره از ساختار سنی جوان‌تری برخوردارند و با توجه به قاعده پهن‌تری که دارند، رشد یابنده شمرده می‌شوند. به سخن دیگر، در این‌گونه سکونتگاه‌ها شمار و میزان رشد جمعیت به علت تغییرات طبیعی و نیز جریان مهاجرت‌پذیری افزایشی است. دوم، سکونتگاه‌های مرفه و نیمه مرفه یا متوسط به بالای شهر (قسمت و) از یک ساختار سنی جوان و رشد یابنده برخوردارند، اگرچه از طرفی رو به سالخورده‌گی هستند و از سوی دیگر افزون بر جریان رشد طبیعی در آنها، گویای مهاجرت‌پذیری نیز هستند. هرم سنی سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده (قسمت الف) نیز، کم‌و بیش همانند با هرم سکونتگاه‌های نیمه مرفه و مرفه است، اگرچه به نظر می‌رسد که این سکونتگاه‌ها کمتر تحت تأثیر روند مهاجرت هستند و از رشد جمعیتی پایین‌تری برخوردارند و از این رو با شتاب بیشتری دگرگونی‌های ساختار سنی و سالخورده‌گی را تجربه می‌کنند و سوم، هرم سنی سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر و هسته‌های قدیمی با توسعه جدید (قسمت‌های ه و ج) نشانگر ساختار سنی رو به سالخورده‌گی آنها، رشد منفی جمعیت و به عبارتی، کاهنده بودن آنهاست.

در جدول شماره ۲، شاخص‌های اندازه و رشد جمعیت و ابعادی دیگر از ساختار سنی جمعیت در سکونتگاه‌های شهر سنندج در بازه ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ آمده است. شاخص سالخورده‌گی جمعیت که در این بررسی روشن‌تر نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر از کل جمعیت است، نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر، هسته‌های قدیمی با



تصویر شماره ۳: هرم سنی سکونتگاه‌های شهر سنندج طی دو دوره ۹۵-۱۳۹۰

منبع: پردازش و ترسیم بر اساس سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سنندج (Statistical Center of Iran, 2011; 2016) در نرم‌افزار PAS

جدول شماره ۲: شاخص‌های حجم، رشد و ساخت سنی جمعیت در سکونتگاه‌های شهر سنندج

شاخص سالخوردگی جمعیت، سال ۱۳۹۵	شاخص جوانی جمعیت، سال ۱۳۹۵	نسبت جنسی کل جمعیت، سال ۱۳۹۵	میان سنی کل جمعیت، سال ۱۳۹۵	نرخ رشد سالیانه جمعیت (درصد)، ۱۳۸۵-۹۵	تغییر مطلق سالیانه جمعیت (نفر)، ۹۵-۱۳۸۵	شمار جمعیت (نفر)		سکونتگاه‌ها
						سال ۱۳۹۵	سال ۱۳۸۵	
۶/۵	۲۰/۹	۱۰۲/۸	۲۷/۲	۱/۵	۱۰۵۲	۷۴۶۸۶	۶۴۱۷۰	غیررسمی تثبیت شده
۲/۷	۲۷/۶	۱۰۵/۱	۲۵/۴	۶/۵	۲۶۸۷	۵۷۲۶۹	۳۰۳۹۸	غیررسمی جدید
۷/۲	۲۰/۵	۱۰۲/۶	۲۸/۷	-۲/۹	-۱۲۷۷	۳۷۳۰۶	۵۰۰۷۲	هسته‌های قدیمی با توسعه جدید
۳/۲	۲۱/۵	۱۰۰/۸	۲۶/۸	۷/۱	۶۰۷۷	۱۲۲۰۶۱	۶۱۲۹۵	جدید
۸/۸	۱۶/۵	۹۴/۴	۳۱/۳	-۷/۳	-۵۳۸۸	۴۷۹۸۱	۱۰۱۸۶۰	باسابقه تاریخی شهر
۷/۵	۱۷/۷	۹۵/۵	۲۸/۷	۴/۴	۲۰۰۳	۵۶۸۱۶	۳۶۷۸۲	نیمه مرفه و مرفه

منبع: پردازش بر اساس سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سنندج (Statistical Center of Iran, 2006; 2016)

گفته شده در آغاز این بند با توجه به ستون «نسبت جمعیت متولد همان سکونتگاه» یا «نسبت جمعیت متولد آبادی دیگر از شهرستان سنندج» نیز تأیید می‌شود، زیرا رقم سکونتگاه‌های غیررسمی جدید در نسبت جمعیت متولد همان سکونتگاه، ۴/۴۱ درصد است و ارقام نسبت جمعیت متولد آبادی دیگر در سکونتگاه‌هایی مانند محله‌های نیمه‌مرفه و مرفه، با سابقه تاریخی شهر و جدید به ترتیب ۷/۱۵ و ۹/۱۵ درصد است. به زبان دیگر، بیشتر جمعیت در این سه گونه سکونتگاه متولدان همان سکونتگاه هستند. این ادعا هم با توجه به ستون آخر بیشتر قابل پذیرش است؛ زیرا به ترتیب ۷/۱۶، ۱/۹ و ۱/۱۲ درصد از جمعیت آن سکونتگاه‌ها متولد دیگر سکونتگاه‌های سنندج بوده‌اند. البته این نکته را بایستی یادآور شد که سکونتگاه‌های غیررسمی جدید و سکونتگاه‌های نیمه‌مرفه و مرفه بیش از دیگر سکونتگاه‌ها به عنوان جاذب جمعیت چه جمعیت‌های وارد شده و چه جمعیت‌های از پیش موجود ساکن در سنندج عمل کرده و می‌کنند.

پیامدهایی از لحاظ نابرابری در ساختار سنی (سالخوردگی شدید) و همچنین انبوهی و پخشایش فضایی جمعیت در شهر سنندج داشته باشد. روی هم رفته، این نتایج نشانگر آن است که رشد اصلی جمعیت شهر بیشتر متمرکز بر مناطق جدید و نیز غیررسمی جدید است. جدول شماره ۳، برخی از شاخص‌های مهاجرت در سکونتگاه‌های شهر سنندج را نشان می‌دهد. داده‌های این جدول به گونه فشرده گویای مهاجری پذیر بودن برخی از سکونتگاه‌های شهر و وجود روند مهاجرت‌های میان سکونتگاهی در برخی دیگر از سکونتگاه‌هاست. همان‌گونه که از ستون «نسبت مهاجران وارد شده در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵» برمی‌آید، رقم این نسبت برای سکونتگاه‌های غیررسمی جدید و سکونتگاه‌های نیمه‌مرفه و مرفه به ترتیب ۵/۳۳ و ۲/۱۱ درصد بوده است؛ به سخن دیگر، این دو گونه سکونتگاه از جایگاه‌های اصلی پذیرش جمعیت در سنندج در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ بوده‌اند. در حالی که رقم نسبت یاد شده برای سکونتگاه‌هایی مانند مناطق غیررسمی تثبیت شده یا هسته‌های قدیمی با توسعه جدید به ترتیب ۶/۳ و ۷/۴ درصد است. سخن

جدول شماره ۳: شاخص‌های مهاجرت در سکونتگاه‌های شهر سنندج، سال ۱۳۹۰*

سکونتگاه‌ها	مهاجران وارد شده (نفر)	نسبت مهاجران وارد شده در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ (درصد)	نسبت جمعیت متولد همان سکونتگاه (درصد)	نسبت جمعیت متولد آبادی دیگر (درصد)	نسبت جمعیت متولد سکونتگاه دیگر (درصد)
غیررسمی تثبیت شده	۳۰۰۳	۳/۶	۶۲/۵	۳۰/۳	۳/۶
غیررسمی جدید	۷۷۵۴	۳۳/۵	۴۱/۴	۲۵/۱	۰/۰
هسته‌های قدیمی با توسعه جدید	۱۹۸۵	۴/۷	۶۳/۹	۲۳/۹	۷/۵
جدید	۷۱۴۶	۸/۷	۶۳/۳	۱۵/۹	۱۲/۱
باسابقه تاریخی شهر	۷۹۴۳	۷/۹	۶۷/۳	۱۵/۷	۹/۱
نیمه‌مرفه و مرفه	۴۱۵۰	۱۱/۲	۶۵/۳	۶/۸	۱۶/۷

آمار منتشر شده مربوط به مهاجرت در نتایج سرشماری بلوک‌های آماری صرفاً همین موارد بوده است.

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سنندج (Statistical Center of Iran, 2006; 2011)

ساختار سنی جوان و مهاجری پذیر سکونتگاه‌های جدید و غیررسمی جدید، میانگین بُعد خانوار در آن مناطق به نسبت بزرگتر است. دوم، در سکونتگاه‌های غیررسمی به ویژه جدید به دلایلی همچون حجم بالای خانوار، متراژ پایین واحدهای مسکونی و ... تراکم نفر در اتاق به نسبت بزرگتر از دیگر سکونتگاه‌هاست. همچنین، در حالی که نسبت واحدهای مسکونی با دوام در سکونتگاه‌های نیمه‌مرفه / مرفه و جدید به ترتیب ۸/۹۵ و ۶/۹۱ درصد بوده، نسبت‌های متناظر برای هسته‌های قدیمی شهر و سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده به ترتیب ۵/۵۵ و ۹/۶۷ درصد است.

جدول شماره ۵، شاخص‌های دیگری از وضعیت واحدهای مسکونی، نوع سکونت خانوارها و درصد خانوارهای مستأجر در سکونتگاه‌های سنندج را در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. در حالی که در هسته‌های قدیمی و سکونتگاه‌های غیررسمی جدید و تثبیت شده به ترتیب ۴/۶۶، ۳/۶۴ و ۱/۶۷ درصد از واحدهای مسکونی دارای مساحت ۸۰ مترمربع و کمتر بوده‌اند، این نسبت در سکونتگاه‌های نیمه‌مرفه و مرفه، جدید و با سابقه تاریخی شهر به ترتیب ۲/۲۱، ۳۱ و ۹/۴۶ درصد است. در مقابل، درصد واحدهای مسکونی با مساحت ۱۵۱ مترمربع و بیشتر در سه دسته از سکونتگاه اخیر به ترتیب ۱۵، ۴/۵ و ۸/۹ درصد است.

در جدول شماره ۴، شاخص‌های تراکم جمعیت، بُعد خانوار و نسبت واحدهای مسکونی با دوام مرتبط با سال ۱۳۹۵ در سکونتگاه‌های مختلف سنندج آمده است. با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان وضعیت نسبتاً نامناسب شاخص‌های تراکم در برخی از سکونتگاه‌های سنندج را دریافت. اگرچه تراکم جمعیت به طور کلی در سنندج بالاست. مطابق با نتایج سالنامه آماری استان در سال ۱۳۹۵، مقدار تراکم نسبی در این شهر حدود ۱۳۸ نفر در هر کیلومتر مربع است (سالنامه آماری استان کردستان، ۱۳۹۷). اما این شاخص بر حسب نوع سکونتگاه متفاوت است و هسته‌های قدیمی به ویژه با رقم ۳۱۸ نفر در هکتار تراکم بالایی دارند. این در حالی است که سکونتگاه یاد شده از مساحت نسبتاً کمتری هم (۴/۱۱۷ هکتار) برخوردار است. در آن سو، سکونتگاه‌های جدید و سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر از مساحت بیشتر (به ترتیب ۶/۸۶۳ و ۱/۳۷۵ هکتار) و اما شاخص به نسبت کمتر تراکم جمعیتی (به ترتیب ۳/۱۴۱ و ۹/۱۲۷ نفر در هکتار) برخوردارند. دلالت سیاستی این نتایج، توزیع نامتناسب جمعیت در سکونتگاه‌ها و محله‌های مختلف شهر سنندج است و بایستی در برنامه‌ریزی‌ها به این مسئله مهم توجه به عمل آید. از دیگر نتایج قابل توجه در جدول شماره ۴، میانگین بُعد خانوار و تراکم نفر در اتاق است؛ نخست، نظر به

جدول شماره ۴: شاخص‌های تراکم جمعیت، بُعد خانوار و نسبت واحدهای مسکونی با دوام در سکونتگاه‌های شهر سنندج، سال ۱۳۹۵

نسبت واحدهای مسکونی با دوام* (درصد)	تراکم نفر در اتاق	میانگین بُعد خانوار	تراکم جمعیتی (نفر در هکتار)	مساحت (هکتار)	سکونتگاه‌ها
۶۷/۹	۱/۳۴	۳/۲۸	۲۳۵/۵	۳۱۷/۱	غیررسمی تثبیت شده
۹۰/۷	۱/۵۴	۳/۳۱	۱۸۲/۴	۳۱۴/۰	غیررسمی جدید
۵۵/۵	۱/۳۷	۳/۱۶	۳۱۷/۸	۱۱۷/۴	هسته‌های قدیمی با توسعه جدید
۹۱/۶	۱/۳۰	۳/۲۷	۱۴۱/۳	۸۶۳/۶	جدید
۷۴/۲	۱/۱۸	۳/۲۴	۱۲۷/۹	۳۷۵/۱	باسابقه تاریخی شهر
۹۵/۸	۱/۰۷	۳/۱۰	۲۲۳/۵	۲۵۴/۲	نیمه مرفه و مرفه

منبع: پردازش بر اساس سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سنندج (Statistical Center of Iran, 2016)
* معیار واحدهای مسکونی با دوام؛ سازه‌های اسکلت بتنی، فلزی یا آجر و آهن است.

باسابقه تاریخی شهر پایین‌تر (۳۶/۸ درصد) از دیگر مناطق بوده و این موضوع مسلماً بی‌ارتباط با ساختار سنی جمعیت جوان‌تر و سالخورده‌تر این دو سکونتگاه نیست. شاخص‌های اشتغال و بیکاری هم نشان می‌دهند که هسته‌های قدیمی و سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر به ترتیب از پایین‌ترین نسبت اشتغال و در واقع بالاترین نسبت بیکاری و سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده و سکونتگاه‌های جدید از بالاترین نسبت اشتغال و با پایین‌ترین نسبت بیکاری برخوردار بوده‌اند. یکی دیگر از شاخص‌های مورد بررسی، بار اقتصادی یا بار تکفل خالص است. این شاخص حاصل تفاضل جمعیت شاغل از کل جمعیت و تقسیم آن بر جمعیت شاغل است (Sam Aram & Ebrahim Najafabadi, 2014: 132) و نشان می‌دهد که هر فرد شاغل علاوه بر خود بایستی تأمین معاش و هزینه‌های زندگی چند نفر دیگر را عهده‌دار گردد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در هسته‌های قدیمی و سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی به علت بالا بودن نرخ بیکاری و گاهی ساختار سالخورده‌تر جمعیت، بار اقتصادی خالص بالاتر از دیگر نقاط (۲/۹) و اما در سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده و نسبتاً مرفه و مرفه پایین‌تر (۲/۵) بوده است.

در مجموع، این اطلاعات و نتایج جدول شماره ۴، گویای وجود یک وضعیت نابرابر در زمینه شاخص‌های تراکم، کیفیت و دوام واحدهای مسکونی در بین سکونتگاه‌های شهر سنندج است که جلوه‌هایی از فقر شهری در برخی از مناطق و محله‌های حاشیه، خودرو و فرسوده را بازنمایی می‌کند. در جدول شماره ۵ همچنین، نتایج مربوط به درصد خانوارهای دارای سکونت آپارتمانی از طرفی غلبه این نوع سکونت در مناطق نیمه مرفه و مرفه و سکونتگاه‌های جدید و غلبه واحدهای سکونتی از نوع ویلایی و گاهی فاقد معیارها و استانداردهای شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی را نشان می‌دهند. از طرف دیگر، نتایج مربوط به نسبت خانوارهای مستأجر نشان می‌دهد که در تمام سکونتگاه‌های مورد بررسی تقریباً نسبت برابری از خانوارها (از ۳۶/۷ تا ۴۴/۱ درصد) به صورت اجاره‌نشین هستند.

در جدول شماره ۶، شاخص‌های فعالیت، اشتغال و بیکاری مربوط به جمعیت در سکونتگاه‌های شهر سنندج آمده است. نرخ و یا بهتر است بگوییم نسبت مشارکت اقتصادی نشان می‌دهد که چند درصد از جمعیت در سن کار، فعال یعنی شاغل و یا بیکار هستند. این نسبت در سکونتگاه‌های غیررسمی جدید بالاتر (۴۲/۱ درصد) و در سکونتگاه‌های

جدول شماره ۵: مترائز واحدهای مسکونی، درصد خانوارهای دارای سکونت آپارتمانی و درصد خانوارهای مستأجر در سکونتگاه‌های شهر سنندج، سال ۱۳۹۵

سکونتگاه‌ها	درصد واحدهای مسکونی با مساحت ۸۰ مترمربع و کمتر	درصد واحدهای مسکونی با مساحت ۱۵۱ مترمربع و بیشتر	درصد خانوارهای از نوع سکونت آپارتمانی	درصد خانوارهای مستأجر
غیررسمی تثبیت شده	۶۷/۱	۲/۸	۲۷/۲	۳۹/۴
غیررسمی جدید	۶۴/۳	۱/۴	۳۰/۲	۴۰/۵
هسته‌های قدیمی با توسعه جدید	۶۶/۴	۴/۳	۱۸/۷	۴۱/۵
جدید	۳۱/۰	۵/۴	۷۲/۲	۴۴/۱
باسابقه تاریخی شهر	۴۶/۹	۹/۸	۳۹/۴	۳۸/۷
نیمه مرفه و مرفه	۲۱/۲	۱۵/۰	۶۴/۳	۳۶/۷

منبع: پردازش بر اساس سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سنندج (Statistical Center of Iran, 2016)

جدول شماره ۶: شاخص‌های فعالیت، اشتغال و بیکاری در سکونتگاه‌های شهر سنندج، سال ۱۳۹۰*

سکونتگاه‌ها	نرخ مشارکت اقتصادی (درصد)	بار اقتصادی خالص (نفر)	نسبت اشتغال (درصد)	نسبت بیکاری (درصد)
غیررسمی تثبیت شده	۳۸/۶	۲/۵	۸۲/۱	۱۷/۹
غیررسمی جدید	۴۲/۱	۲/۷	۸۰/۸	۱۹/۲
هسته‌های قدیمی با توسعه جدید	۳۸/۳	۲/۹	۷۶/۲	۲۳/۸
جدید	۳۸/۴	۲/۷	۸۲/۰	۱۸/۰
باسابقه تاریخی شهر	۳۶/۸	۲/۹	۷۸/۵	۲۱/۵
نیمه مرفه و مرفه	۳۹/۴	۲/۵	۸۱/۲	۱۸/۸

منبع: پردازش بر اساس سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سنندج (Statistical Center of Iran, 2011)
آمار و داده‌های مربوط به فعالیت، اشتغال و بیکاری سال ۱۳۹۵ در بلوک‌های آماری قابل دسترس نبوده است.

از نیروی شاغل در این سکونتگاه‌ها (به‌طور متوسط حدود ۳۲ درصد) را نیز کارگران ساده تشکیل داده اند. در مقابل در سکونتگاه‌های جدید، سکونتگاه‌های باسابقه تاریخی شهر و نیز مناطق نیمه‌مرفه و مرفه درصد قابل توجهی از جمعیت شاغل در گروه مقامات عالی‌رتبه، متخصصان، دستیاران، کارمندان و کارکنان خدماتی قرار داشته‌اند و از ۵۲/۸ تا ۶۶/۷ درصد کل اشتغال متغیر بوده است. این نتایج نکته دیگری را بازنمایی می‌کنند و آن این که در هسته‌های قدیمی و سکونتگاه‌های غیررسمی سنندج، بیشتر از نیمی از اشتغال نیروی کار به صورت خودکارفرمایی، مستقل و در قالب تعاونی و یا فامیلی بدون مزد است. اما در سه سکونتگاه دیگر نسبت قابل توجهی از اشتغال نیروی کار حقوق‌بگیر بخش خصوصی و به‌ویژه بخش عمومی است.

در جدول شماره ۷، جزئیات بیشتری از وضعیت اشتغال نیروی کار در سکونتگاه‌های مورد بررسی در سال ۱۳۹۰ آمده است. به طور خلاصه، نتایج مندرج در آن گویای یک وضعیت متفاوت و شاید بتوان گفت نابرابر در این زمینه است. اول از همه، در هسته‌های قدیمی و سکونتگاه‌های غیررسمی در مقایسه با دیگر سکونتگاه‌ها درصد قابل توجهی از نیروی کار در بخش صنعت شاغل هستند، حال آن که در سکونتگاه‌های جدید، باسابقه تاریخی و مرفه شهر، بخش عمده‌ای از نیروی کار در بخش خدمات اشتغال دارند. دوم، مطابق با اشتغال جمعیت در بخش‌های سه‌گانه اقتصاد، همچون نتیجه قبلی در هسته‌های قدیمی و سکونتگاه‌های غیررسمی نسبت اشتغال در گروه‌های عمده صنعتگران، رانندگان و پیشه‌وران قابل توجه و حدود ۴۰ درصد از اشتغال را به خود اختصاص داده اند. البته نسبت قابل توجهی

جدول شماره ۷: نسبت اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت و گروه‌های شغلی در سکونتگاه‌های شهر سنندج، سال ۱۳۹۰*

سکونتگاه‌ها	درصد اشتغال در بخش‌های فعالیت			درصد اشتغال در گروه‌های عمده شغلی		
	کشاورزی	صنعت	خدمات	مقامات عالی‌رتبه، کارمندان و کارکنان خدماتی	کارکنان کشاورزی، جنگلداری و ...	صنعتگران و کارکنان ساده
غیررسمی تثبیت شده	۷/۲	۳۳/۳	۵۹/۵	۲۳/۱	۷/۲	۳۷/۱
غیررسمی جدید	۶/۴	۲۸/۷	۶۴/۹	۲۰/۹	۶/۴	۴۰/۱
هسته‌های قدیمی با توسعه جدید	۵/۱	۴۱/۵	۵۳/۴	۲۴/۲	۵/۱	۴۰/۴
جدید	۵/۲	۲۲/۳	۷۲/۵	۵۲/۸	۵/۲	۲۵/۸
باسابقه تاریخی شهر	۴/۹	۲۳/۵	۷۱/۶	۵۲/۵	۴/۹	۲۵/۱
نیمه‌مرفه و مرفه	۴/۵	۱۹/۲	۷۶/۳	۶۶/۷	۴/۵	۲۱/۸

منبع: پردازش براساس سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سنندج (Statistical Center of Iran, 2011) آمار و داده‌های اشتغال به تفکیک بخش‌های فعالیت در سال ۱۳۹۵ در بلوک‌های آماری قابل دسترس نبوده است.

دارد؛ در حالی که درصد اشتغال به تحصیل در سکونتگاه‌های نسبتاً مرفه و مرفه، جدید و سکونتگاه‌های باسابقه تاریخی شهر حدود ۳۳ تا ۳۴ درصد است، این نسبت در هسته‌های قدیمی و سکونتگاه‌های غیررسمی بین ۲۶ تا ۲۹ درصد است. همچنین، در سال ۱۳۹۰ در حالی که نسبت دارندگان تحصیلات عالی در مناطق نیمه‌مرفه و مرفه ۷۷/۵ درصد و یا در سکونتگاه‌های باسابقه تاریخی شهر حدود ۵۰ درصد است، این نسبت در سکونتگاه‌های غیررسمی جدید ۱۳ و در سکونتگاه‌های غیررسمی تثبیت شده ۱۸/۲ درصد بوده است. به‌طور خلاصه، این نتایج هم تفاوت و وجود نابرابری در شاخص‌های تحصیلات به‌عنوان یکی از عناصر و مؤلفه‌های اصلی سرمایه فرهنگی ساکنان محله‌های مختلف شهر سنندج را نشان می‌دهند.

در نهایت، در جدول شماره ۸ برخی از شاخص‌های سواد و تحصیلات برای جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های شهر سنندج آمده است. طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ استان، نسبت باسوادی جمعیت شش ساله و بیشتر در کل استان ۸۱/۵ درصد و در شهرستان سنندج ۸۴/۹ درصد است (Statistical Yearbook of Kurdistan Province, 2018). مقایسه درصد باسوادی مندرج در جدول که مربوط به سال ۱۳۹۵ است، نشان می‌دهد که به‌طور کلی نرخ باسوادی جمعیت در سکونتگاه‌های سنندج بالاست؛ اگرچه تفاوت‌هایی جزئی نیز دارند. به‌عنوان مثال این نسبت در سکونتگاه‌های مرفه ۹۳/۲ و در هسته‌های قدیمی با توسعه جدید ۷۹/۲ درصد است. در دو شاخص بعدی، تفاوت‌های قابل توجهی میان سکونتگاه‌ها وجود

جدول شماره ۸: شاخص‌های سواد و تحصیلات در سکونتگاه‌های شهر سنندج، سال‌های ۹۵-۱۳۹۰

سکونتگاه‌ها	درصد باسوادی، سال ۱۳۹۵	درصد اشتغال به تحصیل، سال ۱۳۹۵	درصد تحصیلات عالی در جمعیت شش ساله و بیشتر، سال ۱۳۹۰*
غیررسمی تثبیت شده	۸۰/۸	۲۹/۰	۱۸/۲
غیررسمی جدید	۸۴/۵	۲۹/۴	۱۳/۰
هسته‌های قدیمی با توسعه جدید	۷۹/۲	۲۶/۳	۲۲/۴
جدید	۹۲/۰	۳۳/۵	۴۶/۵
باسابقه تاریخی شهر	۸۶/۴	۲۳/۸	۴۹/۷
نیمه‌مرفه و مرفه	۹۳/۲	۳۴/۰	۷۷/۵

منبع: پردازش براساس سرشماری نفوس و مسکن شهرستان سنندج (Statistical Center of Iran, 2016; 2011) آمار و داده‌های تحصیلات عالی در جمعیت شش ساله و بیشتر در بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۵ قابل دسترس نبوده است.

۵. نتیجه‌گیری

سنندج به دلایلی همچون اثرپذیری از روند توسعه نامتوازن کشور و استان کردستان، رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت‌های شتابان روستا-شهری، تمرکزگرایی در مهاجرت و رشد شتابان جمعیت شهری در بستر گذار جمعیتی، آن‌گونه که برخی نیز بازگو می‌کنند، از لحاظ ساختاری و فضایی، «در تصرف سکونتگاه‌های غیررسمی» قرار گرفته است (Eghbali & Rahimi, 2010). این ساختار افزون بر بازنمایی انبوهی، توزیع نامناسب فضایی، روند شهرنشینی بدون توسعه و فقر و محرومیت، بازنمای ویژگی‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی نیز هست. شناخت این ویژگی‌ها بسیار برجسته است زیرا آن‌طور که دستاوردهای بررسی نشان داده، جریان‌های جمعیتی در برخی از محله‌ها و سکونتگاه‌ها با قوت بیشتری فعال هستند و این پدیده ممکن است نابرابری‌های جدید بیافریند و بر فقر شهری بیفزاید. با شهری شدن روزافزون و متعاقباً، شکل‌گیری و گسترش نخست‌شهری - که سنندج نمونه بارز آن در استان کردستان است - و نیز مسائلی از قبیل برنامه‌ریزی، توسعه و رفاه، به داده‌های جمعیتی و تحلیل‌های جمعیتی بیشتری به‌ویژه در سطح محله‌های شهری نیاز است. این‌ها تنها به خاطر شناخت دقیق مکان و ساکنان آن است، بلکه به این خاطر نیز هست که بسیاری از نظریه‌های مبین شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی، اهمیت عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی را برای رشد سکونتگاه‌های غیررسمی می‌پذیرند. به‌عنوان مثال، مطابق با انگاره‌های نظریه وابستگی و تأکید آن بر ناتوانی و آسیب‌پذیری اقتصادی و یا نظریه نبود تعادل در عرضه و تقاضا (مثلاً در رابطه با جمعیت و مسکن)، یکی از برجسته‌ترین دشواری‌های مسکن، کمبود مسکن ارزان قیمت برای تهیدستان شهری است. این تهیدستان شهری بیشتر مهاجران روستا-شهری هستند که توانایی به دست آوردن زمین ارزان برای داشتن خانه را ندارند. این در حالی است که مسکن رسمی بسته به دستمزد، هم گران است و هم غیرقابل تحقق. بنابراین، بیشتر خانوارهای کم‌درآمد ناگزیر زیستگاه خود را در مناطق غیررسمی یافته‌اند. بدین‌سان، از آنجاکه برنامه‌ها و مقررات مسکن پاسخگوی نیاز مسکن ساکنان تهیدست شهری نیست، خانه‌های بدون استاندارد بایسته برای زندگی رشد می‌کنند. در دیگر موارد هم این‌گونه است؛ به سخن دیگر، آن بخش رانده‌شده جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در زمینه مسکن، از دیگر ابعاد جمعیتی همچون آموزش، تحصیلات، فعالیت و ... نیز به‌انزوا رانده می‌شوند و این‌گونه است که شهرنشینی بر چرخه‌ای باطل و مداری بدون توسعه می‌چرخد.

سنندج با جمعیتی نزدیک ۴۱۲ هزار نفر در سال ۱۳۹۵ به‌تنهایی حدود ۲۶ درصد از کل جمعیت استان کردستان را در خود جا داده است. در این شهر فرایندهای جمعیتی به‌شدت در جریان است و به دلایلی همچون رشد طبیعی و به‌ویژه مهاجرت و پیوست گستره‌های تازه به شهر، جمعیت روندی فزاینده دارد؛ به‌طوری‌که در فاصله پنج‌ساله ۹۵-۱۳۹۰ بیش از ۱۰ درصد افزایش نسبی را تجربه کرده و نیز، با آهنگ رشد ۲/۲ درصد در سال روبه‌رو است. این فرایندهای درجریان همراه با فرگشت تاریخی شهر، به گسترش جمعیتی، فضایی و کالبدی نامتوازن شهر و در نتیجه محله‌ها و مناطق مختلف شهر انجامیده است. بر پایه

دستاورد‌های این نوشتار و با رهنمود از پژوهش‌های پیشین، بخش فراوانی از محله‌های سنندج در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی (مناطق حاشیه، بدون استانداردهای بایسته برای زندگی متعارف شهری و فقیرنشین) قرار می‌گیرند که یا «تثبیت‌شده» هستند، یعنی در یک فرایند تاریخی و درگذر زمان شکل گرفته‌اند و یا به‌گونه خودرو «به‌تازگی» شکل گرفته و به شهر ملحق می‌شوند که روی هم‌رفته ۲۹/۵ درصد از همه جمعیت سنندج را دربر گرفته‌اند. برخی دیگر از محله‌ها در گویه‌ای با عنوان «هسته‌های قدیمی با توسعه جدید» قرار می‌گیرند که بسیاری از ویژگی‌های سکونتگاه‌های سنخ نخست و دوم را دارند و ۱۱/۴ درصد از کل جمعیت سنندج را تشکیل می‌دهند. گونه‌ای دیگر از سکونتگاه‌ها، «هسته‌های باسابقه تاریخی شهر» هستند که گرچه از دید فضایی از مناطق حاشیه و نواحی منفصل شهر به‌شمار نمی‌روند، اما با توجه به وجود بافت‌های فرسوده، تراکم شدید جمعیت، نبود استانداردهای مسکونی و نبود معیارها و زیرساخت‌های متعارف و بایسته شهری نوین در بیشتر بخش‌ها، می‌توان آنها را آمیزه‌ای از سکونتگاه‌های تاریخی، قدیمی با توسعه جدید و حتی دارای ویژگی‌های محله‌های غیررسمی انگاشت که روی هم‌رفته ۲۶/۹ درصد از جمعیت شهر را دربر گرفته‌اند. با این شرایط می‌توان در مجموع بیش از ۵۰ درصد جمعیت سنندج را ساکن در محله‌های حاشیه، سکونتگاه‌های غیررسمی، بافت‌های فرسوده و نابسامان و بدون معیارهای درخور برای زندگی شهری دانست. در کنار اینها، از دو سنخ دیگر از محله‌ها در سنندج می‌توان سخن گفت که همواره در سلسله مراتب نظام زندگی شهری، از جایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر از متوسط برخوردار بوده و دارای معیارها و زیرساخت‌های مناسب شهری هستند. این محله‌ها با مقوله «سکونتگاه‌های نیمه‌مرفه و مرفه» نام گرفته و همراه با بخشی از جمعیت ساکن در محله‌های باسابقه تاریخی شهر، حدود ۲۷/۸ درصد از جمعیت را در خود جا داده‌اند و یا می‌توان از محله‌هایی سخن گفت که در جایگاه متوسط اجتماعی-اقتصادی شهری قرار می‌گیرند و عمدتاً به لحاظ تازگی در معماری شهری و ساخت‌وسازهای نو در آنها در مقوله «سکونتگاه‌های جدید» قرار می‌گیرند و حدود ۲۲ درصد از کل جمعیت را دربر گرفته‌اند.

با اذعان به این که از یک طرف، انسان محور توسعه است و برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی به‌ویژه در دنیای شهری شده امروز مستلزم شناخت ویژگی‌های جمعیتی جامعه است و از طرف دیگر، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در نتیجه تغییرات جمعیتی همچون رشد طبیعی، مهاجرت‌های روستا-شهری و شهرنشینی شتابان دربردارنده مشکلات و مسائلی است که پایداری شهرها را تهدید می‌کند. در این مطالعه علاوه بر سنخ‌شناسی سکونتگاه‌های شهر سنندج، ویژگی‌ها و شاخص‌های حجم، ترکیب، توزیع و ساختار جمعیتی آنها به صورت مقایسه‌ای مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. مطالعه حاضر وجود ویژگی‌ها و شاخص‌های جمعیتی ناهمسان در سکونتگاه‌های شهر سنندج را نمایان ساخته و اگرچه نمی‌توان از الگویی مشخص یا ثابت در زمینه فرایندهای جمعیتی بر حسب مناطق سخن گفت، اما به‌طور کلی برخی از سکونتگاه‌ها با داشتن مشخصه‌هایی ضعیف‌تر در زمینه سکونت و واحدهای مسکونی، فعالیت و اشتغال و تحصیلات هم از ظرفیت آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند و هم

و دیگر بررسی‌ها رشد چشمگیر جمعیت و افزایش سهم سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه و کاهش سهم جمعیت بافت‌های مرکزی و تاریخی از کل جمعیت شهر را نشان می‌دهد. از این رو باید گفت که روند افزایش جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی برای آینده سندج دست‌کم از دید محیطی، کالبدی و استقرار هیچ فراخور نیست، زیرا این چالش در صورت ادامه به‌راحتی معادلات جمعیتی شهر را بر هم می‌زند. همچنین در صورت ادامه نرخ رشد فعلی، در ۱۰ سال آینده جمعیت سکونتگاه‌های رسمی و معمول شهر سندج کاهش و جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی تازه و نیز سکونتگاه‌های جدیدتر به شدت افزایش می‌یابد.

بنابراین، برای جلوگیری از افزایش شتابان جمعیت در این سکونتگاه‌ها و پیشگیری از پدیدار شدن پُرسمان‌های پیچیده‌تر شهری، نیازمند سیاست‌های توسعه پایدار همزمان شهر و منطقه هستیم. همچنین، با توجه به انگیزه و درون‌مایه بررسی، راهبرد سیاستی مقاله آن است که در تدوین و پیشبرد یک رویکرد فراگیر برای برنامه‌ریزی و مدیریت مبتنی بر بهسازی و بازآفرینی این سکونتگاه‌ها، توجه بیشتر به ویژگی‌های جمعیتی همچون ترکیب سنی و جنسی، توزیع مکانی و تراکم، همچنین تحولات و ابعاد جمعیتی آنها (مهاجرت، باروری و مرگ‌ومیر) در توسعه شهری بایسته و بنیادی است. روشن است که در مطالعات بعدی توجه به روند و با گستره زمانی بیشتر بر اساس ویژگی‌های فرهنگی ضروری است که مستلزم وجود داده‌ها و اطلاعات جمعیتی مبتنی بر مکان و با رویکرد محله‌محور است.

قدردانی

نگارندگان از معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان به دلیل در اختیار نهادن اطلاعات موجود مرتبط با سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهر سندج به تفکیک محله‌های شهر قدردانی می‌کنند.

می‌توانند زمینه‌ساز بروز مسائل شهری و در واقع پاشنه آشیلی برای مدیریت شهری باشند. طبق نتایج، بخش عظیمی از تحولات جمعیتی شهر سندج شامل حجم، آهنگ رشد جمعیت و مهاجرت‌پذیری در سکونتگاه‌های غیررسمی به‌ویژه از سنخ جدید آن صورت می‌گیرد. البته مناطق جدید و مرفه‌نشین نیز به نوعی از قطب‌های جاذب جمعیت محسوب می‌شوند. همچنین، سکونتگاه‌های غیررسمی از نظر ساختار سنی جوان‌ترند، دارای خانوارهای پُرجمعیت‌تر، با واحدهای مسکونی دارای متراژ پایین‌تر و تراکم بالاتر نفر در اتاق و نیز نسبت بالاتر واحدهای بی‌دوام مسکونی هستند که همگی قرار داشتن این بخش از جمعیت شهر در فقر و ناتوانی اقتصادی و به زبان دیگر، مغفول ماندن آنان در بهره‌مندی از چرخه بسامان حیات اقتصادی و اجتماعی زندگی شهری را نشان می‌دهند. یکی از شواهد این مدعا آن است که این سکونتگاه‌ها به علت ساختار جوان‌تر خود از نرخ مشارکت اقتصادی بالاتر، اشتغال بالاتر و در نتیجه بیکاری پایین‌تری به نسبت دیگر سکونتگاه‌ها برخوردارند، اما واقعیت آن است که نیروی کار این مناطق به واسطه ضعف سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، نه تنها در لایه‌های بالای مدیریتی و نیز مدیریت امور زندگی محله‌های خود مشارکتی ندارند، بلکه بیشتر در مشاغل کارگری، موقت و غیررسمی مانند دستفروشی و سایر مشاغل فاقد چشم‌انداز مطمئن به صورت خودکارفرمایی، مستقل و یا فامیلی بدون مزد فعالیت می‌کنند. دیگر آن که، اگرچه اطلاعاتی در این خصوص ارائه نشده است، اما به نظر می‌رسد میزان ترک تحصیل در بین ساکنان این مناطق بیشتر و امکان ادامه تحصیلات در مقاطع عالی برای آنها کمتر فراهم باشد. به عنوان مثال، طبق نتایج در حالی که نسبت دارندگان تحصیلات عالی در سکونتگاه‌های مرفه ۷۷/۵ درصد بوده است، این نسبت در سکونتگاه‌های غیررسمی به‌سختی به ۱۸ درصد می‌رسد. البته این را هم باید یادآور شد که مسائل جمعیتی مبتلابه سکونتگاه‌های شهر سندج تنها ویژه محله‌های غیررسمی نیست و همان‌طور که گفته شد، الگویی ناهمسان از مسائل در همه آنها دیده می‌شود. به عنوان مثال، محله‌های واقع در هسته‌های قدیمی و سکونتگاه‌های با سابقه تاریخی شهر برعکس سکونتگاه‌های غیررسمی، با تراکم و فشردگی فضایی (نسبی) بیشتری مواجهند، دارای رشد جمعیتی منفی هستند، ساختار سنی آنها سالخورده‌تر و احتمالاً با سالخوردگی بیشتر برای زنان مواجهند و نیز به علت بالا بودن نرخ بیکاری و گاهی ساختار سالخورده‌تر جمعیت در آنها، بار اقتصادی نیز بالاتر است.

در پایان با اشاره به پیچیدگی و گوناگونی مسائل جمعیتی محله‌ها و سکونتگاه‌های سندج، بایستی یک نکته مهم دیگر را مورد توجه قرار داد و آن این که در معادلات جمعیتی، توجه تنها به اندازه جمعیت کافی نیست، چه بسا موضوع برجسته‌تر، توجه به آهنگ رشد جمعیت است. با توجه به آهنگ رشد جمعیت سکونتگاه‌های سندج (جدول شماره ۲)، به نظر می‌رسد همزمان با گسترش برخی سکونتگاه‌ها، در آینده سکونتگاه‌های غیررسمی (از گونه غیرمجاز، غیرقانونی و زورآبادها) در ابعادی کم‌وبیش وسیع گسترش یابند. یک برآورد ساده بر پایه پیش‌بینی ریاضی جمعیت نشان می‌دهد که در صورت ادامه آهنگ رشد کنونی سکونتگاه‌های غیررسمی جدید، سهم آنها از ۱۴ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۵۱ درصد در سال ۱۴۰۵ خواهد رسید. بنابراین، این برآورد

References:

- Arriaga, E. E. (1999). *Ravesh-ha-ye Tahlil-e Jamiaat* [Population analysis with microcomputers]. (Translated by Farogh Amin Mozafari). Tabriz: Ahrar. [in Persian]
- Chen, N., Valente, P., & Zlotnik, H. (1998). What do we know about recent trends in urbanization, in Richard E. Bilborrow (ed.), *Migration, Urbanization, and Development: New Directions and Issues*, pp. 110-147, Netherlands: Springer.
- De Soto, H. (1989). *The other path: The invisible revolution in the Third World*, New York: HarperCollins.
- De Vries, J. (1990). Problems in the measurement, description, and analysis of historical urbanization, in A. van der Woude, A. Hayami, J. De Vries (eds.), *Urbanization in History: A Process of Dynamic Interactions*, pp. 43-60, Oxford: Clarendon Press.
- Divyani, K. (2011). An ontology of slum for image-based classification, *Computers, Environment and Urban Systems*, 36(2): 154-163.
- Dyson, T. (2019). *Jamiaat va Tawse-e (Gozar-e Jamiaat-shenakhti)* [Population and Development (Demographic transition)]. (Translated by Tavakol Aghayari-Hir and Sajad Mesgarzadeh). Tabriz: University of Tabriz. [in Persian]
- Eghbali, N., & Rahimi, M. (2010). Sakhtar-e shahri-e Sanandaj dar tasarf-e sokonatgah-ha-ye ghair-e rasmi [Urban structure of Sanandaj in the occupation of informal settlements]. *Joghrafia-ye Ensani*, 2(4), 57-72. [in Persian]
- Hataminejad, H., & Hosseinoghli, J. (2009). Barresi-e tatbighi-e barkhi shakhs-ha dar sokonatgah-ha-ye ghair-e rasmi atraf-e kalanshahr-e Tehran (Motale-a-ye moredi-e: Hesar Amir va Shahrak-e Enghelab) [Comparative study of social, economic and cultural indices in informal settlements around Tehran metropolitan (Case study: Hesar Amir and Shahrak-e Enghelab)]. *Tahghihat-e Karbordi-e Olom-e Joghrafiye*, 9(12), 7-29. [in Persian]
- Irandoost, K. (2012). Faghr, sokonatgah-ha-ye ghair-e rasmi va amniyat-e shahri [Poverty, informal settlements and urban security]. *Rahname-ye Siasatgozari-e Siasi, Defae va Amniati*, 3(1), 159-182. [in Persian]
- Irandoost, K. (2009). *Sokonatgah-ha-ye ghair-e Rasmi va Ostora-ye Hashyeh-neshini* [Informal settlements and the myth of marginality]. Tehran: Sherkat-e Pardazesh va Barnamerizi-ye Shahri. [in Persian]
- Irandoost, K., Alizadeh, H., Khosravianian, L., & Tavalae, R. (2013). *Goone-shenasi-e sokonatgah-ha-ye ghair-e rasmi dar shahr-ha-ye Iran, motale-a-ye tatbighi-ye shahr-ha-ye Sanandaj va Kermanshah* [Typology of informal settlements in Iranian cities, comparative study of Sanandaj and Kermanshah]. *Name-ye Memari va Shahr-sazi*, 5(10), 91-104. [in Persian]
- Ishtiyag, M., & Kumar, S. (2011). Typology of informal settlements and distribution of slums in the NCT, Delhi. *Journal of Contemporary India Studies: Space and Society*, 1(21): 37-46.
- Keyfitz, N. (1980). Do cities grow by natural growth or by migration? *Geographical Analysis*, 12(2): 143-156.
- Khani, S. (2012). *Barresi-e tahavolat-e shahr-neshini dar Iran; Gozashte, hal va aiande* [A study of urban changes in Iran; Past, present and future]. *Gozaresh-e Chap-nashode Dars-e Pooyae-e Jamiat, Dora-ye Doctoray-e Jamiat-shenasi*, Tehran, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. [in Persian]
- Mirzaei, M. (2002). *Goftari dar bab-e Jamiaat-shenasi-e Karbordi* [A discourse on applied demography]. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Montgomery, M. R., Stren, R., Cohen, B., & Reed, H. E. (2019). *Shahr-ha-ye Taghir-e Shekl-yafteh; Taghirat-e Jamiaati va Taserart-e an bar Keshvar-ha-ye dar Hal-e Tawse-e* [Cities transformed: Demographic change and its implications in the Developing World]. (Translated by Esmael Nasiri Hende Khaleh and Fazlollah Esmaeeli). Tehran: Jame-e-shenasan. [in Persian]
- Morovati, N. (2012). *Barresi-e avamel-e moaser bar shekl-giri-e sokonatgah-ha-ye ghair-e-rasmi-e shahr-e Sanandaj (Mawred-e motale-e: Mahale-e Abas Abad-e Sanandaj)* [Investigating the effective factors on the formation of informal settlements in Sanandaj (Case study: Abbasabad district of Sanandaj)]. *Entezam-e-Ejtemaee*, 4(2), 119-144. [in Persian]
- Naghdi, A. (2004). *Tahavolat-e shahr-o-shahr-neshini dar Iran* [Urban and urbanization changes in Iran]. The first conference of the Population Association of Iran, recent and future developments of the Iran population, Tehran, Iran, Asia-Pacific Population Studies and Research Center: 321-339. [in Persian]
- Nangia, S., & Thorat, S. (2000). *Slum in a metropolis: The living environment*, Delhi: Shipra Publications.
- Perlman, J. E. (2010). *Favela: Four decades of living*

- on the edge in Rio de Janeiro, New York: Oxford University Press.
- Perlman, J. E. (1976). The myth of marginality: Urban poverty and politics in Rio de Janeiro, Berkley, CA: University of California Press.
 - Piran, P. (2002). Poverty alleviation in Sistan & Baluchestan: The case of Shirabad, United Nations Development Programme- Iran Technical Series, 3.
 - Piran, P. (1994). Aloonak-neshini dar Iran: Didgah-haye nazari, ba negahi be sharayet-e Iran [Shed in Iran: Theoretical perspectives, with a look at the situation in Iran]. *Majala-ye Etelaat-e Siasi-Eghtesadi*, 9(3 & 4), 96-101. [in Persian]
 - Population Reference Bureau (2010). World population data sheet, Washington, DC, 2009 USA. Retrieved from www.prb.org.
 - Potter, R. B., & Liloyd-Evans, S. (2005). *Shahr dar Jahan-e dar Hal-e Tawse-eh* [The city in the Developing World]. (Translated by Kaiomars Irandoost, Mitra Ahmadi & Mahdi Dehghan Menshadi). Tehran: Sazman-e Shahrdari-ha va Dehiari-ha-ye Keshvar. [in Persian]
 - Pumain, D. (2006). The urbanization presses, in *Demography: Analysis and synthesis: A treatise in population studies*, Graziella Caselli, Jacques Vallin, and Guillaume Wunsch; with Contributions by Daniel Courgeau, et al., Volume 2, London: Academic Press.
 - Sam Aram, E., & Ebrahim Najafabadi, A. (2014). *Jamiaat va Refah-e Ejtemaei* [Population and social welfare]. Tehran: Nashr-e Elm. [in Persian]
 - Sharma, S. (1998). Management of urban water services in Delhi: A conceptual framework and applications, an unpublished thesis for master (honors) programme at the graduate school of environment, Macquarie University. Sydney.
 - Statistical Center of Iran (1956-2016). *Natayej-e sarshomari-e omomi-e nofos va maskan-e ostan-e Kurdistan* [The results of the general census of population and housing, years 1956, 1966, 1976, 1986, 1996, 2006, 2011, 2016 in Kurdistan province]. Retrieved from <https://www.amar.org.ir>. [in Persian]
 - Statistical Yearbook of Kurdistan Province (2018). *Fasl-e sarzamin va ab-o-hava va amoozesh* [Chapter land/climate and education]. Retrieved from <https://kurdistan.mporg.ir>. [in Persian]
 - Saraei, H. (2009). *Ravesh-ha-ye Moghadamati-e Tahlil-e Tawzi va Tarkib-e Jamiaat ba Takid bar Tarkib-e Seni-e Jamiaat* [Preliminary methods of population distribution and composition analysis with emphasis on population age composition]. Tehran: Allameh Tabataba'i University. [in Persian]
 - Sarafi, M. (2003). *Baznegari-e vijhegi-ha-ye eskan-e khodangikhte dar Iran: Dar jostojo-ye rahkar-ha-ye tavanmand-sazi* [Review of the characteristics of spontaneous housing in Iran: In search of empowerment solutions]. *Marginalization and Informal Settlement Conference*, Tehran, Iran, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences: 261-272. [in Persian]
 - United Nations (2000). *World urbanization prospects: The 1999 revision*, Department of International Economic and Social Affairs, New York: United Nations.
 - UN-HABITAT (2003). *The challenge of slums -Global report on human settlements 2003*, UN-HABITAT for a Better Urban Future.
 - Zebardast, E. (2006). Marginalization of the urban poor and the expansion of the spontaneous settlements on the Tehran metropolitan fringe. *Cities*, 23(6): 439-454.

نحوه ارجاع به مقاله:

خانی، سعید؛ ایراندوست، کیومرث؛ کمالی، علیرضا؛ (۱۴۰۰) تحلیل تطبیقی ویژگی‌های جمعیتی در سکونت‌گاه‌های رسمی و غیررسمی شهر سنندج، *مطالعات شهری*، ۱۰ (۴۰)، ۱۰۵-۱۱۸. doi: 10.34785/J011.2022.210/Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



ارزیابی کالبد سکونتگاه‌های خودانگیخته در پیوند با ساختار زندگی ساکنین نمونه مورد مطالعه: سکونتگاه‌های پهنه شمالی شهر تبریز

مریم سلیمانی - دانش‌آموخته دکترا معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
مینو قره‌بگلو^۱ - استاد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۳ آبان ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۳۰ بهمن ۱۳۹۹

چکیده

یکی از عوامل تعیین کننده در سکونتگاه‌های خودانگیخته مناطق حاشیه نشین، الگوهای رفتاری در جریان زندگی ساکنین و فعالیت‌های روزمره وابسته به آن است که بر شکل سکونت تأثیرگذار خواهد بود. هدف پژوهش حاضر واکاوی و شناسایی الگوی کالبدی سکونتگاه‌های خودانگیخته و راهبردهای بر ساخت آن در پیوند با شیوه زندگی ساکنین مناطق حاشیه نشین پهنه شمالی شهر تبریز است. رویکرد مدنظر این پژوهش کیفی بوده و با روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است. در این پژوهش برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند با بیشترین تنوع و برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته، مشاهده و برداشت‌های پلانی استفاده شده است. در نمونه پژوهش، ۴۰ نفر از ساکنین این مناطق مشارکت داشته‌اند و تعداد ۳۰ نمونه از خانه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساماندهی فضاها و الگوی کالبدی سکونتگاه‌های خودانگیخته در رابطه با سه ساختار مشروع، معنا و سلطه بیشتر تابع ساختارهای مشروع و معنایی بوده است. در این روند ویژگی‌های زندگی ساکنین و سیستم شکل‌گیری کالبدی محیط در رابطه با این ساختارها بر مولفه‌های محیطی چون حضورپذیری کودکان و ایجاد قرارگاه اجتماعی در محله، انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری کالبد، بسط‌پذیری کالبدی در سکونت گسترده (اشاره به همزیستی نسل‌ها)، ادغام‌پذیری فضای زیستی و کار، افزایش زیست‌پذیری فضای باز و توجه به حریمیت و ارزش‌های مذهبی (حجاب، مراسمات و ...) اشاره داشته‌اند. این مقولات از جمله موارد ضروری است که می‌بایست در طراحی و بهسازی مناطق حاشیه‌نشین بدان اهتمام داشت تا بتوان کالبد را در همسویی با شکل زندگی ساکنین قرار داد؛ فرایندی که منجر به پایداری و انس با مکان نیز خواهد شد.

واژگان کلیدی: سکونتگاه خودانگیخته، ساختار زندگی اجتماعی، الگوی کالبدی، تبریز.

نکات برجسته

- سکونت سکونتگاه‌های غیررسمی در شمال تبریز متاثر از ساختارها و دلالت‌های مشروع منطقه است.
- حاشیه‌نشینان در زندگی اجتماعی خود توجه چندانی به قوانین وضع شده توسط برنامه‌ریزان بالادستی ندارند.
- ساکنان حاشیه‌نشین ساختارهای سلطه را در راستای ساختارهای مشروع و ضمنی خود بازتولید می‌کنند تا سکونت آنها با ارزش‌ها و مفاهیم محلی مطابقت داشته باشد.

۱. مقدمه

توجه به الگوی رفتاری در جریان زندگی و تأثیرگذاری آن در شکل‌گیری کالبد معماری، مباحثی هستند که اندیشمندان مختلف در حوزه‌هایی چون فرهنگ و معماری (Hayward, 1975) و روان‌شناسی محیط (Canter, 1971; Gifford, 2007)، بدان پرداخته‌اند. در این مطالعات، راپاپورت در حوزه فرهنگ و معماری، احراز حس مکان را بر مبنای رابطه‌ی میان مسکن و هویت ساکنین تعریف می‌کند و عقیده دارد نظم فضایی، بیانگر ساحتی از نظم اجتماعی- فرهنگی است که باعث تعادل و سازگاری با محیط می‌شود (Rapaport, 2005, p. 12). شرایطی که در آن مجموعه ارزش‌ها و معانی رفتارهای انسان در غالب فرهنگ خانه و احراز سنت‌ها اهمیت می‌یابد (Ilka, et al., 2015). روندی که در ساخت سکونتگاه‌های خودانگیخته مناطق حاشیه‌نشین نیز ملاک عمل قرار می‌گیرد و در آن خصوصیات مکان بیش از آن که در رابطه با ویژگی‌های کالبدی شکل بگیرد، در رابطه با سازوکار فعالیتی ساکنین در جهت جریان زندگی و الگوهای رفتاری، معین می‌شود. در این رابطه، پیران عقیده دارد، حاشیه‌نشینی راه‌حل خودجوشی به وسیله ساکنین است که توانسته عاقلانه معضل مسکن و سکونت را بدون امید به دیگری و به‌ویژه نهادهای رسمی و با اتکا به فرهنگ درون محلی حل کند (Piran, 1997). این در حالی است که بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها به منظور بهسازی این مناطق، پارامترهای فرهنگی، اجتماعی و در نهایت شیوه زندگی ساکنین را نادیده گرفته و سعی در تحمیل برنامه‌های نوسازی با رویکردی از بالا به پایین داشته‌اند (Barati, Kakavand, 2013). در این رابطه اگرچه پژوهش‌های مختلفی سکونتگاه‌های غیررسمی را در ابعاد مختلف چون امنیت اجتماعی (Sarvestani, Zivari, Hadipour, 2015; ShariatiManesh, 1997; Javaheripour, 2003)، جامعه‌شناختی (Rezaei, et al., 2015)، آسیب‌شناسی (Ebrahimzadeh, Seidi, 2012; Hadizadeh Bazaz, 2003) و تحلیل‌های سیاست مسکن (Gharkhlou, et al., 2012; Mohammadzadeh, Bakhshudeh, 2012; Bradaran, et al., 2017) مورد مطالعه قرار داده‌اند، اما سئوال‌ات اساسی‌تری پیرامون لایه‌های پنهان سکونتی این ساکنین در جریان ساختارهای واقع در زندگی‌شان وجود دارد که کمتر بدان پرداخته شده و بیشتر سیاست‌های تحلیلی مسکن بدون توجه به شیوه زندگی ساکنین، مورد توجه بوده‌اند؛ بنابراین لزوم توجه به این موضوع ضرورت می‌یابد. ارزیابی بسیاری از طرح‌های توسعه نشان داده‌اند که اثرگذاری این طرح‌ها به دلیل عدم همسویی با جریان زندگی ساکنین، توفیق چندانی در بهبود محیط سکونتی آنها ایجاد نکرده و اغلب ساکنین خواستار بازگشت به مکان قبلی بوده‌اند (Annabestani, Akbari, 2012). از این رو با توجه به نقش خرده فرهنگ‌ها در جریان زندگی اجتماعات محلی در حفظ پایداری و توسعه محله‌ای، مهمترین چیزی که در برنامه‌ریزی توانمندسازی منطقه‌ای در اولویت قرار می‌گیرد، به کارگیری ساختارهایی نظام‌مند برای همسویی با جریان زندگی ساکنین است. در این رابطه از آنجا که ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی اغلب سکونتی خودمختار دارند و توسعه این سکونتگاه‌ها همواره تابعی از فرایند ارگانیک درون‌زا مانند ارزش‌های درون محلی، مذهب، فرهنگ، نژاد و... است (Sheykhi, 2002)، لازم است فرایند شکل‌گیری خودانگیخته کالبد این سکونتگاه

ها را برای بهسازی این مناطق در رابطه با ساختار زندگی ساکنین مورد ارزیابی و پیگیری قرار داد. از همین رو این پژوهش قصد دارد، الگوی کالبدی سکونتگاه‌های خودانگیخته مناطق حاشیه‌نشین تبریز را بر مبنای الگوی رفتاری ساکنین در جریان زندگی آنها واکاوی نماید؛ تا از این طریق بتواند مبنایی برای طراحی بومی و توانمندسازی این مناطق همسو با شکل زندگی ساکنین ارائه دهد. توجه به معماری سکونتگاه‌های غیررسمی در پیوند با ساختار زندگی ساکنین می‌تواند موجب برآورد نیازهای واقعی آنها در ساماندهی سکونتگاه و افزایش سطح رضایت‌مندی باشد. در این راستا پرسش‌های محوری بر چگونگی شکل‌گیری کالبد خانه‌ها و سیر ارزشگذاری فضاها در پیوند با الگوهای شاخص رفتاری در جریان ساختار زندگی ساکنین مناطق حاشیه‌نشین تبریز استوار است.

۲. چارچوب نظری

مطابق با مطالعات شکل زندگی و ابعاد فرهنگی حاکم بر آن که می‌تواند بر حس مکان تأثیرگذار باشد (Rapaport, 1988)، ازجمله مسائل مهمی است که در مناطق حاشیه‌نشین از اهمیت بسزایی برخوردار است و می‌تواند در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در این روند مطالعات مختلف (Rafiyani, 2003; Zanganeh, et al., 2014) نشان می‌دهند، حس تعلق مکانی با توجه به ساختار درون محلی زندگی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی می‌تواند با امنیت روانی در احراز هویت، سرمایه اجتماعی و فرهنگی ساکنین پیوند یابد. در این رابطه توانمندسازی ساکنین در شرایط مختلف سکونتی، از جمله عواملی بوده است که پژوهشگرانی چون ایراندوست (Irandoost, 2007) بدان اشاره کرده‌اند و آن را اقدامی به منظور تقویت استقلال و خودتعیین‌گری ساکنین حاشیه‌نشین برای احراز هویت دانسته‌اند. بحث احراز هویت ساکنین در سکونت و در نتیجه دستیابی به امنیت روانی از جمله مقوله‌های مهمی بوده است که بسیاری از پژوهشگران (Fernandes, 2010; Kiddle, 2004; Winayantia and Lang, 2001) بدان اشاره کرده‌اند و آن را جزو عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های غیررسمی دانسته‌اند. ازجمله مزایای بهسازی و توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین، حفظ ساختار اجتماعی- فرهنگی ساکنین و کاهش پیامدهای منفی ناشی از تخریب و اسکان مجدد این مناطق است (Irandoost, 2007). در این مسیر، یکی از پیشروترین مطالعات در این زمینه، پژوهش افرادی چون آبرامز و ترنز^۱ است که در آن بر مشارکت ساکنین و خودمختاری آنها در فرایند بهسازی و توانمندسازی مناطق تأکید می‌کنند. تأکید بر سرمایه اجتماعی و فرهنگی که در جریان آموزش‌های رسمی و خانوادگی در فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد، زمینه افزایش روح جمعی در ساکنان آن مکان را فراهم می‌کند (P. Bourdieu 1986). در این رابطه اساس پیوندهای اجتماعی و گسترده‌ی شبکه‌ی اجتماعی دربرگیرنده پیوندهای ذهنی مثبت بین افراد است که ناشی از اعتماد اجتماعی در تعاملات روزمره در بین ساکنین حاشیه‌نشین است (Payton 2003). در این راستا، مطالعات شیخی و همکاران نشان می‌دهند که عمدتاً افراد ساکن در این

1 Abramz

2 Termer

می‌شود و عقیده دارد «دانش» به درک بازیگران از خود و قوانینی که دنبال می‌کنند، اشاره دارد و عمل مطابق با آن تنظیم می‌شود (ibid). در این تعریف، «آگاهی عملی» سطحی از دانش است که در عمل مؤثر است و با فعالیت‌های روزمره پیوند دارد، «آگاهی استدلالی» مربوط به عقلانی سازی کنش فردی است که اشاره به دلایل و چرایی عمل دارد و «سطح ناخودآگاهی»، مربوط به انگیزه‌های ناخودآگاهی در باورهای فرد است که بر بخشی از انگیزشی کنش‌گر تأثیر می‌گذارد. از این منظر گیدنز، این سطوح دانش را منشأ ظهور ساختارهای مختلف می‌داند و عقیده دارد، جنبه‌های ساختاری متناظر با سه سطح از آگاهی انسان، در سه نوع ساختار دلالتی (معنایی)^۲ ساختار سلطه^۳ و ساختار مشروع^۴ قابل دسته‌بندی هستند (Giddens, 1989). در این دسته بندی، «ساختار دلالتی و معنا» مجموعه‌ای از مقررات درون سازمانی را شامل می‌شود که در برگزیده نظم‌های نمادین و دلالت‌های مختلف ارزشی در نیت‌ها و باورهای عاملان اجتماعی است. «ساختار سلطه» تداوم ساختارهایی است که از سوی صاحبان قدرت برای تأثیرگذاری در روند تکامل نظام‌های اجتماعی در کنترل منابع ایجاد می‌شوند و در برگزیده دو نوع منابع تخصیصی و آمرانه هستند؛ منابع تخصیصی شامل ویژگی‌های مادی محیط، وسایل و امکانات تولید و باز تولید کالاهای تولید شده و موجود است؛ منابع آمرانه شامل سازماندهی زمان-فضای اجتماعی (ساخت زمانی فضایی مسیرها و مناطق)، تولید و بازتولید بدن (سازماندهی و رابطه انسان‌ها در پیوند متقابل) و سازماندهی فرصت‌های زندگی برای رشد خود و ابزار وجود است (Giddens, 2018, p. 274). «ساختارهای مشروع» مربوط به نهادهای قانونی و هنجارهای درون محلی مشترک و ایده‌آلی هستند که دارای یک جنبه هنجارگونه شامل قوانین و یک جنبه اخلاقی شامل تعهد به پیروی از قوانین است (Macintosh and Scapens 1991, Giddens 1984).

در این راستا، علامه طباطبایی نیز در نظریه اعتباریات خویش که تا حدودی با تئوری ساخت‌یابی گیدنز همپوشانی داشته است، بر وجه اراده و اعتباریات وابسته به آن در سطح زندگی اجتماعی و فردی تأکید می‌کند و عقیده دارد مفاهیم اعتباری، برآمده از عقل عملی است که در رابطه با حوزه زندگی اجتماعی و نیازهای فردی - جمعی معنی می‌یابند. در این بحث، انسان متأثر از دو بعد طبیعت و فطرت خویش، واجد ادراکات عملی مربوط به امور طبیعتی و غیر ذاتی و ادراکات حقیقی مربوط به امور فطری و ذاتی است (Tabatabai, 1988). این ادراکات که از حیث ماهیت می‌تواند ثابت و متغیر باشد، به‌عنوان محرکی برای تحقق خواسته‌های عقل عملی در راه زندگی بهتر فردی و اجتماعی است و نفس عاقله آنها را در قالب گزاره‌هایی از باید و نباید وضع و اعتبار می‌کند. در این رابطه ساختارها مطابق با ادراکات انسان در دامنه‌ای از اعتباریات با معنی‌الاعام در رابطه با سرشت ذاتی و فطری تا اعتباریات با معنی‌الخاص در رابطه با وجه عملی و زیستی انسان و فعالیت قوای فعاله انسان قرار می‌گیرند (Ibid). در این تعبیر، اعتباریات خاص به دلیل مختص بودن به افراد و اشخاص انسانی تابع سلیق و ترجیحات فردی هستند و از همین رو با ویژگی‌های محیطی و احوالات

سکونتگاه‌ها از نظر قومیت زبان، پایگاه اجتماعی همخوانی دارند و از این نظر به دلیل وجود سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بین آنان، حس تعلق مکانی نیز در این مناطق بیشتر است (Sheykhi, et al., 2015). در واقع حس تعلق مکانی در سکونتگاه غیررسمی بیش از آن که منتج از عناصر فیزیکی و کالبدی باشد، در رابطه با هسته خانوادگی و احساس تعلق به دایره اجتماعات محلی تعریف شده و ساختار درون محلی در شکل زندگی ساکنین و همگرایی اجتماعی در سطح همسایگی یک عامل قوی در افزایش حس تعلق به مکان به شمار می‌رود (Shamai, et al. 2012; Manzo, Perkins 2006). در این راستا همزمان با گسترش مطالعات پیرامون فرهنگ حاشیه‌نشینی و اعتباربخشی به ساختار اجتماعات محلی، برخی پژوهش‌های زمینه‌ای ضرورت یافت که از میان آنها می‌توان به پژوهش‌های یانگ و ویلموت، گنز و ساتلز اشاره کرد. این پژوهش‌ها با تمرکز بر فرهنگ حاشیه‌نشینی، نشان دادند که حاشیه‌نشینان چارچوبی از شیوه زندگی تعریف می‌کنند که معیارهای ارزش‌دهی آن برای خودشان تعریف شده است و همواره سعی می‌کنند با انسجام اجتماعی و امنیت درون محلی از آن محافظت کنند (Young, Willmott, 1957; Gans, 1962; Suttles, 1974).

۲.۱. ساخت‌یابی زندگی

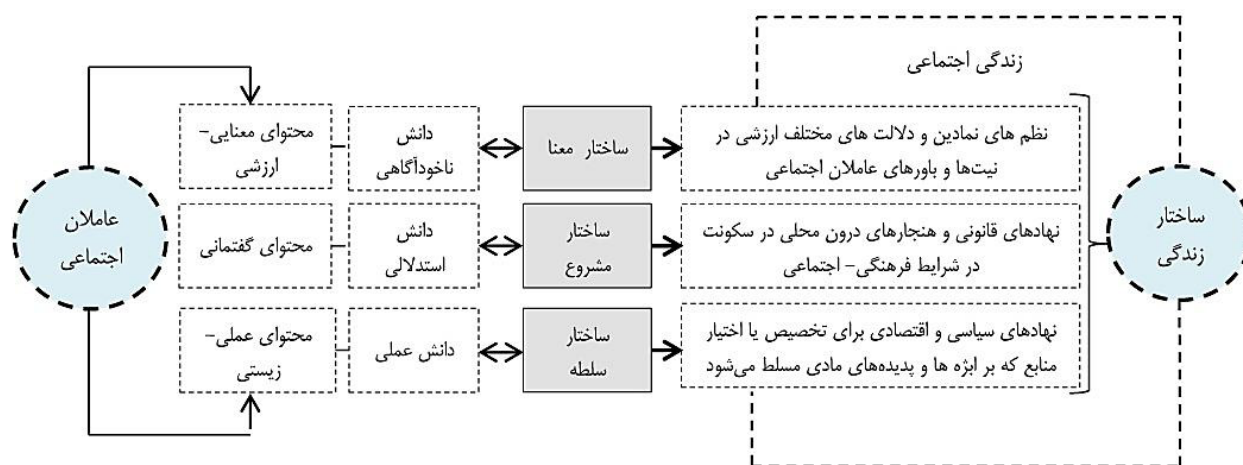
شکل زندگی، محصولی نظام‌مند از عادت واره‌هاست که به فرد هویت می‌بخشد (Bourdieu, 1984) و در رابطه با عاملان اجتماعی و نوع برهمکنش با ساختارهای موجود می‌تواند نمودهای مختلفی داشته باشد. اگر به‌لحاظ جامعه‌شناسی به الگوهای زندگی، سبک‌های زندگی و سرمایه فرهنگی در میان طبقات مختلف جامعه نگاه کنیم، خواهیم دید الگوهای ذهنی متفاوتی از این منظر در میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی جامعه وجود دارد؛ به عبارت دیگر، نظام ارزشی و نمادین آنها، با وضعیت جایگاه اجتماعی آنان متناسب است. در این فرایند، مطابق با تئوری ساخت‌یابی (Giddens, 1984; Giddens, 1991) و اعتباریات علامه طباطبایی (Tabatabai, 1988)، انسان‌ها در بستر زندگی خویش به عنوان عاملان اجتماعی قدرت بازاندیشی دارند و می‌توانند شیوه‌های مختلفی از زندگی را ایجاد کنند. گیدنز در این تعریف انتظام زندگی را در رابطه با ساختار و عامل بیان می‌کند و عقیده دارد، در زندگی افراد همه کنش‌های اجتماعی، نیازمند وجود ساختار و در عین حال ساختار نیز نیازمند وجود کنش عاملیت فردی و جمعی است (Giddens 1996). در این تعریف، ساخت از طریق فعالیت بازیگران انسانی شکل می‌گیرد و به مرور زمان بازگشتی است و می‌تواند همزمان هم نتیجه‌گزار انسان باشد و هم بر آن تأثیرگذار باشد (Giddens 1989, 256). در این فرایند ساختار متشکل از قوانین و منابعی است که یا مربوط به تفسیر بازیگران از دنیایی است که در آن زندگی می‌کنند یا قواعد هنجاری هستند که در مورد باید و نبایدهای حاکم بر اعمال عاملان اجتماعی است (Giddens 1984). در این رابطه، گیدنز برای عاملان اجتماعی سه سطح از آگاهی عملی (کاربردی)، استدلالی (گفتاری، باز اندیشانه، گفتمانی)، و ناخودآگاهی را متصور

1 1 . گیدنز آنچه را عاملان اجتماعی در عمل بر مبنای آگاهی عملی و در ارتباط دیالکتیکی با ساختار انجام می‌دهند، همان کردار اجتماعی می‌داند (آ. گیدنز ۱۳۸۴).

- 2 Signification
- 3 Domination
- 4 legitimation

است (Weber, 1947, p. 175). از سوی دیگر ویلیام لیزر^۲ شکل زندگی را طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم معرفی می‌کند که متأثر از فرهنگ (ارزش‌ها، نمادها، قوانین) است (Mckee, 1969). در این تعریف هنجارها و سنت‌های فرهنگی عامل اصلی در شکل دهی به ابعاد زندگی است. مطابق با این تعاریف سبک زندگی، الگوی ثابتی از رفتارها، عادات، نگرش‌ها و ارزش‌ها تعریف می‌شود که با منابع فرهنگی، محیط اجتماعی و اقتصادی در ارتباط اند (Leo, et al, 1998). سیوبرگر و انگلبرگ مفهوم شکل زندگی را بر مبنای ارزش‌های فردی در کسب منافع و الگوهای واقعی رفتار می‌دانست (Sioberg, Engelberg, 2005). در این راستا، مطابق با مبانی نظری می‌توان گفت سه ساختار سلطه، معنا و مشروعیت در جریان زندگی ساکنین قابل تشخیص است. تصویر شماره ۱ اشارت ضمنی تحلیل این ویژگی‌های ساختاری نشان داده شده است.

درونی بومی رو، تغییر می‌کنند. این جنبه‌های ساختاری که اشاره‌گر وجه ارزشی تا عملی زندگی انسان است، می‌توانند دربرگیرنده سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اعتقادی و زیستی باشند که از این طریق شکل‌هایی از زندگی را موجب می‌شوند (Leo, et al, 1998; Weber, 1947; Mckee, 1969). در این رابطه، آلفرد آدلر مصلحت اجتماعی را ذاتی انسان می‌داند و عقیده داشت انسان همواره متأثر از نظام اجتماعی است و سعی می‌کند به مصلحت اجتماع قدم بردارد (Adler, 1956). همسو با این، ونزل^۱ نیز شکل زندگی را در رابطه با فرد و اجتماع می‌داند و بیان می‌دارد، شکل زندگی کلیتی است از الگوهای رفتاری و تمایل هنجاری که از طریق فرآیندهای اجتماعی، تکامل می‌یابند (Hendry, et al., 2004). برخی دیگر چون ماکس وبر علاوه بر منزلت اجتماعی، عوامل اقتصادی را نیز اضافه می‌کند و عقیده دارد شکل زندگی در رابطه با نوع اشتغال یکی از ابعاد توسعه لایه اجتماعی



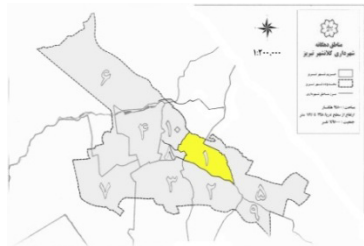
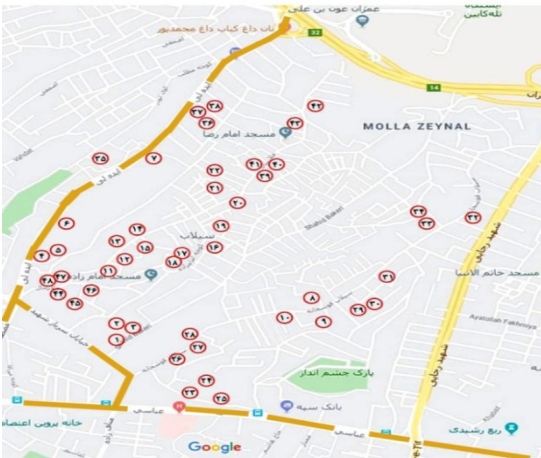

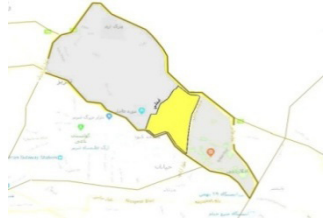
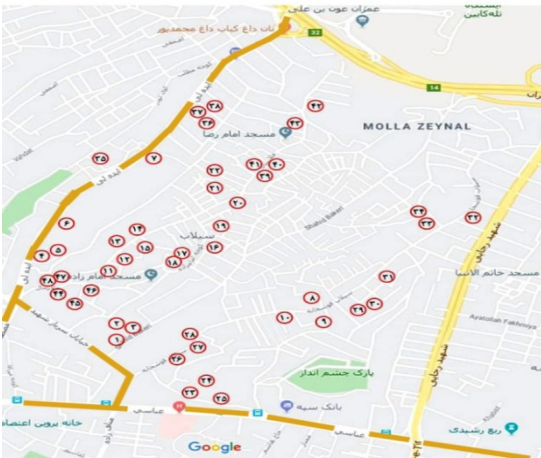



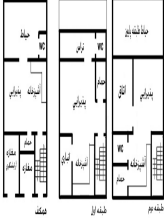
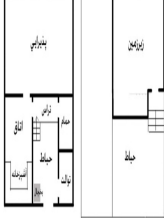




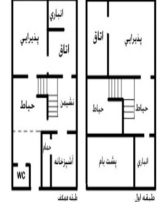
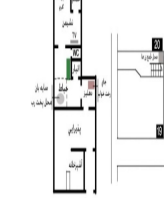
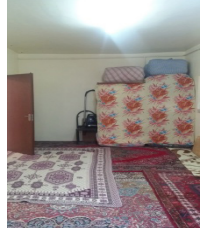






تصویر ۱- مدل مفهومی شکل زندگی و ابعاد تاثیرگذار بر آن با توجه به تئوری ساختاریابی (منبع: نگارنده)

شد مشارکت‌کنندگان در حداکثر تنوع از نظر وضعیت سکونتی، مدت اقامت، وضعیت شغلی و سنی انتخاب شوند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان از ۲۰ تا ۷۰ ساله بوده و از آنجا که غالب ساکنین از سواد محدودی برخوردار بودند، سعی شد از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شود تا از این طریق مشارکت‌کنندگان بتوانند در یک گفتگویی آزاد تجارب و اطلاعات خود را متناسب با فهم خود در اختیار محقق قرار دهند. از میان ۴۰ خانوار مورد بررسی ۳۰ مورد از مصاحبه‌ها در محل سکونتی مشارکت‌کنندگان و با برداشت کالبد خانه‌ها انجام شد. بازه زمانی این مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بوده و محوریت پرسش‌ها مطابق با انواع ساختارهای مشروع، معنا و سلطه بوده است. در جدول شماره ۲ مشخصات شرکت‌کنندگان در زیرگروه‌های مختلف معین گردیده است. گفتنی است، شخص سرپرست خانوار (خانم یا آقا) به عنوان مصاحبه‌گر اصلی قلمداد شده است که در این میان فرزندان هم در مصاحبه شرکت داشته‌اند.

۳. مواد و روش تحقیق

در این پژوهش، به دلیل اهمیت ثبت پدیده‌های موجود، مطالعات میدانی به روش نظریه زمینه‌ای و در راهبرد کیفی انجام شده است. بر این اساس از میان چهار منطقه حاشیه‌نشینی شهر تبریز که با مسئله حاشیه‌نشینی درگیر است، منطقه شمالی (پهنه شماره ۱) که وسیع‌ترین پهنه حاشیه‌نشینی با جمعیتی بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر است (Zista Architectural and Urban Consulting Engineers, 2004)، به عنوان محدوده پژوهش انتخاب گردید. از میان سکونتگاه‌های غیررسمی این پهنه، مناطق سیلاب، ملازینال، احمدآباد، ایده‌لو و پیرامون آنها مورد توجه قرار گرفت. در جدول شماره ۱ موقعیت خانه‌ها و ویژگی کالبدی آنها نشان داده شده است. به منظور دستیابی به اطلاعات غنی‌تر سعی شد از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شود. در این نمونه‌گیری گروه ویژه‌ای از مردم که دارای ویژگی‌های مشابهی از پدیده اجتماعی هستند و قادر به ارائه اطلاعات بیشتری از موضوع هستند، انتخاب می‌گردند (Jalali, 2012). با انتخاب نمونه‌گیری هدفمند سعی

جدول شماره ۱۵: نمایی از منطقه و موقعیت مورد پژوهش و ویژگی‌های کالبدی خانه‌های مورد بررسی

نقشه‌های موقعیت و پلان نمونه‌های از خانه‌ها					تصاویر	
						
						
						
						
						

در این روند به منظور گردآوری داده‌ها، از ابزار مصاحبه، مشاهده میدانی، عکس برداری و برداشت‌های پلانی استفاده شده است.

جدول شماره ۲: معرفی مشخصات مشارکت‌کنندگان

منطقه	خانواده	٪	جنسیت		سن		وضعیت شغلی		مدت اقامت		سکونت		
			مرد	زن	۹-۱۰	۱۰-۱۹	شغل آزاد	بیکار- خانه‌دار	۱-۲	۳-۵	مالک	مستأجر	
منطقه ملازینال	۱۰ خانواده	۲۵٪	مجموع کل = ۴۰ خانواده	مرد	۹	۲۰	۲۳	۵	۱۲	۲۱	۹	۱۰	۷
منطقه قوشخانه	۶ خانواده	۱۵٪											
منطقه سیلاب	۱۲ خانواده	۳۰٪											
منطقه ایدلی	۱۲ خانواده	۳۰٪											

۴. یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های پژوهش با تمرکز بر سه ساختار مشروع، معنا و سلطه مرتبط با نظام سکونتی سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین پهنه شمالی شهر تبریز تبیین می‌گردد. در این روند همانطور که در مباحث نظری مطرح شد، ساختار سلطه به نهادهای سیاسی و اقتصادی در نظام زیستی ساکنین اشاره داشته است. ساختار مشروع شامل قوانین و هنجارهای درون محلی در رابطه با نظام اجتماعی و فرهنگی بوده و ساختار معنا اشاره گر مجموعه باورها و ارزش‌های واقع در نگرش ساکنین بوده است.

۴.۱. ساختارهای سلطه در تخصیص و اختیار منابع

در این مطالعه منظور از ساختارهای سلطه تخصیص و اختیار منابعی است که در نظام اقتصادی، سیاسی و زیستی به کار گرفته شده تا بتوان به نیازهای زیستی مسلط شد. در این روند نظام زیستی مجموعه فعالیت‌های غالبی است که در رابطه با نیازهای فیزیولوژیکی چون خوردن، خوابیدن، آسایش جسمی، حرارتی، بهداشتی و زیست محیطی قابل تعریف هستند.

ساکنین این مناطق همواره سعی می‌کنند پاسخ به نیازهای فیزیولوژیک چون خوردن، خوابیدن و ... را به ساده‌ترین روش ممکن پاسخ دهند. از نظر آنها عملکرد و پاسخ به نیازهای اولیه زیستی مهمتر از رعایت برنامه‌های بالادستی چون ضوابط شهری است. از منظر بیشتر ساکنین اگرچه زیبایی اهمیت بسزایی دارد اما جزو اولویت سکونتی نبوده و تنها در صورتی بدان توجه می‌شود که پاسخ به عملکرد و نیازهای اولیه را مختل نکند (R1). در این رابطه ساکنین به نظم پنهانی اشاره داشته‌اند که در پاسخ به عملکرد راحت‌تر شکل گرفته است؛ نظمی که به دلیل محدودیت فضا و عدم وجود کمد و قفسه کمتر مشهود است. در این اولویت‌دهی به عملکردها فضاهایی بیشترین کاربرد را دارند که بتوانند سطح گسترده‌تری از این نیازها را پاسخگو باشند. براین اساس چهار فضای اصلی نشیمن، آشپزخانه، حیاط، انبار و اتاق به ترتیب بیشترین کاربرد را در این خانه‌ها داشته‌اند (جدول شماره ۳). از نظر مشارکت‌کنندگان، نشیمن که یک فضای چند عملکردی است، فعال‌ترین بخش خانه است که دربرگیرنده فعالیت‌های مختلفی چون مهمان‌نوازی، دورهمی خانواده، صرف غذا، خوابیدن و انجام کارهای روزمره است (R2).

در این نوع سکونت‌اتاق به دلیل انباشت‌گرایی و نورگیری محدود، حضورپذیری کمتری داشته است (اغلب برای خواب و امور موقت) (R3). آشپزخانه نیز به دلیل مساحت کم خانه، اغلب محدود به پختن و شستن ظروف است. در مواردی ساکنین به دلیل حضور مستمر در کوچه و حیاط ترجیح می‌دهند یک فضای خدماتی در حیاط ایجاد کنند تا ضمن کنترل گرمای خانه بتوانند راحت‌تر از حضور در حیاط استفاده کنند (R4). تمایل به حضور در فضای باز، از جمله عادت‌هایی است که به‌وضوح در الگوی رفتاری ساکنین مشهود است. بسیاری از ساکنین ماندن در فضای بسته و کم‌نور خانه را کسل‌کننده دانسته و از آن طفره می‌روند. این عدم تمایل به فضاهای داخلی خانه باعث شده ساکنین از حیاط، تراس، بام و فضای کوچه به‌طور مستمر استفاده کنند (R5). در این رابطه، اگرچه تمایل به سبزی‌نگی در میان ساکنین

R1: «خب قشنگی و منظم بودن خونه خیلی خوبه ولی چیزی که برامون مهمه اینه که چقدر کاربردی باشه و باعث بشه راحت تر زندگی کنیم»

R2: «بیشتر از نشیمن استفاده می‌کنیم همه کار و بارمون یا اینجاست یا توی حیاط، حتی همه سرهم اینجا می‌خوابیم و غذا می‌خوریم و حتی شبا و روزها هم اینجا دور هم جمع میشیم (با خنده)...اتاقی خیلی استفاده نداره یعنی خوبه باشه»

R3: «ما خیلی از اتاق استفاده نمی‌کنیم مگر بخوابیم لباس عوض کنیم و گاهی دخترم بره اونجا درس بخونه یا شبایی هم بخواد اونجا بخوابه و گرنه بیشتر توی هال و نشیمن هستیم چون هالمون دل‌باز تره و همه پیش هم هستیم»

R4: «آشپزخانه خوبه دم دستم باشه. وقتی بیرونم میام یک سری به غذا می‌زنم و اینکه تو حیاطه خوبه دیگه چون زیادم در حیاط هستیم. البته یک آشپزخونه سردم در داخل هست و شبا که همه جمع میشیم اونجا استفادش بیشتره...»

R5: «حیاط برای هر خانهای لازمه. اصلاً مگه میشه بدون حیاط! ما بیشتر وقتمون رو تو حیاط می‌گذرونیم، همسایه‌ها هم که حیاطشون کمه از پشت‌بام خونه استفاده می‌کنند.»

R6: «... کاش میشد باغچه بهتری داشته باشیم ولی خب نه جاشو داریم نه رطوبت میداره این کارو انجام بدیم»

R7: «تابستونا که گرمه زیاد طبقه بالا نمیریم و اتاق زیرزمینو درست کردیم گاهی میریم اونجا ولی خب رطوبتم هست؛ زمستونم درها رو که می‌بندیم رطوبت در اتاق خیلی زیاد میشه مجبوریم تهویه کنیم.»

R8: «بابا چی بگیرم اصلاً به محله توجه نمیشه فاضلاب زده بالا همش حشره میاد خونه، شهرداری نمیره... خودمون با اهالی محله یک کارایی می‌کنیم شن میریزم تو فصل یخبندان، کوچه رو تمیز میکنیم.»

مشهود است اما با توجه به محدودیت فضایی و مشکلات رطوبتی، ایجاد فضای سبز با مشکل مواجه شده و اغلب به گلدان و گیاهانی مثل درخت مو که جای کمتری اشغال می‌کنند، بسنده کرده‌اند (R6). در رابطه با آسایش حرارتی، ساکنین به دلیل محدودیت مالی سعی می‌کنند با شیوه‌های مختلف مصرف سوخت را به حداقل برسانند. در این شرایط برخی متناسب با تغییرات فصلی در فضاها جابه‌جا می‌شوند و یا با متمرکز شدن در یک فضا (غالباً نشیمن) مصرف را به حداقل می‌رسانند (R7). علاوه بر این به دلیل سردی هوا، حمام در داخل خانه و سرویس بهداشتی به دلیل تهویه و طهارت در حیاط

و ناهماهنگی تأسیسات با استانداردها، منجر به مخدوش شدن منظره محله و کاهش سطح ایمنی و بهداشتی شده است (R8). در این میان بهداشت متوسط محله نفوذناپذیری پایین منطقه امکان وجود گذرگاه‌های سواره را کاهش داده و حیاط‌ها اغلب فاقد پارکینگ هستند (جدول شماره ۳).

قرار داده می‌شود. از طرف دیگر دغدغه گرمای هوا در تابستان باعث شده ساکنین با ایجاد سایه‌بان‌های سطحی استفاده از فضاهای باز را به حد اکثر برسانند. در رابطه با مسئله ایمنی و بهداشت، آنچه بارز است این است که ساکنین با ساماندهی آنی فضاها به منظور پاسخ سریعتر به نیازها، اغلب استانداردها و ضوابط شهری را نادیده می‌گیرند

جدول شماره ۳: الگوی عملکردی پلان شاخص در سکونتگاه‌های غیررسمی پهنه شمالی شهر تبریز

رفتارهای جاری	اولویت فضایی	مراتب اهمیت				
صرف غذا، خوابیدن، دورهمی، مهمان‌نوازی، کار	نشیمن	■	■	■	■	■
خلوت‌گزینی، دورهمی، معیشت، نظافت	حیاط	■	■	■	■	■
طبخ غذا، شستن ظروف، نگهداری غذا	آشپزخانه	■	■	■	■	■
جمع‌آوری وسایل کاری، ظروف طبخ، ...	انبار	■	■	■	■	■
انبار رختخواب و لباس، خواب، مطالعه، کار	اتاق	■	■	■	■	■



بوده است؛ به‌گونه‌ای که زیرزمین، بخشی از حیاط، بام و بخشی از اتاق تبدیل به انبار شده است (R13).

۴.۲. ساختار مشروع در وابستگی به نظام اجتماعی-فرهنگی

آنچه در ساختارهای مشروع نظام اجتماعی ساکنین مشهود است، همگرایی و تمایل به سکونت متمرکز و جمع‌گراست. همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان و روابط منسجم خانوادگی از جمله الگوی رفتاری شاخصی است که در این مناطق مشهود است. اغلب ساکنین تمام دلخوشی خود را در وابستگی به همسایه‌ها و خانواده می‌دانند و در آن اعضا تا حد امکان سعی می‌کنند مرکزیت خانوادگی را با دورهمی مستمر خود در فضاهای جمعی مثل نشیمن حفظ کنند (R14). وابستگی اعضا به یکدیگر و مسئله اقتصادی باعث شده اغلب زوج‌های نوپا در یک خانواده، بخشی از خانه پدری را برای آغاز زندگی ساماندهی کنند تا بتوانند با خانواده زندگی کنند. البته گفتنی است این نوع از خودساماندهی فضا برای جبران کمبود فضا منجر به کاهش کیفیت سکونتی فضاهای موجود شده است (R15). در این نوع سکونت اگرچه صله ارحام با فامیل‌ها مهم بوده اما به علت شرایط بد اقتصادی، این روابط کم‌رنگ‌تر شده و دلیلی است که روابط همسایگی در تعاملات بدون تشریفات و برون‌خانه‌ای پررنگ‌تر شود (R16). تعاملات فعال همسایگی با اتکا به حریم و حقوق همسایه، خود عامل مؤثری برای همیاری و کمک‌رسانی به یکدیگر در همه‌ی امور زندگی بوده است (R17). این تعاملات همسایگی بیشتر میان ساکنین قدیم و مسن رواج دارد و در خانواده‌های تازه‌وارد یا نسل جدید به دلیل عدم شناخت همسایه‌ها و مشغولیت با فضای مجازی کم‌رنگ‌تر شده است. برون‌گرایی و فعالیت‌های فراغتی جمعی در این سکونتگاه‌ها موجب در اولویت قرار گرفتن مراسمات جمعی و قرارگاه‌های اجتماعی مختلف محله‌ای شده است. از این نظر ساکنین حسینی، مساجد، کوچه‌های بن‌بست، حوزه همجوار خانه، قهوه‌خانه‌ها، قرارگاه‌های تجاری و محدوده محله را به عنوان پاتوق‌هایی برای مردان، زنان، جوانان و کودکان دانسته‌اند. در این شرایط خانم‌ها بیشتر همجوار خانه و مردان مکان‌های دورتر از محدوده‌ی خانه (پارک‌ها، قهوه‌خانه‌ها و ...) را به عنوان محفل

علاوه بر این ساختار اقتصادی و معیشتی متوسط به پایین ساکنین در مناطق حاشیه‌نشین منجر به بروز رفتارها و فعالیت‌هایی چون خودکفایی در امور، بسندگی به داشته‌ها، انباشت‌گرایی، شغل خانگی و ... شده است. ساکنین برای کسب درآمد بیشتر و مدیریت هزینه زندگی، کارهای خانگی چون تهیه آذوقه سالیانه، فرش‌بافی، خیاطی، کفافی، عرق‌گیری گیاهان، رب‌پزی و ... را مسئولانه دنبال می‌کنند و تمایل دارند کالبد خانه را به منظور پاسخ مناسب به انجام این امور ساماندهی کنند. این درحالی است که اغلب فضای کارخانگی نامناسب بوده و نور کافی برای کارهایی چون فرش‌بافی موجود نبوده و به تدریج انجام این امور کاهش یافته است (R9). در کارگاه‌های تولید کفش در همجوار خانه‌ها نیز که به‌عنوان بخش‌های پشتیبان کارخانه‌های بزرگ محسوب می‌شد، اغلب با اتاقک‌های کوچک دارای انباری مواجه هستیم که در آن لزوم نورگیری و تهویه مشهود است. در این موقعیت‌ها، همجواری کاربری‌های صدادار چون تعمیراتی و ... در منطقه مسکونی، معایبی چون آلودگی صوتی و زیستی به همراه داشته است (R10).

در این میان برخی از ساکنین که امکان ایجاد مغازه داشته باشند، بخشی از اتاق را تبدیل به مغازه کرده‌اند تا علاوه بر حقوق بازنشستگی و دولتی بتوانند اوقات بیکاری را در مغازه با اموری چون خرده‌فروشی، خیاطی، تعمیرگاه و ... سپری کنند. گفتنی است، در اغلب موارد درآمد این مغازه‌ها ناچیز بوده و بیشتر جنبه‌ی پاتوق‌های دورهمی برای مردان بوده است (R11). با وجود نیاز به شغل خانگی، برخی خانواده‌ها به‌ویژه در نسل‌های جدید ترجیح می‌دهند رو به شغل‌های خدماتی-اداری بیاورند و با اندک درآمد دولتی بسازند (R12). به طور کلی خوداتکایی بسیاری از خانواده‌ها به دلیل محدودیت‌های مالی باعث شده این ساکنین در مواردی چون تهیه آذوقه‌های سالانه، ساماندهی و تعمیرات کالبدی و رفع مشکلات، به داشته‌های خود متکی باشند. در این شرایط ساکنین به دلیل داشتن دغدغه‌ی مسائل فردا و پیشامدهای ممکن، اقدام به نگهداری وسایلی می‌کنند که ممکن است روزی در آینده به کارشان بیاید. بنابراین انباشت‌گرایی یا جمع‌آوری اسباب اضافه از جمله عادت‌های رایج در میان این افراد

جمعی ترجیح داده‌اند (R18). علاوه بر این ساکنین در اواخر هفته که خانواده‌ها بیشتر در کنار هم هستند، با برنامه‌های جمعی به مناطق تفریحی شهر از جمله کوه عینالی و ... می‌رفتند. جوانان نیز ورزشگاه‌ها، کافی نت و ... را به عنوان مکان مناسب گذران اوقات نام برده‌اند (R19). این شبکه منسجم اجتماعی ضمن افزایش حراست درون محلی لزوم تقویت ساختار کالبدی در پاسخ به این قرارگاه‌های اجتماعی را تشدید می‌کند. یکی دیگر از ساختارهای مشروع در نظام فرهنگی ساکنین توجه به خودمختاری در همسویی با ساختارهای مشروع درون محلی است. در این رابطه مواردی چون تعاون و همیاری، سهل‌گیری در فرزندپروری و فرزندان‌آوری، مردم‌داری، خانواده دوستی و ... از جمله شرایط فرهنگی غالب در این مناطق است. اکثر خانواده‌ها به ویژه ساکنین قدیمی نسبت به فرزندآوری و گسترش خانواده گرایش داشته (R20) و در این میان به طور غیرمستقیم بر نقش تربیت محیطی نیز در کنترل فرزندان تأکید داشته‌اند. این روند به گونه‌ای است که فرزندان، بیشتر تایم خود را در محیط کوچه، محله، پارک و غیره می‌گذرانند و محیط خارجی سکونت بر تربیت کودکان مؤثر بوده است (R21). البته خانواده‌ها در محدوده ارزش‌های اعتقادی همواره چارچوب اخلاقی و به ویژه ارزش‌های خانوادگی را در تربیت فرزندان مورد تأکید قرار داده‌اند و همواره با اصالت‌گرایی و حفظ سنت‌ها سعی در انسجام روابط قدیم داشته‌اند. در بسیاری موارد ساکنین به علت خانواده دوستی تمایل داشتند از اعضای خانواده حمایت کنند و با ازدواج فرزندان، خود را ملزم به خانه‌گستری و ایجاد سرپناه جدید برای زوج نوپا می‌دانستند (R22). به دنبال این گرایش، اغلب خانواده‌ها به محله‌های پدری روی آورده و همواره سعی می‌کنند بیشتر در کنار هسته اصلی خانواده باشند. در این رابطه علاوه بر سکونت گسترده بسیاری از ساکنان به ویژه افراد نسل قدیم تر هرگونه عوامل تداعی گذشته از جمله وسایل به ارث رسیده از گذشتگان و سنت‌هایشان را جزو ارزش‌ها دانسته و تمایل داشتند آن را حفظ کنند (R23). در نظام فرهنگی ساکنین با سکونت جمعی مواجه هستیم که در آن ساکنین و به ویژه نسل قدیمی تر، کمتر به ابعاد فردی و حریم شخصی توجه داشته‌اند و بیشتر به الگوهای رفتاری جمعی اهمیت داده‌اند (R24). این در حالی است که نسل جدید عدم وجود فضای شخصی را آزاردهنده تلقی کرده‌اند و سعی در ایجاد قلمرو فردی در نقاطی از خانه داشته‌اند (R25). از نظر ساکنین تحولات جسمی و سنی، شرایط مختلفی ایجاد می‌کند که باعث شده ساکنین اقدام به تغییر تدریجی سبک زندگی و شکل استفاده از کالبد خانه‌ها داشته باشند. فرزندان هنگام بلوغ، ضمن توجه به هسته خانواده تمایل دارند فضای شخصی خود را داشته باشند. از طرف دیگر اغلب پدر خانواده نیز در پی افزایش سن و کاهش توانایی جسمی نیز به خلوت بیشتری نیاز داشته است (R26).

علاوه بر خانواده دوستی، صله‌ارحام و مهمان‌داری نیز مورد احترام است و اکثر خانواده‌ها فضای مهمان را که اغلب در طبقه بالا قرار می‌گیرد، به نشانه اهمیت و اعتبار مهمان آراسته نگه داشته‌اند؛ البته گفتمانی است که با کم‌رنگ‌تر شدن رفت‌وآمدها و محدود شدن روابط فامیلی به مراسم خیر و شر، این فضاها تبدیل به اتاق‌های موقت برای فرزندان بالغ یا متأهل شده است (R27).

R9: «... دوست دارم جایی کار کنم که نور بگیره، دل‌باز باشه، نزدیک حیاط باشه... چون دار قالی توی یک اتاق کوچک است و تابستون خیلی گرمه... دور آن هم دیوار کشیده ایم ولی فضا یا خیلی سرد یا خیلی گرم می‌شه.. به خاطر همین نمیتوانم خیلی زیاد بیافم»

R10: «از صبح تا ساعت 6 اینجا کفش می‌دوزیم و چون توی یک منطقه مسکونی هستیم مجبورم رعایت کنم و حواسم باشه صدا زیاد نباشه، آشغال رو میذارم تو گوشه مغازه که همسایه اعتراض نکنه... اینجا تهویه اش ناچوره مجبوریم درب رو باز بناریم»

R11: «بیشتر میرم درب مغازه میشینم گرچه خیلی هم درآمدی ازش در نیامد ولی خوب وقتمو اونجا میگذرونم هرچی باشه بهتر از بیکاریه... عصرها هم بقیه می‌مرده‌ها هم اگر بخوانند اینجا می‌آیند دورهم صحبت می‌کنیم.»

R12: «شوهرم کارگر شهرداری هست و من هم بیشتر برای خانواده‌ی خودمان خیاطی می‌کنم دوست ندارم پشت سرم بگن برای مردم خیاطی میکنه و...»

R13: «... خیلی جامون کمه وسیله زیاد داریم مجبور میشیم هرجا بدستمون میاد بناریم... اینجا جوری فضا بهم ریخته میشه برای همین انبار داشتیم خیلی ضروریه... شوهرم خیلی از این خرت و پرتا رو روی پشت بوم گذاشته بازم جا کمه...»

R14: «همه دل خوشیم اول سلامتی به عدم خانواده‌مه... شب همه در نشیمن جمع میشیم پیش هم؛ دخترم که ازدواج کرده هرروز میاد بهمون سر میزنه (یک پاش اینجا است یک پاش خونه خودش)»

R15: «بالای خونه رو پسرم ساخته، قراره با زنش اینجا زندگی کنن... خوبه دیگه یکم به اون کمک میشه پیش همدیگر هم هستیم... منتها بیشتر حیاط رو پوشونده و خونه‌ی من تاریک‌تر شده...»

R16: «الآن دیگه با این گرونی کی میره کی میاد، سالی بیارم کسی بیاد میبریمش اتاق بالا که مرتب‌تره و دخترا فقط شبا موقع خواب میرن اونجا میخوابن...»

R17: «بیشتر با همسایه رفت و آمد داریم، منتها با فامیل بیشتر توی مراسم خیر و شر هستیم ولی با همسایه خیلی خوبیم، وقتی چیزی لازم داشته باشیم میریم از اونا می‌گیریم و اونا هم چیزی بخوان میان از ما می‌گیرن، ... عصرها تا شب ساعت یک نصف شب باهم تو کوچه بیرون میشینیم...»

۴.۳. ساختار معنایی در همسویی با ارزش‌ها

یکی از عملیات‌های مهم در نظام اعتقادی ساکنین وجه مذهبی و معنوی است که ساختار ارزشی زندگی ساکنین را شکل داده است. در این میان اخلاقیات، حق‌الناس، حفظ مراسمات دینی، تکریم حجاب و محرمیت و... در وجه مذهبی بسیار اهمیت داشته است. ارزش‌گذاری بر امور معنوی، باعث شده خانواده‌ها بیشتر به هم اعتماد داشته باشند و در انسجام محلی نوعی امنیت درونی را در ساختار محله به وجود آورند. در این رابطه مراسمات مذهبی در ایام محرم، رمضان و... از جمله ارزش‌های جمعی است که بیشتر خانواده‌ها به دلیل عاملیت مذهب، خود را ملزم به رعایت آن کرده‌اند (R28). علاوه بر این یکی از مسائل اعتقادی، توجه به حجاب و محرمیت در حفظ قلمرو خانوادگی نسبت به محیط خارج است. اغلب ساکنین به منظور صیانت از حریم و حرمت خانوادگی به شکل‌های مختلف چون ایجاد حصار پیرامون حیاط یا سقف‌های شیشه‌ای مات روی حیاط و پارتیشن‌های پرده‌ای تلاش می‌کنند قلمرو درونی خانه و خانواده را از دید همسایه‌ها مصون دارند (R29). در این روند تکریم حجاب و حفظ حریم زن و خانواده باعث شده ساکنین تا جای ممکن قلمرو زنان و مردان را تفکیک کنند. علاوه بر این تکریم طهارت به عنوان یک ارزش، از جمله گرایش‌هایی است که باعث شده ساکنین به نظافت محله و خانه اهمیت دهند و

R27: «الان خیلی مهمون نمیدارن بره خب مردم گرفتارن و راه‌ها دوره، مشکلات اقتصادی هم هست... برای همین اتاق بالا بیشتر برای اتاق دختراست تا مهمون.»

R28: «اگه همسایه‌ها مراسم روضه خونی، مرثیه و اینها دعوت کنند شرکت می‌کنیم و خودمون مراسم داشته باشیم بهشون می‌گیریم میان... این مسجد پایینی هم اکثر مراسم‌های مذهبی رو برنامه دارد ما هم شرکت می‌کنیم»

R29: «اینجا چون خونه‌ها تو دل هم ساخته شدن شوهرم دورتادور حیاط رو پلاستیک مات کشیده تا کسی به داخل حیاط دید نداشته باشه از یک طرف دیگه هم دم در خونه پرده می‌کشیم که داخل حیاط دیده نشه»

R30: «خیلی حساس هستیم که نجسی در خونه نباشه و همیشه سعی می‌کنم آب بکشم...توالت و جاهایی که کثیف تر هست رو از خونه و جاهای تمیز جدا می‌کنیم»

R31: «خیلی اهل تجملات نیستیم و بیشتر با آنچه که داشته باشیم می‌سازیم...چکار کنیم دیگه کم باشه کم می‌خوریم و خونمون همیشه که هست می‌سازیم.»

R18: «شوهرم بیشتر وقتشو قهوه‌خونه است و بیرونه بچه- هام که تا شب در کوچه بازی می‌کنند، ماهم با خانم‌های همسایه میریم روضه و مراسم، یا توی کوچه جمع میشیم اینه که خیلی خونه نیستیم (با خنده)»

R19: «بچه‌ها تو پارک و کوچه سرگرم، جونا هم یا با دوستاشون تو کلوب و باشگاهو اینجور جاها که خودشون میدونن مشغولن تا شب بشه بیان خونه دیگه... دخترام پیش خودمون یا توی خونه میمونن یاهر وقت داشون بخواد بیان پیش ما با زنای همسایه بشینیم تو کوچه...شوهرم که میره کار تا 7 غروب نمیدار.»

R20: «اینجا بیشتر خانواده‌ها سه فرزند رو دارن...بعضی هم بیشتر از سه تا؛ خب چیکار کنیم همه دلگرمیمون بچه‌هامون...توی این دنیا اینم نباشه پس چی باشه...شبا دورهم جمع میشیم می‌گیریم و می‌خندیم...»

R21: «بچه‌ها از صبح بیدار میشن میرن بیرون تا ساعت دو میان نهار میخورن استراحت می‌کنند ساعت 4 و 5 که محله خیلی ساکت نباشه میرن بیرون و گاهی حتی تا ساعت 1 نصفه شب بیرون...البته ما خودمونم بیرونیم تا جایی باشه حواسمون هست...همسایه‌ها آشنان، بهشون اعتماد داریم»

R22: «خودمون پایین میشینیم و به پسر و عروسم گفتم بیاد طبقه بالا رو سامون بده که تو این گرونی نخواد اجاره بده...هرچی باشه می‌سازیم باهم...دخترام چون دیگه بزرگتر شدن یک بخشی از زیرزمینو درست کردن میرن اونجا...»

R23: «بعد از مدت‌ها که از اینجا دور بودم نتوانستم تحمل کنم و برگشتم نزدیک به خانواده پدری که حال و هوای دوران بچگیم رو داره و می‌تونم نزدیک خانواده باشم.»

R24: «همه توی این اتاق می‌خوابیم و هیچ جدایی بینمون نیست، اون اتاقم فقط برای وسایل اضافه است یا اگر کسی بیاد بریم لباس عوض کنیم و گرنه خیلی اتاق جدا نداریم»

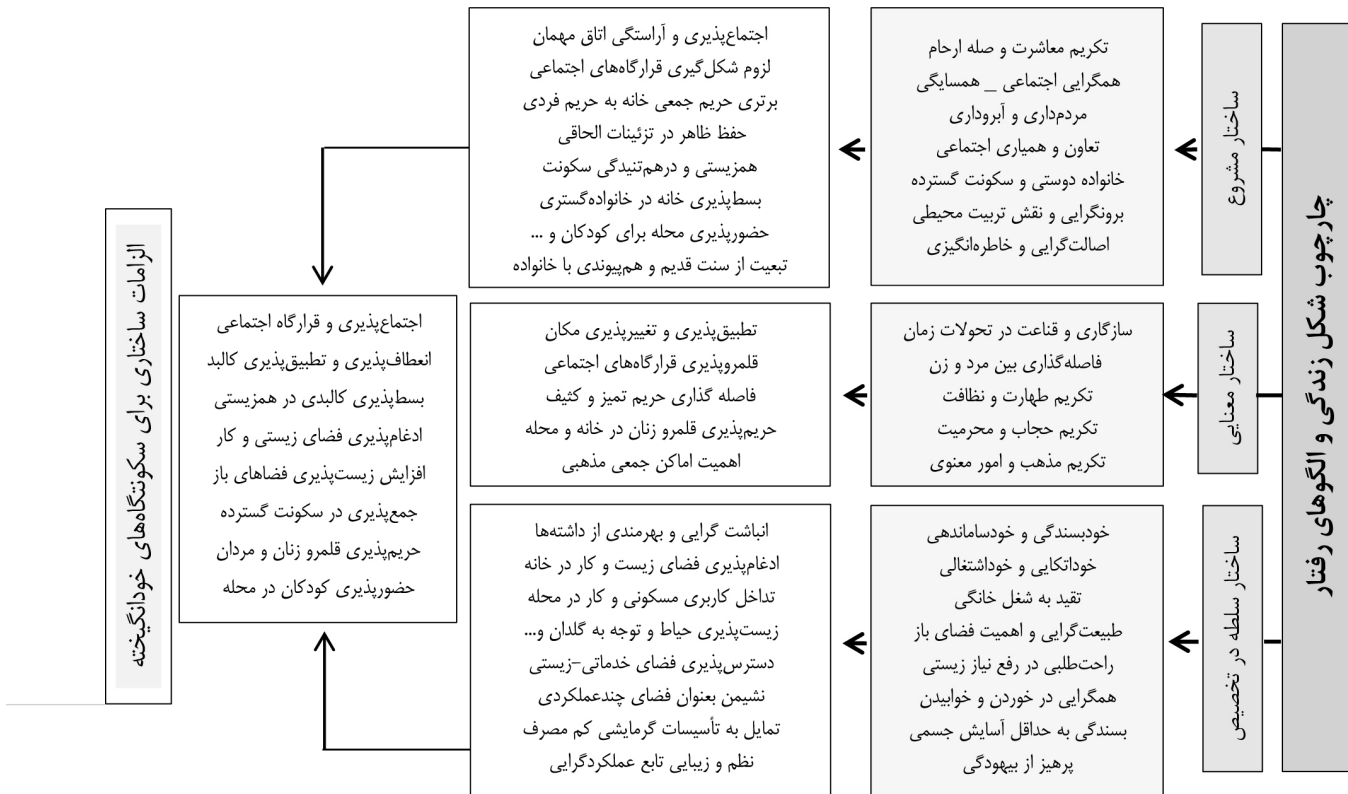
R25: «...پسرم یکی از اتاق‌های ته حیاط را برای خودش برداشته و دخترم هم که بزرگ‌شده بیشتر در اتاق بالایی (اتاق مهمان) هستند.»

R26: «آقامون شبا میاد شام می‌خوریم بعدم میره اون یکی اتاق اخبار می‌بینه بعدم میره تو حیاط می‌خابه...بیشتر خودش ماهم با دخترا کاری باهاش نداریم»

۵. بحث و جمع‌بندی

ساکنین سعی کرده‌اند با توجه به این الگوهای رفتاری، محیط سکونت خود را به صورت خودانگیزه به منظور پاسخ مناسب به این ساختارها ساماندهی کنند. در تصویر شماره ۳ به طور خلاصه مؤلفه‌های کالبدی-فضایی پاسخگو به ساختارهای واقع در زندگی ساکنین این مناطق تبیین گردیده است.

در این بخش با اتکا به مقوله‌بندی مصاحبه‌های انجام شده در سه ساختار مشروع، معنایی و سلطه مشخص می‌شود که به طور کلی ساکنین الگوهای رفتاری غالبی در هر یک از این ساختارها داشته‌اند که محیط کالبدی و فضایی مختص به خود را می‌طلبد. در این رویه



تصویر شماره ۲: مدل انتظام کالبد سکونتگاه‌های غیررسمی پهنه شمالی شهر تبریز در پاسخ به ساختار زندگی

۶. نتیجه‌گیری

و ایمنی در سطح محله و سکونتگاه‌های غیررسمی شده است. ساکنین اغلب در مواجهه با مسئله کم درآمدی، به رفتارهایی چون خودبستگی و خوداتکایی و انباشت‌گرایی روی می‌آورند و در این روند سعی می‌کنند فضای معیشتی (کار) را در تداخل با فضای زیستی قرار دهند. سازش با شرایط محدود سبب شده انتظام فضاهای زیستی بیشتر در جوابگویی به عملکردها و نیازهای اولیه شکل گیرد و کمتر متوجه ضوابط شهری و ظاهرسازی باشد. در این ساختار سکونتی غالباً چهار فضای نشیمن، آشپزخانه، حیاط، انبار و اتاق به ترتیب بیشترین کاربرد را در کالبد این خانه‌ها داشته و در آن عملکرد چندگانه فضاها اولویت می‌یابد. هنجارهای درون محلی در زندگی اجتماعی ساکنین که در رابطه با ساختارهای مشروع نمود می‌یابند، از جمله معیارهای مهمی است که ساکنین براساس آن شکل سکونتی خود را انتظام می‌دهند. محوریت اصلی این سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، پذیرش مردمی و همبستگی اجتماعی است که در سطح خانواده و محله مشهود بوده است. در این میان ساکنین همواره تابع اصولی چون مردم‌داری، خانواده‌دوستی، فرزندآوری، گسترش خانواده، اصالت‌گرایی و خاطره‌انگیزی و ... بوده‌اند و در این رویه با بسط خانه در طبقات، افزایش حضور پذیری در محله، همزیستی درهم‌تنیده و ... به ایجاد قرارگاه‌های اجتماعی و

چنانچه بیشتر بیان شد، شیوه زندگی اجتماعی در برگزیده سه ساختار مشروع (ساختارهای مرتبط با هنجارها و قوانین مورد تأیید)، دلالتی (ساختارهای مرتبط با معنا و باورهای ارزشی) و سلطه (منابع تخصیصی و آمارانه در کنترل و تسلط بر محیط) بوده است که در رابطه با کنش عوامل اجتماعی، تولید و بازتولید می‌شود. نتایج حاصل از مطالعات و مصاحبه‌های انجام شده، نشان می‌دهد الگوهای رفتاری شاخص در جریان زندگی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی پهنه شمالی شهر تبریز تابع ساختارهای مشروع و دلالتی حاکم در منطقه است؛ جریانی که باعث می‌شود ساکنین حاشیه‌نشین، در حیات اجتماعی خود توجه چندانی به سازوکارهای رسمی و آمرانه از سوی برنامه‌ریزان بالادستی نداشته باشند و ساختارهای سلطه را همسو با ساختارهای مشروع و دلالتی بازتولید کنند و شرایطی از سکونت را مهیا کنند که در همسویی با ارزش‌ها و دلالت‌های درون محلی قرار گیرد. سطح پایین منابع تخصیص یافته و عدم همسویی برنامه‌های بالادستی با هنجارها و نیازهای درون محلی از جمله ساختارهای سلطه‌ای است که به طور مشخص ساکنین با آن مواجه هستند. شرایطی که منجر به کاهش کیفیت آسایش جسمی، حرارتی، بهداشتی

- Shater Abad, Kermanshah. *Journal of Geography and Planning Research*, 1-22.
- Fernandes, E. (2001). Regularising informal settlements in Brazil: legalisation, security of tenure and city management. the ESF/N-Aerus Annual Workshop (pp. 23-26). Brussels: Leuven.
 - Gans, H. (1962). *The Urban Villagers*. New York: The Free Press.
 - Gharkhlou, M., et al. (2012). Study of socio-economic indicators and its effect on the quality of housing in marginalized areas: A case study of Qom. *Journal of Geographical Perspective*, 18-41.
 - Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society*. Cambridge: Polity Press.
 - Giddens, A. (1989). *Sociology*. Cambridge: Polity Press.
 - Giddens, A. (1991). Structuration theory: past, present and future. In C. Bryant, & D. Jary, *Giddens' theory of structuration: a critical appreciation* (pp. 201-221). London: Routledge.
 - Giddens, A. (1996). *In Defence of Sociology*, Cambridge. New York: Polity Press.
 - Giddens, A. (2018). *The Constitution of Society*. (A. Ahmadi, Trans.) Tehran: sience press.
 - Gifford, R. (2007). *Environmental psychology, Principles And Practice*. Colville: WA:Optimal Books.
 - Hadipour, S., Zivari, s. (2014). A reflection on marginalization and its impact on social security. *Hamedan Law Enforcement Quarterly*, 51-76.
 - Hadizadeh Bazaz, M. (2003). *Marginalization and its organizing strategies in the world*. Mashhad: Mayor of Mashhad, Social and Cultural Deputy, Tiho.
 - Hendry, L., et al. (2004). *Leisure and lifestyles of young people*. (F. Kakoli, & M. Molanazar, Trans.) Tehran: National Youth Organization.
 - Ilka, S., et al. (2015). Explaining the concept of housing and habitation in the phenomenological approach and bio-cultural paradigms approach. *Urban Management*, 39, 165-188.
 - Irandoost, K. (2007). *Informal housing is a manifestation of unsustainable urban development - Case: Kermanshah*. Tehran: Shahid Beheshti university.
 - Jalali, R. (2012). Sampling in qualitative research. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 310-320.
- ساماندهی سکونتگاه‌ها در پاسخ به این ساختارها اقدام کرده‌اند. در رابطه با ساختارهای دلالتی و معنایی نیز مشخص می‌شود که بیشتر ساکنین با تأکید بر معنویت و ارزش‌های مذهبی و سنتی، خود را مقید به رعایت اخلاقیات و سنت‌ها، حق‌الناس، حجاب و... می‌دانند و برای مراسمات مذهبی اهمیت بسزایی قائل هستند؛ در این رابطه تفکیک قلمرو زنان و مردان، توجه به محافل مذهبی، محرمیت و... از جمله ساختارهای کالبدی است که مورد توجه بوده است.
- در نهایت ارزیابی کالبدی سکونتگاه‌های پهنه شمالی شهر تبریز با توجه به ساختارهای فوق نشان می‌دهد که الگوی کالبدی این مناطق بر چند مقوله کلیدی شامل «اهمیت حضورپذیری کودکان و ایجاد قرارگاه‌های اجتماعی در محله»، «لزوم انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری کالبد»، «بسط‌پذیری کالبدی در سکونت گسترده»، «ادغام‌پذیری فضای زیستی و کار» و «زیست‌پذیری فضای باز در تأمین برونگرایی» و «تأکید بر محرمیت و ارزش‌های مذهبی» دلالت دارند که می‌توانند به عنوان راهبرد عملی برای بهسازی این مناطق مورد استفاده قرار گیرند.
- قدردانی:** این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری نویسنده مربوطه در زمینه معماری اسلامی است که تحت نظارت نویسنده دوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز (ایران) و حمایت معنوی و مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) انجام شد.

References:

- Adler, A. (1956). *The Individual Psychology of Alfred Adler*. New York: Basic Books Inc.
- Annabestani, A., Akbari, M. (2012). Evaluation of master plans and its role in physical development from the perspective of villagers. *Journal of Human Geography Research*, 93-110.
- Baradarn, M., et al. (2017). Marginalization: A sociological analysis of social issues, housing policies, and the informal phenomenon. *A Study of Social Issues in Iran*, 209-231.
- Barati, N., Kakavand, R. (2013). Comparative evaluation of the quality of urban living environment with emphasis on the mental image of citizens, case studies: Qazvin city. *Journal of Fine Arts*, 18(3), 25-32.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. Rutledge.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. *Cultural theory: An anthology*, 81-93.
- Canter, D. (1971). *the psychology of place*. London: the architectural press.
- Ebrahimzadeh, A., Seidi, M. (2012). An analysis of informal settlement and determining the impact factor of factors using the path analysis model; Case study of

- Javaheripour, M. (2003). Socio-economic construction of informal housing - Tehran. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences Publications.
- Kiddle, G. (2010). Perceived security of tenure and housing consolidation in informal settlements: Case studies from urban Fiji. *Pacific Economic Bulletin*, 25(3), 193-214.
- Leo, H., et al. (1998). Youth Lifestyles and Society: A Class Issue. *childhood, sega Journal*, 5(2), 133-150.
- Manzo, L., Perkins, D. (2006). Neighborhoods attachment place of importance the: ground common a development and participation community t. *Journal of Planning Literature*, 20, 335-350.
- Mckee, J. (1969). *Introduction to Sociology*. Holt Rinehart & Winston Inc.
- Mohammadzadeh, R., Bakhshudeh, s. (2012). An Introduction to the Reproduction of Residential Spaces in Marginal Areas: A Case Study of Tabriz Flood Area. *Journal of Geography and Planning*, 233-273.
- Payton, M. (2003). Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge. University of Minnesota.
- Piran, P. (1997). Sociological analysis of urban housing in Iran: Informal housing. *Letter of the Iranian Sociological Association*, 27-47.
- Rafiyan, M. (2003). Empowerment project for informal settlements in Bandar Abbas with a holistic view. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development.
- Rapaport, A. (2005). Meaning of constructed environment: an approach in non-verbal communication. (F. Habib, Trans.) Tehran: Urban Planning and Processing Publications.
- Rapoport, A. (1988). Levels of meaning in the built environment. In F. Poyatos, *Cross-cultural perspectives in nonverbal communication* (pp. 317-336). Toronto.
- Rezaei, M., et al. (2015). Evaluation and analysis of the social dimensions of marginalization in urban areas. *Geographical Quarterly of the Land*, 57-75.
- Sarvestani, P. (1997). *Marginalization and security in the collection of articles on development and public security*. Tehran: Ministry of Interior.
- Shamai, S., et al. (2012). From Home to Community and Settlement: Sense of Place in Different Scales. *Stud Home Com Sci*, 6(3), 153-163.
- ShariatiManesh, M. (2015). Investigating the effect of marginalization on the sense of social security of the citizens of. *Bi-Quarterly Journal of Participation and Social Development*, 42-61.
- Sheykhi, M. (2002). The process of formation and transformation of car settlements around the metropolis of Tehran: a case study of Islamshahr. *seven cities*. 36-51, (1)8,
- Sheykhi, M., et al. (2015). A comparative study of the sense of spatial belonging in formal settlements. *Social Science Quarterly*, 69, 45-73.
- Sioberg, L., Engelberg, E. (2005). *Lifestyles and Consumer Behavior*. center for risk research.
- Suttles, G. (1974). *The Social Order of the Slum: Ethnicity and Territory in the Inner City*. Chicago: University of Chicago Press.
- Tabatabai, S. (1988). *Principles of Philosophy and Method of Realism*. Tehran: Sadra.
- Weber, M. (1947). *The Theory of Social and Economic Organization*. New York: Oxford University Press.
- Winayantia, L., & Lang, H. (2004). Provision of urban services in an informal settlement: a case study of Kampung Penas Tanggul. *Habitat International*, 28, 41-65.
- Young, M., Willmott, P. (1957). *Family and Kinship in East London*. London: Routledge and Keegan Paul.
- Zanganeh, Y., et al. (2014). The Impact of Spatial Belonging and Social Capital and Participatory Improvement of Old Neighborhoods: A Case Study of Sabzevar. *Journal of Urban Research and Planning*, 19.
- Zista Architectural and Urban Consulting Engineers. (2004). *Tabriz Marginalization Studies Plan*, Ministry of Housing and Urban Development. East Azerbaijan Province: Housing and Urban Development Organization.

نحوه ارجاع به مقاله:

سلیمانی، مریم؛ قره‌بگلو، مینو؛ (۱۴۰۰) ارزیابی کالبد سکونتگاه‌های خودانگیخته در پیوند با ساختار زندگی ساکنین (نمونه مورد مطالعه): سکونتگاه‌های پهنه شمالی شهر تبریز، مطالعات شهری، 10 (40)، 119-132. doi: 10.34785/J011.2021.115/Jms.2021.132

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



these studies have demonstrated that marginalized people define a lifestyle framework with self-assessment criteria, and always strive for social cohesion and protection of internal security.

Methodology: The approach adopted in this research is a qualitative one developed by grounded theory. For selection of the sample, the purposeful sampling method was used with the greatest variety, and semi-structured interviews, observations, and planned samplings were utilized for data collection. In the research sample, forty residents of the examined areas participated, and thirty sample houses were studied.

Results and Discussion: The results demonstrate that the organization of spaces and the physical pattern of spontaneous settlements have been more dependent on legitimate and semantic structures than on signification or domination. In this process, the characteristics of residents' lives and the physical shape system of the environment in regard to these structures have affected the environmental components, such as neighborhood presence, physical flexibility and adaptability, physical scalability, integration of living space and work, outdoor viability, and widespread housing.

Conclusion: The analysis of the findings demonstrates that the sense of dwelling is more dependent in informal settlements on autonomous patterns to maintain significant legitimate structures than on practical ones (pertaining to extrinsic biological aspects), and the residents always try to protect their existential security as social agents. They can validate structures that respond to all kinds of real perception (concerning intrinsic value aspects). These categories are essential items that should be taken into account in the design and improvement of suburban areas to align the body with the residents' lifestyle. This factor can indirectly lead to a sense of belonging and sustainable settlement in these areas. Therefore, the planners must improve the physical-biological aspect as a priority to promote these areas according to the local value structures, so that the residents can improve their residential structures under legitimate and significant structures in their social lives in a self-organizing process, in which reference is made to consideration of changeable, adaptable, and flexible housing.

Keywords: Spontaneous Settlement, Structure of Social Life, Physical Pattern, Tabriz.

Acknowledgement: This paper has been extracted from the corresponding author's PhD dissertation on Islamic Architecture, which is in progress under the supervision of the second author at Tabriz Islamic Art University, Iran and with the spiritual and financial support of Iran National Science Foundation (INSF).

Citation: Soleimani, M., Gharehbaglou, M. (2021) Spatial assessment of spontaneous settlements in connection with the living structure of residents (Case Study: Northern Zone Settlements in Tabriz), *Motaleate Shahri*, 10(40), 119–132. doi: 10.34785/J011.2021.115/Jms.2021.132.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Spatial assessment of spontaneous settlements in connection with the living structure of residents (Case Study: Northern Zone Settlements in Tabriz)

Maryam Soleimani - Department of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Minou Gharehbaglou¹ - Department of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Received: 24 October 2020 Accepted: 18 February 2021

Highlights

- The residence of informal settlements in the northern part of Tabriz is affected by the legitimate structures and signification of the region.
- In their social life, marginalized residents do not pay much attention to the rules set by the upstream planners.
- Marginalized residents reproduce the structures of domination in line with their legitimate and implicit structures so that their residence is in line with local values and implications.

Extended abstract

Introduction: A particular factor effective in the spontaneous settlements in suburban areas is the behavioral patterns in the residents' lives and relevant daily activities that could affect the shape of housing. Consideration of the life structure and its effect on the formation of the architecture are topics that have been addressed by various thinkers in fields such as culture and environmental psychology. It is essential to attend to the set of values and meanings of human behavior, viewed as local culture, and the realization of traditions. This process provides a criterion in the construction of spontaneous settlements in marginalized areas. This study investigated and identified the physical patterns of spontaneous settlements and their construction strategies with respect to the lifestyles adopted by the inhabitants of the suburban areas in the northern parts of the city of Tabriz, Iran. In these areas, the residents seem to form the features of the residences according to their local culture rather than the regulations and urban plans.

Theoretical Framework: Many policies proposed to improve the conditions of informal settlements have ignored the structure of life, which has led them to neglect residents' lifestyles and attempt to impose renovation plans with top-down approaches. Despite the abundance of research, there are more fundamental questions about the residents' hidden layers faced during their lives. Most of the reviews of research on marginal housing have disregarded the residents' life structure. This study investigates how the physical patterns of spontaneous settlements take shape with respect to the inhabitants' lifestyle in suburban areas of the northern parts of Tabriz. Some of the most sophisticated studies conducted in the field include the research by Abrams (1964) and Turner (1967), focused on the participation of residents and their autonomy in the process of improvement and empowerment besides critical views of the destruction and displacement of the suburbs. To proceed with these studies, various conferences and meetings were held between 1996 and 1999 to discuss the empowerment of the poor in the suburbs in order to increase the efficiency of urban development. In addition, different dimensions of informal settlement were addressed in the adopted approaches, in which issues such as economic development, culture, social capital, and security were examined (Hashas 2005, Paul 2017, Petter et al. 2007, Tsenkova 2009, Fernandes 2001, Pugh 2000). Along with the expansion of studies on the culture of marginalization and validation of the structures of local communities, field research needed to be conducted, exemplified by Young and Wilmot (1957), Ganz (1962), and Suttles (1974). Focused on the distinction of the culture of marginalization from the urban culture,

1 Responsible author: M.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

different trends, types, and patterns in demographic terms.

Methodology: The present research is a quantitative descriptive study with an exploratory nature although it analyzed the current conditions. It was conducted to compare population characteristics and indices in formal and informal settlements in Sanandaj with a secondary analysis of raw data from the population and housing censuses in 2006, 2011, and 2016 in Sanandaj. After the data were processed and prepared, the districts were classified into settlement types based on previous research, and the population characteristics and indices in urban settlements were then compared and analyzed.

Results and Discussion: According to the results, the most dramatic demographic changes in Sanandaj, including those in size, population growth rate, and migration, had occurred in informal settlements. In addition, they are considered as the poles of attraction of the population along with the new settlement areas. There is instability and imbalance among the settlements in terms of the static characteristics of the population, including household density, residential unit quality, academic conditions, dependency burden, and employment status. This indicates that informal settlements with larger households, smaller residential units, larger populations per room, and higher ratios of flimsy housing units are excluded from the proper cycle of economic and social urban life. These problems can all lead to occurrence of further urban challenges.

Conclusion: The present study revealed the existence of heterogeneous characteristics and demographic indices in the settlements of Sanandaj. Although the same pattern in terms of population processes cannot be considered for different districts, some settlements are characterized by both higher population growth and poorer housing, occupation, employment, and education. This makes them not only more vulnerable but also potential causes of urban issues and the Achilles' heel of urban management.

The policy solution proposed in this article is that it is necessary and fundamental to pay attention to the demographic characteristics and indices of informal settlements in the provision and advancement of a comprehensive approach to planning and management in order to upgrade and regenerate these settlements. The results of this paper provide important lessons for planners and policy-makers on population redistribution policies and urban management, and indicate the different dimensions and characteristics of population in districts and settlements of Sanandaj.

Key words: demographic index, static population characteristic, formal settlement, informal settlement, Sanandaj.

Acknowledgment: The authors would like to thank the Deputy of Statistics and Information of the Management and Planning Organization of Kurdistan Province for their provision of the available information concerning the general population and housing censuses of the districts of Sanandaj.

Citation: Khani, S., Irandoost, K., Kammali, A. (2021) Comparative Analysis of Demographic Characteristics in Formal and Informal Settlements of Sanandaj, *Motaleate Shahri*, 10(40), 105–118.
doi: 10.34785/J011.2022.210/Jms.2021.132.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Comparative Analysis of Demographic Characteristics in Formal and Informal Settlements of Sanandaj

Saeed Khani¹ - Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Kayoumars Irandoost - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Alireza Kammali - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Received: 16 October 2020 Accepted: 06 May 2021

Highlights

- With increasing urbanization and the importance of planning, demographic data and analysis are needed at the level of urban districts.
- The paper compares the demographic indicators and characteristics of informal settlements and other settlements in Sanandaj.
- Along with demographic heterogeneity, a significant portion of the changes, including population growth and immigration, take place in informal settlements.
- In urban management with the aim of upgrading and regeneration of informal settlements, it is necessary to pay attention to demographic characteristics.

Extended abstract

Introduction: Informal settlements are a fundamental challenge in modern urbanization. Various approaches and plans have been adopted to address this challenge, but many of them have not been associated with success for various reasons, including a lack of understanding of the characteristics of these settlements, especially the demographic dimensions. Studies have demonstrated that housing and habitation in informal settlements is far more frequent in Sanandaj than the national average, and covers more than half of the city's population. The aim of this study was to analyze the demographic characteristics and indices in informal settlements and compare them to those in other settlements in Sanandaj. The achievements are highly significant mainly because they provide an overview of the active demographic structure and processes in formal and informal settlements. Moreover, many theories that indicate the formation of informal settlements highlight the importance of social, economic, and demographic factors in this regard.

Theoretical Framework: The theoretical framework of this research was based on theories that focus on urban growth and diversity in developing countries. Furthermore, these theories address the typology of urban settlements due to this diversity.

According to the demographic transition framework, rural-urban migration is the initial source of urban growth at the early stages of transition, but natural population growth itself is the fundamental source of urban growth as the transition and urbanization processes continue, and the urban sector grows increasingly larger (Keyfitz, 1980: 149). In the middle and end of the demographic transition, where the rates of death and birth are both low and more or less equal in urban and rural areas, rural-urban migration turns into another factor affecting the growth of urban population.

Undergoing a state of demographic transition and post-transition, the city of Sanandaj, Iran has witnessed both natural growth and rural migration, and has therefore experienced high rates of urbanization. This increasing urbanization has led to the formation of various structures and patterns of urban settlement, including informal dimensions, and represents

¹ Responsible author: s.khani@uok.ac.ir

Citation: Tahari, F., Nastaran, M., Ejlali, P. (2021) Identifying the effective factors on the realization of the diversity-oriented urban planning model in Rasht using the method of systematic grounded theory, *Motaleate Shahri*, 10(40), 89–104. doi: 10.34785/J011.2021.304/Jms.2021.132.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



planning to reduce difference (Fincher, 2003: 2).

Methodology: One of the most efficient qualitative research methods, the grounded theory method was used to help achieve the research purpose; since the research problem is multifaceted, complex, and procedural, grounded theory can be an excellent way to provide an understanding of all the adequate conditions and factors. A semi-structured questionnaire was developed for data collection. Then, in-depth interviews were conducted with ten of the planning experts of this city. Sampling was carried out using a nonrandom sampling method called Snowball Purposive Sampling. In this research, a systematic approach known as grounded theory was applied. The systematic approach emphasizes the adoption of data analysis steps, including open coding, axial coding, selective coding, and the development of a logical model or a visual description of the generated theory (Creswell, 2002: 397). After the collection of textual interview data, analysis and coding began along with sampling. Specialized qualitative research software called Max QDA was used for that purpose. The main tasks of this software are to categorize data and connect the categories and to enable more sophisticated data analysis (Levines & Silver, 2014: 7). In grounded theory, the researcher extracts subcategories, main categories, and core categories from the data, and continues the analysis (Beheshti and Rezaayat, 2015; Beheshti, 2016: 51).

Results and Discussion: Finally, the factors effective on the realization of the diversity-oriented urban planning approach were identified, including 17 main categories and 59 subcategories and the relationships between them. These factors include 1) reflection to govern the urban planning mechanism, 2) significant urban planning policies, 3) improvement of the approach applied to develop urban development plans, 4) modification of the contents of urban development plans, 5) public demand, 6) types of urban planning system, 7) national laws protecting the rights of various social groups, 8) law enforcement, 9) citizens' cultural and social characteristics, 10) financial strength of municipalities, 11) organizational structure of the authority implementing the plans, 12) inter-organizational coordination, 13) education of urban planning students, 14) the knowledge and experience of the producers of urban development plans, 15) city council approvals, 16) needs assessment, 17) improvement of the quality of the urban environment/diversity-oriented urban environment. In the next step, we selected the category of applying and realizing the diversity-oriented approach from the open coding step, placed it at the center of the process studied as the Core phenomenon, and then related the other categories to it. These categories include causal conditions, strategies, contextual conditions, intervening conditions, and consequences. Next, a diagram called the coding pattern was drawn, which illustrates the relationships between causal conditions, strategies, contextual conditions, intervening conditions, and consequences. In the following step, we developed a theory of the relationships between categories in the axial coding pattern. This theory provides an abstract description of the process examined in this study, namely the application and realization of the diversity-oriented urban planning approach.

Conclusion: The results demonstrate that a wide range of intellectual, procedural, instrumental, organizational, legal, financial, educational, and socio-cultural infrastructures effectively realize this approach. Identification and explanation of these factors can guide the future decisions and practices of Iran's urban planning authorities to help recognize diverse social groups, respond to their different needs in the city, and address discrimination in urban planning practices.

Keywords: Diversity-Oriented Urban Planning Approach; Diverse Social Group; Grounded Theory; Coding Process; Category; Rasht.

Acknowledgment: This article has been extracted from the first author's doctoral dissertation, entitled Developing a Conceptual Model of the Diversity-Oriented Urban Planning Approach: Case study of Rasht, defended at the Art University of Isfahan under the supervision of the second and third authors.

Identifying the effective factors on the realization of the diversity-oriented urban planning model in Rasht using the method of systematic grounded theory

Fazilat Tahari - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Mahin Nastaran¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Parviz Ejlali - Great Institute of Education and Research in Management and Planning, Tehran, Iran.

Received: 03 October 2020 Accepted: 29 April 2021

Highlights

- Organizing influential factors in realizing the diversity-oriented approach in the form of causal, contextual, intervening, and consequential categories and strategies.
- Classification of influential factors in realizing the diversity-oriented approach in intellectual, political, instrumental, organizational, legal, financial, educational, and social-cultural infrastructures.
- Introducing grounded theory as a suitable method to understand all the influential factors in realizing the diversity-oriented approach in Rasht.

Extended abstract

Introduction: As an Iranian city, Rasht is made up of diverse people of different ages, sexes, physical abilities, and ethnic backgrounds. Many of the world's urban planning mechanisms have shifted to adopt diversity-oriented approaches and incorporate diversity and difference into urban planning processes by embracing the diversity of urban residents. However, the urban planning mechanism in Iran and the city of Rasht still treats citizens as the same thanks to modernist thoughts, disregarding the differences in age, sex, ethnicity, religion, and physical ability and, consequently, the differences in the citizens' needs in the city. Planning theory and practice has recently become more conscious of the need to cater to diverse needs and preferences (Fincher and Iveson, 2008: vii). Planning for diversity and difference is a social interpretation of planning for cities and an approach that considers the needs of different groups of people (Reeves, 2004: 182). This study aimed to identify the factors affecting the realization of diversity-oriented urban planning in Rasht based on the viewpoints of planning experts in the city.

Theoretical Framework: Diversity refers to the increasingly wide range of social and demographic backgrounds of people who live and work in the city (Leicester City Council, 2012: 2). The notion of diversity is now used as a label for policies addressing the heterogeneity of local populations (Schiller, 2016: 2). Certain differences give rise to discrimination and disadvantage, while others do not. Gender, race, disability, and age are critical issues at the root of much discrimination in the society (Reeves, 2004: 8). The critical point is that differences between diverse social groups in enjoyment of the opportunities of urban planning measures are continually reproduced by a range of processes and policies, rendering a number of people mainstream and others marginal (Fincher, 2003: 1). Planning for diversity is a social interpretation of planning for cities, and is an approach that considers different groups of people (Reeves, 2004: 182). There are two conceptual frames, or ways of regarding this profoundly social interpretation of planning for cities, that need to be deployed simultaneously. Firstly, planning for diversity is planning for the diverse range of people who live in and use the city. Secondly, planning the institutional settings to encourage equality of access across places is

1 Responsible author: m.nastaran@aui.ac.ir

Acknowledgment: This article has been extracted from a doctoral dissertation entitled The Impact of the Attributes of the Physical Environment on the Perception of Safety and the Patterns of Space Usage in the City Centre of Rasht Using Evaluative and Behavior-based Mapping, developed by the fourth author under the supervision of the first author and the advisory of the second and third authors at the University of Tabriz.

Citation: Asghari Zamani, A., Roostaei, SH., Zali, N., Shafiee-Masuleh, S.S. (2021) Investigating the Pivotal Role of Spatiotemporal Flow of Evening and Night-time Activities in the Perception of Safety (Case Study: City Centre of Rasht), *Motaleate Shahri*, 10(40), 73–88. doi: 10.34785/J011.2022.512/Jms.2021.132.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



attribute of safer places (Llewelyn-Davies & Partnership, 2004). The literature (Heshmati & Charehjo, 2018; Park & Garcia, 2019; Piroozfar et al., 2019; Yaran et al., 2019) suggests that the activity factor alone cannot cause spatial differentiation, concentration and thus a greater sense of safety. The solution is to create a high-quality environment by providing different types of complementary opportunities and activities and thoughtfully designing spaces to minimize inconsistencies so as to host a variety of uses and users. This is doubly important in the discussion of nightlife.

Urban spaces attract a large number of people at night. The most easily distinguishable time-space layer is that of life and business in the evening and the early hours of the night (usually during 9-11 PM, but sometimes during 6-11 PM) (Rowe & Bavinton, 2011). After evening business, night-time business (11 PM to 2 AM) begins, and the number and diversity of nightlife users decreases dramatically, resulting in fewer services, especially public transportation. The expected outcomes of the present study were the urban nightlife ideals: to identify nightlife consumption practices and evaluate the spatiotemporal flow of activities in two layers of time-space, i.e., evening-downtown Rasht and night-downtown Rasht, in terms of perceived safety, diversity, and inclusivity.

Methodology: A questionnaire was used for the data collection. The participants were asked to provide information on the following:

(1) geographic locations of night-time activities in the city; (2) types of nightlife activity, including the movies, cafes/restaurants, parks/green spaces, bazaars/shopping malls (commercial centers, hypermarkets, etc.), walking/running, gymnasiums, etc.; (3) arrival time and duration of the last night out; (4) companionship, involving group size and group composition in terms of gender and ethnicity.

In a part of the questionnaire, the respondents were asked to evaluate their feelings of safety/lack of safety at a specific (nightlife activity/entertainment) location and state the reason. In addition, the questionnaire included questions about the respondents' more general patterns of going out and their demographic and socioeconomic statuses. The respondents were asked how often they went out on average and where they often went for nightlife. They were also asked about their genders, ages, lifestyles (living conditions, place of residence), social classes (academic degree, occupation, and type of work), and ethnicities. The data were analyzed with descriptive and inferential statistical methods (chi-squared test and two-step cluster analysis) using the SPSS 26 software.

Results and Discussion: The cluster analysis indicated significant differences in the types of nightlife consumption in downtown Rasht. Nevertheless, the heterogeneity in the space-time paths of nightlife downtown could be summarized in two distinct patterns: going to the park and shopping. These patterns are diverse in many ways, but could be identified at a part of the city center (Sabzeh Meydan Park). The key predictors included the following in descending order of significance: group ethnicity (1.00), group gender (1.00), group size (1.00), type of nightlife activity/entertainment (0.82), average duration (0.60), living conditions (0.48), ethnicity (0.42), location (0.33), gender (0.27), and academic degree (0.18). In this study, occupation and type of work, place of residence, and age played insignificant roles. The findings demonstrated that the majority of nightlife consumers in downtown Rasht felt safe, and this perceived safety could be accounted for mainly (78.2%) by the factor known as activities/people on the street, etc. In the study area, women had a pivotal role in the social production of space, which could be attributed to their perception of the feeling of safety in the nightlife of downtown Rasht.

Conclusion: According to the above findings, the average time of arrival at the first nightlife activity/entertainment (19:28) and the average time spent downtown (3.21 h), Rasht can be a suitable platform for the spatiotemporal flow of activities only in the evening and the initial hours of the night (during 6-11 PM). To conclude, three practical suggestions are made simultaneously for revision of the current procedure: to diversify the activities performed downtown, to manage the area by improving the quality of urban spaces and supporting longer hours of night-time activities, and to provide frequent late-night public transport.

Key words: Nightlife, Space-time route, Activity.

Investigating the Pivotal Role of Spatiotemporal Flow of Evening and Night-time Activities in the Perception of Safety

(Case Study: City Centre of Rasht)

Akbar Asghari Zamani - Department of Geography & Urban Planning, Faculty of Planning & Environmental Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Shahrivar Roostaei - Department of Geography & Urban Planning, Faculty of Planning & Environmental Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Nader Zali - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

Seyedeh-Samira Shafiee-Masuleh¹ - Department of Geography & Urban Planning, Faculty of Planning & Environmental Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Received: 30 December 2020 Accepted: 03 June 2021

Highlights

- The greenery (shady trees and vegetation) and seating areas provide a good sense of going out in the city
- ‘Gardens and parks’ are one of the variables of the desirability of the urban night landscape
- The majority of nightlife consumers consider their perceived safety to be more due to ‘activities/people on the streets, etc.’
- The spatiotemporal flow of evening and night-time activities leads to more revenue and financial turnover for the city and municipality

Extended abstract

Introduction: Nightlife and night-time economic attractions are a proper way to expand a working day and the impetus for national growth and development. The present study sought to answer the basic question of how the city of Rasht, Iran could provide a suitable platform for the spatiotemporal flow of activities in the evening and at night by adopting an analytical framework of time geography and quantitative analysis of nightlife consumption practices in the city center.

Theoretical Framework: There have been many studies outside Iran on urban nightlife, most of which refer to a combination of social science studies on alcohol and the night leisure industry (Aresi & Pedersen, 2016; Pedrero-García, 2018; Søggaard, 2017). Studies conducted in Iran on nightlife have addressed the topic differently from the research performed outside Iran; these studies have been focused on geography and tourism planning (Shaykh-Baygloo & Soltani, 2019), urban vitality (Ghazanfarpor et al., 2019), cultural factors (Anizadeh, 2018), urban night leisure planning (Kashfi, 2012), and urban night landscape with an emphasis on lighting (AkhavanSaraf et al., 2014). Against this background of research, the present study sought to complement the previous geographic research by adopting an analytical framework of time geography and a quantitative analysis of nightlife consumption practices at the center of Rasht. The innovative aspect of the present study, adopting an analytical framework of time geography, was the combination of two fields, namely nightlife consumption and perception of safety.

The perception of safety, that is, the experience of the subjective feeling of being secure (Tulumello & Falanga, 2015), has been known as a key component of a well-functioning city (Cozens & Tarca, 2016). It is influenced by many factors, including the built environment and activities (Bennetts et al., 2017; Piroozfar et al., 2019; van Nes et al., 2016) as an

1 Responsible author: s.shafiee@tabrizu.ac.ir

research methodology was based on the analytical method supplemented by inferential statistics (confirmatory factor analysis test), analysis with the Sketch software, and final rhino analysis (umi plugin) to demonstrate that the micro-climatic factors are in line with the comfort of the square.

Results and Discussion: The results of this study indicate that Shohada Square is a public open space with a great potential in terms of location. Its environmental comfort has been degraded severely for the citizens and even the pilgrims despite the rich historical background of this space, the profound historical dimensions it has given to the metropolis of Mashhad as a historical cultural document of the city, and its direct relationship with the Holy Shrine. This is due to the lack of a proper relationship between its surrounding construction and the urban micro-climates and the neglect of the field space itself with respect to the micro-climates. All this has turned the square into a dead space. Therefore, it should be stated that achievements can be made via environmental comfort on the basis of urban micro-climate and consideration and promotion of indicators such as the comfort level of the square, the effect of shadows on comfort, the leisure time spent at the square, the impact of the anciencey of the square on the willingness to spend time there, the effect of land use on the willingness to spend time at the square, the impact of climate and space size on the willingness to spend time there, the lack of urban facilities to address the sunlight problem, and the desirability of the flooring.

Conclusion: In addition to the above, one can consider environmental and formal factors such as the location and shapes of the square and surrounding buildings, the existing functional and business spaces such as the commercial and administrative buildings on the periphery of the square, as a popular destination for the citizens, thermal comfort and indoor air quality, and micro-climate comfort, which can be achieved through environmental comfort.

Keywords: Public open space, Environmental comfort, Urban micro-climate, Shohada Square.

Acknowledgment: This article has been extracted from a Master's thesis in the field of Urban Design entitled Design of open public spaces with an emphasis on the effect of micro-urban climate on the environmental comfort of users: The case study of Shohada Square in Mashhad. It has been defended by the first author under the supervision of the second author at the Islamic Azad University of Mashhad.

Citation: Shakibaei, S., saeidi mofrad, S. (2021) The Impact of Urban microclimates on the Environmental Comfort in Public open spaces (Case Study: Shohada sq. in Mashhad), *Motaleate Shahri*, 10(40), 59–72. doi: 10.34785/J011.2021.434/Jms.2021.132.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



The Impact of Urban microclimates on the Environmental Comfort in Public open spaces (Case Study: Shohada sq. in Mashhad)

Siamak Shakibaei - Department of Urbanism, Mashhad branch, Islamic Azad university, Mashhad, Iran.

Sanaz saeidi mofrad¹ - Department of Urbanism, Mashhad branch, Islamic Azad university, Mashhad, Iran.

Received: 03 October 2019 Accepted: 11 March 2020

Highlights

- urban microclimate is one of the factors for public open spaces design in order to achieve environmental comfort.
- Feelings of satisfaction will occur when a person has reached a relative level of physical and mental environmental comfort.
- environmental and form factors such as shape of buildings, location, functional, microclimate comfort can be achieved through environmental comfort.

Extended abstract

Introduction: City and climate are two man-made and natural systems that have direct impacts on each other. Insofar as it concerns human comfort, climate is the result of factors such as sunlight, temperature and humidity, wind, and rainfall. The climate of any geographic location has particular suitable conditions, which have limitations in the field of urban planning and design at the same time. The quality of designing public open spaces as resorts for leisure has an important role in the satisfaction of individuals. A basic characteristic of a sustainable urban environment is its compatibility and harmony with the local climatic features. Therefore, it is a basic prerequisite for planning and designing urban spaces to recognize, understand, and control the climatic effects of urban areas, to which special attention needs to be made by urban planners and designers before implementing urban plans and projects. Man's feeling of comfort in the environment undoubtedly affects the quality of his behavior and activity. Therefore, it has a great effect on the health of people's bodies and souls to pay attention to their comfort zones in the design of different urban spaces. On the other hand, the range of activity and the extent of flexibility in an outdoor area depends to some extent on its microclimatic conditions, especially the conditions of sunlight and wind speed.

Theoretical Framework: Micro-climate pertains to areas that are surrounded by larger areas with specific climatic features. The combination of building design and the outdoor space between buildings in an urban area leads in some cases to micro-production of urban climates. As a result, the micro-climate is shaped by the climatic factors of the city, which vary over time under the influence of urban factors. With its positive effects on the environment, micro-climate can be used as a tool in urban planning and design. Feelings of pleasure and satisfaction will occur when a person reaches a relative level of physical and mental (environmental) comfort, and is free from limitations. Moreover, environmental comfort is a factor affecting satisfaction due to the climatic hierarchy. However, urban micro-climate is a factor needed in the design of urban spaces and public open spaces for achievement of environmental comfort and satisfaction.

Methodology: Shohada Square in the city of Mashhad, Iran has lost its environmental comfort as a public open space with a particular spatial structure surrounded by commercial and administrative buildings and faced with conflicts with urban micro-climatic issues. For investigation of Shohada Sq. for creation of environmental comfort aided by urban micro-climate, a questionnaire with closed questions (in the Likert scale) was tested on a sample of 112 people. The

1 Responsible author: saeedi.s@mshdiau.ac.ir

Citation: Heidari, A.A, Taghipour, M. (2021) Evaluating the role of architectural quality in improving the quality of life in residential complexes from the perspective of residents' health, *Motaleate Shahri*, 10(40), 43–58.
doi: 10.34785/J011.2021.609/Jms.2021.132.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Iran. A standard questionnaire was used to assess the quality of life. The quality of architecture was assessed using the above tools based on the indicators provided for that purpose. Finally, the residents' health conditions were assessed using a researcher-made closed questionnaire. To specify the validity and reliability of the questionnaires, the items concerning each variable were first designed and provided to the experts. After a number of the items were corrected and deleted, the final questionnaire was designed in the form of a set of 26 items, and the Cronbach's alpha coefficient for each group was obtained.

Results and Discussion: The eventual research results follow.

- The physical health of the people in the residential complexes was directly related to the environmental quality of the complexes.
- The mental health of the residents of the residential complexes was directly related to the structural quality of the complexes.
- The social health of the residents of the residential complexes was directly related to the functional quality of the complexes.
- Provision of health dimensions in the residential complexes was directly related to the residents' quality of life.

Conclusion:

1- The quality of architecture in residential spaces is directly related to improvement of the residents' health conditions. In this regard, the following are significant:

- Improvement of the level of environmental quality promotes all aspects of health in housing, especially the residents' physical health. This means that the most important factors ensuring the residents' physical health include the provision of health, creation of environmental comfort in housing, and assurance of the residents' safety, which lie in the field of environmental quality.
- Improvement of the level of structural quality in housing promotes mental health. Psychological peace is provided in the house through attention to the structural features of housing with respect to the method of spatial configuration, proper spatial zoning, provision of the residents with psychological security, creation of an appropriate visual space in the home environment, and the like. As a result, the residents' mental health is improved at home.
- Improvement of the level of functional quality improves the residents' social health in residential environments. We can refer to the capabilities of housing in provision of individual and social functions in the housing environment. These capabilities include the establishment of collective spaces in the residential environment, creation of a space with functional diversity to perform a variety of activities in public spaces, generation of a spatial hierarchy, and individual and social privacy in space. Such solutions raise the possibility of increasing the interaction between neighbors, which leads to greater recognition among them, formation of the residents' collective identity, and increase in the desire for social participation among them, which can ultimately contribute to social health.

2- The residents' quality of health in residential complexes is directly related to the improvement of their quality of life. This means that provision of all the three dimensions of health in residential environments increases the residents' quality of life from all aspects. Therefore, if any of the dimensions of health is not provided in a residential environment, it can reduce the residents' quality of life.

3- The quality of architecture in a residential space is directly related to the residents' quality of life.

This issue, which is one of the main purposes of the present study, is quite obvious and understandable in light of the above. Thus, on the one hand, there is a two-way relationship between the quality of architecture and health dimensions; on the other hand, the residents' quality of health in a residential complex is directly related to their quality of life there. Therefore, it can be stated that there is a direct relationship between the quality of architecture in a residential complex and the residents' quality of life. Hence, improvement of the quality of architecture in a residential space increases different dimensions of the residents' health, leading to an improvement in their quality of life.

Key words: Architectural quality, Quality of life, Health dimensions, Residential complex, Shiraz.

Evaluating the role of architectural quality in improving the quality of life in residential complexes from the perspective of residents' health

Ali Akbar Heidari¹ - Department of Technical and Engineering, Yasouj University, Yasouj, Iran.

Malihe Taghipour - Department of Architecture, Faculty of Art & Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Received: 19 September 2019 Accepted: 05 September 2020

Highlights

- The physical health of people in residential complexes is directly related to the environmental quality of those complexes;
- The mental health of the residents in the residential complexes is directly related to the structural quality of the complexes;
- The social health of the residents in the residential complexes is directly related to the functional quality of the complexes;
- Providing health dimensions in residential complexes is directly related to the quality of life of residents.

Extended abstract

Introduction: Due to the inattention of designers and architectures to the quality of biological collections during the rapid growth of urbanization, the residents of these collections have faced many problems, the most important being the sharp decline in their quality of life. On the other hand, since home is the most important space in human life, and people spend most of their lives in residential environments, the quality of housing and its role in improvement of the quality of life is a significant issue. Therefore, the present study aimed to investigate how the environmental quality of housing is related to the residents' quality of life to analyze the mechanism of this relationship. Accordingly, the environmental quality of housing was considered as an independent variable and the quality of life as a dependent variable. In addition, given that the quality of housing is an objective issue, and the quality of life is a subjective issue, a mediating variable was needed with both objective and subjective aspects for analysis of the relationship between the two concepts. Therefore, the notion of health was considered as the mediating variable in this study, and an attempt was made to explain the relationship between the main variables through examination of the relationship between health and the dimensions of environmental quality, on the one hand, and its relationship with the quality of life, on the other.

Theoretical Framework: Based on the objectives and hypotheses of the research, architectural quality was considered as an independent variable, quality of life as a dependent variable, and health dimensions as a mediating variable. According to the research literature, the quality of architecture was evaluated in the form of three indicators: environmental quality, structural quality, and functional quality. The quality of life was evaluated in the form of a psychological-semantic concept including satisfaction with residents' various aspects of individual and social life. Finally, the dimensions of health were analyzed in the form of three aspects: physical, mental, and social health.

Methodology: After a review of the literature and extraction of the indicators concerning each of the research variables, the theoretical framework of the research was presented. These indicators were examined as a case study using tools including observation, interview, and researcher-made questionnaires at three residential complexes in the city of Shiraz,

1 Responsible author: Aliakbar.heidari@yu.ac.ir

specialists having graduated in urban management is felt more than ever before. The development of public spaces to increase interactions and establish exhibitions is another infrastructure needed in the city of Junqan, which is in line with the development of creative tourism. Each of the above factors can be important and helpful both in the management and in the economy of the city, so they can be considered in line with the role of the brand in the development of creativity in tourism in Junqan.

Key words: Brand, Urban Branding, Creative Tourism, City Brand Management, Junqan

Acknowledgment: This article has been extracted from a Master's thesis in the field of Urban Planning entitled Explaining the Role of Urban Branding in Promotion of Creative Tourism: The Case of the City of Junqan, defended by the first author under the supervision of the second author at Yazd University.

Citation: Asadi, Z., Mohammadi, H (2021) Creating an urban brand to develop creative tourism using City Brand Management (CBM) model (Case Study: Junqan city), *Motaleate Shahri*, 10(40), 27–42. doi: 10.34785/J011.2021.114/Jms.2021.132.

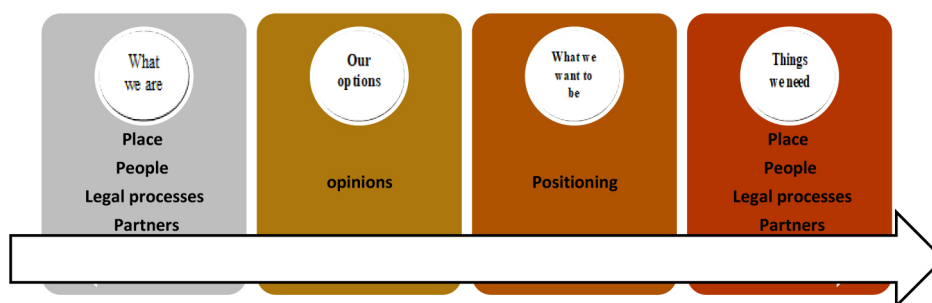
Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



features of the place, and establish a relationship between tourists and locals. A creative tourist develops their creativity capacity by approaching locals through informal participation in interactive workshops and learning the experiences that the destination culture plots for their vacation. In creative tourism, tourists engage in the cultural prospects of the destination, so that they can participate in various creative activities including agriculture, art, cooking, dance, and music. That creates new opportunities to learn new skills and establish closer relationships between tourists and locals and their cultural heritage.

• **City Brand Management (CBM) model from Gagouti and others**



Methodology

In the present applied, development-oriented research, a theoretical framework was first presented for the field of urban branding and creative tourism, and the role of urban branding in tourism was expressed using the methods of descriptive and library research for data collection. Then, the key factors influencing the generation of an image of Junqan and identification of its brand for development of creative tourism were studied using the city brand management model (CBM), the library method, and semi-structured interviews with urban and tourism experts. The interpretive analysis method was also used for analysis of the interviews.

Results and Discussion

The purpose of branding in tourism is to create and maintain a favorable image of the destination, increase tourists' awareness, create positive attitudes toward the destination, and modify tourists' behavior of visiting the destination. In addition to its positive economic aspects, the development of tourism in Iran can lead to a rapprochement between people of different nationalities. The study attempted to create a brand and manage it for the city of Junqan by examining the concepts of brand, urban brand, and creative tourism using the urban brand management model. The brand can help the city to enhance each of the indicators of creativity, leading to the development of creative tourism. The findings demonstrated that Sardar Asad Bakhtiari Castle was identified as the brand of the city of Junqan. For development of creative tourism aided by the city brand, a tourism route was provided that combined the historical and natural sights of the city to create innovative products and attract entrepreneurs who would find competitive advantages over other destinations. This could reflect the reputation and vision of the city around the world and support and guide creativity in the city, leading to the promotion of tourism, exports, and investment in the city.

Conclusion

We are currently facing the changing needs of tourists around the world, looking for new experiences and seeking to discover their talents. Urban branding is a strategy adopted to add a competitive advantage by providing a clear picture, cultural and political importance, and economic and social development. The main purpose of the discussion was to generate greater appeal for investment and to attract tourists and potential residents with an emphasis on community development and reconstruction of local identity in Junqan. Therefore, the achievement of the research could be addressed in terms of the dimensions of creative tourism. In the field of cultural development and measures, we attempted in this research to introduce, develop, and apply the people's traditions, customs, and clothing, arts, and handicrafts and to introduce the way of life and interactions of the civil society in order to provide the requirements of tourism in Junqan. Moreover, with today's development of technology and the information society, the need to employ talented native

Creating an urban brand to develop creative tourism using City Brand Management (CBM) model (Case Study: Junqan city)

Zohreh Asadi¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, University of Yazd, Yazd, Iran.

Hamid Mohammadi - Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, University of Yazd, Yazd, Iran.

Received: 26 January 2021 Accepted: 22 April 2021

Highlights

- Brand can create a coordinating role among many economic and social activities and be attractive to all tourism stakeholders.
- Strategic orientation to focus the activities of all stakeholders in order to achieve a common end goal.
- Helping cities to attract skilled population, attract tourists and investors by relying on competitive advantages and identity
- Urban branding is a process that helps cities increase the sense of belonging and satisfaction of current citizens.
- the Use the capabilities of destinations to create creative attractions to attract tourists

Extended abstract

Introduction:

In the past few decades, branding has attracted plenty of attention in tourism planning. In globally competitive markets, the need of destinations to create a unique identity, that is, to differentiate themselves from competitors, has become more vital than ever. Tourism destination branding is a relatively new strategy in attraction of tourists because the brand gives the tourism destination identity and personality, and distinguishes it from other tourist destinations. According to the above, this study sought to address the role of the brand in the development of creative tourism and to help identify the city of Junqan, Iran as a brand using the city brand management (CBM) model. The research also attempted to specify the role and position of urban branding in the identification of the tourism in this city in terms of creativity.

Theoretical Framework

• Branding and urban branding

A brand is a rich source of emotional communication and cognition that leads to memorable experiences of a place such as a city. Urban branding is a relatively new concept that cities have adopted to differentiate themselves from other cities, to develop civic pride among their citizens, and to help tourists and business owners make decisions. Branding a city requires recognition of and information on the believable and realistic features of the city. That includes the historical, social, political, and international identity of the city, how it functions economically, and its amenities. Urban branding has turned into an essential topic in the field of tourism and a main factor affecting the tourism industry. Successful branding for cities and urban tourism destinations is based on their potentials and talents, so that the possibility of replacing it with other destinations is excluded.

• Creative tourism

Creative tourism means to travel to an original, exciting experience and to learn art, get to know the heritage or special

1 Responsible author: zohreh.asadi2014@yahoo.com

below a certain threshold. This condition was observed in the Kababiyān neighborhood, where the H/W ratio at the central point was 0.13. As a result, the residents have to take protective measures against the winter wind and storms. In addition, dense vegetation caused a decrease in the SVF of the neighborhoods. The neighborhood centers with vegetation exhibited higher MRT values as well. The trees also raised the RH values of the neighborhoods. Because of the dry climate of Hamadan, Iran, vegetation can certainly improve thermal comfort in this city.

Conclusion: Recent climate studies have explored thermal comfort as an important quality of urban spaces. While thermal comfort can be achieved through a decrease in temperature in hot climates (as emphasized by most studies), it requires an increase temperature to provide thermal comfort in cold and dry climates. The presence of Hamadan's citizens in the urban open spaces of the city always decreases in the second half of the year because of the cold mountainous climate. Limitation in or even lack of thermal comfort is one of the most important reasons for this change. With their high standards of sociability, the centers of the historical neighborhoods of Hamadan have always served as places for social interaction between the residents of the city. Therefore, this study attempted to assess the thermal characteristics of nine neighborhood centers in Hamadan using the notion of thermal comfort and the relevant variables.

Key words: thermal comfort; geometric pattern; vegetation; open public space; cold climate.

Acknowledgment: This article has been extracted from a Master's thesis in the field of Urban Design entitled Measurement and evaluation of thermal comfort in the centers of traditional neighborhoods with an emphasis on urban geometry and vegetation (historical neighborhoods of Hamadan), defended by the first author under the supervision of the second author at Bu-Ali Sina University.

Citation: Yadegari, P., Sajadzadeh, H. (2021) The impact of spatial pattern and local urban space vegetation on the thermal comfort in cold climate, *Motaleate Shahri*, 10(40), 15–26. doi: 10.34785/J011.2021.937/Jms.2021.132.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



The impact of spatial pattern and local urban space vegetation on the thermal comfort in cold climate

Pegah Yadegari - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, University of Bu-ali Sina, Hamedan, Iran.

Hassan Sajadzadeh¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, University of Bu-ali Sina, Hamedan, Iran.

Received: 28 January 2021 Accepted: 25 April 2021

Highlights

- The relative confinement of public open spaces of residential neighborhoods in cold climates plays an effective role in the thermal comfort of users.
- Reducing wind speed plays a key role in increasing the thermal comfort of cold climates in winter.
- Deciduous trees absorb sunlight during the day and reflect it to the environment in the evening and at night

Extended abstract

Introduction: Because of the expansion of cities, it has become highly challenging to modify urban structures to address the drawbacks of the planning and design of open spaces, control microclimates, and improve thermal comfort conditions. Due to their effect on the quality of air in cities, urban microclimates are highly significant, and since urban spaces play an important role in creation of urban microclimates, urban designers and planners have the capacity and means to reduce the negative effects of climate on citizens' health through implementation of proper designs.

Theoretical Framework

Urban spaces affect their users' thermal comfort via their design elements. Various parameters can induce micro-climatic changes, such as the geometric patterns, vegetation, natural elements, and construction materials of the open spaces. These elements also play important roles in balancing urban thermal comfort during winter. While the effects of vegetation and geometric patterns on thermal comfort in public open spaces during winter have been studied independently, the cumulative impact of vegetation and geometric parameters during winter in cold and dry climates has not been investigated sufficiently. This article sought to address this shortcoming.

Methodology: The ENVI-met software was used for simulation and comparison of the thermal comfort conditions of the open spaces selected for this study. First, the design parameters of the selected sites were determined via field measurement, and were entered into the software for simulation of the thermal environments. The four climatic parameters of thermal comfort were measured during winter using ENVI-met. Then, a receptor was placed at the center of each selected site for investigation of thermal comfort at the pedestrian scale. Using these receptors, the parameters of space design and their impacts on thermal comfort were studied during the selected season.

Results and Discussion: The changes recorded for wind speed were larger than those in MRT, air temperature, and RH; hence, the differences in thermal comfort at the central points. According to the results, the Kolapa and Kolanj neighborhoods exhibited more favorable thermal conditions due to their higher PET values. Both Kalpa and Kolanj neighborhoods had north-south orientation. This type of orientation provides top-down access to the sunlight during winter. The H/W ratios at the central receptors of the Kolanj and Kalpa neighborhoods were 0.6 and 0.3, respectively. These H/W ratios provided greater enclosure than those of the other neighborhoods. While a H/W ratio less than one can be said to be suitable for cold climates during winter, it can cause thermal discomfort against wind speed if it lies

1 Responsible author: sajadzadeh@basu.ac.ir

Citation: Nourian, F., Aminzadeh, B., Abaee, M., (2021) From Process review to product realization: towards a gradual approach to the urban design process, *Motaleate Shahri*, 10(40), 3–14. doi: 10.34785/J011.2021.464/Jms.2021.132.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Methodology: The research addresses many unknown topics and undefined parameters. Thus, it may not be possible to develop a specific theoretical framework with a clear list of measurable criteria to meet the research goals through a classified research method. Our literature review leads to a framework that points to a relationship between the subject matters. This framework is not exhaustive because our research does not rely on quantitative measurements and focuses on experience with the subject.

Therefore, the study is restricted to qualitative research. Due to the uncertainties about the topics, a theoretical interpretation is made of the literature based on qualitative research to develop a framework for an experimental approach to the issue. Content analysis and action research lead us to calibration of the framework. The result provides an ultimate configuration for a practical framework which can be an a priori model which can be calibrated to an ultimate model by experience. Such an experience clarifies the parameters and their relationships through direct contact with the research domain. Therefore, a model is created for the urban design process after the literature review, applicable to examination of operational experience. Finally, we observe that the process is not an ultimate one but can help us find an ultimate one based on the iteration of the a priori model.

Here, the case study addresses the master plan for the Abbasabad region in Tehran. We use this project as the subject of our content analysis. The project is examined through the documents, i.e., reports, administrative correspondences, and proceedings, based on the meetings of cultural and technical committees.

The documents are analysed in MaxQda. The keywords used in the software include project, realization, process, ratification, Article 5 Commission, master plan, specific plan, implementation, and construction. After the first search in the documents, the useless words are eliminated, and the search is carried out again for their classification. The results are analyzed interpretively. Next, another project—i.e., design of the southern Kan area—is used as a case study implemented on the ground.

Results and discussion: The generalization of the incremental process can be explained theoretically, but the experimental proof requires more cases and several, repeated experimental applications of the process. Practical application of the process can calibrate the framework to a more realistic one. The result of the theoretical explanation is that the general format of the process can change over time to turn to a complete model, other models, or derivations of the present model. In fact, a model is generated after the literature review calibration of which through experimental research leads to a design process.

Conclusion: The incremental process, as proposed in this paper, needs to be tested over time. The relationship between practice and implementation can be recognized through direct experimentation with the incremental process. However, the relationship between implementation and theory (following that between theory and practice) can be recognized through research methods such as design studies. This can demonstrate how theoretical knowledge can be converted to the practical material of projects.

Keywords: Urban Design, Urban Design Process, Gradual Approach to Urban Design, Action Research.

Acknowledgment: The article has been derived from the Ph.D. thesis entitled Revisiting the Urban Design Process with a Focus on Implementation of Projects, which has been defended by the third author under the first author's supervision and the second author's advisory at the University of Tehran.

We should thank Naghshe Jahan-Pars Consulting Co. And Gozineh Consulting Co. for providing us with the materials for the two case study projects of Abbas Abad Region Master Plan and Southern Kan Area Design, respectively.

From Process review to product realization: towards a gradual approach to the urban design process

Farshad Nourian¹ - School of Urban Planning and Design, University of Tehran, Tehran, Iran.

Behnaz Aminzadeh - School of Urban Planning and Design, University of Tehran, Tehran, Iran.

Mazyar Abaee - School of Urban Planning and Design, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 01 January 2018 Accepted: 13 January 2020

Highlights

- The urban design process has a vital role in the implemented result of urban design projects.
- Bridging the theory-practice in urban design needs a combination of the implementation phase in the design process.
- The gradual approach to the urban design process deals with a step-by-step process combined with real-world implementation and feedbacks.

Extended abstract

Introduction: Although more than half a century has passed since the academic birth of urban design, it still suffers from ambiguities in theory and practice. Questions emerge such as the following. Can urban design be a definite discipline? Is urban design independent of urban planning, architecture, and landscape architecture? What is the role of urban design in the real world, and what is the final product? What is the appropriate process and the main toolboxes? Answers to these questions must be part of the common discourse of the field, definite answers to clarify all the ambiguities.

Theoretical Frameworks: Despite these ambiguities, urban design continues to be considered as an intellectual tradition. It plays a significant role in everyday human life, and remains a subject matter in many studies. In recent years, many urban projects have sought to create noble environments for people while providing economic benefits for the private sector and local governments. Some research has attempted to evaluate such projects. The results point to the fact that many such projects have failed to accomplish their stated goals. Theoretically, this appears to be the result of a theory-practice dichotomy.

However, there has been a gap in comprehensive research since the 1990s on the urban design process. Although several different parameters affect the implementation of designed projects, the urban design process may play a significant role in the end product. Hence, the question is what could be the relationship between the urban design process and on-the-ground project realization? A complementary question is whether we can manipulate the urban design process to achieve the stated design goals and realize the projects as intended. To answer these questions, we first present a literature review on the urban design process and then discuss the results of our examination of some implemented projects to find clues about how to handle the urban design process and solve the theory-practice dichotomy of urban design itself.

Urban design ambiguities can influence the urban design process as its central procedural dimension, which has implemented projects as its results. Although different parameters cooperate to make it troublesome to utilize a project, all designs are affected by the urban design process. Thus, the question concerns the relationship between the urban design process and project realization. It is also unknown whether we can manipulate the urban design process to ensure the realization of projects. In addition, based on the theory-practice dichotomy, we need to know whether the evaluation of urban design projects and their realization can give us a clue as to how to handle the urban design process. Therefore, we attempt to resolve theoretical ambiguity in urban design by examining some real-world projects. Here, we assume that the urban design process can also transfer theoretical ambiguities to real-world practice as a medium that canalizes theoretical knowledge to practice.

1 Responsible author: fnoorian@ut.ac.ir

Motaleate Shahri

Content

- **From Process review to product realization: towards a gradual approach to the urban design process**
Farshad Nourian, Behnaz Aminzadeh, Mazyar Abaee
- **The impact of spatial pattern and local urban space vegetation on the thermal comfort in cold climate**
Pegah Yadegari, Hassan Sajadzadeh
- **Creating an urban brand to develop creative tourism using City Brand Management (CBM) model**
Case Study: Junqan city | Zohreh Asadi, Hamid Mohammadi
- **Evaluating the role of architectural quality in improving the quality of life in residential complexes from the perspective of residents' health**
Ali Akbar Heidari , Malihe Taghipour
- **The Impact of Urban microclimates on the Environmental Comfort in Public open spaces**
Case Study: Shohada sq. in Mashhad | Siamak Shakibaei, Sanaz saeidi mofrad
- **Investigating the Pivotal Role of Spatiotemporal Flow of Evening and Night-time Activities in the Perception of Safety**
Case study: City Centre of Rasht | Akbar Asghari Zamani, Shahrivar Roostaei, Nader Zali, Seyedeh-Samira Shafiee-Masuleh
- **Identifying the effective factors on the realization of the diversity-oriented urban planning model in Rasht using the method of systematic grounded theory**
Fazilat Tahari, Mahin Nastaran, Parviz Ejlali
- **Comparative Analysis of Demographic Characteristics in Formal and Informal Settlements of Sanandaj**
Saeed Khani, Kayoumars Irandoost, Alireza Kammali
- **Spatial assessment of spontaneous settlements in connection with the living structure of residents**
Case study: Northern Zone Settlements in Tabriz | Maryam Soleimani, Minou Gharehbaglou

Motaleate Shahri

Journal of Urban Studies - University of Kurdistan

Director: Hooshmand Alizadeh, Associate Professor, University of Kurdistan

Editor-in-Chief: Mozafar Sarrafi, Professor, University of Shahid Beheshti

Secretary : Kayoumars Irandoost, Associate Professor, University of Kurdistan

Administrative Manager: Kayoumars Habibi, Associate Professor, University of Kurdistan

Coordinator: Mohammad Bashir Robati

Editorial Board:

Azizi, Haji Hussein, Professor, University of Kurdistan

Behzadfar, Mostafa, Professor, University of Science and Industry

Habibi, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Hejazi, Mehrdad, Associate Professor, University of Esfahan

Irandoost, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Lotfi, Sedigheh, Professor, University of Mazandaran

Nourian, Farshad, Associate Prof. University of Tehran, Iran

Pakzad, Jahanshah, Professor, University of Shahid Beheshti

Partovi, Parvin, Professor, University of Tehran

Sadr Mousavi, Mirsatar, Professor, University of Tabriz

Sajadzadeh, Hassan, Urban Planning, Associated Professor, Buali Sina University

Shahabi, Himan, Associate professor, Geomorphology Department, Natural Resources Faculty, University of Kurdistan

Shieh, Esmaeil, Professor, University of Science and Industry

Soltani, Ali, Professor, University of Shiraz

Zebardast, Esfandyar, Professor, University of Tehran

International Editorial Board:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

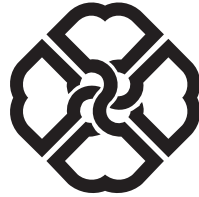
Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

Cover Design: kuresh Anbari

Layout: Javad Dadejani, Lecturer, University of Kurdistan

Persian Editor: Farahnaz Nobakht

English Editor: Navid Baradaran Hemmati



University of Kurdistan

Motaleate Shahri

No.40, Autumn 2021